



فقه الجهاد

دکتر سیدامیر سخاوتیان

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم

به کوشش

مرکز بین المللی توسعه علم، فرهنگ و عقلانیت

سرشناسه	: سخاوتیان، سیدامیر، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: فقه‌الجهاد/سیدامیر سخاوتیان؛ به‌کوشش مرکز بین‌المللی توسعه علم، فرهنگ و عقلانیت.
مشخصات نشر	: قم: قسیم، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۱۷-۳۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: جهاد (فقه) Jihad (Islamic law)* جهاد در قرآن Jihad in the Qur'an جنگ -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام War -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	: مرکز بین‌المللی توسعه علم، فرهنگ و عقلانیت
رده بندی کنگره	: ۱/BP۱۹۶
رده بندی دیویی	: ۳۷۷/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۳۲۱۸۶۲

عنوان کتاب: فقه الجهاد

نویسنده: دکتر سید امیر سخاوتیان (استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی قم)

ناشر: قسیم / مرکز بین‌المللی توسعه علم، فرهنگ و عقلانیت

نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۴۰۴

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۱۷-۳۷-۲

فهرست مطالب

بخش اول: سیری در جهاد.....	۱۵
فصل اول: تعریف، اقسام و پیشینه جهاد در قرآن و.....	۱۹
درآمد.....	۲۰
اهداف کتاب «فقه جهاد».....	۲۸
۱. تبیین مبانی فقهی جهاد و ضرورت آن در عصر معاصر	۲۹
۲. بازخوانی انتقادی سنت فقهی در باب جهاد.....	۲۹
۳. تبیین فقه جهاد در حوزه‌های نوظهور: فرهنگی، رسانه‌ای و سایبری	۳۰
.....	۳۰
۴. تحلیل تطبیقی جهاد در فقه امامیه و مذاهب اهل سنت	۳۰
۵. تبیین نقش اذن ولی فقیه در جهاد در عصر غیبت	۳۱
۶. واکاوی نسبت جهاد و عدالت در آموزه‌های دینی	۳۱
۷. بازتعریف مفهوم جهاد در گفتمان تمدن‌ساز اسلامی	۳۲
۸. ارتقای قدرت استنباطی طلاب و پژوهشگران حوزه	۳۲
۹. ارائه الگویی برای نگارش فقه موضوعی نوین.....	۳۳

۱۰. مقابله علمی با قرائت‌های افراطی یا تفریطی ۳۳
- نوآوری‌های پژوهش ۳۳
۱. نوآوری در مباحث نظری و مفهومی ۳۴
۲. نوآوری در رویکرد تطبیقی و مقارن ۳۵
۳. نوآوری در پاسخ به مسائل جدید جهاد ۳۷
- روش تحقیق ۳۹
۱. روش‌شناسی کلان تحقیق ۳۹
۲. منابع تحقیق ۴۰
۳. ابزارها تحلیلی ۴۱
۴. فرآیند تنظیم ساختار تحقیق ۴۳
- دامنه پژوهش کتاب «فقه جهاد» ۴۳
۱. دامنه زمانی: از صدر اسلام تا عصر حاضر ۴۳
۲. دامنه مذهبی: فقه امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت ۴۴
۳. دامنه موضوعی: از فقه نظامی تا جهاد نرم ۴۵
۴. دامنه جغرافیایی: فراتر از مرزهای ملی ۴۶
- مفهوم کاوی جهاد ۴۷
۱. جهاد در لغت ۴۸

- ۲..جهاد در اصطلاح ۵۱
- ۳..معنای مختار جهاد ۵۵
- فصل دوم: تطوّرات تاریخی فقه جهاد از صدر اسلام ۵۸
- درآمد ۵۹
- جهاد در صدر اسلام ۶۰
- ۱..جنگ‌های پیامبر اسلام: نقش دعوت و دفاع ۶۱
- ۲..فتاوی اولیه در مورد جهاد ۶۲
- ۳..اجتهاد صحابه در جنگ‌های پس از رحلت پیامبر ... ۶۳
- جهاد در قرون میانه ۶۴
- جهاد در عصر صفویه و عثمانی و استعمار ۶۶
- ۱..دوره صفویه: مقاومت در برابر تهدیدات خارجی..... ۶۷
- ۲..دوره عثمانی: جهاد ابزاری برای گسترش سلطنت. ۶۸
- ۳..دوره استعمار: فتاوی مبارزه با استعمار و ادبیات مقاومت ۶۹
- جهاد در عصر جدید..... ۷۱
- ۱..انقلاب اسلامی ایران ۷۲
- ۲..مبارزات فلسطین و لبنان ۷۳
- ۳..دفاع مقدس ایران ۷۴

- ۴.. شکل‌گیری «فقه جهاد» در شعارها و متون انقلاب ۷۵
- بخش دوم: ابعاد فقهی جهاد در اسلام ۷۷
- فصل اول: مبانی فقهی جهاد نظامی در فقه امامیه و اهل سنت ۷۸
- درآمد ۷۹
- ادله شرعی دال بر جهاد ۸۱
- ۱.. بررسی آیات دال بر جهاد ۸۲
- ۴.. روایات دال بر جهاد ۱۰۷
- ۵.. حفظ بیضه الاسلام؛ دلیل عقلی دال بر جهاد ... ۱۳۲
- ۶.. اجماع..... ۱۴۰
- فصل دوم: مسائل مبتلا به در جهاد ۱۴۲
- درآمد ۱۴۳
- مسئله اول: مشروعیت جهاد ابتدایی ۱۴۴
- مسئله دوم: جهاد دفاعی ۱۴۷
- مسئله سوم: شرایط جهاد ۱۵۱
- مسئله چهارم: جهاد پیش‌دستانه ۱۵۵
۱. ادله جواز جهاد پیش‌دستانه ۱۵۶
۱. ادله عدم جواز جهاد پیش‌دستانه ۱۵۹

- نظر مختار در جهاد پیش دستانه و پیشگیرانه ۱۶۴
- مسئله پنجم: جهاد در فرض وجود حکومت اسلامی .. ۱۶۶
- مسئله ششم: وجوب کفایی بودن ۱۶۶
- مسئله هفتم: طرف مقابل جهاد ابتدایی ۱۶۸
- مسئله هشتم: حرمت جهاد در ماههای حرام ۱۷۱
- مسئله نهم: جهاد در منطقه حرم ۱۷۵
- مسئله دهم: فرار از جنگ حرام ۱۷۸
- مسئله یازدهم: استحباب صبر تا رسیدن به حد نصاب ۱۸۱
- مسئله دوازدهم: استحباب دعوت به اسلام قبل از جهاد ۱۸۲
- مسئله سیزدهم: استحباب آغاز جهاد بعد از نماز ظهرین ۱۸۴
- مسئله چهاردهم: کراهت مبارز طلبیدن بدون اذن امام ۱۸۶
- مسئله پانزدهم: جواز جنگ با دشمن با هر نوع سلاح . ۱۸۸
- مسئله شانزدهم: حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی ۱۹۱
- مسئله هفدهم: حرمت کشتن زنان و کودکان در جنگ ۱۹۲
- مسئله هجدهم: حرمت مثله کردن ۱۹۴
- مسئله نوزدهم: عملیات فریب در جنگ ۱۹۵
- مسئله بیستم: جواز یاری گرفتن از کفار در جنگ ۱۹۷

- مسئله بیست و یکم: حرمت یاری رساندن به دشمنان ۱۹۸
- مسئله بیست و دوم: جواز تحریف، تحیز، استتار و ۱۹۹
- مسئله بیستم و سوم: جواز دفاع استشهادی ۲۰۲
- بیست و چهارم: جواز تعیین جعاله در جنگ ۲۰۳
- مسئله بیست و پنجم: وجوب اطاعت از فرماندهی ۲۰۵
- مسئله بیست و ششم: جواز تحکیم در جنگ ۲۰۶
- مسئله بیست و هفتم: غنیمت ۲۰۸
- مسئله بیست و هشتم: مالکیت دشمن بر اموال خود ۲۰۹
- مسئله بیست و نهم: انفال ۲۱۰
- مسئله سی ام: زمینهای مفتوح العنوة ۲۱۰
- مسئله سی و یکم: ملحقات مفتوح العنوة ۲۱۱
- مسئله سی و دوم: تقسیم غنائم ۲۱۲
- مسئله سی و سوم: اسارت ۲۱۴
- مسئله سی و چهارم: وجوب رعایت اخلاق اسلامی با اسیر ۲۱۶
- مسئله سی و پنجم: احکام شهید ۲۱۶
- مسئله سی و ششم: پایان جهاد ۲۱۸
- سی و هفتم: جهاد دفاعی شخصی ۲۲۰

- سی و هشتم: جهاد دفاعی شخصی از جان ۲۲۱
- سی و نهم: جهاد دفاعی شخصی از مال و ناموس ۲۲۲
- مسئله چلهم: شرایط و احکام جهاد دفاعی شخصی ... ۲۲۳
- مسئله چهل و یکم: برخورد با متجاوز در جهاد دفاعی... ۲۲۴
- مسئله چهل و دوم: وجوب آموزش فنون نظامی ۲۲۴
- مسئله چهل و سوم: خدمت سربازی..... ۲۲۵
- مسئله چهل و چهارم: اذن ولی در جهاد..... ۲۲۵
- بخش سوم: شرطیت اذن امام در جهاد ابتدایی..... ۲۲۶
- فصل اول: شرط اذن امام و ولی فقیه در جهاد ابتدایی در فقه شیعه ۲۲۷
- درآمد ۲۲۸
- جهاد ابتدایی در فقه امامیه ۲۳۲
- اقوال فقهاء در باب جهاد ابتدائی ۲۳۸
- دیدگاه نخست: عدم جواز مطلق..... ۲۳۹
۱. برخی از اقوال علماء ۲۳۹
۲. دلیل عدم جواز: ۲۴۳
- دیدگاه دوم: جواز مشروط به مصالح و نیابت فقیه ۲۴۶
۱. برخی از اقوال علماء ۲۴۷

۲۴۸.....	۲. دلایل جواز دسته دوم
۲۴۹	دیدگاه سوم: وجوب عام بدون اذن خاص امام
۲۵۰	تحلیل تطبیقی و جمع‌بندی سه دیدگاه
۲۵۱	نظر مختار در باب جهاد ابتدائی در عصر غیبت
۲۵۲	۱. تفویض مسئولیت جهاد به فقه‌های شیعه.....
۲۵۲	۲. حاکم اسلامی به عنوان جانشین امام معصوم.....
۲۵۵	فصل دوم: دیدگاه‌های علمای اهل سنت درباره جهاد ابتدایی و دفاعی
۲۵۶	درآمد
۲۵۹	ادله و مستندات مشروعیت جهاد ابتدایی
۲۵۹	ادله قرآنی مشروعیت جهاد ابتدایی
۲۵۹	۱. آیات قتال.....
۲۶۰	۲. آیه سیف.....
۲۶۱	۳. نسبت آیات جنگ با آیات صلح
۲۶۲	ادله حدیثی و سیره نبوی
۲۶۲	۱. نمونه‌های تاریخی از غزوات
۲۶۳	۲. روایات دعوت قبل از جنگ
۲۶۳	اجماع و تحلیل عقلانی مشروعیت جهاد ابتدایی

۱. اجماع فقهای اهل سنت ۲۶۴
- دلیل عقلی بر مشروعیت ۲۶۴
۱. رفع موانع رسالت ۲۶۴
۲. تأمین امنیت دارالاسلام ۲۶۵
۳. مصلحت عمومی ۲۶۵
- مشروعیت جهاد ابتدایی از منظر علماء اهل سنت ۲۶۶
- دیدگاه فقهای حنفی ۲۶۶
۱. سرخسی ۲۶۷
۲. جصاص ۲۶۸
- دیدگاه فقهای مالکی ۲۶۸
- دیدگاه فقهای شافعی ۲۶۹
۱. شافعی و فتوای دعوت قبل از جنگ ۲۶۹
۲. نقش امام در مشروعیت جهاد ۲۶۹
- دیدگاه فقهای حنبلی ۲۷۰
۱. احمد بن حنبل ۲۷۰
۲. ابن قدامه ۲۷۱
- مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های مذاهب اهل سنت ۲۷۱

۱. نقاط اشتراك..... ۲۷۱
۲. نقاط افتراق..... ۲۷۴
- بخش چهارم: فقه جهاد در دنیای معاصر..... ۲۷۹
- فصل اول: جهاد فرهنگی، علمی، اقتصادی، رسانه‌ای و ... ۲۸۰
- درآمد ۲۸۱
- جهاد فرهنگی ۲۸۴
- جهاد فرهنگی و تغییر نگرش‌ها ۲۸۵
- جهاد فرهنگی در دنیای معاصر ۲۸۶
- ابعاد جهاد فرهنگی ۲۸۷
- جهاد علمی ۲۹۰
- مفهوم جهاد علمی در اسلام..... ۲۹۱
- جهاد علمی در دوران معاصر..... ۲۹۲
- جهاد علمی و استقلال علمی ۲۹۳
- جهاد علمی و مقابله با استثمار علمی ۲۹۴
- جهاد علمی و تأثیرات آن بر جامعه اسلامی ۲۹۵
- جهاد اقتصادی..... ۲۹۶
- مفهوم جهاد اقتصادی در اسلام ۲۹۷

- جهاد اقتصادی و استقلال اقتصادی ۲۹۸
- جهاد اقتصادی در دوران انقلاب اسلامی ۲۹۹
- جهاد اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها ۳۰۰
- جهاد اقتصادی و توسعه پایدار ۳۰۱
- جهاد رسانه‌ای ۳۰۲
- جهاد رسانه‌ای و جنگ نرم ۳۰۳
- جهاد رسانه‌ای در مقابله با روایت‌های نادرست ۳۰۴
- جهاد رسانه‌ای در فضای مجازی ۳۰۵
- جهاد رسانه‌ای در رسانه‌های سنتی ۳۰۶
- نقش جهاد رسانه‌ای در آموزش و ارتقای آگاهی ... ۳۰۷
- جهاد سایبری ۳۰۸
- چیستی جهاد سایبری ۳۰۸
- جنگ‌های سایبری و تهدیدات فضای مجازی ۳۰۹
- ضرورت جهاد سایبری برای جوامع اسلامی ۳۱۱
- تولید محتوای اسلامی در فضای مجازی ۳۱۱
- مقابله با تحریفات اطلاعاتی و حملات روانی ۳۱۲
- فصل دوم: چالش‌های فقهی و حقوقی معاصر در تعریف جهاد ۳۱۴

درآمد	۳۱۶
تعریف تروریسم و جهاد	۳۱۷
تعریف تروریسم در ادبیات معاصر	۳۱۷
تمایز فقهی میان جهاد مشروع و تروریسم	۳۱۸
مفاهیم فقهی مرتبط: بغی، محاربه و افساد	۳۱۹
۱. بغی	۳۲۰
۲. محاربه	۳۲۰
۳. افساد فی الارض	۳۲۱
تطبیق فقه اسلامی با حقوق بین الملل	۳۲۱
جهاد و نسل جدید جنگ‌ها	۳۲۳
۱. جنگ ترکیبی	۳۲۳
۲. جنگ نیابتی	۳۲۴
۳. مبارزات مردمی	۳۲۵
منابع:	۳۲۸

مقدمه مؤلف

مفهوم جهاد از صدر اسلام تاکنون، همچنان محوریت خود را حفظ کرده ولی شیوه‌ها و شرایط آن تغییراتی یافته است. در دوره پیامبر اکرم (ص) و خلفای نخست، فتوحات نظامی گسترده‌ای صورت گرفت تا قلمرو اسلام گسترش یابد و امنیت مسلمانان تأمین شود؛ با این حال، بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام ماهیتی دفاعی داشت. به عبارت دیگر، غالب جنگ‌ها زمانی رخ داد که مشرکان و دشمنان حمله یا تهدید کرده بودند و پیامبر اکرم و مسلمانان اقدام به دفاع کردند. پس از رحلت پیامبر، سه خلیفه نخستین نیز فتوحات متعددی در شام، عراق، مصر و فارس انجام دادند. در سده‌های بعد، با تثبیت حکومت اموی و عباسی، جنگ‌های سلفی به نسبت کاهش یافت و مفهوم جهاد بیشتر در قالب حفظ حدود اسلامی و انتشار دعوت دینی معنی شد. در دوره امامان معصوم شیعه، چون آن حضرات خود حکومت زمامدار نداشتند، اغلب جنگ‌ها به فتوحات حاکمان سنی منتسب شده است. پس از غیبت امام زمان (عج)، فقهای شیعه به این نتیجه رسیدند که «جهاد ابتدایی» بدون اذن امام معصوم مجاز نیست؛ تا جایی که فقهای قبل از انقلاب اسلامی مشهوراً بر این نظر بودند که جهاد آغازگر بدون اجازه صریح امام (عج) جایز نیست با ظهور انقلاب اسلامی و بویژه در دوران دفاع مقدس، فرهنگ جهاد و ایثار بار دیگر شکوفا شد. تحول قابل توجه آن بود که مباحثی چون جهاد سیاسی، رسانه‌ای و مقابله با استکبار در ادبیات فقهی شیعه احیا گردید. امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی، تبیین فقه حکومتی و نیاز به بازخوانی باب جهاد در شرایط

جدید را مورد تأکید قرار دادند؛ از همین رو است که پس از انقلاب تحولی در این عرصه به وجود آمد و باعث احیای فقه حکومتی و خیلی از مباحث فقهی گردید که قبلاً مهجور واقع شده بودند. در عصر حاضر نیز با پیدایش پدیده‌های نوین، همچون جنگ‌های نامتقارن، نبرد در فضای سایبری و تهدیدات فراملی، فهم فقهی جهاد نیازمند بررسی‌های تاریخی و بازخوانی مستمر است.

فقه جهاد در هر دو مذهب شیعه و سنی موضوعات مشترک فراوانی دارد ولی تفاوت‌های نظری و عملی نیز پدید آمده است. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو مذهب در شریعت اسلامی به حکم جهاد اهمیت داده‌اند، اما «جهاد ابتدایی میان اهل سنت دارای طرفداران بیشتری در زمان حضور پیامبر (ص) بود و میان شیعیان نیز گرچه غیرمشهور است، ولی دارای پشتوانه فکری حتی در زمان ولایت مطلقه فقیه است. از منظر اهل سنت، جهاد یک عبادت بزرگ است و در فقه‌شان معمولاً جهاد ابتدایی و دفاعی را از نظر حکم فرقی نمی‌دهند؛ به گونه‌ای که جهاد در هر دو حالت و با شرایط لازم فریضه تلقی می‌شود. در فقه امامیه نیز جهاد امر مهمی است، اما به «مشروعیت و اعتبار» آن نسبت به زمان فعالیت امام معصوم وابستگی بیشتری قائل بوده‌اند. یکی از بارزترین تفاوت‌ها در مسئله «ولایت در اعلام جهاد ابتدایی» است. بر اساس آراء مشهور در فقه شیعه، بدون حضور امام معصوم یا ولی فقیه معصوم، انجام جهاد ابتدایی مشروع و واجب نیست. در مقابل، در نظام فکری سنتی اهل سنت، مشروعیت جهاد غالباً به قلمرو دولت

اسلامی یا خلیفه وابسته است. از سوی دیگر، برخی تمایزات جزئی دیگر نیز وجود دارد؛ برای مثال، نحو اخذ جزیه از اهل کتاب در فقه امامیه و سنی متفاوت بیان شده است. به طور کلی می‌توان گفت که مبانی مشترکی چون اهمیت جهاد به عنوان فریضه و تقسیم آن به دو دسته دفاعی و ابتدایی میان علمای هر دو مذهب پذیرفته شده، ولی تطبیق قواعد جهاد در شرایط معاصر و نحوه «تصمیم‌گیری» بر عهده گرفتن جهاد، به‌ویژه در مذهب امامیه مبتنی بر نظریه ولایت امام و فقیه است که در مذاهب اهل سنت به شکل دیگری مطرح می‌شود.

بخش اول: سیری در جهاد

فصل اول:

تعریف، اقسام و پیشینه جهاد در

قرآن، سنت و عقل

درآمد

فقه جهاد یکی از مباحث مهم فقه اسلامی است که در زمره مباحث فقه سیاسی و نظامی قرار می‌گیرد و همواره به‌عنوان وظیفه‌ای الهی و اجتماعی برای مسلمانان مطرح بوده است. این باب فقهی هم در میان فقهای امامیه و اهل سنت جایگاه ویژه‌ای دارد. اما بررسی مبانی و قواعد سنتی جهاد و تطبیق آن با واقعیت‌های دوران مدرن ضرورت یافته است. برخی از اساتید و عالمان دینی تأکید می‌کنند که قواعد سنتی و تقسیم‌بندی‌های کلاسیک فقهی درباره جنگ و جهاد دیگر با واقعیات جنگ‌های معاصر منطبق نیست و نیازمند بازنگری کارشناسانه است. در نتیجه، موضوع‌شناسی همراه با اجتهاد در مسئله جهاد باید به‌روز شود تا فقه اسلامی بتواند پاسخ‌های کارآمدی به چالش‌های امروز ارائه دهد.

مفهوم جهاد از صدر اسلام تاکنون، همچنان محوریت خود را حفظ کرده ولی شیوه‌ها و شرایط آن تغییراتی یافته است. در دوره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و-آله‌علیه‌السلام) و خلفای نخست، فتوحات نظامی گسترده‌ای صورت گرفت تا قلمرو اسلام گسترش یابد و امنیت مسلمانان تأمین شود؛ با این حال، بسیاری از جنگ‌های صدر اسلام ماهیتی دفاعی داشت. به‌عبارت دیگر، غالب جنگ‌ها زمانی رخ داد که مشرکان و دشمنان حمله یا تهدید کرده بودند و پیامبر اکرم و مسلمانان اقدام به دفاع کردند. پس از رحلت پیامبر، سه خلیفه نخستین نیز فتوحات متعددی در شام، عراق، مصر و فارس انجام دادند. در

سده‌های بعد، با تثبیت حکومت اموی و عباسی، جنگ‌های سلفی به نسبت کاهش یافت و مفهوم جهاد بیشتر در قالب حفظ حدود اسلامی و انتشار دعوت دینی معنی شد. در دوره امامان معصوم شیعه، چون آن حضرات خود حکومت زمامدار نداشتند، اغلب جنگ‌ها به فتوحات حاکمان سنی منتسب شده است. پس از غیبت امام زمان (عج)، فقهای شیعه به این نتیجه رسیدند که «جهاد ابتدایی» بدون اذن امام معصوم مجاز نیست؛ تا جایی که فقهای قبل از انقلاب اسلامی مشهوراً بر این نظر بودند که جهاد آغازگر بدون اجازه صریح امام (عج) جایز نیست با ظهور انقلاب اسلامی و بویژه در دوران دفاع مقدس، فرهنگ جهاد و ایثار بار دیگر شکوفا شد. تحول قابل توجه آن بود که مباحثی چون جهاد سیاسی، رسانه‌ای و مقابله با استکبار در ادبیات فقهی شیعه احیا گردید. امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی، تبیین فقه حکومتی و نیاز به بازخوانی باب جهاد در شرایط جدید را مورد تأکید قرار دادند؛ از همین رو است که پس از انقلاب تحولی در این عرصه به وجود آمد و باعث احیای فقه حکومتی و خیلی از مباحث فقهی گردید که قبلاً مهجور واقع شده بودند. در عصر حاضر نیز با پیدایش پدیده‌های نوین، همچون جنگ‌های نامتقارن، نبرد در فضای سایبری و تهدیدات فراملی، فهم فقهی جهاد نیازمند بررسی‌های تاریخی و بازخوانی مستمر است.

فقه جهاد در هر دو مذهب شیعه و سنی موضوعات مشترک فراوانی دارد ولی تفاوت‌های نظری و عملی نیز پدید آمده است. مطالعات تطبیقی نشان می‌دهد که هر دو مذهب در شریعت اسلامی به حکم جهاد اهمیت داده‌اند،

اما «جهاد ابتدایی میان اهل سنت دارای طرفداران بیشتری در زمان حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله علیه السلام) بود و میان شیعیان نیز گرچه غیرمشهور است، ولی دارای پشتوانه فکری حتی در زمان ولایت مطلقه فقیه است. از منظر اهل سنت، جهاد یک عبادت بزرگ است و در فقه‌شان معمولاً جهاد ابتدایی و دفاعی را از نظر حکم فرقی نمی‌دهند؛ به گونه‌ای که جهاد در هر دو حالت و با شرایط لازم فریضه تلقی می‌شود. در فقه امامیه نیز جهاد امر مهمی است، اما به «مشروعیت و اعتبار» آن نسبت به زمان فعالیت امام معصوم وابستگی بیشتری قائل بوده‌اند. یکی از بارزترین تفاوت‌ها در مسئله «ولایت در اعلام جهاد ابتدایی» است. بر اساس آراء مشهور در فقه شیعه، بدون حضور امام معصوم یا ولی فقیه معصوم، انجام جهاد ابتدایی مشروع و واجب نیست. در مقابل، در نظام فکری سنتی اهل سنت، مشروعیت جهاد غالباً به قلمرو دولت اسلامی یا خلیفه وابسته است. از سوی دیگر، برخی تمایزات جزئی دیگر نیز وجود دارد؛ برای مثال، نحو اخذ جزیه از اهل کتاب در فقه امامیه و سنی متفاوت بیان شده است. به طور کلی می‌توان گفت که مبانی مشترکی چون اهمیت جهاد به عنوان فریضه و تقسیم آن به دو دسته دفاعی و ابتدایی میان علمای هر دو مذهب پذیرفته شده، ولی تطبیق قواعد جهاد در شرایط معاصر و نحوه «تصمیم‌گیری» بر عهده گرفتن جهاد، به‌ویژه در مذهب امامیه مبتنی بر نظریه ولایت امام و فقیه است که در مذاهب اهل سنت به شکل دیگری مطرح می‌شود.

فقه جهاد انواع مختلفی را در نظر گرفته است که برخی کلاسیک و برخی معاصرند. از تقسیم‌بندی‌های اصلی آن که امروزه نیز تا حدودی رایج شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

جهاد ابتدایی (ابتدائی): آغاز جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان با هدف گسترش دین اسلام و دعوت آنان. در اصطلاح فقهی، جهاد ابتدایی به کارزار با دشمنان امت اسلام برای اعتلای کلمه خدا گفته می‌شود؛

جهاد دفاعی: واکنش به تجاوز یا تهدید دشمن و مبارزه با مهاجمین در برابر قربانی شدن حق مسلمانان. در واقع دفاع شخصی و جمعی از مصادیق جهاد دفاعی است. اهل سنت به‌طور عمده میان جهاد ابتدایی و دفاعی فرقی نمی‌گذارند؛ ولی در فقه امامیه بر وجوب دفاع از مسلمانان در برابر تجاوز تأکید ویژه شده است.

در تقسیم‌بندی دیگر که بیشتر ناظر به محتوا و ابعاد درونی جهاد است، تقسیم می‌شود به:

جهاد اکبر: معنای «بزرگ‌ترین جهاد» در روایات، مبارزه با نفس اماره (هوی و هوس) است. بنا بر روایت مشهور، هنگامی که گروهی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) بازگشتند و گفتند جهاد نظامی را بجا آوردند، حضرت فرمودند: «جهاد اکبر هنوز باقی است» و در پاسخ پرسش آنان فرمود: «جهاد با نفس». جهاد اکبر به این معناست که بزرگ‌ترین پیکار، کنترل نفس و هواهای نفسانی و حفظ تقواست. روایت مشهور پیامبر اکرم در مورد جهاد

اکبر که در منابع شیعه آمده است روایتی است که امام صادق علیه السلام آن را روایت نموده اند: «علی بن ابراهیم عن ابيه عن التوفلی عن السکونی عن ابي عبد الله عليه السلام: أن النبی صلی الله علیه و اله بعث بسریة فلما رجعوا قال: مرحبا بکوم قضاوا الجهاد الأصغر و بقى الجهاد الأكبر. قيل: یا رسول الله! و ما الجهاد الأكبر؟ قال: جهاد النفس.» یعنی سکونی از حضرت ابی عبد الله الصادق، علیه السلام، نقل می کند که فرمود: همانا پیغمبر، صلی الله علیه و اله لشکری را به جنگ فرستاد. پس هنگامی که بر گشتند فرمود: «آفرین باد به گروهی که به جای آوردند جهاد کوچک را، و به جای ماند بر آنها جهاد بزرگ.» گفته شد ای پیغمبر خدا چیست جهاد بزرگ؟ فرمود: «جهاد نفس».

جهاد کبیر (فرهنگی، علمی، رسانه ای و غیره): این مفهوم بیشتر در ادبیات معاصر مورد توجه قرار گرفته است و به تلاش های فرهنگی، رسانه ای، علمی، اقتصادی و سایبری در راستای حفظ هویت اسلامی و مبارزه با هجمه های نرم دشمن اشاره دارد. به تعبیر رهبر انقلاب، مجاهدت در راه خدا شامل همه عرصه های جنگ فکری، اقتصادی و اجتماعی نیز می شود؛ جهاد «مجموعه ای از انواع مبارزه هاست؛ جنگ نظامی، جنگ فکری، جنگ روحی، جنگ اجتماعی، مجموع این ها اسمش مجاهدت است». همچنین برخی فقها

^۱ الشیخ الکلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۱۲ «کتاب جهاد» «باب وجوه جهاد»، حدیث ۳ و الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۱۶۱

«جهاد کبیر» را مترادف جهاد فرهنگی-علمی دانسته‌اند؛ مثلاً از آیه «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَاداً كَبِيراً» (سوره فرقان، آیه ۵۲) تعبیر به مبارزه علمی و نهادینه‌سازی معارف قرآن در مقابل کژی‌ها شده است.

جهاد اصغر: در فقه اسلامی به معنای کوشش نظامی سازمان‌یافته و مشروع برای مقابله با تجاوز یا دفاع از دین، جان، مال و سرزمین مسلمانان تعریف می‌شود. این گونه جهاد ماهیتی عینی و جمعی دارد و معمولاً مستلزم اراده یا فرمان حاکم مشروع است؛ نه اقدام فردی خارج از ضوابط. جهاد اصغر تابع قواعد مشخص فقهی و اخلاقی است؛ ضرورت دفاع مشروع و نسبت وسیله به غایت (تناسب)، منع آسیب به غیرنظامیان، عدم تجاوز و رعایت حقوق اسیر و اموال؛ و به‌عنوان آخرین چاره پس از نفی راه‌های مسالمت‌آمیز کاربرد می‌یابد. جهاد اصغر با دشمن برونی است و زمان مشخصی دارد، برخلاف جهاد و مبارزه با دشمن درونی که هرگز محدودیت ندارد. و در کودکی، جوانی، پیری، در گرفتاری، خوشحالی، در هر زمان و شرایطی مطرح است.

این تقسیم‌بندی‌ها نشان می‌دهد که دامنه جهاد از نمودهای سنتی نظامی تا تلاش‌های فکری و فرهنگی امتداد دارد و نیاز است فقه اسلامی در هر یک از این ابواب پاسخگو باشد.

در فقه امامیه، یکی از مسائل محوری در جهاد ابتدایی، موضوع «اذن امام معصوم یا ولی فقیه» است. به‌طور سنتی، فقهای شیعه شرط اساسی مشروعیت جهاد ابتدایی را حضور امام معصوم یا نایب خاص او می‌دانسته‌اند؛

به عبارت دیگر، بدون تحقق این حضور، حتی مشروعیت جهاد ابتدایی محل اشکال است. برخی مراجع تقلید معاصر معتقدند که در عصر غیبت نیز ولی فقیه جامع الشرایط می‌تواند این نقش را ایفا کند. بررسی‌های علمی نشان می‌دهد که «تحقق عنوان جهاد، بدون حضور و اقدام ولی فقیه ممکن نیست. به تعبیر دیگر، این دیدگاه شرط «وجود» بلکه «وجوب» جهاد را به ولی فقیه معطوف می‌دارد، اما آن را شرط مشروعیت یا وجوب مقید نمی‌کند؛ یعنی حتی اگر امام معصوم حاضر نباشد، ولی فقیه مجاز است با اتکاء به ولایت اسلامی اعلان جهاد کند. بنابراین از نظر فقه شیعه، اذن ولی فقیه در جهاد ابتدایی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بدون آن نمی‌توان عنوان جهاد را محقق دانست.

عصر حاضر با ظهور پدیده‌های جدید، متغیرهای متنوعی را به بحث جهاد افزوده است. در عرصه فقه، ظهور جنگ‌های نیابتی، درگیری‌های پراکنده و ابزارهای جدید مانند پهپادها، جنگ الکترونیک و عملیات روانی، باعث شده که قواعد کلاسیک جهاد به بازخوانی نیاز داشته باشند. به‌ویژه معاهدات و قواعد جدید جنگ (مانند کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشر) تکالیف تازه‌ای بر کشورها و مجاهدان متحمل کرده است؛ چنان‌که آیت‌الله کعبی اشاره می‌کند امروز «نیروهای مسلح در چارچوب حقوق بشردوستانه و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی عمل می‌کنند و تعهداتی متفاوت دارند، لذا برخی مفاهیم سنتی دیگر قابل تطبیق مستقیم با شرایط کنونی نیستند. از منظر حقوق بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین مسائل، تعیین مرز میان «مقاومت

مشروع» و «تروریسم» است. فقدان تعریفی واحد از تروریسم در اسناد بین‌المللی باعث شده طیف وسیعی از جنبش‌ها و قیام‌ها در زمره تروریسم جا بگیرند. مطالعات تطبیقی نشان داده است که تمایز میان مقاومت و تروریسم وابسته به «اهداف» و «ابزار» مبارزه است؛ به‌طوری که مرز و فاصله بین آنها بستگی مستقیم به این دو دارد. از این رو، بسیاری از جنبش‌های آزادی‌بخش مسلح ممکن است توسط دولت‌ها به‌عنوان تروریسم معرفی شوند، در حالی که خود را در حق مشروع مقاومت می‌بینند. در فقه اسلامی نیز واژه‌هایی همچون «محاربه» و «بغی» برای توصیف جنگ با نظام اسلامی یا حمله به مردم به کار رفته که گاه در گفتار معاصر به‌عنوان شاخص‌های تکفیر یا تروریسم به کار می‌روند. بنابراین چالش‌های نوظهور چون ابهام تعاریف تروریسم در حقوق بین‌الملل و تبیین مشروعیت مقاومت، نیازمند تحلیل جدید فقها و حقوقدانان است.

جمع‌بندی این مسائل نشان می‌دهد که مسائل معاصر جهاد – چه در عرصه جنگ‌های نوین و چه در نگاه حقوقی-سیاسی – تفاوت‌هایی با متن تاریخی جهاد دارند و لزوم بازبینی آراء فقیهانه به شکل اجتهادی با در نظر گرفتن معارف جدید را ضروری می‌سازد. با توجه به اهمیت رو به افزایش موضوع جهاد در جامعه اسلامی و چالش‌های یادشده، نگارش یک اثر جامع و کارآمد در فقه جهاد امری ضروری است. چنین کتابی باید هم مبانی و احکام سنتی جهاد (اعم از آیات و روایات و فتاوی مشهور فقها) را به‌طور منسجم ارائه کند و هم مباحث نوپدید را پوشش دهد. همان‌طور که رهبر معظم انقلاب

تأکید کرده‌اند، پیشگامی در مباحث فقهی معاصر کار ساده‌ای نیست و برای طرح مسائل مرتبط با حکومت و زمانه به «تحقیق و مطالعه‌ی گسترده، بررسی همه‌ی اقوال پیشینیان و تأمل در موضوعات معاصر» نیاز است. ه. عبارت دیگر، برای آنکه فقه جهاد بتواند پاسخگوی مسائل امروز باشد، لازم است با روش اجتهادی و موضوع‌شناسی دقیقی به نگارش آثاری اقدام شود که به‌روزرسانی اجتهادی داشته باشند. در این چارچوب، پژوهشگران باید تلاش کنند تا نظام حقوقی جهاد اسلامی را طوری بازخوانی کنند که ضمن رعایت مبانی اصیل دین و احکام معتبر در فقه شیعه و اهل سنت، بتواند مقتضیات دوران جدید را نیز تأمین کند؛ همان‌گونه که تصریح شده است «تحول در فهم موضوعات کلیدی از قبیل جهاد و قتال» یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است تا فقه پاسخ‌های کارآمدی به چالش‌های روز پیدا کند. بنابراین تدوین کتابی متقن و عمیق درباره فقه جهاد، با رویکرد اجتهادی و استناد به منابع معتبر فقهی شیعه و اهل سنت، ضرورتی اساسی برای دستیابی به فهم صحیح و کاربردی این فقه در شرایط معاصر است

اهداف کتاب «فقه جهاد»

کتاب حاضر با عنوان «فقه جهاد» با هدف احیای دقیق، جامع و تحلیلی یکی از مهم‌ترین ابواب فقه اسلامی تألیف شده است. این اثر تلاش دارد تا جهاد را در تمام ابعاد آن - اعم از جهاد نظامی، فرهنگی، رسانه‌ای، و سایبری - بر

پایه منابع معتبر فقهی شیعه و اهل سنت، با نگاه تطبیقی و اجتهادی نوین بررسی کند. این اهداف در چند محور اساسی قابل تفکیک‌اند:

۱. تبیین مبانی فقهی جهاد و ضرورت آن در

عصر معاصر

یکی از اهداف بنیادین این اثر، واکاوی مبانی قرآنی، روایی و اصولی جهاد در چارچوب مکتب فقهی امامیه و مقایسه آن با دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه اهل سنت است. نویسنده می‌کوشد تا نشان دهد که جهاد، چه در قالب دفاع مشروع و چه در شکل فرهنگی یا سایبری، به‌عنوان یک راهبرد برای صیانت از دین، عدالت و عزت مسلمانان در عصر حاضر، دارای پشتوانه قوی فقهی و عقلانی است. در همین راستا، بحث مشروعیت جهاد ابتدایی و دفاعی، شروط آن، و جایگاه اذن امام معصوم (علیه‌السلام) یا ولی فقیه از جمله مسائل مهمی است که با نگاه تطبیقی مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲. بازخوانی انتقادی سنت فقهی در باب جهاد

هدف دوم این کتاب، ارزیابی سنت فقهی موجود در باب جهاد و بازشناسی ظرفیت‌ها و چالش‌های آن در پاسخ به نیازهای نوظهور است. نویسنده از رهگذر تحلیل دقیق متون فقهی، تلاش دارد تا نقاط قوت و کاستی‌های ادبیات فقهی پیشین را روشن سازد و در عین حفظ اصالت منابع، نگاهی نقادانه و توسعه‌گرا نسبت به آنها داشته باشد. این هدف در راستای

پاسخگویی به این پرسش است که چگونه می‌توان با حفظ چارچوب فقه سنتی، به مواجهه علمی با مسائل نوین جهاد، همچون جهاد نرم، سایبری یا فرهنگی پرداخت.

۳. تبیین فقه جهاد در حوزه‌های نوظهور:

فرهنگی، رسانه‌ای و سایبری

با توجه به گسترش میادین جدید نزاع تمدنی، یکی از اهداف محوری کتاب، تحلیل ابعاد فقهی جهاد در حوزه‌هایی نظیر رسانه، فضای مجازی و عرصه‌های فرهنگی است. این بخش از کتاب تلاش دارد تا ضمن توسعه مفهومی اصطلاح «جهاد»، زمینه را برای استنباط فقهی در حوزه‌هایی که کمتر مورد توجه فقهای گذشته بوده، فراهم آورد. نویسنده با استفاده از منابع فقهی، اصولی و کلامی، نشان می‌دهد که مفهوم جهاد، منحصر در میدان‌های نظامی نیست، بلکه مبارزه برای حفظ هویت دینی، مقابله با هجمه‌های فرهنگی دشمن، تولید محتوا در رسانه‌ها، و دفاع از ارزش‌های اسلامی در فضای دیجیتال نیز مصداق‌های واضحی از جهاد محسوب می‌شوند.

۴. تحلیل تطبیقی جهاد در فقه امامیه و مذاهب اهل سنت

نویسنده بر آن است تا با تحلیل تطبیقی میان فقه جهاد در مذهب امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت، به تبیین وجوه اشتراک و افتراق دو منظومه فقهی

در این باب بپردازد. این تطبیق فقهی، به‌ویژه در موضوعاتی چون جهاد ابتدایی، حدود اذن حاکم شرع، مواجهه با اهل کتاب، جهاد با بغات، و جهاد در عصر غیبت، می‌تواند به غنای نظری و استنباطی این حوزه کمک کند. هدف از این تطبیق، نه صرف مقایسه تاریخی، بلکه تبیین عمق روش‌شناسی و مبانی معرفتی در هر یک از این مکاتب است.

۵. تبیین نقش اذن ولی فقیه در جهاد در عصر غیبت

یکی از مهم‌ترین مسائل جهاد در فقه شیعه، شرط بودن اذن ولی فقیه در اجرای جهاد ابتدایی یا دفاعی است. هدف کتاب آن است که با تبیین مبانی فقهی، اصولی و تاریخی این موضوع، جایگاه ولایت فقیه در تصدی امر جهاد را از منظر امامیه و اهل سنت به‌صورت تطبیقی بررسی کند. در این تحلیل، نقش حکومت اسلامی و ضرورت هماهنگی با ولی امر در اتخاذ تصمیمات کلان جهادی برجسته شده و پرسش‌های نوین در این حوزه پاسخ داده می‌شود.

۶. واکاوی نسبت جهاد و عدالت در آموزه‌های دینی

از دیگر اهداف کتاب، تحلیل اخلاقی و فلسفی جهاد با تأکید بر نسبت آن با عدالت، کرامت انسانی و ارزش‌های دینی است. نویسنده با تمرکز بر آیات قرآن و سیره نبوی و علوی، نشان می‌دهد که جهاد نه ابزاری برای توسعه‌طلبی یا خشونت، بلکه راهکاری برای مقابله با ظلم، فساد، و فتنه

است. این رویکرد، تفکیک دقیقی میان جهاد مشروع اسلامی با برداشت‌های افراطی و تحریف‌شده ارائه می‌دهد.

۷. بازتعریف مفهوم جهاد در گفتمان تمدن‌ساز اسلامی

هدف دیگر کتاب، بازتعریف مفهوم جهاد در افق تمدن‌سازی اسلامی است. نویسندگان بر آن است تا با ترسیم نسبت جهاد و تمدن اسلامی، نشان دهد که جهاد تنها ابزار دفاع نیست، بلکه مؤلفه‌ای کلیدی در شکل‌گیری تمدن اسلامی و مقاومت در برابر سلطه‌طلبی غربی است. در این راستا، جهاد رسانه‌ای، جهاد تبیینی، جهاد علمی و جهاد فرهنگی به‌عنوان ابعاد جدید و ضروری فقه جهاد معرفی می‌گردند.

۸. ارتقای قدرت استنباطی طلاب و پژوهشگران حوزه

از اهداف آموزشی و تربیتی کتاب، توانمندسازی طلاب و پژوهشگران حوزه در تحلیل مسائل نوپدید جهاد و ارتقاء قدرت استنباط در مواجهه با نصوص و منابع فقهی است. با ارائه دسته‌بندی‌های دقیق، مباحث تطبیقی و تحلیل‌های اصولی، این اثر کوشیده است تا طلاب را با شیوه استنباط فقهی در موضوعات نوین آشنا سازد و امکان ارتقاء به سطوح اجتهادی را برای آنان فراهم آورد.

۹.۱. ارائه الگویی برای نگارش فقه موضوعی نوین

کتاب «فقه جهاد» همچنین درصدد است تا الگویی از نگارش فقه موضوعی ارائه کند که در آن، تعامل بین نصوص دینی، تحلیل‌های اصولی، نگاه تمدنی و شناخت شرایط عصری با یکدیگر پیوند یافته‌اند. این مدل می‌تواند در سایر موضوعات فقهی - مانند فقه رسانه، فقه خانواده، فقه امنیت و... - نیز به کار گرفته شود و مسیر تحول فقه را در مواجهه با نیازهای تمدنی امت اسلامی هموار سازد.

۱۰. مقابله علمی با قرائت‌های افراطی یا

تفریطی از جهاد

از اهداف مهم کتاب، نقد قرائت‌های افراطی و تفریطی از مفهوم جهاد است. از یک سو، با برداشت‌های تکفیری و خشن جریان‌های سلفی مقابله می‌شود، و از سوی دیگر، با قرائت‌های سکولار و انفعالی که جهاد را کنار گذاشته‌اند، برخورد علمی صورت می‌گیرد. این تقابل معرفتی و فقهی، در پرتو نصوص و اجماع فقها، زمینه‌ساز ارائه قرائتی اصیل و معتدل از جهاد خواهد بود.

نوآوری‌های پژوهش

کتاب «فقه جهاد» با رویکردی نوین و جامع، نه تنها به بازخوانی مبانی سنتی جهاد در فقه اسلامی پرداخته بلکه تلاش کرده است با استفاده از روش‌شناسی تطبیقی، ابعاد گوناگون این موضوع را با مقتضیات دوران معاصر،

نیازهای حکمرانی اسلامی، و تحولات حوزه‌های رسانه‌ای و سایبری تحلیل کند. در این نوشتار، مهم‌ترین نوآوری‌های علمی، روشی و موضوعی این کتاب در سه محور اصلی ارائه می‌شود: نوآوری در مباحث نظری و مفهومی، نوآوری در ابعاد تطبیقی و مقارن، و نوآوری در پاسخ به نیازهای جدید عرصه‌های جهاد فرهنگی، رسانه‌ای و سایبری.

۱. نوآوری در مباحث نظری و مفهومی

نوآوری‌های نظری این پژوهش عبارتند از:

۱,۱. بازتعریف فقه جهاد در منظومه کلان فقه حکومتی

یکی از نوآوری‌های برجسته این کتاب، تعریف جهاد نه صرفاً به‌مثابه یک واجب عبادی - نظامی بلکه به‌مثابه یکی از ارکان تحقق حکومت اسلامی و نظام دفاعی آن است. نویسنده در قالب تحلیل‌های عمیق، نشان می‌دهد که فقه جهاد، تنها ناظر به مواجهه نظامی نیست بلکه در دل خود سیاست‌گذاری دینی، مقابله با ظلم، ایجاد اقتدار تمدنی و تحقق عدالت جهانی را جای داده است. از این منظر، جهاد به پدیده‌ای فراتر از جنگ تبدیل می‌شود و مفهومی تمدنی پیدا می‌کند.

۱,۲. پیوند مفهومی میان احکام جهاد و عدالت جهانی

نویسنده در فصول مختلف کتاب، تلاش کرده است تا مفاهیم قرآنی همچون «امر به معروف و نهی از منکر»، «اقامه قسط»، و «اشداء علی الکفار» را

به صورت منسجم در کنار مسئله جهاد تحلیل کند و به این نتیجه برسد که جهاد یکی از ابزارهای تأسیسی عدالت‌گستری الهی در جهان است، نه صرفاً ابزاری برای مقابله با دشمنان بالفعل).

۱,۳. گسترش دایره جهاد به ابعاد غیر فیزیکی

یکی از نوآوری‌های تحسین‌برانگیز کتاب، گسترش مفهوم جهاد به عرصه‌هایی همچون جهاد علمی، فرهنگی، رسانه‌ای، نرم‌افزاری و سایبری است. با تحلیل مبانی شرعی و ادله عقلی، مؤلف نشان می‌دهد که حوزه‌هایی چون جهاد رسانه‌ای و دفاع سایبری، نه تنها در حکم جهاد دفاعی هستند بلکه در برخی موارد حکم جهاد ابتدایی را نیز می‌یابند، اگر هدف آن اقامه حق و دفاع از کیان امت اسلامی باشد.

۲. نوآوری در رویکرد تطبیقی و مقارن

نوآوری‌های تطبیقی و مقارن این پژوهش عبارتند از:

۲,۱. تطبیق میان آرای فقه شیعه و اهل سنت

در این کتاب، به شکلی بی‌سابقه، تطبیق جامعی میان دیدگاه‌های فقهی شیعه و اهل سنت در باب جهاد صورت گرفته است. نویسنده با بهره‌گیری از منابع اصیل چهار مذهب اهل سنت و فقه امامیه، نقاط اشتراک و اختلاف را به تفصیل بررسی کرده و نشان داده که چگونه هر دو جریان، اصل وجوب

^۱ محمد خیر هیکل، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۶-۴۷.

جهاد را پذیرفته‌اند ولی در شروط، مصادیق، زمان‌بندی، و حدود آن تفاوت دارند. این مقارنه نه تنها برای غنای علمی اثر، بلکه برای تقویت گفتگوی فقهی میان مذاهب و پرهیز از افراط‌گرایی فکری اهمیت زیادی دارد.

۲,۲. تحلیل فقهی اذن ولی فقیه و مشروعیت جهاد

کتاب با ارائه تحلیل نوین از نظریه ولایت فقیه، شرط اذن امام یا ولی فقیه در جهاد ابتدایی و حتی دفاعی را بازخوانی کرده و آن را بر پایه استنباط دقیق از منابع فقهی و اصولی بنیاد نهاده است. نویسنده ضمن بررسی تطبیقی با دیدگاه‌های فقه‌های سنتی و معاصر، تلاش کرده است مسئله اذن را به صورت یک مدل تصمیم‌گیری حاکمیتی و نه صرفاً یک شرط صوری، ترسیم نماید.

۲,۳. تحلیل فلسفه جهاد در منابع دینی

در این اثر برای اولین بار یک طبقه‌بندی از اهداف جهاد در قرآن و سنت ارائه شده است، همچون:

- دفاع از دین و امت
- مبارزه با ظلم ساختاری
- حمایت از مظلومان
- بسط دعوت اسلامی

در این تحقیق نشان داده می‌شود که این اهداف، با انواع مختلف جهاد همانند ابتدایی، دفاعی، دفع فتنه، جهاد داخلیو غیره هماهنگ شده‌اند و هر کدام قلمرو خود را دارند.

۳. نوآوری در پاسخ به مسائل جدید جهاد

نوآوری‌های این پژوهش در برابر مسائل جدید عبارتند از:

۳،۱. تحلیل جهاد سایبری در پرتو ادله فقهی

در این کتاب مفهوم جهاد سایبری به‌طور مستقل فقهی‌سازی شده است. نویسنده با بهره‌گیری از قاعده نفی سبیل، قاعده دفاع، قاعده اهم و مهم و اصل حفظ کیان امت، به این نتیجه رسیده که مشارکت در جنگ‌های اطلاعاتی و دفاع از حاکمیت دیجیتال امت اسلامی، مشمول عنوان جهاد واجب کفایی است. این تحلیل، نه‌تنها مشروعیت اقدامات در فضای سایبری را بررسی فقهی می‌کند، بلکه مرزهای آن را نیز مشخص می‌سازد.

۳،۲. فقه جهاد فرهنگی و رسانه‌ای

نویسنده با تکیه بر روایت «کلمة الحق عند سلطان جائر»، و تحلیل کارکرد رسانه در دوره معاصر، به تبیین فقهی جهاد فرهنگی پرداخته است. جهاد فرهنگی از منظر کتاب، نه صرفاً تبلیغ دینی، بلکه مقاومت فکری و گفتمان‌سازی در برابر نظام‌های فکری مهاجم و سکولار است. وی همچنین

رسانه‌های نوین را به مثابه ابزار تحقق «بلاغ مبین» می‌داند و جایگاه آنها را در دفاع نرم از دین تحلیل می‌کند.

۳,۳. تحلیل جهاد در نظم جهانی معاصر

یکی از نوآوری‌های بدیع کتاب، بررسی جهاد در پرتو مفاهیم جدید بین‌المللی است. نویسنده نشان می‌دهد که مفاهیم جهاد دفاعی، حمایت از مظلوم و مقابله با استعمار، می‌تواند در ذیل قواعد نوین حقوق بین‌الملل (همچون دفاع مشروع، حق تعیین سرنوشت و حمایت از غیرنظامیان) تفسیر شود و این تطابق می‌تواند پایه‌ای برای مشروع‌سازی کنش‌های جهادی در سطح بین‌المللی باشد.

این کتاب با اتکاء به سنت فقهی غنی شیعه، نوآوری‌های متعددی را در عرصه مفاهیم، روش‌ها، و پاسخ‌گویی به نیازهای معاصر ارائه می‌دهد. پیوند میان فقه جهاد و حکمرانی اسلامی، گسترش قلمرو آن به حوزه‌های فرهنگی و سایبری، تحلیل تطبیقی میان فقه امامیه و عامه، و نیز ورود به مسائل مستحدثه جهانی از جمله ویژگی‌هایی است که این اثر را در زمره آثار پیش‌رو در فقه سیاسی اسلامی قرار می‌دهد. این کتاب، نه صرفاً یک متن درسی، بلکه یک مرجع راهبردی برای فقیهان، طلاب، و اندیشمندان حوزه حاکمیت اسلامی است.

روش تحقیق

کتاب «فقه جهاد» با رویکردی تحلیلی، تطبیقی و نواندیشانه به یکی از بنیادی‌ترین مسائل فقه سیاسی - اجتماعی پرداخته است و از آن‌جا که موضوع جهاد هم در عرصه نظامی سنتی و هم در ساحت‌های جدیدتر مانند جهاد فرهنگی، رسانه‌ای و سایبری موضوعیت دارد، نویسنده از مجموعه‌ای از روش‌های علمی ترکیبی بهره گرفته تا تصویری جامع و کارآمد از مباحث فقهی مرتبط ارائه دهد. در این نوشتار، روش تحقیق این اثر در سه سطح روش‌شناسی کلان، منابع تحقیق، و تکنیک‌های تحلیل محتوای فقهی و تطبیقی، به صورت تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. روش‌شناسی کلان تحقیق

نویسنده در نگارش این کتاب از رویکرد «تحلیل عقلی - فقهی» در کنار «روش اجتهادی» بهره برده و تلاش کرده است تا با تکیه بر اصول استنباط فقهی، از منابع اصیل اسلامی همچون قرآن، سنت، عقل و اجماع، احکام و مبانی جهاد را استخراج نماید. این روش بر پایه استفاده از قواعد علم اصول، تحلیل لغوی و رجالی روایات، و توجه به قواعد فقه حکومتی شکل گرفته است. از سوی دیگر، مؤلف با تلفیق «روش تطبیقی» میان مذاهب اسلامی (شیعه و اهل سنت) و «رویکرد مسئله‌محور»، تلاش کرده است تا علاوه بر استنباط سنتی، پاسخ‌های نوینی به مسائل مستحدثه در حوزه جهاد ارائه دهد.

بدین ترتیب، می‌توان گفت روش‌شناسی کلان این تحقیق، ترکیبی از سه رویکرد زیر است:

- روش استنباطی اجتهادی: برای استخراج و تحلیل احکام شرعی جهاد در چهارچوب فقه اسلامی.
- روش تطبیقی: برای مقایسه دیدگاه‌های مذاهب مختلف اسلامی (فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت).
- روش تحلیل انتقادی: برای بررسی ساختارهای اجتماعی، سیاسی و رسانه‌ای در دنیای معاصر و تحلیل جایگاه فقه جهاد در آن.

۲. منابع تحقیق

در این کتاب، طیفی از منابع اصلی، واسطه‌ای و مکمل مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند که عبارت‌اند از:

۲،۱. منابع اصیل (نصوص دینی):

منابع اصیل در استنباط‌های فقهی شیعه و سنی به آن دسته از منابعی گفته می‌شود که در اصطلاح فقهی به کتاب و سنت شهرت دارند. نخستین منبع که کتاب نامیده می‌شود، همان قرآن کریم است. قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع احکام جهاد، آیات متعدد مرتبط با جهاد (اعم از جهاد ابتدایی، دفاعی،

^۱Comparative Analysis

^۲Critical Analytical Approach

جهاد با نفس و... به روش تفسیری و اصولی تحلیل شده‌اند. دیگری که به سنت شهرت دارد، در حقیقت همان منبع حدیثی است که شامل روایات معصومان (علیهم‌السلام) در فقه شیعه و اقوال صحابه و تابعین در فقه اهل سنت. نویسندگان از منابع حدیثی اصلی چون «الکافی»، «تهذیب الأحکام»، «وسائل الشیعه»، «صالح سته» و دیگر منابع استفاده کرده است.

۲,۲. منابع فقهی - اصولی:

آثار فقهی فقه‌های برجسته امامیه مانند شیخ طوسی، علامه حلی، محقق کرکی، شهید اول و ثانی، محقق نراقی، امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر فقه‌های معاصر و همچنین کتب فقهی اهل سنت مانند «المغنی» ابن قدامة، «المجموع» نووی، «بدائع الصنائع» کاسانی، «الام» شافعی و سایر منابع چهار مذهب از آن جمله محسوب می‌گردد.

۲,۳. منابع نوین و تکمیلی:

در این دسته می‌توان از کتاب‌های مرتبط با فقه حکومتی، فقه رسانه، فقه فضای مجازی، مقالات پژوهشی منتشرشده در مجلات علمی - پژوهشی، گزارش‌های بین‌المللی درباره جنگ‌های سایبری، رسانه‌ای و فرهنگی برای تحلیل مصادیق معاصر بهره گرفته شده است.

۳. ابزارها تحلیلی

ابزارهای تحلیل این پژوهش عبارتند از:

۳,۱. تحلیل فقهی سنتی:

بخش‌های سنتی کتاب، مانند تحلیل احکام جهاد ابتدایی و دفاعی، شرایط جهاد، احکام اسیر، قرارداد صلح و غنایم، همگی بر اساس شیوه‌های متعارف فقهی و اصولی تحلیل شده‌اند که شامل بررسی دلالتی نصوص، تحلیل سندی، بررسی قواعد اصولی مانند اطلاق و تقييد، مفهوم شرط، اجماع، سیره عقلا و غیره می‌شود.

۳,۲. تحلیل تطبیقی:

برای مقایسه دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت، نویسنده از روش تطبیق جزئیات بهره گرفته و تلاش کرده تا تفاوت‌های مبنایی، منابع استدلال، و روش‌های استنباط هر مذهب را تبیین کند. در کنار آن، تلاش شده نقاط مشترک نیز برای ایجاد امکان گفت‌وگوی بین‌مذهبی برجسته شود.

۳,۳. استفاده از قواعد فقه حکومتی:

نویسنده در تحلیل موارد خاص همچون اذن ولی فقیه در جهاد، از قواعد «ولایت فقیه»، «مصلحت عمومی»، «قاعده نفی سییل» و «قاعده حفظ نظام» استفاده کرده و آن‌ها را در نظام استنباط فقهی وارد کرده است تا به تحلیل‌های به‌روزتر و واقع‌بینانه‌تری دست یابد.

۴. فرآیند تنظیم ساختار تحقیق

در ابتدا، نویسنده مسئله محوری جهاد را در بستر تحولات فکری، سیاسی و رسانه‌ای قرن معاصر تبیین کرده و جایگاه آن را در فقه حکومتی نشان داده است. سپس با طبقه‌بندی دقیق اقسام جهاد در منابع فقهی، تحلیل کلاسیک را عرضه کرده و در مرحله بعد، وارد حوزه‌های نوپدید شده است. در بخش تطبیقی، هر مسأله با استناد به منابع فریقین و از منظر تطبیقی تحلیل شده است. در انتها، نتایج استنباط فقهی، با شرایط عینی جهان اسلام تطبیق داده شده و پیشنهادهای سیاست‌گذارانه ارائه شده‌اند.

دامنه پژوهش کتاب «فقه جهاد»

کتاب حاضر با هدف ارائه تحلیلی جامع و نظام‌مند از فقه جهاد در اسلام، دامنه‌ای متنوع، چندلایه و چندبعدی دارد که ابعاد زمانی، مذهبی، موضوعی، جغرافیایی و زبانی را در بر می‌گیرد. در این‌جا، به‌طور تفصیلی به تبیین این دامنه پرداخته می‌شود.

۱. دامنه زمانی: از صدر اسلام تا عصر حاضر

تحقیق حاضر از منظر تاریخی، از آغاز بعثت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله-علیه‌السلام) آغاز شده و با عبور از دوره‌های کلیدی چون خلافت خلفا، دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس، عصر حضور ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و غیبت

صغری و کبری، به دوره معاصر و عصر جمهوری اسلامی ایران منتهی می‌گردد. این بازه زمانی گسترده، امکان بررسی تطورات نظریه‌های فقهی جهاد، تحولات تفسیری و تطبیقی، و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و نظامی مؤثر بر اجتهادات را فراهم می‌سازد. از میان این ادوار، دو برهه تاریخی از اهمیت خاصی برخوردارند:

- دوران غیبت صغری و کبری: که در آن، فقهای امامیه به تدریج نقش نهاد فقاقت را در حوزه جهاد بازتعریف کردند.
- دوران معاصر و پس از انقلاب اسلامی ایران: که در آن، مفهوم ولایت فقیه به عنوان چارچوب مشروعیت‌بخش برای جهاد رسمی و سازمان‌یافته مطرح شد و به حوزه‌های نوینی چون جهاد نرم و سایبری نیز گسترش یافت.

۲. دامنه مذهبی: فقه امامیه و مذاهب اربعه

اهل سنت

پژوهش حاضر در حوزه مذاهب اسلامی، دامنه‌ای مقایسه‌ای دارد. بدین معنا که: از یک سو دیدگاه‌های فقهی بزرگانی چون شیخ مفید، سید مرتضی، علامه حلی، محقق کرکی، صاحب جواهر، امام خمینی و فقهای معاصر حوزه قم و نجف بررسی می‌شود. به‌ویژه نظریات مرتبط با لزوم اذن معصوم یا نائب خاص و عام در جهاد ابتدایی، مشروعیت دفاع و تمایز آن با تجاوز، بررسی

شده‌اند. از سوی دیگر به کتب و نظرات برجسته‌ترین علمای مذاهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی مراجعه شده است. آثار فقهی نظیر «بدائع الصنائع»، «المدونة الكبرى»، «الام» و «العمدة» تحلیل گشته و نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها با دیدگاه امامیه استخراج شده‌اند. این گستره مذهبی، امکان تحلیل تطبیقی و تعمیق در ادبیات اجتهادی فریقین را فراهم می‌سازد و بر قابلیت تعمیم و اتقان استدالات پژوهش می‌افزاید.

۳. دامنه موضوعی: از فقه نظامی تا جهاد نرم و

سایبری

پژوهش تنها به بررسی جهاد نظامی به‌عنوان فریضه کلاسیک فقهی بسنده نمی‌کند، بلکه با توسعه دامنه مفهومی، به حوزه‌های نوپدید نیز ورود می‌یابد. این حوزه‌ها شامل فقه جهاد نظامی با ابعاد جهاد ابتدایی، دفاعی، جهاد با بغاء، احکام اسیر، غنیمت، شرایط جهاد و تقسیم‌بندی فقه‌الجهاد در منابع اصلی، جهاد فرهنگی و رسانه‌ای با رویکرد تحلیل جایگاه کنونی «جهاد تبیینی» و مواجهه با جنگ روایت‌ها در عصر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، جهاد سایبری با اولویت بررسی مشروعیت، ابزارها، و قواعد اخلاقی-فقهی در فضای دیجیتال برای مقابله با تهاجم اطلاعاتی و تهدیدات زیرساختی، می‌شود. با این تنوع موضوعی، پژوهش حاضر گامی در جهت بازتولید عقلانیت فقهی متناسب با مقتضیات عصر جدید به شمار می‌آید.

۴. دامنه جغرافیایی: فراتر از مرزهای ملی

از منظر جغرافیایی، دامنه پژوهش فراگیر و فراملی است. گرچه تمرکز اصلی بر فقه امامیه به‌ویژه در حوزه‌های علمیه قم و نجف است، اما در کنار آن، دیدگاه‌های علمای اهل سنت در بلاد مختلف همچون مصر، شام، حجاز، هند، مغرب عربی و شبه‌قاره نیز تحلیل می‌شود. بررسی نمونه‌های منطقه‌ای همچون فقه جهاد در انقلاب اسلامی ایران، جهاد افغانستان، نهضت‌های مقاومت فلسطین و لبنان، و فعالیت‌های اسلام‌گرایان در شمال آفریقا، عمق تطبیقی پژوهش را افزایش می‌دهد و آن را با زمینه‌های میدانی پیوند می‌زند.

در مجموع، دامنه پژوهش کتاب «فقه جهاد» با ساختاری چندسطحی و تحلیل‌محور طراحی شده است که می‌تواند مبنای مناسبی برای تدوین فقه نظام‌مند در حوزه‌های نوین جهاد و مقاومت باشد. آیا مایل هستید فصل‌بندی پیشنهادی کتاب هم ارائه شود؟

مفهوم کاوی جهاد

در گام نخست ضرورت دارد که مفهوم «جهاد» از منظر لغوی و اصطلاحی مورد واکاوی قرار گیرد. واژه «جهاد» در لغت عرب به معنای تلاش، کوشش و تحمل مشقت به کار رفته و در منابع اسلامی به ویژه در فقه، به عنوان جنگ مشروع و هدفمند در راه خداوند تعریف شده است.^۱ در این چارچوب، جهاد نه تنها به منزله رویارویی نظامی، بلکه به عنوان مفهومی چندلایه که ابعاد فردی، فرهنگی، سیاسی و نظامی را در بر می گیرد، تحلیل می شود. در ابتدا، ریشه شناسی واژه «جهاد» و مشتقات آن، همچون «جهد» و «اجتهاد»، با استناد به منابع لغوی معتبر بررسی می شود. سپس، معنا و مصادیق اصطلاحی این واژه در متون قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) مورد تحلیل قرار می گیرد. از جمله آیات برجسته در این زمینه، تأکید بر جهاد مالی و جانی در راه خدا، و نیز تمایز میان جهاد نظامی (جهاد اصغر) و جهاد اخلاقی-درونی (جهاد اکبر) است. انواع جهاد نظیر جهاد اکبر و اصغر، جهاد تبیینی و دفعی، و نیز تقسیم بندی های فقهی مانند جهاد عینی و کفایی نیز در ادامه تبیین می گردد. در بخش تاریخی، جایگاه جهاد در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و- آله علیه السلام) و ائمه اطهار (علیهم السلام) بررسی شده و نمونه هایی از جهاد در قرآن مانند جهاد حضرت سلیمان (علیه السلام) ذکر می شود. در پایان، این

^۱ الخلیل بن أحمد الفراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۵، ۳: ۳۸۶

فصل به بررسی مبانی فقهی و عقلانی جهاد می‌پردازد؛ از جمله مبانی‌ای چون دفاع از مظلومان، دفع تجاوز، حفظ دین و استقلال امت اسلامی که بر مشروعیت و ضرورت آن تأکید می‌کنند. این مباحث، پایه‌های نظری مستحکمی برای تحلیل فقهی جهاد در فصول بعدی فراهم می‌آورند:

۱. جهاد در لغت

ریشه «جهد» در زبان عربی به صورت ثلاثی مجرد «جَهَدَ» و ثلاثی مزید «جَاهَدَ» به کار رفته است. در فرهنگ لغت لسان العرب، واژه «جهد» به معنای «نهایت توان، مشقت، کوشش شدید و طاقت‌فرسا» تعریف شده است.^۱ همچنین، راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن، این واژه را به معنای بذل طاقت برای دستیابی به هدف، خواه در زمینه مادی یا معنوی، بیان می‌کند.^۲ از سوی دیگر، در فرهنگ‌های دیگر مانند المعجم الوسیط، «جهد» به معنای کشش بدنی یا روحی همراه با سختی معرفی شده است.^۳ در صحاح آمده است: «الْجَهْدُ وَالْجُهُدُ: الطَّاقَةُ. وَ قُرِئَ: وَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جَهْدَهُمْ وَ جُهُدَهُمْ. قَالَ الْفَرَاءُ: الْجُهُدُ بِالضَّمِّ الطَّاقَةُ. وَ الْجَهْدُ بِالْفَتْحِ مَنْ قَوْلِكَ: اجْهَدْ جَهْدَكَ فِي هَذَا الْأَمْرِ، أَيْ ابْلُغْ غَايَتَكَ.»^۴ مشتقات این واژه مانند «جُهد»،

^۱ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۰

^۲ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۶

^۳ مجموعه من المؤلفین، المعجم الوسیط، ۲۰۰۴، ج ۱، ص ۱۴۲

^۴ أبو نصر الجوهري، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ۱۴۰۷، ۲: ۴۶۰

«جهید»، «اجتهاد» و «جهاد» نیز همگی بار معنایی مشترکی از تلاش، کوشش شدید، مشقت و تقابل دارند. این تنوع مشتقات، انعطاف معنایی واژه را نشان می‌دهد و بیانگر آن است که «جهاد» در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، نظامی و معرفتی قابل انطباق و تفسیر است.

در قرآن کریم، واژه «جهاد» و مشتقات آن در بیش از ۳۰ آیه آمده و در زمینه‌های مختلفی از جمله جنگ نظامی، مبارزه با دشمنان، تلاش در راه خدا و نیز جهاد با نفس به کار رفته است. یکی از نخستین کاربردهای این واژه در سوره انفال آیه ۷۳ است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...»^۱ در اینجا، جهاد همراه با هجرت و ایمان به عنوان امری برجسته و واجب بر مسلمانان مطرح شده است. همچنین، در آیه ۴۱ سوره توبه آمده است: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۲ این آیه دلالت دارد بر اینکه جهاد فقط نبرد نظامی نیست بلکه بذل مال و جان در راه خدا را شامل می‌شود و بار معنایی آن فراتر از جنگ فیزیکی صرف است. علاوه بر آن، آیه ۶۹ سوره عنکبوت تصریح می‌کند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...»^۳ این آیه نشان می‌دهد که جهاد دارای بار معنوی نیز هست و به عنوان تلاشی معنوی و فکری برای رسیدن به رضای الهی محسوب می‌شود. از این آیه، برخی

^۱ انفال، ۷۳

^۲ توبه، ۴۱

^۳ عنکبوت، ۶۹

مفسران نظیر علامه طباطبایی اینگونه برداشت کرده‌اند که جهاد صرفاً به مفهوم جنگ نظامی نیست بلکه هرگونه تلاش صادقانه در راه خدا را در بر می‌گیرد.^۱

در احادیث نبوی نیز واژه «جهاد» کاربردهای متنوعی دارد. مشهورترین نمونه آن، حدیثی است که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) پس از بازگشت از جنگ بدر فرمود: «رجعنا من الجهاد الأصغر إلى الجهاد الأكبر» یعنی ما از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشتیم.^۲ در این حدیث، جهاد اصغر همان نبرد نظامی و جهاد اکبر مبارزه درونی با نفس و هوای نفس دانسته شده است. این تفکیک در سنت حدیثی موجب توسعه مفهومی جهاد و کاربرد آن در ساحت‌های غیرنظامی نیز شده است. در منابع اهل سنت نیز آمده است: «أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر» یعنی برترین جهاد، گفتن سخن حق در برابر حاکم ستمگر است.^۳ این روایت نیز جهاد را به عرصه سیاسی-اجتماعی بسط داده و آن را نوعی مبارزه برای اصلاح و عدالت معرفی می‌کند. بنابراین، در منابع حدیثی نیز مانند قرآن، جهاد فقط به معنای جنگ و کشتار نیست بلکه طیفی از تلاش‌ها برای تحقق اهداف الهی را شامل می‌شود.

^۱ سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۱۳

^۲ الشیخ الكلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵

^۳ محمد بن عیسی ترمذی، السنن، ۱۹۹۸، حدیث ۲۱۷۴

تحلیل لغوی، قرآنی و حدیثی واژه جهاد نشان می‌دهد که این واژه با وجود خاستگاه نظامی و جنگی، به تدریج معنای گسترده‌تری یافته است. در لغت، اصل آن به تلاش و مشقت اشاره دارد. در قرآن، از کاربردهای نظامی تا تلاش معنوی را شامل می‌شود. در سنت حدیثی، علاوه بر جنگ، بر جهاد فرهنگی، سیاسی و اخلاقی نیز دلالت دارد. با توجه به این گستره معنایی، تحلیل‌های فقهی جدید در حوزه فقه جهاد می‌توانند بر این تنوع معنایی تکیه کرده و مدل‌های چندلایه از جهاد را توسعه دهند. چنین برداشتی می‌تواند بنیانی قوی برای گسترش مفهوم «جهاد نرم»، «جهاد رسانه‌ای» و «جهاد علمی» در کنار جهاد نظامی فراهم آورد.

۲. جهاد در اصطلاح

در فقه اسلامی، مفهوم «جهاد» دارای معنای اصطلاحی مشخصی است که بر پایه آموزه‌های قرآنی، روایی و فقهی، به مثابه مبارزه مشروع مسلمانان با دشمنان اسلام تعریف می‌شود. به عبارتی؛ گونه‌ای خاص از تلاش یعنی مبارزه کردن در راه خدا با جان، مال و دارایی‌های دیگر خود در نبرد با کافران و باغیان، با هدف گسترش و اعتلای اسلام و برپا داشتن شعائر یا دفاع از آن، را جهاد می‌نامند.^۱ این مفهوم در فقه امامیه و اهل سنت مورد بحث قرار گرفته و در هر دو مکتب فقهی، جهاد ابزاری برای دفاع و گسترش دین تلقی می‌گردد، اما در نحوه تعریف، قلمرو، شروط و مصادیق آن

^۱ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۳

تفاوت‌هایی وجود دارد. در فقه امامیه، جهاد در دو قالب کلی جهاد ابتدایی و دفاعی تقسیم می‌شود. جهاد ابتدایی عبارت است از آغاز جنگ با کفار جهت دعوت آنان به اسلام یا پذیرش شرایط ذمه. این نوع جهاد بدون اذن امام معصوم (علیه‌السلام) مشروع نبوده و در عصر غیبت، به نظر مشهور فقهای امامیه، انجام آن ممنوع است مگر با اذن ولی فقیه جامع‌الشرایط. دلیل این امر را می‌توان در جایگاه خاص امام معصوم در مشروعیت‌بخشی به اعمال حاکمیتی از جمله جهاد دانست. از سوی دیگر، جهاد دفاعی، جهادی است که در پاسخ به هجوم دشمن بر بلاد اسلامی صورت می‌گیرد و واجب عینی بر همه مسلمانان محسوب می‌شود. در این نوع جهاد، نیازی به اذن خاص از امام یا ولی فقیه وجود ندارد. از نظر فقهی، جهاد دفاعی به عنوان یک تکلیف فوری برای دفاع از جان، مال، ناموس و دین شناخته شده است. نکته مهم در فقه امامیه، ارتباط وثیق جهاد با مفاهیم حکومت اسلامی و ولایت فقیه است. امام خمینی در آثار خود مانند «تحریر الوسیله» و «کتاب البیع»، جهاد را یکی از شئون ولایت فقیه در عصر غیبت می‌داند، مشروط بر آنکه شرایط عینی و شرعی آن فراهم باشد. وی معتقد است که جهاد ابتدایی، در صورت وجود قدرت و تمکین، و به قصد اقامه حکومت اسلامی، مشروط بر اذن امام یا فقیه جامع‌الشرایط، قابل انجام است.^۱ فقهای شیعه، جهاد را مبارزه‌ای می‌دانند که اهداف آن شامل: دفاع از مسلمانان در برابر تهاجم دشمن، مبارزه

^۱ محمدبن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸ و امام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ۱۳۸۵، ص ۳۷۷

با کفار معاند و مشرکین، دفع باغیان یا شورشیان داخلی، و گسترش حاکمیت اسلام در صورت فراهم بودن شرایط است. برای مثال، در منابع فقهی آمده است که جهاد با کفار کتابی غیر ذمی یا ذمی‌ای که پیمان ذمه را نقض کرده‌اند، واجب است و آنان باید یکی از سه راه را انتخاب کنند: گرویدن به اسلام، پذیرش جزیه و بقای بر دین خود، یا جنگ.

در فقه اهل سنت، تعریف جهاد نیز شامل جنگ با کفار برای گسترش اسلام و همچنین دفاع از سرزمین اسلامی است. شافعی، مالک، ابوحنیفه و احمد بن حنبل هر یک مباحث مفصلی در باب جهاد مطرح کرده‌اند. در نگاه سنتی اهل سنت، جهاد ابتدایی نیز به عنوان واجب کفایی تلقی می‌شود و به طور سنتی توسط خلیفه یا حاکم اسلامی اعلان می‌گردد. این در حالی است که در برخی دیدگاه‌های معاصر اهل سنت، بر دفاع از امت اسلامی تأکید بیشتری شده و جهاد بیشتر در قالب دفاع مشروع در نظر گرفته شده است.^۱

از منظر مفهومی، جهاد تنها به معنای نبرد نظامی محدود نمی‌شود. در منابع روایی، جهاد به دو نوع تقسیم شده است: جهاد اکبر و جهاد اصغر. البته پس از تحلیل امام خامنه‌ای (حفظه‌الله) از جهاد و تبیین جهاد فرهنگی، قسم سومی به نام جهاد کبیر که جهاد فرهنگی است، به آن اضافه شده است. جهاد اکبر به مبارزه با نفس و تهذیب باطنی اشاره دارد. امام علی علیه السلام: «اعلموا أنَّ الجِهَادَ الْأَكْبَرَ جِهَادُ النَّفْسِ، فَاسْتَعْلُوا بِجِهَادِ أَنْفُسِكُمْ

^۱ ر.ک: یوسف القرضاوی، فقه الجهاد.

تَسْعَدُوا» بدانید که جهاد اکبر جهاد با نفس است، پس به جهاد با نفسهای خویش پردازید تا نیک بخت شوید. این تقسیم‌بندی نشان‌دهنده گستره معنایی واژه جهاد در فقه و اخلاق اسلامی است و تأکید دارد که مجاهده نفس، مبنای معنوی جهاد بیرونی است. در مباحث معاصر، جهاد به ابعاد جدیدی مانند جهاد علمی، فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای و سایبری گسترش یافته است. این اشکال جهاد که در اصطلاح برخی اندیشمندان معاصر «جهاد نرم» خوانده می‌شود، در چارچوب دفاع از دین و امت اسلامی قرار دارد و واجد مشروعیت شرعی دانسته شده‌اند. فقهایمانند آیت‌الله کعبی معتقدند که آمادگی رسانه‌ای، اقتصادی و فرهنگی، بخشی از اقتدار دینی و ابزارهای مشروع جهاد در جهان معاصر هستند و تحت مفهوم «اعدوا لهم ما استطعتم من قوة» قابل تفسیرند.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که جهاد در فقه اسلامی مفهومی پیچیده و چندوجهی است که از جنبه‌های نظامی، سیاسی، اعتقادی، و اخلاقی برخوردار است. تفاوت‌هایی که میان مکاتب فقهی در تعریف و تطبیق جهاد وجود دارد، از اختلاف مبانی در مشروعیت سیاسی و شرایط عصر غیبت ناشی می‌شود. با این حال، وحدت نظر در اصل مشروعیت دفاع از اسلام و مسلمین، نشانگر اهمیت بنیادین جهاد در نظام فقهی اسلامی است.

^۱ الشیخ محمد المحدثی الری شهری، میزان الحکمه، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۳۲

۳. معنای مختار جهاد

در معنای اولیه، جهاد به معنای جنگ و مبارزه با دشمنان اسلام و دفاع از دین و مکتب الهی مطرح است. این مبارزه می‌تواند به‌عنوان یک واجب شرعی در قالب «جهاد ابتدایی» برای گسترش اسلام و اقامه کلمه خدا یا «جهاد دفاعی» در برابر تهاجمات دشمنان دین و ملت مسلمان تلقی شود. در جهاد ابتدایی، مسلمانان با کفار و مشرکان که بر اساس آموزه‌های اسلامی، دشمنان اصلی دین به شمار می‌روند، به مقابله می‌پردازند. جهاد دفاعی، اما در زمان‌هایی که جامعه اسلامی یا کشورهای مسلمان مورد حمله قرار می‌گیرند، به‌عنوان یک تکلیف فوری بر مسلمانان واجب است. البته در فقه اسلامی، جهاد تنها به جنگ نظامی محدود نمی‌شود. مفهوم جهاد شامل تلاش‌هایی همچون جهاد با نفس، جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد فرهنگی و جهاد سیاسی نیز می‌شود که هر کدام به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در راستای حفظ و تقویت ارزش‌های اسلامی و دفع تهدیدات علیه مسلمانان و جوامع اسلامی قرار دارد. به عبارت دیگر، جهاد در فقه اسلامی یک مفهوم جامع است که تمامی اشکال مبارزه در راه خدا را در بر می‌گیرد.

۴،۱. جهاد نظامی

در فقه اسلامی، جهاد نظامی به‌عنوان اقدامی مشروع و واجب تحت شرایط خاصی قرار دارد. یکی از مهم‌ترین شرایط برای جهاد نظامی، وجود اذن از

سوی ولی فقیه یا امام معصوم (علیه السلام) در زمان غیبت است. در زمان غیبت امام معصوم، فقها و ولی فقیه به عنوان نمایندگان ولی امر اسلامی، تصمیم‌گیری در خصوص جنگ و جهاد را بر عهده دارند. به‌طور کلی، جهاد نظامی باید در راستای اهداف اسلامی و در چارچوب اصول شرعی انجام شود. در فقه شیعه، به ویژه در دوران معاصر و در دوران غیبت، نقش ولی فقیه در اعلام جهاد و مدیریت جنگ‌ها بسیار حیاتی است و از منظر بسیاری از فقها، هیچ‌گونه اقدامی در این زمینه بدون اذن ولی فقیه مجاز نیست.

۴،۲. جهاد غیرنظامی و جهاد نرم

با پیشرفت جوامع انسانی و دگرگونی‌های اجتماعی، فقه اسلامی به تعریف و گسترش جهاد در زمینه‌های غیرنظامی نیز پرداخته است. این مفهوم جدید از جهاد در عصر مدرن به‌ویژه در دنیای تکنولوژی و ارتباطات اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. «جهاد نرم» یا جهاد فرهنگی یکی از این عرصه‌هاست که به مقابله با فرهنگ‌های غیر اسلامی و ترویج معارف اسلامی به‌صورت غیرمستقیم و از طریق رسانه‌ها و فرهنگ عمومی پرداخته می‌شود. جهاد فرهنگی از جهاد در حوزه‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نشأت می‌گیرد و شامل تلاش برای تأسیس نهادهای اسلامی، ترویج معارف اسلامی، نشر علوم و دانش‌های دینی و مبارزه با تهاجم فرهنگی است.

۴,۳. جهاد در ابعاد دیگر

علاوه بر جهاد نظامی و فرهنگی، فقه اسلامی در عرصه‌های مختلفی از جهاد سخن گفته است. جهاد با نفس یکی از مهم‌ترین اشکال این مبارزه است که مسلمانان را به تقوا، پرهیز از گناه، اصلاح درونی و تلاش برای رشد روحی و معنوی دعوت می‌کند. این نوع جهاد، به عنوان «جهاد اکبر» در برخی متون دینی شناخته می‌شود و بر تمامی مسلمانان واجب است. در حقیقت، جهاد با نفس هم‌راستا با جهاد بیرونی است و در صورتی که فرد مسلمان نتواند بر نفس خود غلبه کند، قادر نخواهد بود به‌طور مؤثر در جهادهای دیگر مشارکت کند.

۴,۴. جهاد علمی و اقتصادی

در جهان معاصر، جهاد علمی و اقتصادی نیز اهمیت زیادی پیدا کرده است. جهاد علمی به‌ویژه در راستای پیشرفت علم و فناوری و تولید دانش به منظور رفع نیازهای جامعه اسلامی در برابر پیشرفتهای جهانی است. در کنار آن، جهاد اقتصادی به‌عنوان تلاش برای خودکفایی اقتصادی و مقابله با سلطه اقتصادی غرب و حمایت از تولیدات داخلی مطرح می‌شود.

فصل دوم:

تطورات تاریخی فقه جهاد از صدر اسلام تا عصر حاضر

درآمد

فقه جهاد یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین موضوعات در فقه اسلامی است که تاریخ تطور و تحول آن به‌ویژه در واکنش به شرایط زمانی و سیاسی مختلف، جذاب و قابل توجه است. جهاد در آغاز به‌عنوان یک مفهوم دفاعی و وسیله‌ای برای گسترش اسلام در برابر تهدیدات خارجی مطرح بود، اما در طول تاریخ به‌ویژه تحت تأثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و نظامی، مفهوم و رویکرد آن تغییرات قابل توجهی داشته است. از صدر اسلام که جهاد در قالب دفاع از جامعه مسلمانان و دعوت به اسلام در برابر کفار مطرح شد، تا دوران‌های بعدی که جهاد به ابزاری برای گسترش سلطه حکومتی یا مقابله با استعمارگران تبدیل شد، فقه جهاد به‌طور مستمر تطور یافته است.

در این فصل، روند تاریخی تحول فقه جهاد از صدر اسلام تا دوران معاصر بررسی خواهد شد. در آغاز این مسیر، سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و خلفای نخست الگوهای اصلی برای تفسیر و اعمال جهاد را شکل دادند. سپس با ظهور حکومت‌های اموی و عباسی، جهاد به‌عنوان ابزاری برای گسترش قدرت سیاسی و فتوحات قلمروهای اسلامی استفاده شد. در دوران صفویه و مشروطیت، جهاد علاوه بر ابعاد دینی، به‌عنوان ابزاری سیاسی برای حفظ استقلال و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی مطرح گردید. در دوران استعمار و جنگ‌های استقلال، جهاد در قالب مقاومت ملی علیه اشغالگران غربی قرار گرفت و در عصر معاصر، با ظهور دولت-ملت‌های

اسلامی و پدیده‌های نوین همچون جنگ‌های نیابتی، فقه جهاد با مسائلی چون مبارزه با اشغالگران جدید و مقاومت ملی مواجه شد. این بررسی تاریخی نشان می‌دهد که شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر دوره چگونه بر تفسیر و استنباط فقهی جهاد تأثیر گذاشته است و تحولات فقه جهاد چگونه در پاسخ به نیازهای مختلف دینی و سیاسی شکل گرفته‌اند.

جهاد در صدر اسلام

جنگ‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این جنگ‌ها نه تنها برای دفاع از جامعه اسلامی و مسلمانان، بلکه به‌عنوان ابزاری برای گسترش دعوت اسلامی و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی صورت گرفتند. تحلیل این جنگ‌ها و فتاوی اولیه مرتبط با آن‌ها، نقش حیاتی در تبیین مفهوم جهاد در تاریخ اسلام و فقه جهاد دارد. در این بخش، به‌طور خاص به جنگ‌های پیامبر اسلام، به‌ویژه غزوه‌ها و فتوحاتی که پس از رحلت پیامبر رخ داد، پرداخته می‌شود. به عبارتی؛ در جنگ‌های پیامبر اسلام، دعوت به اسلام به‌عنوان هدف اصلی جنگ‌ها مطرح بود. به عبارتی دیگر، پیامبر اسلام همواره سعی داشت تا در مواقع جنگ، از آن به‌عنوان فرصتی برای دعوت و هدایت افراد به دین اسلام استفاده کند.

۱. جنگ‌های پیامبر اسلام: نقش دعوت و دفاع

در دوران پیامبر اسلام، جنگ‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: جنگ‌های دفاعی و جنگ‌های ابتدایی یا فتوحاتی که به منظور گسترش اسلام انجام شد. اولین جنگ‌های پیامبر اسلام، جنگ‌های دفاعی بودند که با هدف حفظ امنیت مسلمانان در برابر حملات قریش و سایر قبیله‌های مخالف آغاز شدند. این جنگ‌ها از جمله جنگ بدر، احد و خندق بودند.

جنگ بدر: جنگ بدر نخستین پیروزی بزرگ مسلمانان بود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این جنگ نه تنها از جامعه اسلامی دفاع کرد، بلکه از آن به عنوان فرصتی برای اثبات حقانیت دین اسلام استفاده نمود. این جنگ بیشتر جنبه دفاعی داشت و به طور مستقیم در برابر تهدید قریش قرار گرفت.

جنگ احد: جنگ احد به عنوان یک نبرد مهم و استراتژیک در تاریخ اسلام، بار دیگر نشان داد که پیامبر اسلام در مواقع خطرناک به دنبال حفظ امنیت مسلمانان و دفاع از اصول دینی است. در این جنگ، مسلمانان در ابتدا پیروز بودند، اما به دلیل نقض دستور پیامبر از سوی برخی از مسلمانان، این جنگ به شکست تبدیل شد.

جنگ خندق: جنگ خندق یکی از جنگ‌های دفاعی مهم بود که در آن پیامبر اسلام برای دفاع از مدینه در برابر حملات قریش و هم‌پیمانان آن‌ها،

خندق‌های دفاعی حفر کرد. این جنگ نشان‌دهنده استراتژی دفاعی هوشمندانه و استفاده از روش‌های نوین نظامی در دفاع از جامعه اسلامی بود.

۲. فتاوی اولیه در مورد جهاد

پس از رحلت پیامبر اسلام، موضوع جهاد همچنان در جوامع اسلامی مطرح بود، اما با توجه به نیاز به تصمیم‌گیری‌های جدید و متناسب با شرایط مختلف، فتاوی اولیه در زمینه جهاد از سوی صحابه و علما صادر شد. این فتاوی بیشتر در زمینه جنگ‌های شبه جزیره و جنگ‌های آنان با امپراتوری‌های خارجی همچون روم و ایران بودند. به‌ویژه در دوران خلافت ابوبکر و عمر بن خطاب، فتاوی جهاد در زمینه جنگ‌های مختلف بیشتر شد. فتوحات در سرزمین‌های مختلف از جمله ایران و روم، همزمان با جنگ‌های داخلی مانند جنگ‌های رده -جنگ‌هایی که پس از ارتداد برخی از قبایل عربی در گرفت- بودند. فتاوی ابوبکر در جنگ‌های رده بر اساس دو هدف اصلی صادر شد: یکی برای مقابله با ارتداد و حفظ وحدت دینی در میان مسلمانان و دیگری برای حفظ تمامیت ارضی جامعه اسلامی. همچنین در دوران خلافت عمر بن خطاب، فتاوی جهاد در برابر دو امپراتوری روم و ایران صادر شد. جنگ‌های فتوحات در این دوران به‌طور گسترده‌ای به وقوع پیوستند و مسلمانان توانستند در مدت زمان کوتاهی بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های این دو امپراتوری را فتح کنند. این فتوحات، علاوه بر گسترش

قلمرو اسلام، به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات خارجی و تثبیت قدرت مسلمانان استفاده شد.

۱.۳. اجتهاد صحابه در جنگ‌های پس از رحلت

پیامبر

پس از رحلت پیامبر اسلام، مسئله اجتهاد در زمینه جهاد و فتواهای مربوط به آن از سوی صحابه مطرح شد. یکی از مهم‌ترین مسائل اجتهادی در این دوره، تصمیم‌گیری در مورد نحوه جهاد در فتوحات خارج از جزیره العرب بود. صحابه و دیگر علما با توجه به شرایط جدید سیاسی و نظامی که پس از رحلت پیامبر به وجود آمد، تصمیمات مختلفی در مورد نحوه برخورد با سرزمین‌های غیر مسلمان گرفتند. برخی از صحابه به شدت بر گسترش اسلام از طریق جنگ‌های فتوحات تأکید داشتند، در حالی که دیگران بر لزوم جهاد دفاعی و مقابله با تهدیدات داخلی تأکید می‌کردند.

همچنین، در زمینه تعامل با اهل ذمه، فتاوی مختلفی صادر شد. این فتاوی بیشتر بر مبنای شرایط جدید جوامع اسلامی و نیاز به تعامل با غیر مسلمانان در داخل و خارج از قلمرو اسلامی بوده است. در این دوره، جهاد به عنوان ابزاری برای حفاظت از مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی و حفظ امنیت داخلی قلمرو اسلامی مورد استفاده قرار گرفت.

جهاد در قرون میانه

در دوران طلایی تمدن اسلامی، به‌ویژه در دوران خلافت‌های اولیه اسلامی و پس از آن در دوران‌های مختلف، فقه جهاد به‌عنوان یکی از ارکان مهم اصول فقهی و حقوق اسلامی مورد توجه و بحث‌های گسترده‌ای قرار گرفت. در این دوران، رویکرد علما و فقها در تفسیر و تأویل نصوص جهاد و فتوای ملاک‌ها، تأثیر بسیاری بر روند شکل‌گیری فقه جهاد و کاربرد آن در شرایط مختلف گذاشت. این تأویل‌ها به‌ویژه در دوران خلافت ابوبکر، عمر، صوفیان و سپس در میان متأخرین مذاهب فقهی اهل سنت و امامیه شکل گرفت. در این تحلیل، نحوه برخورد با جهاد، انواع آن و چگونگی تأویل و تفسیر نصوص جهاد در فقه اسلامی بررسی می‌شود.

در دوران میانه، به‌ویژه در دوره‌های اموی و عباسی، با گسترش مذاهب فقهی در جهان اسلام و ایجاد مذاهب چهارگانه اهل سنت و مکتب امامیه، رویکردهای مختلفی به جهاد مطرح شد. این رویکردها نه‌تنها در تفسیر نصوص جهاد بلکه در تعیین شرایط و قوانین آن نیز تأثیرگذار بودند. در این دوران، توجه بیشتری به تأویل نصوص جهاد و تطبیق آن‌ها با شرایط زمانه و نیازهای اجتماعی و سیاسی معطوف شد. در مذهب حنفی و مالکی، جهاد به‌عنوان یکی از واجبات دینی در نظر گرفته می‌شود. فقه حنفی به‌ویژه در فتوای جهاد با توجه به شرایط جنگ‌های داخلی و خارجی، تأکید زیادی بر اصول انصاف و عدالت در میدان جنگ داشت. در این دیدگاه، جهاد تنها در

شرایط خاص و با رعایت اصول اخلاقی جنگ مجاز بود. به طور مشابه، مذهب مالکی نیز جهاد را در چهارچوب اصول اخلاقی و دفاع از جامعه اسلامی مطرح می‌کند. در مذهب شافعی و حنبلی، فقه جهاد بیشتر بر جنبه‌های دفاعی و واکنشی تأکید داشت. فقهاء شافعی و حنبلی جهاد را به عنوان یک واجب فردی و جمعی در مواقع خاص می‌دیدند و آن را فقط در موارد دفاع از سرزمین اسلامی یا مواجهه با تهدیدات خارجی مجاز می‌شمردند. در این مذاهب، جهاد ابتدایی بیشتر محدود به شرایط خاص بود و در مواردی که حمله به سرزمین‌های اسلامی تهدید به نظر می‌رسید، جهاد واکنشی و دفاعی مورد تأکید قرار می‌گرفت.

در مکتب امامیه، جهاد بیشتر از منظر دینی و سیاسی مورد تأکید قرار می‌گرفت. امامیه جهاد را یکی از ارکان مهم سیاست‌گذاری دینی می‌داند و به آن به عنوان ابزاری برای دفاع از دین و اهل بیت (علیهم‌السلام) نگاه می‌کند. در این دیدگاه، جهاد ابتدایی تنها در صورت اجازه امام معصوم و بر اساس مصلحت عمومی صورت می‌گیرد. علاوه بر این، در مکتب امامیه، جهاد با توجه به عدالت اجتماعی و حفظ حقوق انسان‌ها انجام می‌شود و تحت هیچ شرایطی نباید به آزار غیرنظامیان، زنان، کودکان و سایر افراد بی‌گناه منجر شود.

تأویل نصوص جهاد از مهم‌ترین مباحث فقهی است که در دوران‌های مختلف، به‌ویژه در دوره‌های متأخر، تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی

قرار گرفته است. نصوص جهاد در قرآن و سنت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از جمله آیات سورة التوبة و سورة الأنفال، به طور واضح جهاد را به عنوان یک ابزار برای دفاع از دین و جامعه مسلمانان مطرح می کنند. اما در طول تاریخ، فقها و علما با توجه به شرایط زمانی و نیازهای خاص جامعه، به تأویل این نصوص پرداخته اند. بسیاری از فقهاء و متأخرین مذاهب، تأویل جهاد ابتدایی را با توجه به مفهوم دفاع از دین و مقابله با تهدیدات خارجی انجام داده اند. در این تأویل، جهاد ابتدایی به عنوان یک اقدام برای گسترش دعوت اسلامی مطرح می شود و نباید از آن به عنوان ابزاری برای فتح سرزمین ها یا استعمار استفاده کرد.

در نهایت، رویکرد علما و فقها به جهاد در دوران های مختلف تاریخ اسلام، از دوران طلایی تمدن اسلامی تا دوران معاصر، تحت تأثیر شرایط سیاسی، اجتماعی و دینی قرار گرفته است. تأویل نصوص جهاد و فتوای ملاک ها در طول زمان دستخوش تغییرات زیادی شده و همواره در واکنش به نیازهای جدید جامعه اسلامی و تهدیدات بیرونی و داخلی شکل گرفته است. از این رو، فقه جهاد نه تنها به عنوان یک اصل دینی بلکه به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات و حفظ امنیت جامعه اسلامی در طول تاریخ مطرح شده است..

جهاد در عصر صفویه و عثمانی و استعمار

در تاریخ اسلام، تحولات سیاسی و اجتماعی مختلفی تأثیر عمیقی بر فقه جهاد و مبارزه با تهدیدات خارجی گذاشته است. دوره های مختلف تاریخی، از

دوران سلطنت عثمانی، دوره صفویه، تا عصر استعمار، شاهد تغییرات عمده‌ای در اولویت‌های جهاد، تأویل فقهی آن و شکل‌گیری ادبیات مقاومت ملی بوده‌اند. در این دوران‌ها، نه تنها مفهوم جهاد در مقابله با بیگانگان و تهدیدات خارجی دستخوش تغییراتی شد، بلکه فتاوای مربوط به مبارزه با استعمار و تلاش برای بیداری امت نیز از جنبه‌های مهم فقه جهاد در این دوره‌ها به شمار می‌آید.

۱. دوره صفویه: مقاومت در برابر تهدیدات

خارجی و بیداری امت

دوره صفویه در ایران (۱۵۰۱-۱۷۳۶ میلادی) یکی از دوره‌های حساس تاریخ اسلام و تاریخ ایران بود که با تأسیس دولت شیعی در این منطقه، نه تنها تأسیس یک قدرت جدید در جهان اسلام، بلکه مقابله با تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی امپراتوری‌های عثمانی و مغول‌ها نیز با چالش‌های جدیدی همراه شد. در دوران صفویه، مفهوم جهاد بیشتر به‌عنوان مقاومت در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی امپراتوری عثمانی و همچنین حملات پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در سواحل خلیج فارس و دریا‌های هند، مطرح گردید. در دوران صفویه، فقه جهاد و مبارزه با بیگانگان در چارچوب مقاومت ملی و دفاع از سرزمین‌های اسلامی مطرح بود. از آنجا که صفویه‌ها به‌طور خاص به مذهب شیعه تعلق داشتند، جهاد در این دوره علاوه بر جنبه‌های سیاسی و نظامی، دارای ابعاد مذهبی نیز بود. جهاد به‌ویژه در برابر نیروهای

خارجی که تهدیدی برای امنیت و استقلال ایران به شمار می‌آمدند، تبدیل به یک وظیفه دینی و ملی شد. فتوهای فقهی صادر شده در این دوران تأکید داشتند که جهاد نه تنها یک واجب دینی است، بلکه یک ضرورت ملی برای دفاع از کشور و مردم شیعه محسوب می‌شود.

۲. دوره عثمانی: جهاد به عنوان ابزاری برای

گسترش سلطنت

امپراتوری عثمانی که از قرن پانزدهم میلادی به قدرت رسید، یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین امپراتوری‌های تاریخ اسلام بود. در دوران عثمانی، جهاد همواره به عنوان یکی از اصول اساسی سیاست خارجی و داخلی این امپراتوری مطرح بود. از یک سو، امپراتوری عثمانی جهاد را به عنوان ابزاری برای گسترش قلمرو اسلامی و مقابله با تهدیدات خارجی، به ویژه از سوی امپراتوری‌های مسیحی اروپا، مانند جنگ‌های فتح قسطنطنیه و جنگ‌های صلیبی، به کار می‌برد. از سوی دیگر، عثمانی‌ها جهاد را به عنوان ابزاری برای متحد نگه داشتن امت اسلامی در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی و تقویت وحدت مسلمانان در سرزمین‌های مختلف اسلامی معرفی می‌کردند.

در این دوران، فتوهای جهاد عمده‌تاً توسط علما و فقهاء عثمانی صادر می‌شد و بیشتر بر مبارزه با کافران و دفع تهدیدات خارجی تمرکز داشت. با این حال، با گسترش سلطنت عثمانی و مواجهه با امپراتوری‌های بزرگ اروپایی، مانند

امپراتوری هابسبورگ و امپراتوری روسیه، مفهوم جهاد بیشتر به عنوان یک ابزار نظامی برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مقابله با تجاوزات خارجی مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این دوره، جهاد ابتدایی به عنوان یکی از اهداف مهم عثمانی‌ها مطرح بود که در آن امپراتوری عثمانی از جهاد به عنوان ابزار توسعه طلبی و تثبیت قدرت خود استفاده می‌کرد.

۳. دوره استعمار: فتاوی مبارزه با استعمار و

شکل‌گیری ادبیات مقاومت

با آغاز دوران استعمار در قرن نوزدهم و بیستم، جهان اسلام با تهدیدات جدیدی مواجه شد که از آن به عنوان استعمار غربی یاد می‌شود. استعمارگران اروپایی به ویژه از قرن نوزدهم میلادی به تدریج بر بسیاری از سرزمین‌های اسلامی تسلط یافتند و بسیاری از مناطق اسلامی به عنوان مستعمره‌های غربی درآمدند. در این شرایط، فقه جهاد و مبارزه با بیگانگان دستخوش تغییرات عمده‌ای شد. فتاوی جدید در خصوص جهاد علیه استعمارگران به ویژه در کشورهای عربی، هند و آفریقای شمالی صادر شد. در این دوران، جهاد دیگر تنها به عنوان یک امر دینی و نظامی برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی در برابر تهدیدات خارجی مطرح نمی‌شد، بلکه جهاد به عنوان ابزاری برای مقاومت علیه استعمارگران و مبارزه با سلطه استعمارگران غربی معرفی شد. فقهاء و علما با توجه به تحولات جدید جهانی، جهاد را نه تنها به عنوان

یک فریضه دینی بلکه به عنوان یک فریضه سیاسی و اجتماعی برای مبارزه با استعمارگران غربی در نظر گرفتند.

فتاوی جهاد در این دوران به ویژه در کشورهای مسلمان مانند مصر، هند و الجزایر صادر شد و علما و فقها به مسلمانان دستور دادند که در برابر استعمارگران غربی مقاومت کنند و به عنوان یک وظیفه دینی و ملی به مبارزه بپردازند. فتاوی معروف شیخ محمد عبده در مصر و فتاوی علما در هند و آفریقای شمالی نمونه هایی از این فتاوی هستند که جهاد را به عنوان ابزاری برای آزادی از استعمارگران غربی تفسیر می کردند. در این دوره، ادبیات مقاومت و تلاش برای بیداری امت در برابر استعمارگران به طور مؤثری شکل گرفت. شاعران و نویسندگان عرب و مسلمانان از جهاد به عنوان ابزاری برای بیداری امت و مبارزه با ظلم و سلطه استعمارگران استفاده کردند. شاعران و نویسندگان بزرگی مانند مصطفی لطفی المنفلوطی در مصر و شاکر مراد در الجزایر به طور گسترده ای بر مفهوم جهاد در مقابل استعمار تأکید کردند. در نتیجه، در دوران استعمار و پس از آن، جهاد به عنوان یک ابزار برای مبارزه با استعمارگران و سلطه گران غربی و همچنین برای بیداری امت اسلامی در برابر ظلم و فساد جهانی تأسیس شد. این تغییرات در رویکرد جهاد در مواجهه با تهدیدات خارجی و داخلی، به ویژه در قالب مقاومت ملی و مبارزه با استعمار، موجب شکل گیری ادبیات جدیدی در تاریخ اسلام و فقه جهاد شد.

در نهایت، در دوران عثمانی، صفوی و استعمار، فقه جهاد از یک ابزار دفاعی و گسترش قلمرو اسلام به ابزاری برای مقاومت در برابر تهدیدات بیگانگان و استعمارگران تبدیل شد. فتاوای جهاد در این دوره‌ها نه تنها برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی بلکه برای حفظ استقلال و هویت دینی مسلمانان در برابر استعمار و سلطه خارجی مطرح شدند. ادبیات مقاومت ملی و تلاش برای بیداری امت اسلامی در این دوران به‌طور مؤثری شکل گرفت و موجب تحولات بزرگ در تاریخ فقه جهاد و مفهوم آن در تاریخ اسلام شد..

جهاد در عصر جدید

در قرن بیستم، تحولات سیاسی و اجتماعی در سطح جهانی موجب تغییرات عمده‌ای در مفهوم و کاربرد فقه جهاد شد. انقلاب‌های مختلف اسلامی، از جمله انقلاب اسلامی ایران، مبارزات فلسطین و لبنان، و دفاع مقدس ایران، به‌ویژه با ظهور مفاهیم جدید مقاومت ملی و اسلامی، زمینه‌ساز شکل‌گیری فقه جهاد در بسترهای جدید سیاسی و اجتماعی شدند. این تحولات در پی وقوع استعمار و مبارزات ضد استعماری، چالش‌های جدیدی برای جوامع اسلامی ایجاد کرد و واکنش‌های مختلفی را از حوزه‌های علمیه در پی داشت. در این تحلیل، به واکنش حوزه‌های اسلامی به انقلاب‌های قرن بیستم و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری و تطور فقه جهاد، با تمرکز بر انقلاب اسلامی ایران، مبارزات فلسطین و لبنان و دفاع مقدس ایران، پرداخته خواهد شد.

۱. انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره)، یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و دینی قرن بیستم بود که تأثیرات عمده‌ای بر مفهوم جهاد در جهان اسلام گذاشت. انقلاب اسلامی نه تنها موجب سرنگونی رژیم طاغوت شد، بلکه مفهوم جهاد را از چارچوب‌های سنتی آن، که عمدتاً به‌عنوان دفاع از سرزمین اسلامی و مقابله با تهدیدات خارجی دیده می‌شد، به یک حرکت انقلابی با هدف تحقق عدالت اجتماعی، استقلال سیاسی و نفی سلطه استعمار و استبداد تبدیل کرد.

فقه جهاد در انقلاب اسلامی ایران: در انقلاب اسلامی ایران، جهاد به‌عنوان ابزاری برای مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی مطرح شد. امام خمینی و فقهای حوزه علمیه قم جهاد را به‌عنوان یک واجب شرعی و ملی برای تحقق اهداف انقلاب و مبارزه با سلطنت پهلوی و سلطه‌های خارجی تبیین کردند. در این راستا، فقه جهاد به‌ویژه در متون نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران تأکید بر جهاد در برابر ظلم، فساد و استعمار داشت. شعارهایی مانند «جهاد فی سبیل‌الله» و «نه شرقی نه غربی» به‌طور مستقیم از منابع دینی و فقهی جهاد استخراج می‌شدند و در کنار مفاهیمی همچون «ولایت فقیه»، «مقاومت اسلامی» و «مبارزه علیه ظلم»، نقش کلیدی داشتند.

فقه جهاد در دوران انقلاب اسلامی ایران بیشتر از هر زمان دیگری به‌عنوان یک ابزار مبارزه با استبداد و استعمار جهانی مورد توجه قرار گرفت. امام

خمینی در سخنرانی‌های خود جهاد را نه تنها به‌عنوان فریضه‌ای فردی بلکه به‌عنوان یک فریضه اجتماعی و جمعی برای اصلاح جامعه اسلامی تفسیر می‌کرد. در همین راستا، جهاد به‌عنوان یکی از ارکان انقلاب اسلامی ایران در برابر تهدیدات داخلی و خارجی و برای دستیابی به استقلال و عدالت اجتماعی مطرح شد.

۲. مبارزات فلسطین و لبنان

پس از انقلاب اسلامی ایران، مفاهیم جهاد و مقاومت اسلامی به‌ویژه در کشورهای عربی، به‌ویژه فلسطین و لبنان، مورد توجه و گسترش قرار گرفت. مبارزات مردم فلسطین در برابر اشغالگری اسرائیل و مبارزات گروه‌های مقاومت اسلامی در لبنان، همچون حزب‌الله لبنان، به‌عنوان نمونه‌های برجسته‌ای از جهاد در قرن بیستم معرفی شدند. در فلسطین، جهاد در برابر اشغالگران اسرائیلی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مبارزه علیه ظلم و اشغالگری مطرح شد. گروه‌های مختلف فلسطینی، به‌ویژه حماس و جهاد اسلامی فلسطین، مفهوم جهاد را به‌عنوان یک حرکت انقلابی و دینی برای آزادی فلسطین و مقابله با اسرائیل گسترش دادند. در این مبارزات، جهاد نه تنها به‌عنوان یک جنگ نظامی بلکه به‌عنوان یک جهاد فرهنگی و سیاسی برای بیداری امت اسلامی و تحقق حقوق ملت فلسطین تفسیر می‌شد.

حزب‌الله لبنان، که به‌ویژه بعد از جنگ‌های ۱۹۸۲ با اسرائیل به‌وجود آمد، یکی دیگر از نمونه‌های بارز فقه جهاد در قرن بیستم است. این گروه مقاومت

اسلامی در لبنان، با تأسیس خود در راستای مبارزه با اشغالگری اسرائیل، جهاد را به‌عنوان یک تکلیف شرعی و سیاسی برای آزادی سرزمین‌های اسلامی تفسیر کرد. این تأویل از جهاد در لبنان و فلسطین، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به‌طور مستقیم با مفاهیم مقاومت اسلامی و مبارزه با ظلم و اشغالگری پیوند خورد. در این دوران، جهاد نه تنها به‌عنوان یک ابزار نظامی برای مقابله با اشغالگران بلکه به‌عنوان ابزاری فرهنگی و سیاسی برای ایجاد بیداری امت اسلامی و اتحاد مسلمانان در برابر تهدیدات جهانی مطرح شد. فتاوی مختلف در این زمینه صادر شد که جهاد در برابر استعمارگران و اشغالگران نه تنها واجب بلکه یک فریضه دینی است.

۳. دفاع مقدس ایران

یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی که مفهوم جهاد را در بستر جنگ‌های معاصر اسلامی مورد توجه قرار داد، دفاع مقدس ایران در برابر حمله عراق در سال ۱۹۸۰ بود. جنگ ایران و عراق که به مدت هشت سال ادامه یافت، با عنوان «جهاد دفاعی» از سوی روحانیت توصیف شد. در این جنگ، ایران به‌طور گسترده‌ای از مفاهیم جهاد دفاعی برای مقابله با دشمن خارجی و حفظ استقلال ملی خود استفاده کرد. در فقه جهاد دفاعی، جهاد تنها در شرایطی مجاز است که جامعه اسلامی یا سرزمین‌های اسلامی در معرض تهدیدات خارجی قرار بگیرند. در جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی ایران به‌طور رسمی جهاد را به‌عنوان یک تکلیف شرعی برای دفاع از کشور و مردم

خود تفسیر کرد. آیت‌الله خمینی در این دوران تأکید داشت که این جنگ یک جنگ مقدس است که هدف آن دفاع از اصول اسلامی و سرزمین مسلمانان است. دفاع مقدس ایران تأثیر زیادی بر فقه جهاد در دنیای معاصر داشت. در فتاوی مختلف صادر شده در این دوران، جهاد به‌عنوان یک وظیفه دفاعی در برابر دشمن خارجی و تهدیدات نظامی تفسیر می‌شد. این تفسیر جدید از جهاد، به‌ویژه در کشورهای مسلمان و در میان گروه‌های مقاومت، تأثیرگذار بود و به‌عنوان الگویی برای مقاومت در برابر سلطه‌گران خارجی مطرح شد.

۴. شکل‌گیری «فقه جهاد» در شعارها و متون

انقلاب

فقه جهاد در دوران معاصر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به‌طور گسترده‌ای در شعارها و متون انقلاب گنجانده شد. در متون دینی و انقلابی، جهاد دیگر تنها به‌عنوان یک مفهوم نظامی مطرح نبود، بلکه ابزاری برای بیداری امت اسلامی، مبارزه با ظلم و فساد، و تحقق عدالت اجتماعی بود. این تغییر در رویکرد فقه جهاد به‌ویژه در مفاهیم مقاومت ملی و مبارزه با استعمار و سلطه‌گران غربی نمود یافت. فقه جهاد و مبارزه با استعمار و استبداد: فقه جهاد در این دوران بیشتر در راستای مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی تبیین می‌شد. در متون انقلابی ایران، مفاهیم جهاد در کنار دیگر اصول انقلاب مانند «ولایت فقیه»، «مقاومت اسلامی»، و «آزادی و استقلال» قرار گرفت. در این متون، جهاد نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یک

ابزار اجتماعی و سیاسی برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی مطرح شد. در شعارهای انقلاب اسلامی ایران، جهاد به عنوان ابزاری برای مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی به طور جدی مورد تأکید قرار گرفت. شعارهایی مانند «نه شرقی نه غربی» از جمله عباراتی بود که در طی انقلاب و در جریان دفاع مقدس به طور گسترده‌ای ترویج یافتند و اساس‌گذار فقه جهاد در دوره معاصر شدند.

واکنش‌های حوزه‌های علمیه به انقلاب‌های قرن بیستم، به‌ویژه انقلاب اسلامی ایران، مبارزات فلسطین و لبنان، و دفاع مقدس ایران، منجر به تغییرات عمده‌ای در مفهوم جهاد و فقه جهاد در دنیای معاصر شد. فقه جهاد دیگر تنها به عنوان ابزاری نظامی برای دفاع از سرزمین‌ها و مقابله با تهدیدات خارجی مطرح نبود، بلکه به عنوان ابزاری برای مقاومت ملی، مبارزه با سلطه و استعمار، و تحقق اهداف انقلاب‌های اسلامی و عدالت اجتماعی در کشورهای مسلمان مورد توجه قرار گرفت. در این دوره‌ها، جهاد به عنوان یک فریضه دینی و سیاسی، با پیوند با بیداری امت اسلامی، مبارزه با ظلم و فساد جهانی، و تلاش برای استقلال و آزادی جوامع اسلامی، نقش خود را به طور گسترده‌ای در شعارها و متون انقلاب‌های معاصر یافت.

بخش دوم:

ابعاد فقهی جهاد در اسلام

فصل اول:

مبانی فقهی جهاد نظامی در فقه

امامیه و اهل سنت

درآمد

این فصل به تحلیل مبانی و دلایل فقهی مرتبط با «جهاد نظامی» در فقه امامیه و اهل سنت اختصاص دارد. جهاد در اسلام یکی از مفاهیم اساسی است که در متون دینی و فقهی به‌طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است. برای درک صحیح از جهاد نظامی، لازم است به مبانی دینی و عقلانی آن پرداخته شود، زیرا جهاد، به‌ویژه در قالب جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی، همواره از جنبه‌های مختلف فقهی و فلسفی قابل بررسی است. در فقه امامیه، جهاد به‌طور عمده به دو نوع تقسیم می‌شود: «جهاد ابتدایی» و «جهاد دفاعی». جهاد ابتدایی به معنای جهاد در جهت گسترش اسلام و دعوت به دین است. امام خمینی (ره) این نوع جهاد را به‌عنوان تکلیفی ضروری برای مسلمانان در مقابله با کفر و برای برپایی کلمه توحید و اجرای احکام اسلام بر روی زمین تعریف کرده است. جهاد ابتدایی در واقع، جهاد در برابر کسانی است که به اسلام دعوت نمی‌شوند و به نوعی سران کفر و دشمنان اصلی دین را هدف قرار می‌دهد. در مقابل، جهاد دفاعی در صورتی واجب می‌شود که مسلمانان مورد تهدید یا تهاجم قرار بگیرند و در این شرایط، جهاد برای دفاع از جان، مال و دین مسلمانان به یک تکلیف ضروری تبدیل می‌شود.

این تقسیم‌بندی در فقه امامیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا جهاد ابتدایی را به‌عنوان اقدامی مشروع در دفاع از اسلام و مقابله با دشمنان خارجی در نظر می‌گیرد. امام خمینی در تحلیل این مسأله، تأکید زیادی بر

جهاد دفاعی داشته و آن را به عنوان یک فریضه ضروری و اجتناب‌ناپذیر در برابر تهدیدات خارجی قرار می‌دهد. این تأکید بر جهاد دفاعی ناشی از نگرانی برای حفاظت از اسلام و مسلمانان در برابر حملات دشمنان است. در حالی که در فقه اهل سنت، دیدگاه‌ها نسبت به جهاد ابتدایی و دفاعی تا حدودی متفاوت است. بسیاری از فقهای اهل سنت، هیچ‌گونه تفاوتی بین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی قائل نیستند و تمام جنگ‌ها و مبارزات در راه گسترش اسلام را به عنوان جهاد واجب می‌دانند. به علاوه، در بعضی مکتب‌های اهل سنت، جهاد در راستای گسترش کلمه اسلام و دعوت به دین به عنوان یک فریضه ضروری و عمومی در نظر گرفته می‌شود که تمامی مسلمانان باید در آن شرکت کنند.

در بررسی ادله فقهی، قرآن و روایات نقش بسیار مهمی در تبیین جهاد دارند. آیات قرآن در مورد جهاد به‌ویژه آیات سوره‌های توبه، انفال و فرقان، و همچنین روایات متعددی که از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) و اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده است، همگی بر وجوب جهاد در مواقع خاص تأکید دارند. قرآن کریم، به‌ویژه در آیات جهاد، به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر دشمنان اسلام از خود دفاع کنند و در صورت امکان، برای گسترش اسلام اقدام کنند. برای مثال، آیه ۲۹ سوره توبه به وضوح بر لزوم جهاد در برابر کسانی که از ایمان به اسلام سرباز می‌زنند، اشاره دارد. از سوی دیگر، استدلال‌های عقلی نیز در فقه اسلامی برای توجیه جهاد مطرح شده است. از دیدگاه فقهی، دفاع از خود و دیگر مسلمانان در برابر تهاجم‌های

خارجی از ضروریات است. عقل حکم می‌کند که در صورتی که دشمنان دین و مسلمانان به سرزمین‌های اسلامی حمله کنند، مسلمانان باید در برابر این تهدیدات ایستادگی کنند و از دین، سرزمین و کرامت مسلمانان دفاع کنند. به علاوه، در فقه اسلامی، کشورداری و تأمین امنیت جوامع اسلامی از دیگر دلایلی است که در جواز جهاد مورد استناد قرار می‌گیرد. بر اساس اصول فقهی، جهاد در راستای حفظ امنیت و بقای جامعه اسلامی ضروری است.

در مجموع، در این فصل به بررسی دقیق و فقهی جهاد نظامی پرداخته شده است که در آن، بررسی ادله نقلی از قرآن و روایات، استدلال‌های عقلی، و مبانی فقهی همچون اصل عدم اجبار در ایمان و شرایط خاص جهاد ابتدایی و دفاعی، مطرح و تحلیل می‌شود. این تحلیل‌ها نه تنها درک عمیق‌تری از جهاد نظامی در اسلام فراهم می‌آورد، بلکه به‌طور خاص، به تطبیق این مفاهیم در دنیای معاصر و نیازهای مدیریت و امنیت جوامع اسلامی کمک خواهد کرد.

ادله شرعی دال بر جهاد

در کتب فقهی، مسائل جهاد در ذیل بسیاری از مباحث فقهی دیگر همانند امر به معروف و نهی از منکر قرار دارد.^۱ اما در همه این کتب، ادله شرعی دال بر جهاد عبارتند از:

^۱ محمدبن محمد الشیخ المفید، المقنعه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۱۰-۸۱۲

۱. بررسی آیات دال بر جهاد

در قرآن کریم آیات بسیاری به صورت مستقیم و غیر مستقیم دال بر جهاد و فضائل آن وجود دارد که برخی از آنان عبارتند از:

۱،۱. سوره حج آیه ۳۹ و ۴۰

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ*الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۱ یعنی «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که بناحق از خانه هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد صومعه ها و کلیساها و کنیسه ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است.»

^۱ مذهب الاحکام ج ۱۵، ص ۷۷-۷۸

^۲ حج، ۳۹ و ۴۰

آیات مذکور از جمله آیات مهم قرآن است که به موضوع جهاد و دفاع از خود در برابر ظلم و تعدی پرداخته است و در سال نخست هجرت نازل شده است.^۱ این آیه به مسلمانانی که مورد ظلم واقع شده‌اند و از خانه‌هایشان به‌ناحق اخراج شده‌اند، اجازه می‌دهد تا برای حفظ جان و مال خود و دفاع از حقوق انسانی و دینی‌شان دست به جهاد بزنند. آیه اشاره دارد به کسانی که تنها به دلیل ایمان به خداوند از دیار خود رانده شده‌اند و در شرایطی قرار دارند که نمی‌توانند از حقوق خود به‌طور مسالمت‌آمیز دفاع کنند. نکته مهم در این آیه تأکید بر جنبه دفاعی جهاد است. بر اساس مفهوم آیه، جهاد در اینجا به‌منظور مقابله با ظلم و نقض حقوق بشر و دین است. آیه به‌وضوح می‌فرماید که اگر خداوند دفاع از مؤمنان را به‌وسیله یکدیگر نکند، مراکز عبادی و دینی، مانند صومعه‌ها، کلیساها، و مساجد که در آن‌ها نام خدا برده می‌شود، به‌خطر خواهند افتاد. این اشاره به حفظ مراجع دینی و فرهنگی مسلمانان در برابر هرگونه تعرض است.

در ارتباط با نزول این آیه، باید گفت که این حکم به‌ویژه در زمان هجرت پیامبر اسلام به مدینه و در پی آغاز جنگ‌ها و تعرضات مشرکان به مسلمانان نازل شد. مسلمانان که در مکه تحت ظلم شدید قرار داشتند و بسیاری از آن‌ها مجبور به ترک خانه‌های خود شدند، این آیه برایشان مجوز دفاع مشروع را صادر کرد. در این راستا، جهاد دفاعی نه‌تنها برای حفظ جان و مال

^۱ علی بن احمد الواحیدی، اسباب النزول الایات، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۰۸

مؤمنان، بلکه برای حمایت از مراکز دینی و فرهنگی جامعه اسلامی نیز ضروری شد. آیه ۳۹ به وضوح از نقش خداوند در حمایت از مؤمنان و دفع ظلم از آن‌ها یاد می‌کند، که این خود به عنوان عامل اصلی پیروزی در برابر ظلم و فساد است.

۱،۲. سوره بقره آیه ۲۱۶:

خداى متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱ یعنی «بر شما کارزار واجب شده است در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله ای که با او کرده اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است. آیه ۲۱۶ سوره بقره یکی از آیات مهم قرآن است که به موضوع جهاد و شرایط آن پرداخته است. این آیه به طور واضح بیان می‌کند که جهاد، برای مسلمانان واجب است و هرچند ممکن است در ابتدا

^۱ بقره، ۲۱۶

این فرمان ناخوشایند و دشوار به نظر برسد، اما در نهایت به نفع آن‌ها خواهد بود. این آیه که به‌طور مستقیم با مفهوم جهاد در قرآن کریم مرتبط است، به‌ویژه در فقه اسلامی و تفاسیر مختلف، نقش کلیدی در تبیین فلسفه جهاد و نحوه برخورد مسلمانان با این امر دارد.

در این آیه، واژه «کُتِبَ» به معنای واجب و الزام آور بودن جهاد برای مسلمانان آمده است. این واژه نشان می‌دهد که جهاد به‌عنوان یکی از وظایف دینی، به‌طور مستقیم از جانب خداوند برای مسلمانان مقرر شده است و نه تنها امری اختیاری یا توصیه‌ای است. واژه «کُرْهُ» نیز به معنای ناخوشایند بودن است. به این معنا که مسلمانان ممکن است در ابتدا از این امر ناخوشنود باشند و درک کنند که جهاد سخت و دشوار است. در دنیای معاصر، جهاد نه تنها در مفهوم نظامی خود بلکه در ابعاد مختلف از جمله جهاد فرهنگی، جهاد علمی و جهاد سایبری نیز اهمیت پیدا کرده است. آیه ۲۱۶ سوره بقره می‌تواند به‌طور نمادین به همه ابعاد این جهادها اشاره داشته باشد. در حال حاضر، مسلمانان باید در کنار دفاع از سرزمین خود، با ابزارهای مدرن مانند رسانه‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نیز مبارزه کنند تا آموزه‌های اسلامی و عدالت اجتماعی را در سطح جهانی گسترش دهند. با توجه به این نکته، جهاد در دنیای معاصر شامل جنگ‌های سنتی نیز می‌شود، اما امروز این جنگ‌ها به سمت جهاد فرهنگی و رسانه‌ای نیز تغییر جهت داده‌اند. در این زمینه، جهاد فرهنگی و علمی همان‌طور که در گذشته‌ها شاهد بودیم، برای مبارزه با فساد و ترویج آموزه‌های اسلامی در جهان ضروری است.

آیه ۲۱۶ سوره بقره از قرآن کریم تأکید می‌کند که جهاد، با وجود سختی‌ها و دشواری‌هایی که ممکن است به نظر برسد، در نهایت به نفع مسلمانان است و نه تنها در ابعاد نظامی بلکه در ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز اهمیت دارد. این آیه، فلسفه جهاد را از منظر الهی شرح می‌دهد و نشان می‌دهد که حتی در شرایط دشوار، خداوند از بندگان خود در راه تحقق عدالت و حفظ دین حمایت خواهد کرد. همچنین این آیه به‌طور نمادین، مفهوم جهاد در دنیای معاصر را گسترش می‌دهد، جایی که جهاد نه تنها در میدان جنگ بلکه در جهاد فرهنگی و رسانه‌ای نیز باید انجام شود.

۱،۳. سوره بقره آیه ۲۱۸:

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ یعنی «آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده اند آنان به رحمت خدا امیدوارند خداوند آمرزنده مهربان است.»

جهاد در قرآن کریم همواره با هدفی والا و انسانی همراه بوده است. این هدف عبارت است از تقویت ایمان فردی و جمعی و دفاع از حقوق انسانی در برابر ظلم و فساد. از آن‌جا که جهاد در مسیر خداوند و برای تحقق اراده الهی است، نتیجه آن علاوه بر بهبود وضعیت دینی و اجتماعی، در نهایت به جلب رحمت الهی منتهی می‌شود. جهاد نه تنها در میدان جنگ بلکه در عرصه‌های

^۱ بقره، ۲۱۸

دیگر زندگی، همچون مبارزه با نفس، تلاش برای اصلاح جامعه، و خدمت به خلق نیز معنی پیدا می‌کند. آیه مورد نظر به وضوح نشان می‌دهد که کسانی که در این مسیر سه‌گانه (ایمان، هجرت و جهاد) قرار می‌گیرند، به‌طور طبیعی به رحمت الهی امیدوارند. این امیدواری به‌دلیل یقین به این است که خداوند متعال غفور و رحیم است و حتی گناهان بزرگ را می‌آمرزد و بندگان خود را در مسیر جهاد و اصلاح مورد بخشش و لطف قرار می‌دهد. در حقیقت، جهاد نه‌تنها موجب تقویت شخصیت معنوی فرد می‌شود بلکه رحمت و بخشش الهی را نیز به همراه دارد.

۱،۴. سوره بقره آیه ۱۹۱ و ۱۹۲

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ یعنی «و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شُرک] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است* و اگر باز ایستادند البته خدا آمرزنده مهربان است.»

^۱ بقره، ۱۹۱ و ۱۹۲

یکی از آیات مهم قرآن در زمینه جهاد و جنگ است که مفاهیم پیچیده و معانی دقیق‌تری از جهاد و اصول جنگ در اسلام را ارائه می‌دهد. در این آیه، خداوند متعال به مؤمنان دستور می‌دهد که در صورت مواجهه با دشمنان که به مقابله با اسلام و مسلمانان پرداخته‌اند، به دفاع بپردازند و در مواقع لزوم از جنگ استفاده کنند. آیه ۱۹۱ سوره البقره، در چارچوب مفاهیم جنگ و جهاد در قرآن قرار می‌گیرد. در این آیه، خداوند دستور می‌دهد که مسلمانان باید در برابر دشمنانی که به مقابله با آن‌ها برخاسته‌اند، واکنش نشان دهند و در صورت لزوم، آنان را از میان بردارند. در ابتدا، این آیه بیان می‌کند که باید دشمنان را «هرکجا که آنها را یافتید» از بین ببرید و اگر آنها مسلمانان را از مکان‌های خود بیرون کرده‌اند، باید همانطور که آنان را بیرون کرده‌اند، دشمنان را نیز از مکان‌های خود بیرون کنید. این دستور به نوعی نشان‌دهنده اهمیت حفظ قدرت مسلمانان در برابر دشمنان و دفاع از سرزمین‌ها و جایگاه‌های مذهبی است.

در این آیه، به فتنه اشاره شده است که «أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (فتنه از قتل بدتر است). در اینجا، «فتنه» به معنای آزمایش‌های دینی یا ایمان‌زدایی است که می‌تواند مسلمانان را از مسیر راست منحرف کند. فتنه در قرآن در بسیاری از موارد با کفر و فساد دینی مرتبط است. در واقع، در این آیه، فتنه به عنوان تهدیدی برای دین اسلام و جامعه مسلمانان بیان شده است که از قتل بدتر است. یعنی اینکه در شرایطی که افراد دینی به فتنه و فساد می‌پردازند، این خطر بیشتر از کشتن آن‌ها است. این مفهوم به‌ویژه در زمان‌های جنگ و درگیری‌های اجتماعی مهم است، چرا که دشمنان اسلام ممکن است به جای کشتن مسلمانان، سعی کنند آن‌ها را به ارتداد و انحراف از مسیر دینی خود وادار کنند. در این آیه، علاوه بر تأکید بر دفاع

از دین و جامعه، مفهوم «فتنه» به عنوان خطری بزرگ‌تر از قتل مطرح می‌شود. این نکته اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که جهاد تنها به معنای جنگ فیزیکی نیست، بلکه در مواقعی که جامعه اسلامی با تهدیدات دینی و اعتقادی مواجه می‌شود، جهاد به عنوان یک واکنش دینی و اخلاقی ضروری است. همچنین این آیه نشان می‌دهد که حتی در مواقع جنگ، مسلمانان باید از مکان‌های مقدس و مبارزه در کنار مسجد الحرام خودداری کنند مگر اینکه دشمن خود آغازگر جنگ باشد. در ادامه آیه، خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» که به معنای «اگر آنان از جنگ دست کشیدند، خداوند آمرزنده و مهربان است.» این بخش از آیه تأکید می‌کند که جهاد و جنگ تنها در صورتی مشروع است که دشمن به جنگ ادامه دهد، اما اگر دشمن دست از جنگ کشید و به صلح و آشتی رسید، مسلمانان باید به آن پاسخ مثبت دهند. این بخش از آیه بر عنصر آموزش و بخشش الهی تأکید دارد که حتی در موارد جنگ نیز خداوند رحمت و بخشش خود را در نظر می‌گیرد و به کسانی که از جنگ دست می‌کشند، بخشش می‌دهد.

۳،۱. سوره بقره آیه ۱۹۰

همچنین می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۱ یعنی «و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید ولی از اندازه درنگذیرید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.»

آیه ی ۱۹۰ سوره البقره به وضوح دستور جنگیدن در راه خدا را می‌دهد. در ابتدا، خداوند به مسلمانان می‌فرماید که باید در راه خدا با کسانی که با آن‌ها می‌جنگند، بجنگند. این عبارت به‌ویژه به جنگ‌های دفاعی اشاره دارد که مسلمانان به‌عنوان یک اقدام ضروری و مشروع باید از خود دفاع کنند. «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای جنگیدن در مسیر خداوند است؛ یعنی هدف از این جنگ‌ها نباید هرگز دنیاگرایانه یا شخصی باشد، بلکه باید هدف نهایی آن خدمت به دین و تعالی اصول الهی باشد. اما در ادامه آیه، خداوند از مسلمانان می‌خواهد که از «تجاوز» پرهیزند و تأکید می‌کند که «خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد». این بخش از آیه، نه تنها به مسلمانان دستور می‌دهد که در جنگ‌ها تنها برای دفاع از خود و اصول دین بجنگند، بلکه تأکید می‌کند که هیچ‌گاه نباید در جنگ‌ها از مرزهای اخلاقی و انسانی تجاوز کنند. تجاوز به معنای کشتار بی‌گناهان، تخریب بی‌رویه، و آسیب به محیط زیست است که در هیچ شرایطی در اسلام پذیرفته نمی‌شود.

یکی از ویژگی‌های برجسته جهاد در قرآن، رعایت اخلاق جنگی است. اسلام نه تنها جنگ را در مواقع خاص مجاز می‌داند بلکه در عین حال، اصول اخلاقی خاصی را برای نحوه جنگیدن تعیین کرده است. در آیه ی فوق، خداوند به وضوح از مسلمانان می‌خواهد که در جنگ‌ها از تجاوز به حد و مرزها پرهیز کنند. این «عدم تجاوز» به‌عنوان یک اصل اخلاقی در جنگ، در قرآن کریم بارها تکرار شده است و در سیره پیامبر اسلام نیز به وضوح قابل مشاهده است. در جنگ‌های دوران پیامبر اسلام، حتی زمانی که مسلمانان در

معرض تهدید قرار داشتند، همیشه از آسیب رساندن به زنان، کودکان، و غیرنظامیان خودداری می‌شد. همچنین، مسلمانان از تخریب مزارع، درختان، و منابع طبیعی خودداری می‌کردند، چرا که چنین اقداماتی نه تنها غیرانسانی بود بلکه از نظر شرعی نیز ممنوع بود.

جهاد در قرآن علاوه بر دفاع از دین و سرزمین، به طور مستقیم با برقراری عدالت اجتماعی نیز ارتباط دارد. خداوند در قرآن از مسلمانان می‌خواهد که در صورت ضرورت وارد جنگ شوند تا از عدالت و حقوق انسانی دفاع کنند. این نکته در آیه ی ۱۹۰ نیز به طور ضمنی وجود دارد، چرا که خداوند مسلمانان را به جنگ با کسانی که با آنها می‌جنگند و از عدالت الهی در مسیر اسلام جلوگیری می‌کنند، دستور می‌دهد. اما در عین حال، تأکید دارد که هیچ‌گاه نباید از حد و مرزها در این مبارزه تجاوز کرد. بنابراین، جهاد در اسلام تنها یک عمل فیزیکی و نظامی نیست بلکه در حقیقت یک عمل اجتماعی است که برای تحقق عدالت، آزادی، و دفاع از حقوق بشر در برابر ظلم و فساد صورت می‌گیرد. این جهاد باید در جهت حفظ کرامت انسانی و دفاع از اصول اخلاقی و دینی باشد، نه برای انتقام‌جویی یا جنگ‌های جاه‌طلبانه.

۳،۲. سوره محمد (صلی الله علیه وآله علیه السلام) آیه ۳۱

خدای متعال در سوره مبارکه محمد (صلی الله علیه وآله علیه السلام) می فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ» یعنی «و البته شما را می آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم و گزارشهای [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم.»

آیهی فوق به طور خاص به آزمایش و آزمون های الهی اشاره دارد. در ابتدا، خداوند اعلام می کند که مسلمانان را به طور قطعی «آزمایش خواهد کرد» تا بتواند کسانی را که در این مسیر «مجاهد» هستند و کسانی که «صابر» هستند، شناسایی کند. کلمه ی «بلونا» به معنای آزمایش و امتحان است و نشان می دهد که بلایای دنیا و چالش های زندگی فرصتی هستند برای نشان دادن ایمان و استقامت فردی. در این آیه، خداوند از مسلمانان می خواهد تا در برابر چالش ها و مشکلات دست از ایمان برندارند و به طور مستمر در راه خدا مجاهدت کنند. کلمه ی «مُجَاهِدِينَ» در این آیه به کسانی اطلاق می شود که در راه خداوند تلاش و جهاد می کنند. این جهاد می تواند به معنای جهاد فیزیکی و دفاع از دین در میدان جنگ باشد، اما جهاد در قرآن به معنای تلاش برای اصلاح نفس، مقابله با فساد، و پایداری در برابر فتنه ها نیز آمده است. همچنین، واژه ی «صَابِرِينَ» به معنای کسانی است که در برابر سختی ها و آزمایش های زندگی، شکیبایی و استقامت از خود نشان می دهند.

این صبر نه تنها در مواجهه با مشکلات فیزیکی بلکه در حفظ ایمان و اصول دینی در مواجهه با فتنه‌ها و دشواری‌های اجتماعی نیز به کار می‌رود.

آیه ۳۱ سوره محمد همچنین به ارتباط نزدیکی که بین جهاد و صبر وجود دارد اشاره دارد. در واقع، جهاد و صبر دو ویژگی ضروری برای یک مسلمان است که در مواجهه با مشکلات و دشمنان، باید به‌طور همزمان از آن‌ها بهره‌برد. جهاد بدون صبر نمی‌تواند ثمربخش باشد؛ چرا که مشکلات و موانع فراوانی در مسیر جهاد وجود دارد و تنها کسانی که صبر و استقامت از خود نشان دهند، می‌توانند در این مسیر موفق شوند. صبر در این آیه به معنای ایستادگی در برابر سختی‌ها و بلایای زندگی است. در واقع، خداوند متعال در این آیه به مسلمانان می‌فرماید که جهاد و صبر دو ویژگی‌ای هستند که باید در کنار هم و به‌طور همزمان وجود داشته باشند. مسلمانانی که در راه خدا جهاد می‌کنند و در برابر دشواری‌ها و فتنه‌ها صبر و استقامت از خود نشان می‌دهند، از نظر خداوند در جایگاه والایی قرار دارند.

۳,۳. سوره محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) آیه ۴

همچنین می‌فرماید: « فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوُثَاقَ فَمَا مَنَّا بَعْدَ وَإِمَّا فِدَاءٌ حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَآتَتْصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ^۱ » یعنی « پس چون با کسانی که کفر ورزیده اند برخورد کنید

گردنها [یشان] را بزنید تا چون آنان را [در کشتار] از پای درآوردید پس [اسیران را] استوار در بند کشید سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید] تا در جنگ اسلحه بر زمین گذاشته شود این است [دستور خدا] و اگر خدا می خواست از ایشان انتقام می کشید ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید و کسانی که در راه خدا کشته شده اند هرگز کارهایشان را ضایع نمی کند»

آیهی مذکور ابتدا دستور می دهد که در برابر دشمنانی که کفر ورزیده اند، مسلمانان باید «ضرب گردن» کنند. این دستور به ویژه در زمان جنگ های فیزیکی که تهدیداتی جدی برای مسلمانان وجود دارد، معنای دفاعی دارد. منظور از «ضرب گردن» در اینجا به معنای ضربه ای است که دشمن را از میدان نبرد خارج کرده و خطر آن را برای مسلمانان از بین می برد. این دستور، به ویژه در دوران جنگ های ابتدایی اسلام و مقابله با دشمنانی که به طور آشکارا در برابر اسلام ایستاده بودند، به طور عملی و دفاعی برای حفظ امنیت جامعه مسلمانان به کار می رفت. در ادامه، زمانی که دشمن شکست می خورد و اسیر می شود، «شدت وثاق» یا بستن دست و پای اسرا مطرح می شود. این مرحله نشان می دهد که تا زمانی که جنگ ادامه دارد، باید از دشمن به طور مؤثر نگهداری کرد تا از هرگونه تهدید احتمالی جلوگیری شود.

پس از آن، مسلمانان می توانند یکی از دو گزینه را در مورد اسرا انتخاب کنند: «مَنْت» و «فدیة». «مَنْت» به معنای آزادسازی اسیران بدون دریافت هیچ گونه مبلغ یا غرامت است و «فدیة» به معنای دریافت غرامت برای

آزادی اسرا است. این روش‌ها به‌ویژه در شرایطی که مسلمانان قدرت کافی برای آزادسازی اسرا بدون دریافت هیچ‌چیز ندارند، منطقی به نظر می‌رسد. این شیوه‌ها بر اهمیت احترام به کرامت انسان‌ها حتی در زمان جنگ تأکید دارد و نشان می‌دهد که در اسلام، حتی در شرایط بحرانی جنگ، باید رفتار انسانی و اخلاقی با اسرا و دشمنان داشت.

یکی از مفاهیم مهمی که در این آیه بیان شده است، مفهوم آزمایش الهی است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَلَكِنْ لَّيْلُوْا بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ». این جمله نشان‌دهنده این است که جنگ و جهاد نه تنها برای دفاع از دین و سرزمین بلکه به عنوان یک آزمایش الهی برای سنجش میزان ایمان و تقوای مسلمانان است. خداوند از طریق جهاد و درگیری‌های جنگی، ایمان مسلمانان را می‌آزماید تا کسانی که در برابر فتنه‌ها ثابت‌قدم باقی می‌مانند و در مسیر خداوند جهاد می‌کنند، مشخص شوند. این آزمایش‌ها به عنوان فرصتی برای رشد معنوی و ارتقای سطح ایمان افراد در نظر گرفته شده است. در ادامه آیه، خداوند می‌فرماید: «وَالَّذِيْنَ قَتَلُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَلَنْ يُضِلَّ اَعْمَالُهُمْ». این بخش از آیه تأکید می‌کند که کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، اعمالشان از بین نمی‌رود و در نزد خداوند مورد پاداش قرار می‌گیرند. در اسلام، کشته شدن در راه خدا یکی از بزرگ‌ترین افتخارات است و به شدت از آن تجلیل می‌شود. این آیه به مسلمانان یادآوری می‌کند که در مسیر جهاد، حتی اگر جان خود را از دست دهند، هیچ‌گاه اعمال خیرشان ضایع نخواهد شد و در نهایت به پاداش الهی دست خواهند یافت.

در اسلام، جهاد با اهداف انسان‌مدارانه و عادلانه تشریع شده است. برخلاف جنگ‌های جاه‌طلبانه و سلطه‌جویانه که در تاریخ بشری مشاهده می‌شود، جهاد در اسلام به‌عنوان یک وظیفه دفاعی و در راستای برقراری عدالت تعریف شده است. این آیه همچنین تأکید دارد که در جنگ باید از هرگونه ظلم و تجاوز به حقوق دیگران پرهیز شود. دستور به «مَنْت» و «فَدِیَه» نشان می‌دهد که در برخورد با دشمنان، حتی پس از پیروزی، باید بر اصول اخلاقی و انسانی پایبند بود.

۳،۴. سوره توبه آیه ۴۱

خدای متعال در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»^۱ یعنی «سبکبار و گرانبار بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید این برای شما بهتر است.»

آیه‌ی فوق از سوره توبه به مسلمانان دستور می‌دهد که برای جهاد در راه خدا آماده باشند، چه سبکبار و چه گرانبار. عبارت «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا» به معنای «سبکبار و گرانبار بسیج شوید» است. این عبارت نشان می‌دهد که مسلمانان باید با هر شرایط و وضعیتی آماده جهاد باشند، از نظر جسمی و مالی. در حقیقت، مسلمانان باید در هر شرایطی که هستند، حتی اگر به نظر برسد که آماده نیستند، خود را برای جهاد در راه خدا آماده کنند. در ادامه، خداوند

^۱ توبه، ۴۱

دستور می‌دهد که مسلمانان باید با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند: «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». این بخش از آیه بر دو جنبه جهاد تأکید دارد: جهاد مالی و جهاد نفسی. جهاد مالی به معنای استفاده از دارایی‌ها و اموال برای پیشبرد اهداف اسلام است. جهاد نفسی نیز به معنای فدا کردن جان و انرژی در راه خداوند است. این دو نوع جهاد، همزمان با یکدیگر، باید در راستای تعالی اسلام و دفاع از اصول الهی صورت گیرد.

یکی از مفاهیم اصلی این آیه، فداکاری و ازخودگذشتگی است. جهاد در اسلام همیشه با فداکاری در برابر مشکلات همراه بوده است. خداوند از مسلمانان می‌خواهد که حتی در شرایط سخت، وقتی که ممکن است منابع مالی یا توان جسمی محدودی داشته باشند، از آنچه دارند، برای پیشبرد اهداف دین استفاده کنند. عبارت «وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» بر این نکته تأکید دارد که جهاد در اسلام نه تنها به معنای دفاع فیزیکی بلکه به معنای فدا کردن همه چیز برای اسلام است. در واقع، این آیه به مسلمانان یادآوری می‌کند که جهاد با مال و جان نه تنها یک وظیفه است بلکه یک راه برای نزدیک‌تر شدن به خداوند و کسب پاداش‌های عظیم الهی است. به‌طور خاص، جهاد با مال و جان می‌تواند به‌عنوان یک آزمون برای نشان دادن صداقت ایمان و تسلیم شدن در برابر اراده خداوند در نظر گرفته شود.

ر این آیه، دو نوع جهاد به‌طور مشخص مورد تأکید قرار گرفته است: جهاد مالی و جهاد نفسی. جهاد مالی به این معناست که مسلمانان باید اموال خود

را در راه خداوند صرف کنند. این می‌تواند شامل کمک‌های مالی به نیازمندان، کمک به تجهیز مجاهدان در میدان جنگ، یا حتی حمایت از پروژه‌های اجتماعی که اهداف دینی را دنبال می‌کنند باشد. جهاد مالی در اسلام به‌عنوان یک ابزار برای تقویت جامعه اسلامی و رفع نیازهای آن در نظر گرفته می‌شود. جهاد نفسی نیز به معنای فدا کردن جان و نفس برای پیشبرد اهداف اسلام است. این نوع جهاد به‌ویژه در میدان جنگ‌های فیزیکی مطرح می‌شود، اما در معنای وسیع‌تر خود، به‌عنوان یک تلاش معنوی برای دفاع از ایمان و اصول الهی در برابر هر نوع تهدید یا فتنه است. جهاد نفسی همچنین شامل تلاش برای اصلاح نفس، مقابله با گناهان، و پایبندی به اصول اخلاقی و دینی در زندگی روزمره است. خداوند می‌فرماید: «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، که نشان می‌دهد انجام جهاد نه تنها برای دفاع از دین و جامعه است، بلکه برای رشد و تعالی فردی نیز لازم است. جهاد در اسلام به‌عنوان یک وسیله برای آزمایش ایمان و اراده مسلمانان در نظر گرفته می‌شود. در واقع، خداوند از مسلمانان می‌خواهد که در شرایط سخت، از امکانات و منابع خود برای پیشبرد اهداف الهی استفاده کنند تا ایمانشان محک بخورد و ثابت‌قدم باشند.

۳،۵. سوره توبه آیه ۱۱۱

همچنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

الْعَظِيمُ»^۱ یعنی «در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله ای که با او کرده اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است.»

آیه‌ی مورد نظر یکی از آیات مهم در بیان مفاهیم جهاد و فداکاری در اسلام است. خداوند در این آیه، ابتدا به‌طور آشکار به مؤمنان اعلام می‌کند که جان و مالشان را به بهای بهشت از آن‌ها خریداری کرده است. این مفهوم نشان‌دهنده‌ی عمیق‌ترین نوع فداکاری در راه خداست. خریداری جان و مال، به معنای فدا کردن تمام دارایی‌ها و جان در راه اهداف الهی است. در ادامه، خداوند می‌فرماید که مؤمنان در راه خدا می‌جنگند، می‌کشند و کشته می‌شوند. این عبارت به‌وضوح نشان می‌دهد که جهاد، نه تنها یک اقدام دفاعی است بلکه به‌عنوان یک عمل فداکارانه و ایثارگرانه در راه خدا و دفاع از اصول دین مطرح است. این جنگیدن و کشته شدن در راه خدا به معنای تحمل سختی‌ها و قربانی کردن خود برای پیشبرد اهداف الهی است. خداوند همچنین در این آیه به وعده‌ای که در سه کتاب آسمانی (تورات، انجیل و قرآن) آمده اشاره می‌کند. این وعده، وعده‌ی بهشت است که در برابر فداکاری و جهاد مؤمنان داده شده است. در واقع، خداوند از مؤمنان می‌خواهد

که با ایمان و اطمینان به این وعده، در جهاد شرکت کنند و به هدف نهایی خود که همان بهشت است، دست یابند.

عبارت «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ» نشان‌دهنده این است که خداوند از مؤمنان جان و مالشان را می‌خرد. این معامله، یک نوع فداکاری در راستای تحقق اراده الهی است. در قرآن، چنین فداکاری‌هایی با عناوین مختلفی چون جهاد و فداکاری در راه خدا بیان می‌شود. در واقع، مؤمنان باید برای رسیدن به بهشت، تمام دارایی‌های دنیوی خود را فدای راه خدا کنند. این مفهوم جهاد را به‌طور مستقیم با فداکاری و ایثار مرتبط می‌سازد. خداوند در این آیه نشان می‌دهد که این معامله، یک معامله خاص و ویژه است که خداوند آن را به عنوان وعده‌ای قطعی و حقدار از سوی خود در قرآن، انجیل و تورات آورده است. در واقع، خداوند به مؤمنان می‌گوید که هیچ‌کس از او به عهد خود وفادارتر نیست، بنابراین مؤمنان باید از این فرصت طلایی که به آن‌ها داده شده است، شادمان باشند.

خداوند در این آیه وعده می‌دهد که کسانی که در راه خدا جهاد می‌کنند و در این مسیر کشته می‌شوند، به بهشت خواهند رسید. این وعده، در حقیقت، به‌عنوان پاداش نهایی جهاد معرفی شده است. در این آیه، جهاد به‌عنوان یک عمل مهم و ضروری در زندگی مسلمانان معرفی شده که منجر به پاداش بزرگ الهی (بهشت) خواهد شد. در قرآن، جهاد نه تنها به‌عنوان یک وظیفه دفاعی بلکه به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به قرب الهی و پاداش‌های معنوی

معرفی شده است. وعده بهشت برای کسانی که در راه خدا جان و مال خود را فدای اهداف الهی می‌کنند، بزرگ‌ترین پاداش است که هیچ‌چیز نمی‌تواند آن را جایگزین کند. این پاداش، نه تنها یک پاداش معنوی است بلکه نشان‌دهنده‌ی ارتباط عمیق بین فداکاری در راه خدا و رسیدن به آرمان‌های الهی است.

آیه‌ی فوق به‌طور ویژه به مفهوم جهاد دفاعی و ابتدایی اشاره دارد. در جهاد دفاعی، مسلمانان به دفاع از دین و سرزمین خود در برابر حملات دشمنان می‌پردازند. در جهاد ابتدایی، مسلمانان به‌طور فعال به گسترش دین و مقابله با فساد در جامعه می‌پردازند. در هر دو نوع جهاد، خداوند به مسلمانان می‌گوید که باید جان و مال خود را فدای راه خدا کنند و در برابر دشمنان ایستادگی کنند. در هر دو نوع جهاد، وعده‌ای که خداوند داده است، یک پاداش عظیم است که در نهایت به بهشت می‌انجامد. این وعده الهی نه تنها انگیزه‌ای برای جهاد در میدان نبرد بلکه انگیزه‌ای برای تلاش در راه اهداف بزرگ‌تر اسلام است. خداوند در آیه‌ی فوق می‌فرماید: «وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنْ اللَّهِ»، که نشان می‌دهد خداوند به وعده‌های خود وفادار است و هیچ‌کس وفادارتر از خدا به وعده‌های خود نخواهد بود. این بخش از آیه نشان‌دهنده‌ی اطمینان مؤمنان به وعده‌های خداوند است. مؤمنان باید با ایمان و اعتماد به وعده‌های الهی، در مسیر جهاد گام بردارند و از هر نوع تردید و نگرانی بپرهیزند. وفای به عهد در این آیه به‌عنوان یک ویژگی الهی مطرح می‌شود و به مسلمانان یادآوری می‌کند که وعده‌های خداوند قطعی و حق هستند و

هیچ چیز نمی‌تواند آن‌ها را تغییر دهد. بنابراین، مؤمنان باید با اطمینان خاطر در مسیر جهاد حرکت کنند و به پادشاه‌های الهی که در انتظارشان است، ایمان داشته باشند.

۳،۶. سوره انفال آیه ۷۴

خدای متعال در سوره مبارکه انفال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ»^۱ یعنی «و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده اند آنان همان مؤمنان واقعی اند برای آنان بخشایش و روزی شایسته ای خواهد بود.»

آیه‌ی ۷۴ سوره انفال به مؤمنانی اشاره دارد که ویژگی‌های برجسته‌ای چون ایمان، هجرت، جهاد، پذیرش مهاجران و یاری نمودن آنان را دارا هستند. در واقع، این آیه یک توصیف از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی در اسلام ارائه می‌دهد که در آن ایمان به خداوند، هجرت از سرزمین‌های کفر به سرزمین‌های اسلامی، و جهاد در راه خدا از ارکان اصلی هستند.

- ایمان: ایمان به خداوند اولین و اساسی‌ترین شرط در نظر قرآن است. ایمان در این آیه به‌عنوان پیش‌شرط جهاد و هجرت معرفی

می‌شود. ایمان به‌عنوان پیوندی عمیق و درونی با خداوند است که موجب عمل به دستورات الهی می‌شود.

- هجرت: هجرت در این آیه به معنای ترک خانه و کاشانه برای حفظ ایمان و اعتقاد به خداوند است. هجرت همچنین به‌عنوان نشان‌دهنده‌ی جدایی از تعلقات دنیوی و حرکت به‌سوی معنویت و اصلاح جامعه است. هجرت در قرآن تنها یک عمل فیزیکی نیست، بلکه به‌عنوان نمایانگر انتخابی از سر ایمان برای پیوستن به اهداف الهی است.

- جهاد: جهاد در قرآن نه‌تنها به معنای نبرد نظامی بلکه به معنای تلاش و فداکاری در راه اهداف الهی است. جهاد در این آیه به‌عنوان بخشی از مسئولیت‌های مؤمنان به‌شمار می‌آید که باید در برابر دشمنان دین و انسانیت بایستند. این جهاد می‌تواند در زمینه‌های مختلف از جمله دفاع از دین، مبارزه با فساد، و گسترش عدالت اجتماعی باشد.

- نصرت مهاجران: در این آیه، خداوند به کسانی که مهاجران را پناه داده و از آنان حمایت کرده‌اند نیز اشاره می‌کند. این بخش از آیه به‌ویژه بر کمک و هم‌دلی در میان مسلمانان تأکید دارد و نشان می‌دهد که پذیرش و یاری دادن به دیگر مسلمانان از ویژگی‌های مؤمنان حقیقی است.

هجرت در این آیه به عنوان یک نشانه از فداکاری و ایثار معرفی می شود. مهاجران در تاریخ اسلام با ترک خانه و کاشانه خود و گذشتن از زندگی دنیوی برای حفظ ایمان، در واقع نشان دادند که هدف آنان تنها رسیدن به خداوند است. هجرت تنها یک حرکت فیزیکی نبود، بلکه به معنای یک انتخاب معنوی برای پیوستن به جامعه ای بود که هدف اصلی آن پیاده سازی اصول الهی و تحقق عدالت اجتماعی بود. از سوی دیگر، هجرت به عنوان یک آزمایش الهی نیز مطرح است. در حقیقت، مهاجران باید با سختی ها و مشکلات فراوانی روبه رو می شدند و این آزمایش باعث می شد که میزان ایمان و استقامت آن ها در مسیر خداوند سنجیده شود. هجرت در این آیه به عنوان یک نوع از خودگذشتگی و فداکاری در نظر گرفته شده است که همراه با جهاد در راه خدا، مؤمنان را به سوی رستگاری و بهشت سوق می دهد.

آیه ی فوق علاوه بر تأکید بر جهاد و هجرت، به موضوع حمایت از دیگران نیز اشاره دارد. کسانی که مهاجران را پناه داده و یاری کرده اند، نیز در این آیه به عنوان مؤمنان واقعی معرفی می شوند. این بخش از آیه به ویژه به اهمیت همکاری، هم دلی و حمایت اجتماعی در جامعه اسلامی تأکید دارد. در اسلام، مسلمانان به عنوان یک جامعه واحد باید یکدیگر را در مشکلات یاری کنند. این آیه نشان می دهد که همکاری و حمایت از مسلمانان دیگر، همچنین هم دلی در شرایط سخت و دشوار، از ویژگی های مؤمنان واقعی است. به

همین دلیل، یاری دادن به دیگران نه تنها یک وظیفه اخلاقی بلکه یک بخش مهم از جهاد در راه خدا محسوب می شود.

در پایان آیه، خداوند وعده می دهد که برای کسانی که ایمان آورده و جهاد کرده اند، «مغفرت» و «رزق کریم» خواهد بود. این وعده نشان دهنده ی پاداش عظیم الهی برای کسانی است که در راه خدا جهاد می کنند. در واقع، جهاد در راه خدا نه تنها به معنای کسب پاداش دنیوی بلکه در نهایت به معنای دریافت مغفرت و رحمت الهی است. خداوند با این وعده به مؤمنان تأکید می کند که جهاد در راه خدا نه تنها آن ها را به سوی رستگاری دنیوی هدایت می کند بلکه به آن ها بهشت و مغفرت الهی را نیز خواهد بخشید. این پاداش الهی نشان دهنده ی این است که جهاد در اسلام به عنوان یک ابزار برای رسیدن به قرب الهی و تعالی روحی و معنوی است. مسلمانان باید با ایمان و اطمینان به این وعده های الهی در مسیر جهاد قدم بردارند و هیچ گاه از مشکلات و سختی های جهاد نترسند، چرا که پاداش های عظیم الهی در انتظار آنان است.

۳،۷. سوره انفال آیه ۷۵

همچنین می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱ یعنی «و کسانی که بعدا ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده اند اینان از

زمره شماینده و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند
آری خدا به هر چیزی داناست.»

آیه‌ی فوق به طور خاص بر دسته‌ای از مؤمنان که پس از هجرت و ایمان به اسلام پیوسته‌اند تأکید دارد. عبارت «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ» به مسلمانانی اشاره دارد که بعد از هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه ایمان آورده و در کنار مسلمانان اولیه در جهاد شرکت کرده‌اند. این جمله نشان می‌دهد که ایمان به خدا و پیامبر و همچنین تلاش برای دفاع از دین در برابر دشمنان، معیار اصلی برای پیوستن به جامعه اسلامی است. در ادامه، خداوند می‌فرماید: «فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ» یعنی کسانی که بعداً ایمان آورده و در جهاد شرکت کرده‌اند، از نظر دینی و اجتماعی در سطح و جایگاه برابر با سایر مسلمانان اولیه قرار دارند. این جمله به طور غیرمستقیم تأکید دارد که اسلام به هیچ وجه بر اساس ریشه خانوادگی یا تاریخچه‌ی اجتماعی، تفاوتی میان مسلمانان قائل نیست. بلکه آنچه مهم است ایمان، هجرت و جهاد در راه خداوند است.

در بخش دوم آیه، خداوند اشاره می‌کند به اینکه «وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ» و این بیانگر این است که خویشاوندان از نظر حقوق اجتماعی و دینی در جامعه اسلامی نسبت به یکدیگر بر دیگران اولویت دارند. این مفهوم به این معناست که در صورتی که موضوعات ارثی یا اجتماعی مطرح باشد، نسبت‌های خانوادگی و روابط خویشاوندی از جایگاه خاصی

برخورد دارند. در کتاب خدا، این اولویت‌های خانوادگی نسبت به دیگران بر اساس اصول عدالت اجتماعی و دین اسلام تنظیم شده است. در بسیاری از موارد در قرآن، بر اهمیت روابط خانوادگی و اهمیت حمایت از یکدیگر تأکید شده است. در این آیه، خداوند درواقع می‌خواهد به مسلمانان یادآوری کند که در بسیاری از شرایط اجتماعی و خانوادگی، حقوق و مسئولیت‌های خویشاوندان باید مورد توجه قرار گیرد و در راستای حفظ وحدت و هماهنگی جامعه اسلامی، این اولویت‌ها رعایت شود.

۳،۸.

۴. روایات دال بر جهاد

روایات دال بر جهاد عبارتند از:

۴،۱. قطره دم فی سبیل الله

در روایتی آمده است: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» یعنی «هیچ قطره‌ای نزد خداوند متعال محبوب‌تر از قطره خون ریخته شده در راه او نیست.»^۱

^۱ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۱۶، ج ۱۵،

۴,۲. تطهیر سیئات

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید : « مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يُعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئاً مِنْ سَيِّئَاتِهِ. » یعنی «آنکه که در راه خدا کشته می شود، خداوند هیچ یک از گناهانش را به روی او نخواهد آورد.»^۱

پیش از پرداختن به ارتباط این حدیث با جهاد، لازم است مفهوم گناهان و بخشش الهی را در اسلام بررسی کنیم. در آموزه های قرآن و سنت، گناهان به دو دسته عمده تقسیم می شوند: گناهان صغیره و گناهان کبیره. گناهان صغیره معمولاً به اعمالی اطلاق می شود که بدون ارتکاب گناه بزرگ قابل بخشش هستند، در حالی که گناهان کبیره شامل اعمالی هستند که به طور خاص نیاز به توبه و اصلاح دارند. در قرآن کریم، خداوند به طور مداوم بر بخشش خود تأکید می کند و بیان می دارد که هیچ چیز نمی تواند مانع بخشش خداوند به بندگان شود مگر اینکه آن ها توبه نکرده و به سمت خداوند بازنگردند. خداوند در سوره زمر می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۲ که به این معناست که «بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف کرده اید، از رحمت خدا ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می بخشد، او آمرزنده و مهربان است.» بخشش الهی در اسلام نه تنها به طور کلی شامل

^۱ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴

^۲ زمر، ۵۳

تمام گناهان می‌شود بلکه حتی در مواردی مانند جهاد در راه خدا، خداوند به کسانی که در این راه جان خود را فدای ایمان و دین می‌کنند، هیچ‌یک از گناهانشان را نخواهد آورد. در حقیقت، در این موارد خاص، خداوند به واسطه فداکاری در راه خود، اعمال گذشته بندگان را می‌بخشد. اسلام به جهاد به عنوان یک واجب بزرگ و اساسی نگاه می‌کند که به طور خاص در موارد دفاع از دین، جان، مال و عرض مسلمانان در برابر تهدیدات دشمنان پیش‌بینی شده است. با این حال، جهاد در اسلام محدود به جنگ نظامی نیست، بلکه شامل تمام تلاش‌های انسانی برای گسترش و حفاظت از اصول دینی و انسانی است.

امام جعفر صادق علیه السلام در این حدیث به صراحت بیان می‌دارد که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، از گناهان خود پاک می‌شوند و خداوند هیچ‌یک از خطاهای آن‌ها را به یاد نخواهد آورد. این امر به طور خاص به کسانی که در میدان جنگ‌های دفاعی یا در راه ترویج دین در برابر ظلم و فساد می‌جنگند، اشاره دارد. این حدیث نشان‌دهنده‌ی درجه بالای جهاد در اسلام است. از آنجا که در اسلام جهاد در راه خدا یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین عبادات به شمار می‌آید، خداوند برای کسانی که جان خود را در این راه فدای ایمان می‌کنند، وعده بخشش می‌دهد. در واقع، چنین فداکاری‌هایی موجب می‌شود که فرد از گذشته خود رهایی یابد و در مسیر تقرب به خداوند قرار گیرد. این آیه بیان می‌کند که جهاد در راه خدا، به‌ویژه برای کسانی که جان خود را در این مسیر فدای دین می‌کنند، با پاداش‌های عظیمی همراه است که از جمله آن‌ها پاک شدن از گناهان است. جهاد در راه

خدا نه تنها در قرآن و حدیث بلکه در سیره‌ی پیامبر اسلام و اهل بیت نیز بسیار مهم و ارزشمند بوده است. در روایات متعددی آمده است که جهاد یکی از آرزوهای بزرگ مؤمنان است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در موارد مختلف به مسلمانان توصیه کرده‌اند که جهاد را به‌عنوان یک فضیلت عظیم در نظر بگیرند و در راه خداوند، حتی در سخت‌ترین شرایط، تلاش کنند. جهاد در اسلام هم‌چنین فرصتی است برای مسلمانان که خود را در مسیر خداوند ثابت‌قدم کنند و در نهایت به بهشت و مغفرت الهی دست یابند. بخشش الهی برای کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، در واقع به‌عنوان پاداشی بزرگ برای فداکاری و جانفشانی در راه دین و اصول الهی است. در اسلام، کسی که در راه خدا می‌جنگد و جان خود را فدای اهداف بزرگ دینی می‌کند، نه تنها از گناهان خود پاک می‌شود بلکه به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین بندگان خدا شناخته می‌شود. این بخشش الهی به معنای درک عمیق‌تر نسبت به محبت و رحمت خداوند است، که حتی در شدیدترین شرایط، یعنی هنگام جانفشانی برای دین، رحمت و مغفرت خود را شامل حال بندگان می‌کند.

۴,۳. شعب الجهاد

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «الْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصَّدَقِ فِي الْمَوَاطِنِ وَشَتَائِنِ الْفَاسِقِينَ.» یعنی

«جهاد چهار شاخه دارد : امر به معروف ، نهی از منکر ، پایداری در جبهه های جنگ و دشمنی با تبهکاران.»^۱

بر طبق این روایت، جهاد چهار شاخ دارد که عبارتند از:

اول: امر به معروف

امر به معروف یکی از اصلی ترین وظایف مسلمانان در جامعه اسلامی است. در اسلام، معروف به آنچه اطلاق می شود که طبق اصول دینی و اخلاقی صحیح است و در راستای اجرای عدالت و اصلاح جامعه قرار دارد. امر به معروف به معنای توصیه به انجام کارهای نیکو، احکام شرعی و اخلاقی است. در این راستا، فرد مسلمان باید دیگران را به خوبی ها و اعمال نیکو دعوت کند و جامعه را از بی توجهی به اخلاق و اصول دینی آگاه کند. امر به معروف به عنوان یکی از شاخه های جهاد، در حقیقت تلاشی برای ایجاد جامعه ای صالح و بر پایه اصول اسلامی است.^۲ مسلمانان نه تنها باید خود را از گناهان دور کنند بلکه باید دیگران را نیز به مسیر حق هدایت کنند. این عمل نه تنها در راستای اصلاح فردی بلکه به عنوان یک مسئولیت اجتماعی و دینی برای اصلاح جامعه اسلامی نیز است. در آیه ای از قرآن آمده است: «وَكُونُوا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»^۳ که اشاره به هدایت جامعه به سوی تقوا دارد.

^۱ الخصال، ص ۲۳۲

^۲ محمد خیر هیکل، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۶-۴۷،

^۳ فرقان، ۷۴

دوم: نهی از منکر

همان‌طور که امر به معروف ضروری است، نهی از منکر نیز یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های جهاد به شمار می‌آید. نهی از منکر به معنای جلوگیری از اعمال نادرست و گناه‌آلود در جامعه است. در قرآن آمده است: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». این آیه به‌طور واضح بر مسئولیت مسلمانان برای جلوگیری از فساد و گناه در جامعه تأکید دارد. نهی از منکر در واقع برای جلوگیری از رواج فساد و تباهی در جامعه است که از نظر امام علی علیه‌السلام بخش مهمی از جهاد به‌شمار می‌آید. جامعه‌ای که از فساد و منکرات رهایی یابد، جامعه‌ای است که در مسیر تعالی دینی و اجتماعی گام برداشته است. بنابراین، نهی از منکر نه تنها به‌عنوان یک وظیفه فردی بلکه به‌عنوان یک تکلیف اجتماعی و دینی برای حفظ سلامت جامعه اسلامی است.^۲

سوم: پایداری در جبهه‌های جنگ

این بخش از حدیث به جهاد فیزیکی در میدان نبرد اشاره دارد. پایداری در جبهه‌های جنگ برای دفاع از دین، سرزمین و اصول اسلامی یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان در مواجهه با تهدیدات دشمنان است. در قرآن نیز بر ضرورت جهاد در دفاع از ایمان و جامعه تأکید شده است: «وَجَاهِدُوا فِي

^۱ آل عمران، ۱۰۴

^۲ محمد خیر هیکل، الجهاد و القتال فی السیاسة الشرعیة، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۶-۴۷.

سَبِيلَ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ».^۱ جهاد در راه خدا برای حفظ امنیت و عزت مسلمانان ضروری است و در شرایط جنگ، لازم است که مسلمانان از جان خود بگذرند تا اصول اسلامی حفظ شود. پایداری در جبهه‌های جنگ نه تنها برای دفاع از سرزمین بلکه برای حفاظت از حرمت دین و باورهای اسلامی نیز است. این جهاد به عنوان یک اقدام دفاعی در برابر تهدیدات خارجی و در راستای نگهداری از استقلال مسلمانان است.

چهارم: دشمنی با تبهکاران

این بخش از حدیث به مبارزه با فساد و ظلم و مقابله با کسانی که در جامعه فساد و تباهی می‌آفرینند اشاره دارد. دشمنی با تبهکاران به معنای مبارزه با کسانی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب ظلم و فساد در جامعه اسلامی می‌شوند. در قرآن و سنت، مسلمانان از مبارزه با ظلم و فساد به ویژه از سوی ظالمان و فاسقان تأکید دارند. مبارزه با تبهکاران نه تنها به معنای مقابله با افرادی است که به طور آشکار در فساد و ظلم دست دارند بلکه به معنای مقابله با هرگونه فساد و بی‌عدالتی است که موجب نابودی ارزش‌ها و اصول اسلامی در جامعه می‌شود.

در تشریح جهاد، اسلام نه تنها بر جنگ‌های فیزیکی بلکه بر ابعاد اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی جهاد نیز تأکید دارد. جهاد در اسلام، به ویژه در زمان‌هایی که مسلمانان مورد تهدید قرار می‌گیرند، به عنوان یک وظیفه

اجتماعی و دینی مطرح است. در این راستا، جهاد در اسلام از چهار شاخه‌ای که امام علی علیه‌السلام بیان کرده‌اند، بهره‌برداری می‌کند. زیرا امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان جهاد اجتماعی شناخته می‌شوند که در راستای ایجاد جامعه‌ای سالم و پاک از فساد و گناه هستند. مسلمانان در این راستا وظیفه دارند تا جامعه خود را به‌سوی عمل به اصول صحیح دینی و اخلاقی هدایت کنند. همچنین پایداری در جبهه‌های جنگ به‌عنوان جهاد فیزیکی در نظر گرفته می‌شود که هدف آن دفاع از سرزمین و حفظ امنیت مسلمانان است و دشمنی با تبهکاران نشان‌دهنده جهاد در برابر فساد و ظلم است که در راستای حفظ اصول عدالت و حقوق انسان‌ها می‌باشد. به عبارتی؛ این چهار شاخه جهاد در واقع تشکیل‌دهنده چارچوبی جامع برای تحقق جامعه‌ای اسلامی، منصف و مترقی است که در آن همه افراد، به‌ویژه مؤمنان، در راستای یکدیگر و در راستای اهداف الهی حرکت می‌کنند.

۴,۴. اشرف الأعمال

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْجِهَادَ أَشْرَفُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِسْلَامِ ، وَهُوَ قِوَامُ الدِّينِ ، وَالْأَجْرُ فِيهِ عَظِيمٌ مَعَ الْعِزَّةِ وَالْمَنْعَةِ ، وَهُوَ الْكَرَّةُ ، فِيهِ الْحَسَنَاتُ وَالْبُشْرَى بِالْجَنَّةِ بَعْدَ الشَّهَادَةِ .»^۱ یعنی «همانا جهاد شریفترین کارها بعد از اسلام است . جهاد مایه پایداری دین است و علاوه بر آن که

^۱ عبدعلی بن جمعه حویزی، نور الثقلین، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۰۸ و محمد بن شاه مرتضی

فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۱۰۵

عزت و اقتدار می آورد اجری بزرگ دارد. جهاد، یورش آوردن است. در آن نیکیها و ثوابهاست و نوید به بهشت است بعد از رسیدن به شهادت.»

در این حدیث، امام علی علیه السلام جهاد را شریفترین عمل بعد از اسلام معرفی می کنند. این بدان معناست که در چشم اسلام، جهاد به عنوان بهترین و مهم ترین عمل بعد از پذیرش اسلام در نظر گرفته شده است. از آنجا که اسلام خود به عنوان کامل ترین دین و راهنمای جامع زندگی معرفی می شود، جهاد به عنوان ادامه ی این مسیر، نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یک عمل بزرگ و پرارزش به شمار می آید. در اسلام، جهاد نه تنها برای دفاع از دین بلکه برای گسترش اصول اسلامی، عدالت، و حقوق بشر در سطح جهانی ضروری است. این تعبیری که امام علی علیه السلام از جهاد دارند، اشاره به این دارد که جهاد در اسلام مفهومی فراتر از جنگ های نظامی دارد و می تواند شامل هرگونه تلاش برای گسترش دین، حفظ ارزش های اخلاقی، و دفاع از جامعه اسلامی باشد. در این راستا، جهاد در خدمت تقویت دین و نهادینه سازی اصول اخلاقی و دینی در جامعه قرار می گیرد.

امام علی علیه السلام در ادامه این حدیث بیان می کنند که جهاد «قِوَامُ الدِّین» است. این عبارت نشان می دهد که جهاد یکی از ارکان اصلی پایداری و استحکام دین است. بدون جهاد و ایستادگی در برابر دشمنان دین، اسلام نمی تواند در برابر تهدیدات داخلی و خارجی مقاومت کند. جهاد به عنوان ابزاری برای حفاظت از اصول دینی و اجتماعی در برابر حملات و فتنه ها

به‌شمار می‌آید. این پایداری موجب حفظ آزادی دینی و تأسیس جامعه‌ای بر اساس اصول الهی خواهد شد. از نظر امام علی علیه‌السلام، جهاد نه‌تنها به‌عنوان یک عمل فیزیکی و نظامی بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای تحقق هدف‌های دینی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. در این راستا، جهاد می‌تواند به‌عنوان یک فعالیت فرهنگی، اجتماعی، یا حتی معنوی برای ارتقاء ایمان و گسترش عدالت در جامعه اسلامی باشد. به همین دلیل، جهاد در خدمت قوام دین و استحکام آن در برابر دشمنان دین قرار می‌گیرد.

امام علی علیه‌السلام در حدیث خود جهاد را باعث «عزت» و «منعت» مسلمانان می‌داند. این ویژگی‌ها در حقیقت به قدرت و اقتدار مسلمانان اشاره دارد. جهاد در راه خدا باعث می‌شود که مسلمانان از قدرت و عزت لازم برای دفاع از دین، مال و ناموس خود برخوردار شوند. جهاد نه‌تنها مسلمانان را در برابر دشمنان خارجی مقاوم می‌کند بلکه باعث می‌شود که مسلمانان در میان سایر ملت‌ها از احترام و اعتبار برخوردار شوند. در واقع، جهاد به‌عنوان ابزاری برای حفظ آزادی و استقلال مسلمانان در نظر گرفته می‌شود. عزت و منعت همچنین به معنای سربلندی مسلمانان در جامعه جهانی است. زمانی که مسلمانان در راه خدا به‌صورت متحد و با قوت در برابر دشمنان ایستادگی می‌کنند، این جهاد می‌تواند موجب تأسیس یک جامعه قوی، محترم، و مستقل شود. جهاد در این زمینه نه‌تنها برای دفاع از سرزمین اسلامی بلکه برای برقراری عدالت اجتماعی و انسانی در سطح جهانی مهم است.

یکی از مهم‌ترین پیام‌های این حدیث، پاداش عظیم جهاد است. امام علی علیه‌السلام در این حدیث اشاره می‌کنند که جهاد در راه خدا همراه با «حسنت» و «بشارت به بهشت بعد از شهادت» است. این عبارت نشان‌دهنده این است که جهاد نه تنها موجب تقرب به خداوند و افزایش حسنت می‌شود بلکه در نهایت به عنوان راهی برای رسیدن به بهشت و رستگاری در نظر گرفته می‌شود. در قرآن نیز بارها به پاداش‌های بزرگ برای مجاهدان در راه خدا اشاره شده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ سَفًا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرَّصُونَ»^۱ این پاداش‌ها نشان‌دهنده این است که جهاد در راه خدا تنها به عنوان یک عمل فیزیکی و دنیوی نبوده بلکه در نهایت موجب رسیدن به یک پاداش ابدی در آخرت است. شهادت در راه خدا، که در بسیاری از موارد در جهاد به دست می‌آید، یک نوع اعطای رستگاری به فرد مجاهد است که نتیجه فداکاری و ایثار او در راه دین است.

عبارت «وَهُوَ الْكِرَّةُ» در حدیث امام علی علیه‌السلام به طور خاص اشاره به یورش آوردن و تلاش برای پیشبرد اهداف دین دارد. جهاد به عنوان «کره»، به معنای بازگشت و نبردی است که برای دفاع از اصول دین انجام می‌شود. این نبرد تنها محدود به جنگ‌های نظامی نیست بلکه به معنای تلاش مستمر در جهت گسترش و تثبیت دین در جامعه است. در این راستا، جهاد می‌تواند به عنوان نبرد در برابر فساد اجتماعی، ظلم و فساد اخلاقی و دینی، و

حتی جهاد با نفس نیز در نظر گرفته شود. یورش آوردن در این معنا به معنای مقابله با تمامی موانع و فتنه‌هایی است که مانع از اجرای اصول دین در جامعه می‌شوند.

۴،۵. فوق کل بر

رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «فَوْقَ كُلِّ بِرٍّ بِرٌّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بِرٌّ»^۱ یعنی «بالای هر نیکی، نیکی دیگری است، مگر کشته شدن در راه خداوند - عز و جل -؛ که هیچ نیکی بالاتر از آن نیست.»

در این حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به‌طور صریح بر عظمت جهاد در راه خداوند تأکید دارند. وقتی پیامبر می‌فرماید «فوق کل بر بر»، به این معناست که در اسلام هر نیکی، پس از خود نیکی بالاتری دارد. به عبارت دیگر، اسلام تشویق به انجام نیکویی‌ها در تمامی ابعاد زندگی می‌کند؛ از کمک به فقرا و یتیمان گرفته تا حمایت از حقوق انسان‌ها و درک نیازهای جامعه. همه این‌ها اعمال نیکو و شایسته‌ای هستند که در قرآن و سنت مورد تأکید قرار دارند. اما نکته‌ای که در این حدیث به‌ویژه برجسته است، آن است

^۱ محمدباقر المجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ۱۴۰۳، ج ۹۷، ص ۱۰، الشیخ حر العاملی، الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۷۷؛ الشیخ الصدوق، الخصال، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹ و الشیخ الطوسی، تهذیب الأحکام، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۲۲

که هیچ عملی بالاتر از کشته شدن در راه خداوند نیست. این بیان به‌طور خاص بر جهاد و شهادت در راه خدا تأکید دارد و نشان می‌دهد که جهاد در راه خدا، از تمامی اعمال نیکو در اسلام بالاتر است. به‌عبارتی دیگر، در نزد خداوند عزّ و جلّ، هیچ عبادتی به‌قدر و اندازه جهاد در راه او و فداکاری برای دین مقدس اسلام ارزشمند و با فضیلت نیست.

در اسلام، جهاد به‌طور خاص به‌عنوان یک عمل مقدس و مهم شناخته می‌شود. جهاد، به‌عنوان تلاشی برای دفاع از دین و جامعه اسلامی و گسترش اصول اسلامی، در قرآن و سنت به‌شدت مورد تأکید قرار گرفته است. در بسیاری از آیات قرآن و روایات اهل بیت، جهاد به‌عنوان یکی از والاترین عبادات و اعمال نیکو معرفی شده است. در قرآن کریم، خداوند بارها بر اهمیت جهاد تأکید کرده است و آن را نه‌تنها برای دفاع از اسلام بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و رسیدن به پاداش‌های عظیم الهی معرفی کرده است. برای مثال، در سوره توبه آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ»^۱. در این آیه، خداوند از مؤمنان جان و مالشان را در برابر بهشت خریداری می‌کند و به آنان وعده می‌دهد که در راه خدا جهاد کنند و در این مسیر جان خود را فدای دین نمایند.

^۱ توبه، ۱۱۱

در حدیث امام علی علیه السلام و در احادیث دیگر، جهاد در راه خداوند به عنوان یکی از بزرگترین عبادات و فضایل انسانی شناخته شده است. اما در این حدیث خاص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، جایگاه ویژه‌ای به جهاد داده شده است که به آن توجه خاصی لازم است. با اینکه اسلام به انجام تمامی اعمال نیکو مانند صدقه دادن، نماز، روزه، و کمک به نیازمندان تأکید دارد، اما پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در این حدیث تأکید دارند که جهاد در راه خدا از همه این اعمال بالاتر است. در واقع، جهاد در اسلام نه تنها به معنای جنگیدن برای دفاع از دین و مقابله با دشمنان فیزیکی است، بلکه شامل جهاد در برابر فساد، جهاد فرهنگی و اجتماعی، و جهاد با نفس نیز می‌شود. بنابراین، جهاد در راه خدا شامل تمامی تلاش‌هایی است که انسان برای تعالی اخلاقی، دینی و اجتماعی خود و جامعه‌اش در راه خداوند انجام می‌دهد. این نوع جهاد، به‌ویژه زمانی که فرد جان خود را فدای ایمان و اصول دینی می‌کند، از بزرگترین نیکی‌ها به‌شمار می‌آید.

یکی از مفاهیم مهمی که در این حدیث مطرح می‌شود، مسئله شهادت در راه خدا است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بیان می‌دارند که هیچ نیکی بالاتر از کشته شدن در راه خداوند نیست. شهادت در اسلام به عنوان یک نوع نهایت فداکاری شناخته می‌شود، جایی که فرد مسلمان جان خود را فدای اصول دینی و دفاع از ایمان می‌کند. این فداکاری نه تنها در دفاع از سرزمین و مردم بلکه در دفاع از اصول انسانی و اخلاقی نیز اهمیت دارد. شهادت در راه خدا در قرآن و سنت به عنوان یکی از بزرگترین پاداش‌ها معرفی شده

است. در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».^۱ این آیه به طور صریح بیان می‌کند که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، زنده‌اند و در نزد خداوند پاداش می‌گیرند. شهادت در اسلام نه تنها یک پایان فیزیکی بلکه یک آغاز جدید برای رسیدن به بهشت و پاداش‌های ابدی است.

تشریع جهاد در اسلام نه تنها برای دفاع از دین و سرزمین بلکه برای تعالی روحی و معنوی فرد مسلمان نیز انجام می‌شود. حدیث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به طور صریح به این نکته اشاره دارد که جهاد و شهادت در راه خدا از تمامی اعمال نیکو بالاتر است. این امر نشان می‌دهد که جهاد نه تنها یک وظیفه اجتماعی و دینی است بلکه یک وسیله برای رسیدن به پاداش‌های عظیم الهی و تقرب به خداوند می‌باشد. از سوی دیگر، این حدیث تأکید می‌کند که جهاد و شهادت در راه خدا، حتی اگر با رنج و سختی‌های فراوان همراه باشد، در نهایت موجب رسیدن به بهشت و آمرزش الهی خواهد شد. بنابراین، تشریع جهاد در اسلام به عنوان یک وسیله برای تحقق هدف‌های الهی و دفاع از اصول اسلامی و انسانی است.

۴,۶. عماد الدین

امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند: «الْجِهَادُ عِمَادُ الدِّينِ، وَمِنْهَا جُ السُّعْدَاءِ». یعنی «جهاد ستون دین و راه روشن نیکبختان است.»^۱ امام علی علیه السلام جهاد را «عِمَادُ الدِّينِ»، یعنی ستون دین، می نامند. این عبارت نشان می دهد که جهاد در اسلام نه تنها به عنوان یک وظیفه اجتماعی یا فردی بلکه به عنوان یکی از ارکان اصلی و ضروری برای حفظ و پایداری دین در برابر تهدیدات داخلی و خارجی شناخته می شود. جهاد، چه در قالب دفاع از سرزمین های اسلامی و چه در قالب تلاش برای گسترش اصول اسلامی، بخش عمده ای از استحکام و پایداری دین اسلام را تشکیل می دهد. بدون جهاد، اصول دینی و اجتماعی که اسلام بر آن ها بنا شده نمی توانند در برابر چالش ها و فتنه ها مقاومت کنند.

در ادامه حدیث، جهاد به عنوان «مِنْهَا جُ السُّعْدَاءِ»، یعنی راه روشن نیکبختان، معرفی شده است. این بخش نشان می دهد که جهاد نه تنها برای دفاع از دین و اصول اسلامی اهمیت دارد بلکه برای رسیدن به سعادت واقعی در زندگی فردی و اجتماعی نیز ضروری است. کسانی که در راه خدا جهاد می کنند، به واسطه فداکاری و ایثار خود به سوی رستگاری و نیکبختی در دنیا و آخرت حرکت می کنند. تشریع جهاد در اسلام به طور مستقیم با حفظ دین، کرامت انسان ها و تحقق عدالت اجتماعی در ارتباط است. این حدیث، جایگاه جهاد را

^۱ عبدالواحد بن محمد آمدی، غرر الحکم، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۷۲

در اسلام روشن می‌کند و تأکید دارد که جهاد نه تنها یک عمل دفاعی بلکه ابزاری برای استحکام دین و دستیابی به سعادت است.

۴،۷. ترک جهاد

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ أَلْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا فِي نَفْسِهِ ، وَ فَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ ، وَ مَحَقًّا فِي دِينِهِ. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعَزَّ أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا وَمَرَائِزِ رِمَاحِهَا.»^۱ یعنی «هر کس جهاد را واگذارد خداوند جامه خواری بر جان او پوشاند و زندگیش را دستخوش فقر سازد و دینش را از بین ببرد. خداوند تبارک و تعالی عزّت و اقتدار امت مرا در سُمهای اسبانشان و نوک نیزه‌هایشان قرار داده‌است.»

در این حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به‌طور صریح و واضح بر اهمیت جهاد در راه خدا تأکید دارند. وقتی که پیامبر می‌فرماید «هر کس جهاد را واگذارد»، این عبارت به کسانی اشاره دارد که از انجام این وظیفه مهم و بزرگ خودداری می‌کنند. پیامبر اسلام به‌طور آشکار می‌فرماید که واگذاری جهاد نه تنها تبعات منفی فردی دارد بلکه اثرات منفی آن بر روی جامعه اسلامی نیز مشهود خواهد بود. در ادامه حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تبعات ترک جهاد را به‌طور صریح بیان می‌کنند:

^۱ الشیخ الصدوق، الأملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۷۷

اول: جامه خواری بر جان انسان:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند که کسی که جهاد را ترک کند، خداوند جامه خواری بر جان او می پوشاند. این به معنای از دست دادن عزت و کرامت است. در واقع، فردی که جهاد را ترک می کند، از نظر معنوی و اجتماعی ضعیف می شود و عزت و شأن خود را از دست می دهد. این مسئله نشان می دهد که جهاد نه تنها برای دفاع از دین بلکه برای حفظ کرامت فردی و اجتماعی نیز ضروری است.

دوم: فقر در معیشت:

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همچنین می فرمایند که ترک جهاد باعث فقر در معیشت می شود. در واقع، جهاد یکی از وسیله های برکت و روزی برای فرد مسلمان است. زمانی که مسلمانان در راه خدا جهاد می کنند، به طور طبیعی در مسیرهای مختلف زندگی برکات الهی نصیب آن ها می شود. ترک جهاد، به معنای دور شدن از مسیر رحمت الهی و کسب روزی حلال است.

سوم: محو دین:

از جمله تبعات مهم ترک جهاد، از بین رفتن دین است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به وضوح می فرمایند که ترک جهاد باعث محو دین می شود. این به این معناست که زمانی که مسلمانان در برابر دشمنان دین نمی ایستند و جهاد را ترک می کنند، دین به طور جدی تهدید می شود. در واقع، اسلام برای بقای خود نیاز به تلاش و جهاد مداوم دارد.

چهارم: جهاد و عزت امت اسلامی:

در بخش بعدی حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به طور خاص اشاره دارند که عزت و اقتدار امت اسلامی در «سم‌های اسبانشان و نوک نیزه‌هایشان» قرار دارد. این عبارت به طور ویژه‌ای به اهمیت جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان اشاره دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند که مسلمانان از طریق جهاد و مبارزه در میدان نبرد به عزت و قدرت دست می‌یابند.

این عبارت به ویژه بر این نکته تأکید دارد که جهاد در اسلام نه تنها برای دفاع از سرزمین بلکه برای دفاع از اصول دینی و اجتماعی نیز ضرورت دارد. جهاد موجب تقویت و عزت جامعه مسلمانان در برابر دشمنان است و باعث می‌شود که مسلمانان در جهان احترام و اعتبار داشته باشند. در واقع، جهاد باعث می‌شود که مسلمانان از نظر سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی در برابر تهدیدات خارجی ایستادگی کنند. در این راستا، حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم تأکید دارد که ترک جهاد نه تنها باعث ضعیف شدن فرد مسلمان بلکه جامعه اسلامی را در معرض خطر قرار می‌دهد. تشریع جهاد در اسلام به عنوان یک عمل مهم اجتماعی و دینی، باعث می‌شود که مسلمانان از تهدیدات خارجی و داخلی در امان باشند و دین اسلام به طور پایدار در جامعه جهانی گسترش یابد. یکی از نکات کلیدی که در این حدیث مطرح است، این است که عزت و اقتدار مسلمانان در گرو جهاد است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می‌فرمایند که عزت و اقتدار امت اسلامی

به وسیله جهاد در راه خدا به دست می آید. این جمله نشان می دهد که جهاد نه تنها به عنوان یک وسیله برای دفاع از دین و سرزمین بلکه به عنوان ابزاری برای برقراری قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای مسلمانان در جهان است. در طول تاریخ، مسلمانان با جهاد در برابر دشمنان ایستادگی کرده اند و توانسته اند به طور چشمگیری قدرت و عزت خود را حفظ کنند. این امر نه تنها برای دفاع از سرزمین ها بلکه برای حفظ اصول اخلاقی و دینی در برابر تهدیدات خارجی بوده است. جهاد باعث شده که مسلمانان در برابر تمامی مشکلات و تهدیدات متحد باقی بمانند و در نهایت از مشکلات بیرون بیایند.

۴,۸. باب الجَنَّة

امیرالمومنین علیه السلام می فرمایند : « إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى ، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ ، وَجَنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ »^۱ یعنی « همانا جهاد یکی از درهای بهشت است که خداوند آن را برای اولیای خاص خود گشوده است . جهاد جامه تقوا و زره استوار خداوند و سپر محکم اوست . »

در آغاز حدیث، امیرالمؤمنین علیه السلام جهاد را «بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ»، یعنی یکی از درهای بهشت، معرفی می کنند. این عبارت به وضوح نشان می دهد که جهاد در اسلام نه تنها یک عمل دنیوی بلکه مسیری است که فرد را به بهشت هدایت می کند. در قرآن کریم نیز به این نکته اشاره شده

^۱ الإمام علی (علیه السلام)، نهج البلاغه : الخطبة ۲۷

است که کسانی که در راه خدا می‌جنگند و جان خود را فدای ایمان می‌کنند، پاداش عظیمی در انتظارشان است. این پاداش بهشت، که در نهایت به‌عنوان نتیجه فداکاری در راه خدا دریافت می‌شود، از بالاترین درجات نزد خداوند است. چنین بیانی از امام علی علیه‌السلام، جهاد را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به رستگاری و نزدیکی به خداوند معرفی می‌کند. درواقع، جهاد در راه خدا، با توجه به پاداش عظیم آن، به‌عنوان راهی مستقیم برای دستیابی به بهشت معرفی می‌شود. برای کسی که در راه خداوند جان خود را فدای دین می‌کند، هیچ‌چیز در دنیا نمی‌تواند جایگزین این پاداش الهی باشد.

امام علی علیه‌السلام در ادامه حدیث، جهاد را «لباسُ التَّقْوَى» و «دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ» معرفی می‌کنند. این دو عبارت به‌طور معنوی اشاره به این دارند که جهاد در راه خدا نه‌تنها به‌عنوان یک عمل فیزیکی بلکه به‌عنوان یک ابزار برای حفظ تقوا و ایمان است. لباس تقوا در واقع به‌عنوان پوششی معنوی عمل می‌کند که فرد را از گناهان و فساد محافظت می‌کند. لباس تقوا به‌عنوان یک سپر در برابر فتنه‌ها و مشکلات دنیوی عمل می‌کند و فرد مسلمان را در برابر فشارهای نفسانی و شیطانی مقاوم می‌سازد. زمانی که فرد مسلمان در جهاد شرکت می‌کند، او در واقع تقوای خود را در عمل به‌نمایش می‌گذارد. جهاد به‌عنوان یک عمل فداکارانه، فرد را از وسوسه‌ها و دنیای فانی دور نگه می‌دارد و او را به‌سوی خداوند و اصول عالی دینی هدایت می‌کند.

علاوه بر آن، «دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ» که به معنای «زره استوار خداوند» است، به طور واضح به نقش جهاد در حفاظت از فرد مسلمان اشاره دارد. زرهی که خداوند در اختیار مجاهدان قرار می‌دهد، همان حفاظ معنوی است که از هر نوع خطر و آسیب محافظت می‌کند. این زره، همان طور که فرد را از ضربات دشمن در میدان نبرد محافظت می‌کند، به طور معنوی نیز از هر گونه آلودگی و فساد حفظ می‌کند. در حقیقت، جهاد در راه خدا به عنوان یک سپر محکم و حفاظت معنوی از فرد مسلمان در نظر گرفته می‌شود که او را از خطرات دنیوی و اخروی دور می‌کند. این سپر محافظ، مسلمان را در برابر ظلم و فساد ایمن نگه می‌دارد و او را به سوی رستگاری هدایت می‌کند.

امام علی علیه السلام در این حدیث به جهاد به عنوان «جَنَّتُهُ الْوَثِيقَةُ» نیز اشاره می‌کنند، که به معنای «سپری محکم» است. این سپر محکم در واقع به عنوان ابزاری برای حفاظت از دین، اصول اسلامی و عزت مسلمانان در برابر دشمنان عمل می‌کند. جهاد در اسلام، به ویژه در زمان‌هایی که دین و جامعه اسلامی تحت تهدید قرار دارند، به عنوان ابزاری ضروری برای دفاع از این اصول و ارزش‌ها در نظر گرفته می‌شود. جهاد در این راستا نه تنها برای دفاع از سرزمین‌های اسلامی بلکه برای حمایت از حقوق انسان‌ها، مبارزه با ظلم، فساد و بی‌عدالتی است. به عبارتی دیگر، جهاد برای برقراری عدالت و حقیقت در جامعه انجام می‌شود. در این زمینه، جهاد نه تنها یک وظیفه دفاعی بلکه یک اقدام اصلاحی است که هدف آن حفظ اصول دینی و انسانی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است.

تشریع جهاد در اسلام، به‌ویژه با توجه به پاداش‌های عظیم آن در آخرت، نشان‌دهنده اهمیت این عمل در استحکام دین و تقویت جامعه اسلامی است. در قرآن کریم و روایات اهل بیت، جهاد به‌عنوان یک تکلیف دینی و اجتماعی مطرح شده است که مسلمانان برای تحقق اهداف الهی باید در آن مشارکت کنند. جهاد در اسلام نه‌تنها به‌عنوان یک ابزار دفاعی بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای گسترش اصول اسلام، حفظ عدالت و مقابله با ظلم و فساد در نظر گرفته می‌شود. در قرآن کریم، خداوند مسلمانان را به جهاد در راه او دعوت می‌کند و آن را از بزرگ‌ترین عبادات و اعمال صالح معرفی می‌کند. در سوره توبه آمده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ». این آیه به‌وضوح نشان می‌دهد که جهاد در راه خداوند به‌عنوان معامله‌ای با خداوند محسوب می‌شود که در ازای آن بهشت وعده داده شده است. بنابراین، جهاد به‌عنوان یک عمل بزرگ دینی و انسانی در اسلام تشریع شده است و مسلمانان را به‌عنوان ابزاری برای تقویت ایمان، اتحاد و عزت در برابر دشمنان دین فرا می‌خواند.

۴,۹. رساندن نامه مجاهدان

رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید : «مَنْ بَلَغَ رِسَالَةَ غَازٍ كَانَ كَمَنْ أُعْتِقَ رَقَبَةً ، وَهُوَ شَرِيكُهُ فِي بَابِ «ثَوَابِ» غَزْوَتِهِ.»^۱ یعنی «هر کس نامه جنگاوری را برساند همچون کسی است که بنده‌ای را آزاد کند و در دروازه «ثواب» جنگ او شریکش باشد.»

در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم بر اهمیت اطلاع رسانی و رساندن پیام جنگاوری در جهاد تأکید دارند. عبارت «مَنْ بَلَغَ رِسَالَةَ غَازٍ»، به وضوح اشاره به کسانی دارد که در زمینه جهاد، فعالیت‌هایی مانند ارسال پیام، اخبار، یا حمایت‌های معنوی انجام می‌دهند. این فعالیت‌ها به‌طور غیرمستقیم به تقویت روحیه مجاهدان و تسهیل عملیات جهاد کمک می‌کنند. پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم با بیان این حدیث، نشان می‌دهند که حتی کسانی که در میدان نبرد حاضر نیستند، می‌توانند با این گونه کمک‌ها در پاداش جهاد شریک شوند. یکی از نکات مهمی که در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم مطرح می‌شود، اهمیت کمک به جهاد از طریق رساندن پیام جنگاوری است. در این حدیث، پیامبر می‌فرماید که کسی که نامه جنگاوری را به مجاهدان می‌رساند، به اندازه کسی که بنده‌ای را آزاد کرده است، پاداش می‌برد. این بیان به‌طور روشن نشان می‌دهد که کمک به

^۱ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۱۶، ج ۱۱،

جهاد حتی در شکل‌های غیرمستقیم و غیرنظامی نیز دارای پاداش‌های بزرگی است. این کمک‌ها می‌توانند در قالب‌های مختلفی مانند ارسال پیام، رساندن اخبار، تأمین منابع مالی، جمع‌آوری تجهیزات، یا حتی فراهم آوردن پشتیبانی معنوی برای مجاهدان باشند. در نهایت، این نوع کمک‌ها به‌طور غیرمستقیم بر تقویت روحیه مجاهدان و تسهیل روند جهاد مؤثر خواهند بود و در پاداش جهاد شریک خواهند شد.

یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که در این حدیث مطرح می‌شود، موضوع آزادسازی بندگان است. در این حدیث، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیان می‌کنند که کسی که در رساندن پیام جهاد و پشتیبانی از جهادگران مشارکت می‌کند، به‌اندازه کسی است که بنده‌ای را آزاد کرده است. آزادسازی برده‌ها در اسلام به‌عنوان یک عمل نیکو و پسندیده شناخته می‌شود که باعث جلب رضایت الهی و پاداش‌های عظیم در آخرت می‌گردد. آزاد کردن برده‌ها در تاریخ اسلام همواره یکی از بزرگ‌ترین اعمال نیکو شناخته می‌شده است. بسیاری از مسلمانان در زمان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تلاش برای آزادسازی برده‌ها و حمایت از آن‌ها فعالیت می‌کردند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در بسیاری از موارد تأکید داشتند که آزادسازی بردگان و کمک به فقرا و یتیمان از بهترین اعمال است که در برابر خداوند پاداش می‌آورد.

در این حدیث، آزادسازی بردگان به عنوان یک نماد از فداکاری در نظر گرفته شده است. فردی که در جهاد به طور غیرمستقیم مشارکت می کند، به طور معنوی در آزادی افراد از قید بندگی و ظلم شریک می شود، و این عمل نیز در پیشگاه خداوند پاداش دارد. در این حدیث، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بر این نکته تأکید دارند که جهاد در اسلام یک عمل اجتماعی است که نیاز به مشارکت تمامی مسلمانان دارد. برخی از افراد ممکن است در میدان نبرد حاضر نباشند، اما می توانند از طریق کمک های معنوی، پشتیبانی مالی، یا رساندن پیام جهاد، در این امر مهم مشارکت کنند. بنابراین، جهاد در اسلام یک تکلیف جمعی است که همه مسلمانان با توجه به توانایی ها و امکانات خود باید در آن مشارکت کنند.

این حدیث تأکید دارد که جهاد در اسلام محدود به جنگ های نظامی نیست بلکه شامل هر نوع تلاش برای تقویت دین، گسترش عدالت، و حمایت از مسلمانان می شود. کمک به جهاد به طور غیرمستقیم، مانند رساندن پیام جنگاوری، نیز از اهمیت زیادی برخوردار است و پاداش عظیمی را در پی دارد.

۵. حفظ بیضه الاسلام؛ دلیل عقلی دال بر جهاد

حفظ بیضه اسلام یکی از مسائل کلیدی در فقه اسلامی و فقه سیاسی است که به ویژه در زمینه جهاد و دفاع از جامعه اسلامی اهمیت بسیاری دارد. واژه «بیضه اسلام» به معنای حفظ اساس و موجودیت دین اسلام، اجتماع

مسلمانان، یا حتی جغرافیای سرزمین‌های اسلامی است.^۱ این اصطلاح در فقه اسلامی به‌طور خاص به جهاد دفاعی و ضرورت حفاظت از جوامع مسلمان در برابر تهدیدات داخلی و خارجی مرتبط می‌شود. در حقیقت، مفهوم بیضه اسلام به این معناست که در صورت تهدید یا آسیب به امنیت مسلمانان، دفاع از آن باید به‌طور جمعی انجام شود. این وظیفه دینی در مواقع حساس که امنیت اسلام و مسلمانان در خطر قرار می‌گیرد، به تکلیفی فردی تبدیل می‌شود. بحث جهاد و دفاع از بیضه اسلام نه تنها به‌عنوان یک عمل فیزیکی در میدان جنگ بلکه به‌عنوان ابزاری برای حفظ ارزش‌ها، اصول دینی و کرامت انسانی در نظر گرفته می‌شود. در دوران غیبت امام زمان (علیه‌السلام)، حفظ بیضه اسلام به‌عنوان یک مسئولیت فقهی و اجتماعی بر عهده ولی فقیه یا نایب امام معصوم قرار می‌گیرد. فقیهان در این زمینه بر اهمیت حمایت از بیضه اسلام در شرایط مختلف تأکید دارند و معتقدند که هر تهدیدی، چه نظامی، اقتصادی یا فرهنگی، که به موجودیت اسلام آسیب بزند، باید به مقابله با آن برخاست.

۵.۱. مفهوم بیضه اسلام

بیضه الاسلام یک اصطلاح فقهی است که در متون اسلامی برای اشاره به اصل دین اسلام، جامعه مسلمانان یا حتی سرزمین‌های اسلامی به کار

^۱ عاملی، الاصطلاحات الفقهیة، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵. طریحی، مجمع البحرین، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۹۸؛ زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۰

می‌رود. این واژه از کلمه «بیضه» به معنای تخم پرندگان گرفته شده است که در زبان عربی به معنای مرکزیت، بهترین و برجسته‌ترین قسمت از یک چیز است. در این زمینه، بیضه الاسلام به بهترین و مهم‌ترین بخش‌های دین و جامعه مسلمانان اشاره دارد که باید از آن محافظت شود. به عبارت دیگر، بیضه اسلام شامل هویت دینی، اجتماعی و جغرافیایی مسلمانان است.^۱ در فقه اسلامی، حفظ بیضه اسلام به عنوان یک تکلیف دینی و اجتماعی مهم شناخته می‌شود. به ویژه در شرایطی که امنیت دین یا جامعه اسلامی در معرض تهدید قرار گیرد، دفاع از آن به عنوان واجب کفایی مطرح می‌شود. یعنی زمانی که برخی از مسلمانان این وظیفه را انجام دهند، از دوش دیگران برداشته می‌شود، اما اگر هیچ‌کس این مسئولیت را بر عهده نگیرد، تمام مسلمانان مسئول خواهند بود. این مفهوم در تاریخ اسلام در مواقع مختلف، به ویژه در برابر حملات خارجی یا تهدیدات داخلی، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. بیضه اسلام همچنین می‌تواند به حفظ حکومت اسلامی، عدالت اجتماعی و منافع مسلمانان در برابر ظلم و فساد نیز اشاره داشته باشد. از این رو، هرگونه تهدید، چه از طریق حملات نظامی، اقتصادی یا فرهنگی، که به این بیضه آسیب برساند، باید مورد توجه قرار گیرد و به مقابله با آن پرداخت. در این راستا، جهاد در دفاع از بیضه اسلام به عنوان یکی از وظایف مسلمین مطرح است.

^۱ حمیری، شمس العلوم، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۶۷۵؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۲۷؛

۵,۲. حکم شرعی و اهمیت حفظ بیضه اسلام

حفظ بیضه اسلام در فقه اسلامی به عنوان یک واجب کفایی شناخته شده است.^۱ حتی اوجب واجبات نیز شناخته شده است.^۲ این به این معناست که در شرایط عادی، این مسئولیت به صورت جمعی بر عهده مسلمانان قرار می گیرد، اما در صورت عدم انجام آن توسط جمعی از افراد، تمامی مسلمانان مسئول خواهند بود. حکم فقهی واجب کفایی بودن این مسئولیت از آن جهت است که حفظ بیضه اسلام به عنوان یک اصل اساسی برای بقا و پایداری دین و جامعه اسلامی در برابر تهدیدات خارجی و داخلی ضروری است. این مسئولیت تنها در موارد تهدیدات آشکار از سوی دشمنان و خطرات جدی برای موجودیت اسلام و مسلمانان مطرح می شود. اولویت حفظ بیضه اسلام بر دیگر واجبات به ویژه در شرایطی که امنیت مسلمانان و دین در خطر است، کاملاً آشکار می شود.^۳ در این مواقع، حفظ بیضه اسلام باید در اولویت قرار گیرد، حتی اگر فرد در دو راهی انجام واجبات دیگر و دفاع از بیضه اسلام قرار گیرد.^۴ در واقع، فقه اسلامی بر این نکته تأکید دارد که در صورت خطر تهدیدات علیه دین و سرزمین های اسلامی، تمامی مسائل دینی دیگر نسبت

^۱ شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱؛ فیض کاشانی، النخبة فی الحکمة العملية، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۵.

^۲ نائینی، تنبیه الأمة، ۱۴۲۴ق، ص ۳۹، ۴۰، ۸۱.

^۳ حسینی تهرانی، ولایة الفقیه فی حکومت الإسلام، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۴.

^۴ عمید زنجانی، فقه سیاسی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۴.

به حفظ بیضه اسلام اهمیت کمتری خواهند داشت. این امر نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک و فوری این وظیفه در حفظ موجودیت جامعه اسلامی است. جهاد در راه خدا به‌عنوان یکی از ارکان دفاع از بیضه اسلام مطرح است. جهاد در این زمینه به‌طور خاص برای مقابله با تهدیدات دشمنان اسلام و حفظ سرزمین و اصول دینی مسلمانان طراحی شده است. به این ترتیب، جهاد به‌عنوان ابزاری برای دفاع از بیضه اسلام شناخته می‌شود، به‌ویژه زمانی که تهدیدات از سمت بیگانگان و دشمنان خارجی در حال وقوع است.^۱

۵,۳. بیضه الإسلام و تشریع جهاد

بیضه اسلام و تشریع جهاد در اسلام دو مفهوم به‌هم‌پیوسته هستند که در فقه اسلامی نقش کلیدی در حفظ دین، جامعه اسلامی و منافع مسلمانان دارند. «بیضه اسلام» به معنای اصل دین اسلام، جماعت مسلمانان یا سرزمین‌های اسلامی است که باید از آن محافظت شود، در حالی که «جهاد» به‌عنوان وسیله‌ای برای دفاع از این بیضه معرفی شده است. این دو مفهوم در فقه اسلامی نه‌تنها از لحاظ شرعی، بلکه از نظر اجتماعی و سیاسی نیز به هم مرتبط هستند و در شرایط خاص، جهاد به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از بیضه اسلام تشریع شده است. بیضه اسلام به‌طور کلی به حفاظت

^۱ الشَّهِيدُ الْأَوَّلُ، الدُّرُوسُ الشَّرْعِيَّةُ، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۰؛ الشَّهِيدُ الْأَوَّلُ، اللَّمْعَةُ الدَّمَشْقِيَّةُ، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱؛ حَلْيُ، الرَّسَالَةُ الْفَخْرِيَّةُ، ۱۴۱۱ق، ص ۸۳؛ فَرَاهَانِي، رِسَالَةُ جِهَادِيَّة، ۱۴۲۶ق، ص ۵۴۳؛ صَدْر، مَا وَرَاءَ الْفَقْهِ، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۰۲؛ حَلْيُ، الْجَامِعُ لِلشَّرَائِعِ، ۱۴۰۵ق، ص ۲۳۴.

از هویت دینی و اجتماعی مسلمانان اشاره دارد. در لغت، کلمه «بیضه» به معنای تخم پرندگان است که در متون اسلامی به عنوان نمادی از اصل و مرکزیت دین اسلام به کار می‌رود. این اصطلاح به حفظ شریعت، امنیت دینی، اجتماع مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی اطلاق می‌شود. در فقه اسلامی، حفظ بیضه اسلام به عنوان یک واجب کفایی شناخته شده است که به این معناست که زمانی که جمعی از مسلمانان آن را انجام دهند، مسئولیت از دیگران ساقط می‌شود، اما اگر هیچ‌کس به آن عمل نکند، همه مسلمانان مسئول خواهند بود.

حفظ بیضه اسلام نه تنها به معنای حفظ یک جامعه اسلامی است، بلکه در شرایطی که تهدیدات خارجی یا داخلی آن را تهدید می‌کند، به عنوان یک مسئولیت فوری و فردی برای همه مسلمانان تبدیل می‌شود. این مسئولیت فقهی شامل محافظت از دین، امنیت مسلمانان و حفظ سرزمین‌های اسلامی در برابر حملات دشمنان است. به همین دلیل، دفاع از بیضه اسلام در مواقع تهدید به طور مستقیم به جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام مرتبط است. جهاد در اسلام به عنوان یک عمل دینی و اجتماعی در نظر گرفته شده که هدف آن دفاع از اسلام و مسلمانان در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. در قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام، جهاد به عنوان یکی از واجب‌ترین عبادات و تکالیف دینی شناخته شده است که مسلمانان را به دفاع از اصول دینی و اجتماعی خود در برابر ظلم و فساد فرا می‌خواند. جهاد نه تنها برای دفاع از

سرزمین‌های اسلامی بلکه برای مقابله با فساد، ظلم و بی‌عدالتی در جامعه و جهان اسلام انجام می‌شود.

در متون فقهی، جهاد در راه خدا با نیت دفاع از بیضه اسلام و حفظ آن از تهدیدات خارجی و داخلی تشریع شده است.^۱ برای مثال، زمانی که بیضه اسلام در معرض تهدید قرار می‌گیرد، مسلمانان موظف‌اند تا برای دفاع از آن وارد عمل شوند و حتی در برخی موارد این دفاع به‌عنوان یک تکلیف فردی و فوری مطرح می‌شود. بنابراین، جهاد نه‌تنها یک عمل فیزیکی در میدان نبرد بلکه یک ابزار معنوی و اجتماعی برای حفظ و تقویت موجودیت اسلام و جامعه مسلمانان است. ارتباط بیضه اسلام و جهاد در فقه اسلامی در ابعاد مختلفی قابل بررسی است. نخستین ارتباط بین این دو مفهوم در این است که جهاد به‌عنوان ابزاری برای حفاظت از بیضه اسلام و دفاع از موجودیت دین اسلام مطرح می‌شود. زمانی که بیضه اسلام در معرض تهدیدات خارجی یا داخلی قرار گیرد، جهاد به‌عنوان تکلیفی دینی و اجتماعی مطرح می‌شود که هدف آن محافظت از دین و جامعه اسلامی است.

در دوران غیبت امام زمان (علیه‌السلام)، فقیهان بر این عقیده‌اند که دفاع از بیضه اسلام بر عهده ولی فقیه است. در این زمان، جهاد به‌عنوان ابزار دفاع از بیضه اسلام تحت نظارت ولی فقیه انجام می‌شود. به این معنا که ولی فقیه، به‌عنوان نماینده امام معصوم در دوران غیبت، مسئولیت حفظ بیضه اسلام و

^۱ مجلسی اول، لوامع صاحبقرانی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۳۱.

دفاع از آن را بر عهده دارد و باید در برابر تهدیدات خارجی و داخلی، جهاد را تشریع کند. همچنین، در شرایطی که بیضه اسلام در معرض خطر باشد، جهاد نه تنها به عنوان یک تکلیف دینی بلکه به عنوان یک ابزار اجتماعی برای حفظ امنیت مسلمانان در نظر گرفته می شود. جهاد در این زمان ها به عنوان راهی برای تقویت هویت دینی مسلمانان و مقابله با تهدیداتی است که ممکن است منجر به از دست رفتن استقلال و هویت اسلامی شود. در واقع، تشریع جهاد در این راستا به عنوان یک ضرورت فقهی و اجتماعی است که از سوی علما و فقها توصیه شده است.

در دوران غیبت امام زمان (علیه السلام)، جهاد تحت نظارت ولی فقیه قرار دارد. ولی فقیه، به عنوان جانشین امام معصوم، مسئولیت حفظ بیضه اسلام و دفاع از آن را بر عهده دارد. در این دوران، جهاد از منظر فقهی به عنوان ابزاری برای حفاظت از اسلام و جامعه مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی و داخلی تعریف می شود. دفاع از بیضه اسلام در این شرایط نه تنها به عنوان یک وظیفه دینی بلکه به عنوان مسئولیت سیاسی و اجتماعی نیز مطرح می شود.^۱ فقها در دوران غیبت امام بر این باورند که جهاد باید با نیت دفاع از بیضه اسلام و با هدف حفاظت از موجودیت دین و جامعه مسلمانان صورت گیرد.

^۱ فراهانی، رساله جهادیه، ۱۴۲۶ق، ص ۵۴۳؛ صدر، ما وراء الفقه، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۰۲؛ حلی، الجامع للشرائع، ۱۴۰۵ق، ص ۲۳۴.

این جهاد باید به‌طور جمعی انجام شود و در شرایط خاصی که جامعه اسلامی با تهدیدات جدی مواجه است، تکلیف فردی می‌شود.

۶. اجماع

پس از آنکه در آیات و روایات متعدد، اصل تشریع جهاد به‌طور واضح دلالت شد، دیگر نیازی به اثبات اجماع برای تأکید بر این امر نخواهد بود. آیات قرآن و احادیث پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به‌طور صریح بر وجوب جهاد در شرایط خاص تأکید دارند. بنابراین، خود این منابع دینی به‌تنهایی برای اثبات جواز و وجوب جهاد کافی است. با این حال، در صورتی که به منابع فقهی و دینی دیگر رجوع شود، می‌توان به اجماع فقهی در این زمینه نیز پی برد، چه در میان شیعیان و چه در میان اهل تسنن. این اجماع فقهی نشان می‌دهد که جهاد در اسلام به‌عنوان یک واجب دینی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که در شرایط خاص بر مسلمانان فرض می‌شود. اگرچه مدرک بودن اجماع ممکن است برای برخی از افراد محل تردید باشد، اما به‌طور کلی اجماع به‌عنوان یک دلیل فقهی معتبر در نظر گرفته می‌شود. با این حال، اثبات یا عدم اثبات اجماع در این زمینه تأثیری در اصل مسئله ندارد. زیرا اصل تشریع جهاد بر اساس قرآن و سنت پیامبر اسلام ثابت است و از این‌رو، نیازی به اجماع برای اثبات آن نیست. به عبارت دیگر، حتی اگر اجماع فقهی در این زمینه به‌طور کامل اثبات نشود، اصل تشریع جهاد و واجب بودن آن

در صورت تهدید امنیت اسلامی همچنان پابرجا خواهد بود و مسئله‌ای را از نظر فقهی خدشه‌دار نمی‌کند.

فصل دوم:

مسائل مبتلا به در جهاد

درآمد

فقهها در کتب فقهی خود جهاد را به دو دسته ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند.^۱ این تقسیم‌بندی به‌طور خاص در متون فقهی قدیمی و متقدم به صورت صریح ذکر نشده است، اما فقیهان در شرح و تبیین احکام جهاد ابتدایی، آن را به‌طور مبسوط و مفصل بررسی کرده‌اند. جهاد ابتدایی به‌عنوان جنگ تهاجمی یا پیشدستانه شناخته می‌شود و هدف آن معمولاً گسترش اسلام یا دفاع از جامعه مسلمانان در برابر تهدیدات و تجاوزات خارجی است. در مقابل، جهاد دفاعی که بیشتر به‌طور ضمنی در کتب فقهی بیان شده، به مقابله با حملات دشمن به سرزمین‌های اسلامی و دفاع از جان، مال، و ناموس مسلمانان می‌پردازد. در فقه اسلامی، جهاد ابتدایی معمولاً به‌عنوان امری با ویژگی‌های خاص شرعی و احکام ویژه خود مطرح می‌شود. این نوع جهاد تنها در شرایطی خاص و با احکام معین جایز است، مثلاً در زمانی که دشمنان اسلام به‌طور آشکار تهدیدی برای مسلمانان به‌وجود آورده‌اند یا در شرایطی که لازم است مسلمانان اقدام به گسترش اسلام کنند. به‌طور کلی،

^۱ ابن حمزة الطوسی، الوسیلة، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۹۹، یحیی بن سعید الحلّی، الجامع للشرایع، ۱۴۰۵، ص ۲۳۳، العلامة الحلّی، تذکرة الفقهاء ۴۱۹، ج ۹، ص ۱۹-۲۰، الشهيد الثاني، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام ج ۳، ص ۷-۸، الشهيد الثاني، الروضة البهيّة فی شرح اللمعة الدمشقیّة، المحشّی سلطان العلماء، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۸۱-۳۸۲، الشيخ یوسف البحرانی، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۳، ص ۴۱۵.

در فقه اسلامی جهاد ابتدایی باید با توجه به اصول و موازین خاصی انجام شود و در حقیقت از آن به جهاد تدافعی تعبیر می‌شود.^۱

با این حال، برخی از فقیهان در نقد این تقسیم‌بندی بر این باورند که جهاد دفاعی صرفاً نوعی دفاع مشروع است و به هیچ‌وجه نیاز به احکام و ویژگی‌های خاص جهاد ندارد. این گروه معتقدند که جهاد دفاعی در واقع بخشی از دفاع مشروع است و باید آن را از جهاد ابتدایی که ویژگی‌های خاص خود را دارد، جدا کرد.^۲ بر اساس این دیدگاه، جهاد ثابت در شریعت همان جهاد ابتدایی است و جهاد دفاعی فقط در چارچوب دفاع از جامعه اسلامی در برابر تهدیدات خارجی قابل فهم است. بنابراین، این دیدگاه به نوعی تقسیم‌بندی جهاد را محدودتر و کمتر وابسته به مفاهیم خاص فقهی می‌داند.

مسئله اول: مشروعیت جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی در اصطلاح فقهی به جنگ با مشرکان و کفار برای دعوت آنان به اسلام و توحید و برقراری عدالت اشاره دارد و با هدف از بین بردن سیطره کفر^۳ و فراهم آوردن امکان گسترش دین الهی صورت می‌گیرد.^۱ جهاد

^۱ محمدبن ادریس شافعی، الأم، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۷۰ و محمدبن احمد شمس‌الائمہ سرخسی، شرح کتاب السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۹،

^۲ الشیخ حسین آل عصفور، سداد العباد و رشاد العباد، بی تا، ص ۴۰۹

^۳ بقره، ۱۹۳

ابتدایی یکی از مباحث مهم در فقه اسلامی است که میان فقیهان امامیه و اهل سنت تفاوت‌هایی در تفسیر و وجوب آن وجود دارد. در این بخش به تبیین دیدگاه‌های فقیهان امامیه و اهل سنت، دلایل قرآنی و روایی هر یک و شرایط جهاد ابتدایی به صورت اجمالی پرداخته می‌شود و بررسی تفصیلی آن را در فصل مستقل بیان شده است.

۱. دیدگاه فقیهان امامیه درباره جهاد ابتدایی

فقه‌های امامیه به طور کلی وجوب جهاد ابتدایی را مشروط به اجازه امام معصوم یا نایب خاص او می‌دانند. این گروه از فقها معتقدند که جهاد ابتدایی نه تنها واجب نیست، بلکه مشروعیت آن نیز وابسته به موافقت و اجازه امام معصوم (علیه‌السلام) است.^۲ مراد از نایب خاص امام، شخصی است که از سوی امام معصوم برای هدایت جامعه اسلامی منصوب شده باشد^۳ و این نایب دارای اختیارات ویژه‌ای در مسائل مختلف از جمله جهاد است. این گروه از فقها در استناد به برخی روایات از اهل بیت (علیهم‌السلام) از جمله حدیث «الْجِهَادُ وَاجِبٌ مَعَ إِمَامٍ عَادِلٍ وَمَنْ قَاتَلَ فَقُتِلَ دُونَ مَالِهِ وَرَحْلِهِ وَنَفْسِهِ فَهُوَ

^۱ احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۵

^۲ الشیخ الكلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۳.

^۳ محمد بن حسن الشیخ الطوسی، الاقتصاد الیهادی الی طریق الرشاد، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۹۰.

شَهِيدٌ^۱ یعنی «جهاد تنها با امام عادل واجب است»؛ جهاد ابتدایی را منوط به تایید امام یا نائب خاص او -نه نائب عام- می‌دانند.^۳ با این حال، برخی از فقیهان امامیه نظر متفاوتی دارند. به نظر این گروه، حتی در دوران غیبت امام معصوم (علیه‌السلام)، نایب عام امام، یعنی فقیه جامع‌الشرایط، می‌تواند با استناد به حکم عقل و مصالح اسلامی، به جهاد ابتدایی بپردازد.^۴

۲. دیدگاه فقیهان اهل سنت در مورد جهاد ابتدایی

فقه‌های اهل سنت به طور کلی جهاد ابتدایی را در صورتی که مصلحت اسلام و مسلمانان ایجاب کند، واجب می‌دانند.^۵ از دیدگاه اهل سنت، حاکم اسلامی -چه عادل باشد و چه فاسق- می‌تواند جهاد ابتدایی را اعلام کند، زیرا او مسئولیت حفاظت از مصالح اسلامی و جامعه مسلمانان را بر عهده دارد. طبق این دیدگاه، اطاعت از فرمان حاکم در امر جهاد مانند اطاعت از نمازهای

^۱ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۴۹، حدیث ۱۰، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۱۵، محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۰۳، جلد ۱۰، صفحه ۲۲۲، محمد بن علی بن بابویه الشیخ صدوق، الخصال، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۶۰۳

^۲ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۰۳، جلد ۹۷، ص ۲۳

^۳ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۱۹۸۱، ج ۲۱، ص ۱۱،

^۴ السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی منهاج الصالحین، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۴ و الامام السیدعلی الحسینی الخامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۳۱،

^۵ احمدبن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴،

واجب است.^۱ فقهای اهل سنت بر این باورند که جهاد ابتدایی باید به عنوان آخرین راه حل برای تثبیت مصالح اسلام و مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد.^۲ این گروه همچنین تأکید دارند که قبل از آغاز هرگونه جهاد، لازم است که طرف مقابل به اسلام و تعالیم آن دعوت شود و از کفر و عصیان در برابر خداوند دست بردارد. همچنین، به استناد به سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فقهای اهل سنت معتقدند که در صورت وجود شرایط مناسب و آمادگی سپاه اسلام برای جهاد، انجام جهاد حداقل یکبار در هر سال واجب است.^۳

مسئله دوم: جهاد دفاعی

جهاد دفاعی در فقه اسلامی به معنای جنگ و پیکار برای دفاع از اسلام و سرزمین های اسلامی در برابر تهدیدات دشمنان است. این نوع جهاد زمانی واجب می شود که دشمن به سرزمین های مسلمانان حمله کند و موجودیت اسلام، سرزمین های مسلمانان، جان، ناموس و اموال آنان تهدید شود. در این شرایط، جهاد به عنوان یک تکلیف شرعی و دینی برای مسلمانان مطرح می شود. از آنجا که جهاد دفاعی به دفاع از اصول اساسی اسلام و مسلمانان

^۱ این قدامه، المغنی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱،

^۲ محمد شوکانی، نیل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من احادیث سیدالاکابر، بی تا، ج ۷، ص ۲۴۲-۲۴۳،

^۳ این قدامه، المغنی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۶۷-۳۶۸

مربوط می‌شود، سؤالاتی همچون ماهیت آن و تطابق آن با جهاد مصطلح در شریعت مطرح می‌شود. این مقاله به بررسی جهاد دفاعی، تفاوت آن با جهاد ابتدایی و دیدگاه‌های مختلف فقها در خصوص این نوع جهاد خواهد پرداخت.

۱. تفاوت جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی

برای درک بهتر مفهوم جهاد دفاعی باید ابتدا تفاوت آن را با جهاد ابتدایی روشن کنیم. جهاد ابتدایی به جنگ‌هایی اطلاق می‌شود که مسلمانان آغازگر آن هستند و هدف آن گسترش اسلام و برقراری عدالت است. در این نوع جهاد، مسلمانان برای توسعه دین الهی و از بین بردن سیطره کفر و فساد وارد میدان نبرد می‌شوند. در حالی که جهاد دفاعی زمانی صورت می‌گیرد که دشمن به سرزمین‌های اسلامی حمله کرده باشد و مسلمانان مجبور به دفاع از خود و اصول دین خود شوند. بنابراین، جهاد ابتدایی به عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای گسترش اسلام و برقراری عدالت در جامعه جهانی تعریف می‌شود، در حالی که جهاد دفاعی صرفاً برای حفظ موجودیت اسلام و دفع تهدیدات دشمنان است. در جهاد دفاعی، مسلمانان آغازگر نبرد نیستند بلکه تنها به عنوان مدافع عمل می‌کنند.

۲. دیدگاه فقها در خصوص جهاد دفاعی

فقه‌های مختلف در خصوص جهاد دفاعی نظرات متفاوتی دارند. برخی از فقها جهاد دفاعی را همان جهاد مصطلح در شریعت می‌دانند که مطابق با احکام ویژه‌ای چون واجب بودن آن، حرمت فرار از میدان نبرد، تقسیم غنایم به

کیفیت خاص و دیگر جزئیات فقهی مشخص می‌شود. این گروه از فقها بر این باورند که جهاد دفاعی در صورت تهدید موجودیت اسلام یا سرزمین‌های اسلامی، همانند جهاد ابتدایی دارای احکام خاص خود است و مسلمانان موظف به شرکت در آن هستند.

با این حال، برخی دیگر از فقها جهاد دفاعی را به عنوان یکی از اقسام دفاع در نظر می‌گیرند که ممکن است با جهاد ابتدایی تفاوت‌هایی داشته باشد. لذا جهاد دفاعی تمامی احکام جهاد ابتدایی را شامل نمی‌شود، زیرا در این نوع جهاد، مسلمانان تنها برای دفاع از خود و اصول اسلام وارد میدان نبرد می‌شوند و نیازی به اعمال همه احکام جهاد ابتدایی نیست. این فقها به‌ویژه در دوران‌های مختلف تاریخ اسلامی، جهاد دفاعی را مستحب و نه واجب دانسته‌اند و بر این باورند که دفاع از سرزمین‌های اسلامی در مواقع تهدید، به ویژه در شرایط خاص، باید مورد توجه قرار گیرد.

۳. ادله فقهی و روایی جهاد دفاعی

فقها در استدلال‌های خود برای وجوب جهاد دفاعی به برخی از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) استناد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین آیات قرآنی که به جهاد دفاعی اشاره دارد، آیه ۱۹۰ سوره بقره است که می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

الْمُعْتَدِينَ».^۱ این آیه به مسلمانان دستور می‌دهد که در برابر کسانی که با آنان می‌جنگند، جهاد کنند اما در عین حال از تعدی و تجاوز به دشمن خودداری کنند. این آیه به‌ویژه در موارد جهاد دفاعی که مسلمانان تنها برای دفاع از خود وارد نبرد می‌شوند، مورد استناد قرار می‌گیرد. علاوه بر این، در آیه ۲۹ سوره توبه نیز به جهاد با اهل کتاب اشاره شده است: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ».^۲ این آیه تأکید می‌کند که جهاد با کسانی که به اصول اسلامی ایمان نمی‌آورند و در برابر حکومت اسلامی می‌ایستند، واجب است.

در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز به مسئله جهاد دفاعی اشاره شده است. در حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) آمده است: «جهاد در دفاع از اسلام و مسلمانان از بالاترین درجات ایمان است و هیچ چیزی بر آن مقدم نیست».^۳ این حدیث نشان می‌دهد که جهاد دفاعی در نظر اهل بیت (علیهم‌السلام) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به عنوان یک واجب دینی تلقی می‌شود. همچنین پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در موارد مختلف جهاد دفاعی را تأسیس کرده و مسلمانان را برای دفاع از دین و سرزمین خود تشویق نموده‌اند. در روایتی از پیامبر اسلام آمده است: «جهاد در راه خدا از

^۱ سوره بقره، آیه ۱۹۰

^۲ سوره توبه، آیه ۲۹

^۳ نهج البلاغه، نامه ۴۲

بهترین اعمال است، جز آنکه جهاد در دفاع از مسلمانان در برابر دشمنان از آن هم برتر است».^۱ این روایت نیز بر لزوم دفاع از سرزمین و مسلمانان در برابر تهدیدات دشمن تأکید می‌کند.

مسئله سوم: شرایط جهاد

وجوب جهاد ابتدایی در فقه اسلامی بر اساس شرایط خاصی تعیین می‌شود که شامل بلوغ، عقل، آزادی (حریت)، مرد بودن و عدم معذوریت است. این شرایط به‌طور خاص برای تشخیص کسانی که موظف به شرکت در جهاد ابتدایی هستند، در نظر گرفته شده است. بنابراین، جهاد ابتدایی بر افرادی که این شرایط را نداشته باشند، واجب نیست. یکی از مهم‌ترین شرایط برای وجوب جهاد ابتدایی بلوغ است. به این معنا که جهاد ابتدایی بر کسانی که به سن بلوغ نرسیده‌اند، مانند کودکان یا نوجوانان نابالغ، واجب نیست. همچنین، عقل یکی دیگر از شرایط است، بدین‌گونه که افراد دیوانه و کسانی که از نظر عقلانی قادر به درک مسئولیت‌های جهاد نیستند، از وجوب جهاد ابتدایی معاف می‌شوند. آزادی یا حریت نیز از جمله شرایط اساسی برای وجوب جهاد ابتدایی است. افراد برده یا کسانی که تحت سلطه دیگران قرار دارند، موظف به شرکت در جهاد ابتدایی نیستند. علاوه بر این، زنان نیز از وجوب جهاد ابتدایی معاف هستند، چرا که در برخی از روایات اسلامی تأکید شده است که

^۱ صحیح مسلم، حدیث ۲۲۵۷

جهاد ابتدایی برای آنان واجب نمی‌باشد. افراد مسن یا پیر نیز از جمله کسانی هستند که در صورت ناتوانی جسمی، مانند بیماری یا ضعف شدید، از جهاد ابتدایی معاف می‌شوند. این دسته از افراد به دلیل ناتوانی در شرکت در فعالیت‌های جهاد، مانند دویدن یا سوار شدن بر مرکب، از واجب شدن جهاد ابتدایی معاف هستند. همچنین، افرادی که از نظر مالی قادر به تأمین مخارج خانواده خود نیستند و نمی‌توانند هزینه‌های راه و تهیه سلاح را تأمین کنند، از شرکت در جهاد ابتدایی معاف هستند. علاوه بر این، اگر پدر و مادر فردی راضی به شرکت او در جهاد ابتدایی نباشند، جهاد بر او واجب نخواهد بود. البته در صورتی که جهاد برای فرد واجب عینی باشد، یعنی در شرایطی که دفاع از اسلام یا مسلمانان به‌طور مستقیم و فوری ضرورت داشته باشد، این معافیت برداشته می‌شود و فرد باید به جهاد بپردازد.

در مسائل فقهی مختلف در رابطه با جهاد ابتدایی، اختلاف‌نظرهایی نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، در مورد ضرورت گرفتن اجازه از پدر و مادر مشرک یا اجداد فرد برای شرکت در جهاد، یا لزوم اجازه گرفتن از طلبکار برای عزیمت به جهاد، فقها نظرات متفاوتی دارند. همچنین، در مورد اجیر گرفتن برای جهاد و قراردادن جعاله برای انجام جهاد نیز اختلاف‌نظرهایی میان فقها وجود دارد. یکی از شروط مهم دیگر برای وجوب و مشروعیت جهاد ابتدایی، حضور امام معصوم (علیه‌السلام) و حاکمیت وی است. در دوران غیبت امام معصوم، برخی از فقها بر این باورند که جهاد ابتدایی مشروعیت ندارد، زیرا طبق اصول فقهی، جهاد ابتدایی تنها تحت نظر امام معصوم یا نایب خاص او باید

صورت گیرد. این نایب خاص در دوره غیبت امام، ولی فقیه است که مسئولیت هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارد.

با این حال، در دوران معاصر، برخی از فقهای معاصر قائل به جواز جهاد ابتدایی در صورت وجود فقیه جامع الشرایط و حاکمیت او شده‌اند. به عبارت دیگر، این فقها بر این باورند که اگر ولی فقیه در دوران غیبت امام معصوم (علیه‌السلام) به عنوان نایب خاص امام، شرایط لازم برای انجام جهاد ابتدایی را احراز کند، جهاد ابتدایی در عصر غیبت می‌تواند مشروعیت یابد. این نظر به‌ویژه در راستای نیاز به دفاع از کیان اسلام و مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی مطرح شده است. در مجموع، وجوب جهاد ابتدایی مشروط به تحقق شرایط خاصی است که شامل بلوغ، عقل، آزادی، مرد بودن و معذور نبودن است. علاوه بر این، مشروعیت جهاد ابتدایی به حضور امام معصوم یا نایب خاص او وابسته است. در دوران غیبت، برخی از فقها بر اساس شرایط خاص، امکان جواز جهاد ابتدایی تحت هدایت ولی فقیه را پذیرفته‌اند، در حالی که گروه دیگری از فقها بر این باورند که جهاد ابتدایی در غیاب امام معصوم مشروعیت ندارد. این اختلاف‌نظرها نشان‌دهنده پیچیدگی‌های فقهی و اجتهادی در تبیین احکام جهاد ابتدایی است.

از سوی دیگر؛ جهاد دفاعی از منظر فقهی به معنای پیکار برای دفاع از جان، مال، و حیثیت مسلمانان در برابر تهدیدات دشمن است. بر اساس دیدگاه برخی از فقها، برای جهاد دفاعی، برخلاف جهاد ابتدایی که نیازمند اجازه امام

معصوم یا نایب او است، نیازی به کسب اجازه از امام نیست. در جهاد دفاعی، هر مسلمانی که توان دفاع داشته باشد، موظف است در هر شرایطی از سرزمین و حقوق خود و سایر مسلمانان دفاع کند. این نوع جهاد به دلیل اهمیت آن در حفظ موجودیت اسلام و مسلمانان، به طور خودکار بر مسلمانان واجب می‌شود. دفاع از جان، مال، و حیثیت مسلمانان به عنوان یک تکلیف فردی شناخته می‌شود که در هر زمان و مکان باید انجام گیرد. در حقیقت، جهاد دفاعی به عنوان یک ضرورت دینی تلقی می‌شود که هیچ گونه تأخیر یا تعللی در آن جایز نیست، به ویژه زمانی که تهدیدی مستقیم علیه مسلمانان یا سرزمین‌های اسلامی وجود دارد. از این رو، دفاع از مسلمانان به هیچ وجه مشروط به اجازه و دستور خاص امام معصوم نیست و هر مسلمانی که قادر به دفاع باشد، باید به صورت فوری و بدون درخواست اجازه اقدام کند. این دیدگاه بر اساس اصول عقلانی و شرعی استوار است که دفاع از جان و مال مسلمانان را در برابر تهدیدات خارجی به عنوان یک حق مسلم و تکلیف فوری می‌شناسد. بنابراین، جهاد دفاعی نه تنها بر اساس شرایط خاص و دستور مقام عالی قدر فقهی، بلکه به طور کلی برای هر مسلمانی واجب است و در زمان‌های تهدید، نباید منتظر دستور خاصی باشد.

مسئله چهارم: جهاد پیش‌دستانه

جهاد پیش‌دستانه^۱ به اقدام نظامی‌ای اطلاق می‌شود که یک کشور یا گروه، پیش از وقوع حمله‌ای قریب‌الوقوع از سوی دشمن، به‌منظور خنثی‌سازی تهدید یا پیشگیری از خسارات گسترده، آغاز می‌کند. اگرچه این نوع از جهاد دارای مبانی قوی در گذشته فقهی است و می‌توان در آثار فقهاء سلف آن را جستجو نمود، اما یک نوع جهاد است که در دنیای جدید و مباحث دفاع و امنیت نوین مطرح شده است. در این نوع جهاد، طرف آغازگر با استناد به اطلاعات یا قرائن کافی، تهدید دشمن را جدی، قریب‌الوقوع و اجتناب‌ناپذیر تلقی کرده و با هدف دفاع از خود، به عملیات نظامی دست می‌زند. این مفهوم با «جهاد پیشگیرانه» تفاوت دارد؛ جهاد پیشگیرانه معمولاً علیه تهدیدی احتمالی و در بلندمدت صورت می‌گیرد، در حالی که جهاد پیش‌دستانه واکنشی به تهدیدی آنی و فوری است. مشروعیت جهاد پیش‌دستانه از منظر حقوق بین‌الملل محل بحث است و در منشور سازمان ملل تنها در چارچوب دفاع مشروع از خود، آن هم در صورت حمله مسلحانه، مجاز شمرده شده است. با این حال، برخی کشورها با استناد به اصل دفاع پیش‌دستانه، گاه اقدام به عملیات‌های نظامی خارج از این چارچوب کرده‌اند.

هم جهاد پیش دستانه و هم جهاد پیشگیرانه از منظر ماهوی، نوعی جهاد دفاعی هستند و شامل احکام جهاد دفاعی می‌گردد. البته ممکن است به خاطر شباهت آن با جهاد ابتدائی به علت آغازگری در جهاد، آن را به جهاد ابتدائی ملحق نمایند. در پاسخ به این الحاق، باید ابتداء جنگ را تعریف کرد. اگر ابتدای جنگ همان عملیات نظامی باشد، این نوع از جهاد به جهاد ابتدائی ملحق می‌گردد. اما اگر ابتداء جنگ، شامل تهیو نیز گردد، به جهاد دفاعی ملحق می‌شود. تحقیق نشان می‌دهد که تهیو برای جنگ، خود اعلام غیر رسمی آن است و عقل حکم می‌کند که در گام نخست، اقدامات لازم صورت پذیرد. با این بیان، ادله جواز و ادله عدم جواز آن عبارتند از:

۱. ادله جواز جهاد پیش دستانه

مسأله جواز یا عدم جواز جهاد پیش دستانه از پیچیده‌ترین مباحث در فقه سیاسی شیعه و اهل سنت است. زیرا از یک حیث شبیه جهاد ابتدائی و از حیث دیگر ملحق به جهاد دفاعی است که تحقیق نشان می‌دهد از سنخ جهاد دفاعی است و تهدید دشمن را از مراحل ابتدائی خنثی می‌سازد. این بحث به‌ویژه در سده اخیر، به دلیل تغییر ماهیت تهدیدهای بین‌المللی، نقش دولت مدرن، و تحول مفهوم امنیت ملی، اهمیتی دوچندان پیدا کرده است. امروزه تهدیدهای ناگهانی، حملات گسترده غافلگیرانه، پیشروی‌های برق‌آسای نظامی، فناوری‌های موشکی و سایبری، روشن کرده است که گاه فرصت دفاع بعد از نخستین حمله دشمن وجود ندارد. همین واقعیت، برخی را

به بازخوانی مبانی عقلی جواز اقدام پیش‌دستانه سوق داده است. ادله جواز جهاد پیش‌دستانه، عبارتند از:

۱،۱. قاعده دفع ضرر محتمل

قاعده «دفع ضرر محتمل» یکی از بنیادی‌ترین اصول عقل عملی است و در بسیاری از ابواب فقه نیز تأیید شده است.^۱ برخی از فقهاء آن را ناظر به عقاب اخروی می‌دانند.^۲ ولی تحقیق نشان می‌دهد که مطلق ضرر اعم اخروی و دنیوی مراد است، همانگونه که برخی دیگر از فقهاء بر آن اقرار دارند.^۳ زیرا عقل حکم می‌کند که اگر ضرری عظیم، محتمل‌الوقوع و مقرون به قرائن معتبر باشد، دفع آن پیش از تحقق واجب است؛ زیرا تأخیر ممکن است جبران‌ناپذیر باشد. بر اساس این مبنا، موافقان معتقدند که اگر دشمن با نشانه‌های قطعی مانند تجمع نیرو، تهدید رسمی، محاصره اقتصادی یا استقرار گسترده تجهیزات تهاجم، در آستانه حمله باشد، اقدام پیش‌دستانه نوعی «دفع ضرر محتمل» است، نه جهاد ابتدایی.

۱،۲. ضروریات خمس

نظریه «ضروریات خمس» یا «مقاصد شریعت» که ریشه در عقل عملی و اجماع امت دارد، شامل حفظ دین، جان، مال، نسل و عقل است. اگر دشمن

^۱ جمعی از محققان، فرهنگ نامه اصول فقه، ۱۳۸۹، ص ۶۱۷

^۲ همان

^۳ محمد فاضل لنکرانی، ایضاح الکفایه، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۴۰۳

قصد دارد جامعه‌ای را نابود، اشغال، بی‌هویت یا قتل‌عام کند، عقل حکم می‌کند که حفظ این پنج ضرورت بر انتظار برای «اولین ضربه» ترجیح دارد. این تحلیل با آموزه‌های عقلانی ابن‌خلدون نیز هماهنگ است؛ جایی که «بقاء عمران» را غایت کنش سیاسی می‌داند.

۱,۳. قاعده حفظ نظام

از قواعد مهم عقل عملی در اندیشه سیاسی شیعه، قاعده «حفظ نظام» است. در این بیان؛ اگر تهدید دشمن به‌گونه‌ای باشد که ادامه حیات سیاسی جامعه یا حکومت مشروع را به خطر اندازد، اقدام پیش‌گیرانه نه‌تنها روا، بلکه واجب است؛ زیرا فروپاشی نظام، توقف اجرای احکام و نابودی ساختار اجتماعی را در پی دارد.

۱,۴. اصل بازدارندگی عقلایی (ردع العدو)

در چارچوب عقل عملی اسلامی، بازدارندگی نیز کاربرد دارد؛ زیرا اگر اقدام محدود و دقیق بتواند دشمن را از جنگ گسترده باز دارد، عقل این را نوعی «جنگ کوچک برای جلوگیری از جنگ بزرگ‌تر» می‌داند.

۱,۵. جلوگیری از رسیدن دشمن به نقطه بی‌بازگشت

نقطه بی‌بازگشت در ادبیات امنیتی، یعنی زمانی که دشمن اگر از مرز خاصی عبور کند، دیگر امکان مقابله با او وجود ندارد. اگر شواهد روشن نشان دهد

که دشمن در حال رسیدن به قدرتی است که بعد از آن نابودی جامعه قطعی خواهد بود، عقل حکم می‌کند که اقدام پیش‌دستانه ضرورت دارد.

۱,۶. مسئولیت عقلانی حاکم در حفظ امنیت شهروندان

از نگاه عقل سیاسی، وظیفه نخست حاکم تأمین امنیت است. اگر تهدید خارجی عظیم و قریب‌الوقوع باشد و تنها راه مؤثر برای حفظ جان مردم، اقدام پیش‌گیرانه باشد، حاکم تأخیر نمی‌تواند بکند؛ زیرا عقل، مسئولیت او را در قبال جامعه قطعی می‌شمارد.

۱. ادله عدم جواز جهاد پیش‌دستانه

مخالفان احتمالی جواز جهاد پیش‌دستانه به معنای شروع جنگ قبل از وقوع حمله بالفعل دشمن، در میان فقیهان امامیه و برخی اندیشمندان مسلمان، به مجموعه‌ای از ادله نقلی، عقلی و مصلحت‌سنجانه استناد کرده‌اند. محور مشترک این دیدگاه آن است که ابتکار به جنگ، در عصر غیبت و در شرایط فقدان امام معصوم (علیه‌السلام)، از دایره اختیارات حکومت خارج است و تنها جهاد دفاعی محض مشروعیت دارد. از این رو؛ ادله مخالفان محتمل عبارتست از:

۱,۱. حصر جهاد ابتدایی به امام معصوم(علیه السلام) و

نایب خاص

نخستین و شاید بنیادی ترین دلیل مخالفان، نصوص فقهی و روایی ای است که جهاد ابتدایی را به امام معصوم(علیه السلام) یا نایب خاص او منحصر می کند. بسیاری از فقه های متقدم امامیه، تصریح کرده اند که جهاد ابتدایی بدون حضور امام یا نایب خاص مشروع نیست و در عصر غیبت، جهاد مشروع منحصر در دفاع است. از نگاه مخالفان، هر نوع «جهاد پیش دستانه» در عمل به معنای گسترش جهاد ابتدایی در عصر غیبت است و با این مبنای اجماعی منافات دارد. در این نگاه، جهاد پیش دستانه ملحق به جهاد ابتدایی است نه جهاد دفاعی.

۱,۲. اصل احتیاط در دماء و اموال

دلیل دوم، اصل احتیاط در خون ها و اموال است. به عبارتی، وقتی نتیجه جهاد پیش دستانه، به طور طبیعی همراه با کشتار، تخریب اموال و آوارگی غیرنظامیان است، عقل و شرع هر دو حکم می کنند که اصل، «عدم شروع به جنگ» و حرکت بر مدار احتیاط است؛ مگر در مورد حمله دفاعی روشن و قطعی. بر این اساس، آنان معتقدند قاعده «دفع ضرر محتمل» در باب دماء و نفوس، تنها در صورتی قابل استناد است که به حد «علم عرفی» برسد و بدیل های غیرنظامی نیز عملاً منتفی شده باشند.

اگر در این دلیل دقت شود، به نوعی جهاد پیش دستانه را مشروط بر اینکه علم عرفی قابل اعتماد بر خطر باشد، جایز می‌داند. پس این دلیل به صورت مطلق نافی جواز جهاد پیش دستانه نیست و بر طبق نظر مختار نیز جهاد پیش دستانه، اگرچه ملحق به جهاد ابتدائی است، دارای شرایطی است که در جای خوا بیان خواهد شد.

۱.۳. آمیخته بودن اطلاعات با ظنون

تشخیص «ضرر قریب الوقوع» در سطح امنیت ملی، همواره مبتنی بر گزارش‌های اطلاعاتی، تحلیل‌های سیاسی و پیش‌بینی آینده است. این داده‌ها به‌طور ذاتی آمیخته با ظن، احتمال خطا، سوگیری و فشار سیاسی‌اند. در چنین موضوعی که نتیجه‌اش ریخته شدن خون و تخریب جوامع است، ظنون و احتمالات کافی نیست. بر این اساس، قاعده دفع ضرر محتمل در حوزه دماء، بدون حصول قطع یا اطمینان بسیار قوی، حجیت ندارد و نمی‌توان با تکیه بر «گمان‌های امنیتی» جنگی را آغاز کرد که شاید اساساً رخ نمی‌داد.

در پاسخ به این استدلال باید توجه داشت؛ اولاً اطلاعات نظامی در دستگاه‌های نظامی مبتنی بر شواهد قوی است و می‌توان از میزان ظن بکاهد. مثلاً وقتی که شواهد میدانی نشان از تحرک در اطراف مرز دارد و همه استحکامات در حالت تهاجمی طراحی می‌شود نه تدافعی، حکایت از حمله و جنگ قریب الوقوع دارد. لذا این استدلال وارد نیست.

۱,۴. استناد به آیات و سیره نبوی و علوی

ممکن است، گروهی از مخالفان، با قرائتی خاص از آیات جهاد، بر جنبه دفاعی اصل قتال تأکید می‌کنند. آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا»^۱ به عنوان نخستین آیه قتال در مدینه، در ظاهر خطاب را به «کسانی که با شما می‌جنگند» محدود کرده و از «اعتداء» نهی می‌کند. مفسرانی چون علامه طباطبایی با تأکید بر این نکته، قتال را در اصل ناظر به دفع تجاوز می‌دانند. این تفسیر کاملاً درست است. اما نافی جواز جهاد پیش دستانه با توجه به بیان گذشته، ندارد.

همچنین سیره نبوی به گونه‌ای قرائت می‌شود که جنگ‌های پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) یا واکنش به تجاوز دشمن بوده‌اند یا در چارچوب پیمان‌ها و اعلان‌های رسمی و پس از هشدارهای مکرر صورت گرفته‌اند. که از آن جمله می‌توان به جنگ تبوک اشاره نمود. در سیره علوی نیز، امام علی(علیه‌السلام) علی‌رغم در اختیار داشتن قدرت نظامی، ابتکار جنگ علیه شام را بر نمی‌گزیند و با وجود تحریکات، آغازگر جنگی جدید نمی‌شود؛ بلکه در موضع دفاع از حکومت مشروع مدینه و کوفه می‌ایستد. مخالفان نتیجه می‌گیرند که روح کلی سیره معصومان، دفاعی بودن جهاد و احتراز از آغاز جنگ است؛ و هر خوانش توسعه‌طلبانه دیگری، با این سیره تعارض دارد.

^۱ -سوره بقره/۱۹۰

پیش فرض این دلیل نیز هم سنخ دانستن جهاد پیش دستانه و جهاد پیشگیرانه، با جهاد ابتدائی است. در حالی سابقاً هم بیان شد، این جهاد از سنخ جهاد دفاعی و دفع ضرر قریب الوقوع با شدت احتمال بسیار بالا است. حتی جنگ تبوک را نیز می‌توان بر اساس جهاد پیش دستانه و پیشگیرانه تفسیر نمود. زیرا در ماجرای تبوک:

۱. هنوز حمله‌ای مستقیم از طرف رومیان به مدینه نشده بود؛
۲. اما خبرهای جدی از آماده‌سازی سپاه روم و احتمال حمله به مسلمانان رسید؛
۳. پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) برای پیش‌دستی و نشان‌دادن قدرت دفاعی اسلام، لشکر را به سمت تبوک حرکت داد؛
۴. در نهایت هیچ درگیری رخ نداد و جنگ واقعی صورت نگرفت، ولی حرکت نظامی آغاز شده بود.

۱،۵. مفسده‌انگیزی سیاسی

گشودن باب جهاد پیش‌دستانه برای حاکم غیرمعضوم، عملاً به معنای واگذاری اختیار «اعلان جنگ» بر اساس برداشت‌های شخصی و مصلحت‌سنجی‌های سیاسی است. در ساختار دولت-ملت‌های مدرن، چنین اختیاری می‌تواند:

۱. به ابزار مشروعیت‌سازی برای دیکتاتورها تبدیل شود،
۲. برای منحرف کردن افکار عمومی از بحران‌های داخلی به کار رود،

۳. یا برای توسعه طلبی های منطقه ای استفاده شود.

فقهایی که به بستن راه های مفسده معتقدند، ممکن است بگویند که حصر جهاد ابتدایی به امام معصوم (علیه السلام)، دقیقاً برای جلوگیری از همین سوءاستفاده هاست. از این رو، توسعه اختیارات حاکم در این حوزه با عنوان بازدارندگی، از نظر آنان خلاف حکمت تشریع است.

چنانچه در این استدلال هم مشاهده می شود؛ اولاً جهاد پیش دستانه و پیشگیرانه را از جمله جهاد ابتدائی دانسته است و قبلاً هم بیان شد که از سنخ جهاد دفاعی است. ثانیاً شاید در حکومت های مدرن، از آن سوء استفاده گردد، اما صرف سوء استفاده دیگران نمی تواند مانع از بررسی فقهی آن و استفاده صحیح از این نوع جهاد در راستای حفظ کیان و نظام اسلامی گردد.

نظر مختار در جهاد پیش دستانه و پیشگیرانه

با تکیه بر عقل عملی، می توان استدلال کرد که جهاد پیش دستانه در شرایط خاص و کاملاً استثنایی، نه تنها جایز بلکه ضروری است. این جواز بر چند مقدمه عقلانی و فلسفه سیاسی استوار است که عبارتند از:

نخست آن که حفظ جان، امنیت و بقاء جامعه انسانی از بنیادی ترین احکام عقل عملی است. اگر تهدیدی آشکار، جدی و قریب الوقوع متوجه یک ملت باشد—به گونه ای که حمله دشمن در کوتاه مدت محتمل و شواهد آن قوی باشد—عقل حکم می کند که انتظار برای ضربه نخست، نوعی غفلت و

کوتاهی در حفظ حیات جمعی است. در چنین شرایطی، اقدام پیش‌دستانه ماهیت دفاعی دارد، هرچند از نظر صورت‌شناختی آغازگرانه به‌نظر رسد.

دوم آن‌که در نظام‌های امنیتی معاصر، بسیاری از حملات امکان «دفاع پسینی» را از بین می‌برند. فناوری‌های موشکی، پهپادهای تهاجمی و حملات سایبری می‌توانند در زمان بسیار کوتاه امنیت یک کشور را مختل کنند. بنابراین دفاع مؤثر گاه فقط در مرحله پیش از حمله امکان‌پذیر است. از این منظر، جهاد پیش‌دستانه «مقدمه‌ی واجب» دفاع به‌شمار می‌آید.

سوم آن‌که تحلیل‌های فقهی و عقلانی مبتنی بر «حفظ نظام» و «ردع العدو» نیز نشان می‌دهد که اگر دشمن در حال رسیدن به نقطه‌ای باشد که پس از آن دفع او ممکن نباشد، اقدام پیشگیرانه نوعی پیشگیری از نابودی قطعی است و نه توسعه‌طلبی.

بنابراین می‌توان گفت جواز جهاد پیش‌دستانه مشروط به چهار رکن است:

۱. احراز تهدید واقعی و مستند؛
۲. نبود راه‌حل جایگزین؛
۳. تناسب اقدام با میزان تهدید؛
۴. رعایت اصول اخلاق جنگ و حفظ جان بی‌گناهان.

بر این اساس، جهاد پیش‌دستانه نه تنها می‌تواند جایز باشد، بلکه در شرایطی که بقاء جامعه و امنیت عمومی در معرض نابودی قریب‌الوقوع قرار گیرد، وظیفه‌ی عقلانی و اخلاقی حاکمیت محسوب می‌شود.

مسئله پنجم: جهاد در فرض وجود حکومت اسلامی

در فرض وجود حکومت اسلامی یا بسط ید فقیه، امر به جهاد و صلح از وظایف ولی فقیه می‌باشد. البته در جهاد دفاعی، اولاً و بالذات بر همگان واجب است. اما پس از رسیدن فرمان و حکم ولی فقیه به عنوان فرماندهی کل قوا، تابع آن حکم و فتوات خواهد شد.

مسئله ششم: وجوب کفایی بودن

در فقه اسلامی، خواه جهاد ابتدایی باشد یا جهاد دفاعی، یکی از مهم‌ترین احکام مرتبط با دفاع از اسلام و مسلمانان است که شرایط خاصی برای آن وجود دارد. یکی از اصول بنیادین در تعیین وضعیت جهاد، تقسیم آن به جهاد کفایی و عینی است. طبق نظر مشهور فقهای اسلامی، جهاد ابتدایی زمانی که شرایط آن فراهم می‌شود^۱ و جهاد دفاعی در زمانی که دشمن به کیان اسلامی هجوم آورد و جبهه‌های حق علیه باطل مملو از نیرو باشد، واجب کفایی است. این بدان معناست که جهاد بر همه کسانی که واجد شرایط هستند، واجب است تا زمانی که نیاز جبهه نبرد به نیرو وجود داشته باشد. به

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵

عبارت دیگر، زمانی که تعدادی از مسلمانان وارد میدان جنگ شوند و آن تعداد برای دفع دشمن کفایت کند، جهاد از دیگران ساقط می‌شود و بر آنها واجب نیست، مگر آنکه امام معصوم (علیه‌السلام) یا حاکم اسلامی به دلایلی خاص، افراد معینی را برای شرکت در جهاد فرا بخواند. در چنین شرایطی، حضور این افراد واجب عینی خواهد بود. به عبارتی؛ در فقه اسلامی، جهاد به دو نوع تقسیم می‌شود: جهاد کفایی و جهاد عینی. جهاد کفایی به معنای آن است که اگر گروهی از مسلمانان در جهاد حضور یابند و این حضور به مقدار کافی باشد، جهاد از دیگر مسلمانان ساقط می‌شود و نیازی به حضور همه نیست. این نوع جهاد زمانی واجب است که جامعه اسلامی برای دفع تهدیدات دشمن نیاز به نیرو داشته باشد و این نیاز با حضور یک گروه کافی برآورده شود. پس از آنکه تعداد کافی از مسلمانان در جهاد شرکت کردند، دیگران از این تکلیف معاف خواهند بود. در مقابل، جهاد عینی زمانی واجب می‌شود که افراد خاصی در یک موقعیت خاص به جهاد دعوت شوند و حضور آنان ضروری باشد. این حالت زمانی است که جنگ در حال وقوع است و هر فردی که قادر به مشارکت باشد، موظف به حضور در جبهه است. به عبارت دیگر، وقتی که جنگ به مرحله‌ای برسد که مسلمانان باید به طور فردی در آن حضور یابند، جهاد تبدیل به یک تکلیف عینی می‌شود که برای هر فرد واجب است.

پس از آنکه جهاد - خواه ابتدایی یا دفاعی- آغاز می‌شود و مسلمانان با دشمن مواجه می‌شوند، جهاد از حالت کفایی به عینی تبدیل می‌شود. به این

معنا که از آن به بعد، دیگر هیچ کس حق ندارد از میدان جنگ کنار بکشد یا از آن انصراف دهد. در چنین شرایطی، جنگ به تکلیف فردی تبدیل می‌شود و هر مسلمان باید به انجام آن بپردازد. ترک جنگ و فرار از آن در این مرحله حرام است و از نظر فقهی گناهی بزرگ محسوب می‌شود. این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که در مرحله‌ی رویارویی با دشمن، نیاز به حضور مسلمانان به صورت فردی و جمعی برای حفظ اسلام و دفاع از سرزمین‌های اسلامی ضروری است. ترک میدان جنگ در این مرحله نه تنها به معنای نادیده گرفتن تکلیف فردی است، بلکه ممکن است بر اساس فقه اسلامی به معنای خیانت به دین و مسلمانی باشد. اما اگر ظرفیت حضور در میدان جهاد کامل گردد، دوباره جهاد از وجوب عینی به وجوب کفائی تبدیل خواهد شد.^۱

مسئله هفتم: طرف مقابل جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی در فقه اسلامی یکی از اصول بنیادین دفاع از دین و سرزمین‌های اسلامی است که در برابر برخی گروه‌ها و در شرایط خاصی واجب می‌شود و در صورت تهاجم آن گروه خاص به کیان اسلامی و تهدید امنیت جامعه اسلامی به جهاد دفاعی تبدیل خواهد شد. بر اساس آراء فقه‌های اسلامی، جهاد ابتدایی در برابر سه گروه مشخص واجب است: کافران غیر ذمی - اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب -، کفار ذمی که پیمان ذمه را نقض کرده‌اند و باغیان. این سه گروه به دلیل اقدامات و رفتارهای خاص خود که

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۴

تهدیدی برای اسلام و مسلمانان به شمار می‌رود، هدف جهاد ابتدایی قرار می‌گیرند. در این نوشتار به تفصیل به تبیین جهاد ابتدایی در برابر هر یک از این گروه‌ها، شرایط آن، و آیات و روایات مرتبط خواهیم پرداخت.

۱. جهاد با کافران غیر ذمی

کافران غیر ذمی به کسانی اطلاق می‌شود که نه اهل کتاب هستند و نه در چارچوب پیمان ذمه قرار دارند.^۱ این گروه شامل مشرکان و سایر کسانی است که به اصول اسلام ایمان ندارند و با مسلمانان در حال جنگ و خصومت هستند. طبق نظر مشهور فقها، جهاد با کافران غیر ذمی از آنجا که آنان هیچ‌گونه تعهدی نسبت به مسلمانان ندارند، واجب است. هدف اصلی جهاد با این گروه، دعوت آنان به اسلام و پذیرش توحید و پیامبری حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. آیه ۹ سوره توبه در این زمینه به وضوح بر لزوم جنگ با کسانی که با مسلمانان به دشمنی برخاسته‌اند، تأکید دارد: «فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحَرَّمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَحْصَرُوهُمْ وَقَعُودُوا لَهُمْ كُلٌّ مَرْصَدٍ». در این آیه، خداوند مسلمانان را به جنگ با مشرکان که در حالت جنگ با اسلام و مسلمانان هستند، دستور می‌دهد. این جنگ در صورت عدم پذیرش اسلام از سوی آنان، به عنوان آخرین گزینه می‌تواند به نبرد تبدیل شود. در حقیقت، کافران غیر ذمی تنها دو گزینه پیش

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۴۶

^۲ سوره توبه، آیه ۵

روی دارند: یکی پذیرش اسلام و گرویدن به دین حق، یا ادامه دشمنی با مسلمانان و در نتیجه، وارد شدن به جنگ با آنان. از نظر فقهی، جهاد با این گروه به منظور دعوت آنان به اسلام و جلوگیری از تهدیداتشان علیه مسلمانان است.

۲. جهاد با کفار ذمی که پیمان ذمه را نقض کرده‌اند

کفار ذمی به غیر مسلمانانی اطلاق می‌شود که با مسلمانان پیمان ذمه بسته‌اند و در برابر حمایت و امنیتی که در سرزمین اسلامی برای آنان فراهم شده، جزیه می‌پردازند. این پیمان میان مسلمانان و کفار ذمی موجب می‌شود که آنان در امنیت زندگی کنند و مسلمانان از آنان دفاع کنند. با این حال، اگر یکی از کفار ذمی پیمان ذمه را نقض کند یا به هر دلیلی از تعهدات خود در برابر مسلمانان تخلف نماید، جهاد با آنان واجب می‌شود. آیه ۲۹ سوره توبه در این زمینه به مسلمانان دستور می‌دهد تا با کسانی که از شرایط پیمان ذمه تخطی کرده‌اند، بجنگند: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ».^۱ طبق این آیه، کفار اهل کتاب غیر ذمی یا ذمی‌هایی که پیمان ذمه را نقض کرده‌اند، باید یکی از سه راه را انتخاب کنند: یا به اسلام گرویده و مسلمان شوند، یا به پیمان ذمه بازگشته و جزیه پرداخت کنند، و یا به جنگ با مسلمانان برخیزند.

^۱ سوره توبه، آیه ۲۹

۳. جهاد با باغیان

باغیان به کسانی اطلاق می‌شود که در برابر حاکم اسلامی - امام معصوم یا ولی فقیه در دوران غیبت - قیام کرده و از بیعت با امام یا حاکم اسلامی خارج می‌شوند. این گروه نه تنها نظم و امنیت جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند، بلکه با نقض پیمان و شورش علیه حاکمیت اسلامی، به دشمنی آشکار با جامعه مسلمانان پرداخته‌اند. از این رو، جهاد با باغیان برای بازگرداندن آنان به بیعت با امام علیه‌السلام واجب است. آیه ۷۳ سوره فرقان به این موضوع اشاره دارد که باید با کسانی که از بیعت و عهد خود با امام سرپیچی می‌کنند، مبارزه کرد: «وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ». این آیه به طور ضمنی اشاره به کسانی دارد که به عهد و پیمان خود با خدا و جامعه اسلامی پشت می‌کنند و با فساد در زمین و تهدید به امنیت مسلمانان، باید مقابله شوند.

مسئله هشتم: حرمت جهاد در ماه‌های حرام

در فقه اسلامی، یکی از مباحث مهم در زمینه جهاد، مسأله جنگ در ماه‌های حرام است.^۲ ماه‌های حرام شامل رجب، ذی‌قعدة، ذی‌حجه و محرم هستند که در دوران قبل از اسلام نیز جنگ در این ماه‌ها ممنوع بود. این ممنوعیت از

^۱ سوره رعد، آیه ۲۵

^۲ السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی منهاج الصالحین، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۸ - ۳۶۹.

سنت‌های عرب جاهلی بوده است، اما اسلام نیز این حکم را تأیید کرد^۱ و در بسیاری از متون فقهی و قرآنی به آن اشاره شده است. به طور خاص، فقهای اسلامی به استناد آیات قرآن کریم، از جمله آیه ۲۱۷ سوره بقره و آیه ۵ سوره توبه، به حرمت جهاد در ماه‌های حرام قائل شده‌اند. زیرا در عربستان قبل از اسلام، ماه‌های حرام چهار ماه از سال به شمار می‌آمدند که جنگ در این ماه‌ها به طور کلی ممنوع بود و دین مبین اسلام نیز آن را امضاء نمود. این ماه‌ها به عنوان ماه‌های مقدس شناخته می‌شدند و عرب‌ها در این ایام به دور از جنگ و خونریزی می‌زیستند. از آنجا که مسلمانان برای جلوگیری از هرگونه تضییع حقوق انسانی و اجتماعی و همچنین تأسیس نظامی عادلانه در جامعه اسلامی، از این سنت‌ها پیروی کردند، اسلام نیز جنگ در ماه‌های حرام را به عنوان یک اصل برگزید. در قرآن کریم، به وضوح بر این مسئله تأکید شده است که جنگ در این ماه‌ها، مگر در موارد ضروری، جواز ندارد.

آیه ۲۱۷ سوره بقره یکی از مهم‌ترین آیاتی است که به این موضوع پرداخته و در آن به حرمت جنگ در ماه‌های حرام اشاره شده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكَفَرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ»^۲. در این آیه، خداوند به پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پاسخ می‌دهد که جنگ در

^۱ محمدبن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱۴۰۵، ذیل بقره: ۹۰.

^۲ سوره بقره، آیه ۲۱۷

ماه‌های حرام گناهی بزرگ است، زیرا علاوه بر آنکه کشتن در این ایام ممنوع است، کارهایی نظیر ممانعت از حرکت مسلمانان و تکفیر آنان و نیز اخراج از مکانی که در آن عبادت انجام می‌شود، حتی گناهی بزرگ‌تر است. به همین دلیل، در این ماه‌ها جنگ تنها در شرایط خاص و با دلایل بسیار قوی مجاز است.

یکی دیگر از آیاتی که در خصوص جنگ در ماه‌های حرام وجود دارد، آیه ۵ سوره توبه است که پس از پایان مهلت مقرر برای مشرکان در جزیره العرب نازل شده است: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَحَصِرُوهُمْ وَقَعُودُوا لَهُمْ كُلٌّ مَرْصِدٌ». این آیه به صراحت می‌گوید که پس از اتمام ماه‌های حرام، مسلمانان می‌توانند مشرکان را در هر مکانی که یافتند، بکشند و محدود کنند. آیه ۵ سوره توبه نشان می‌دهد که در صورت تداوم جنگ با دشمنان اسلام و مخالفت آنان با صلح، حرمت جنگ در ماه‌های حرام لغو می‌شود و مسلمانان مجاز به جنگیدن با آنان حتی در ماه‌های حرام خواهند بود.

البته دنیای عربی در عصر جاهلی، دچار پدیده‌ای بود که آن را نَسْء می‌نامند. نَسْء یک سنت جاهلی بود که در آن، عرب‌ها ماه‌های حرام را به تأخیر می‌انداختند یا آن‌ها را جابجا می‌کردند تا بتوانند بر اساس منافع قبیله‌ای خود از این ماه‌ها برای جنگ و سایر فعالیت‌های اجتماعی استفاده

^۱ سوره توبه، آیه ۵

کنند. این عمل به نوعی باعث تغییر تقویم قمری و ایجاد ناآرامی در تعیین زمان‌های مقدس می‌شد. در قرآن، به ویژه در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره توبه، نسیء به شدت نکوهش شده است. این آیات آن را عامل افزایش کفر و گمراهی معرفی کرده و به عواقب منفی این عمل در جامعه اشاره می‌کنند. در واقع، نسیء نه تنها به تغییر ماه‌های حرام بلکه به خدشه وارد کردن به تقدس و اهمیت زمان‌های الهی اشاره دارد که در اسلام به عنوان یک امر مقدس و مورد احترام شناخته می‌شود. این سنت نشان‌دهنده سوءاستفاده از مفاهیم دینی برای پیشبرد اهداف شخصی و قبیله‌ای بود.

در حالی که فقه‌های شیعه به طور معمول به استناد آیات و روایات، به حرمت جنگ در ماه‌های حرام معتقدند، برخی از فقه‌های اهل سنت به ویژه در دوران معاصر، به نسخ این حرمت قائل شده‌اند. از دیدگاه این فقها، جهاد در هر زمان و مکانی، حتی در ماه‌های حرام، در صورتی که مصلحت اسلامی و دفاع از مسلمانان ایجاب کند، جایز است. این نظر از آنجا ناشی می‌شود که جهاد در فقه اهل سنت به عنوان یک امر حیاتی برای گسترش اسلام و دفع تهدیدات دشمن تلقی می‌شود و در این دیدگاه، حرمت جنگ در ماه‌های حرام، به دلیل تغییر شرایط و نیاز به دفاع از جامعه اسلامی، نسخ شده است. این گروه از فقها به آیه ۵ سوره توبه اشاره می‌کنند که بر اساس آن، در شرایط خاص، حرمت جنگ در ماه‌های حرام لغو می‌شود. بر این اساس، در صورت وجود تهدید جدی برای مسلمانان، هیچ زمانی برای دفاع از اسلام

محدودیت ندارد و می‌توان در هر زمانی حتی در ماه‌های حرام، جنگ را آغاز کرد.

مسئله نهم: جهاد در منطقه حرم

در فقه اسلامی، یکی از مسائل مهم در زمینه جهاد ابتدایی، حرمت جنگ در مناطق مقدس و به‌ویژه در منطقه حرم است. حرم در اصطلاح اسلامی به مناطقی اطلاق می‌شود که به دلیل ویژگی‌های دینی و مذهبی خود، جنگ و خونریزی در آن‌ها ممنوع است. این منطقه شامل شهر مکه، که خانه خدا و کعبه در آن قرار دارد،^۱ و برخی دیگر از مناطق اطراف آن می‌شود. به طور کلی، جهاد در این مناطق حرام است مگر آنکه دشمن در این مکان‌ها دست به پیکار بزند. در واقع، منطقه حرم به عنوان مکانی مقدس، به دلیل احکام خاصی که در اسلام برای آن در نظر گرفته شده، در برابر هرگونه جنگ و درگیری مصون است.^۲

آیه ۹۷ سوره مائده یکی از آیاتی است که به‌طور غیرمستقیم به مسائل مربوط به جنگ در مناطق حرام اشاره دارد. در این آیه آمده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ».^۳ این آیه به طور کلی

^۱ ابن جوزی، نواسخ القرآن، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۲-۷۴،

^۲ حسن بن یوسف علامه حلی، تذکره الفقهاء، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۹،

^۳ سوره مائده، آیه ۹۷

بر مجازات کسانی که فساد و جنگ را در زمین به راه می‌اندازند، تأکید دارد، اما در این آیه، اشاره‌ای به احترام و عدم وقوع جنگ در مناطق مقدس از جمله حرم نمی‌شود. با این حال، بسیاری از فقها بر اساس سنت‌های اسلامی و همچنین تأکیدات قرآن، معتقدند که جنگ در مناطق حرم حتی در صورت وجود دشمنان، نباید به‌طور معمول آغاز شود مگر اینکه دشمن در این مکان‌ها اقدام به جنگ کند.

در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز با توجه به احترام به منطقه حرم، از جنگ در این مناطق خودداری کرده و تنها زمانی که دشمن در این مناطق وارد جنگ شد، به دفاع پرداختند. این رفتار پیامبر به‌عنوان یک الگو برای مسلمانان مطرح است و بسیاری از فقها بر اساس آن، جهاد در منطقه حرم را تنها در صورتی که دشمن شروع به پیکار کند، مجاز می‌دانند. علاوه بر این، برخی از فقه‌های اسلامی به مسئله دیگری نیز اشاره کرده‌اند که در آن جهاد ابتدایی در یک سال بیش از یک‌بار واجب نیست. این نظر به‌ویژه در شرایطی که جنگ در سال اول به اندازه کافی انجام شده باشد و تهدیدات خارجی کمتر از حد بحرانی باشند، مطرح شده است. در واقع، این دیدگاه بر این اساس استوار است که جهاد ابتدایی به‌عنوان یک تکلیف کفایی است و تا زمانی که نیاز به حضور بیشتر مسلمانان در میدان نبرد وجود دارد، این تکلیف واجب است. اما در صورتی که نیروی کافی برای دفاع و دفع دشمن به میدان آمده باشد و تهدیدات کاهش یافته باشد، دیگر جهاد ابتدایی در آن سال واجب نخواهد بود.

این مسئله در فقه اسلامی به‌ویژه در شرایطی که امنیت نسبی برقرار شده باشد یا خطرات خارجی کاهش یافته باشد، مطرح می‌شود. این دیدگاه در تاریخ اسلام بارها مورد تأکید قرار گرفته است که جهاد ابتدایی نباید به طور مداوم و در هر سال ادامه یابد، بلکه تنها در صورتی که تهدیدات جدی‌تر شوند یا دشمن اقدامات جدیدی را آغاز کند، جهاد ابتدایی دوباره واجب خواهد شد. این برداشت از فقه اسلامی با توجه به تغییر شرایط و نیاز به تنظیم منابع در راستای دفاع از مسلمانان، بسیار مهم است. در نتیجه، جهاد ابتدایی در منطقه حرم به‌طور کلی ممنوع است و تنها در شرایط خاصی که دشمن در این مناطق دست به پیکار بزند، مجاز به جنگ می‌شود. این اصل از فقه اسلامی در راستای حفظ حرمت مناطق مقدس و جلوگیری از درگیری در مکان‌هایی است که برای مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. همچنین، جهاد ابتدایی در سال بیش از یک‌بار واجب نیست، مگر در صورتی که تهدیدات دشمن افزایش یابد یا شرایط جدیدی ایجاب کند که حضور مسلمانان در میدان نبرد ضروری باشد. این اصول به‌ویژه در شرایط زمانی و مکانی مختلف قابل تغییر است و به اجتهاد فقها و شرایط خاص بستگی دارد..

مسئله دهم: فرار از جنگ حرام

فرار از جنگ در فقه اسلامی به عنوان عملی حرام و از گناهان کبیره شناخته شده است، مگر در شرایط خاصی که اجتهاد فقها آن را مجاز بدانند.^۱ این حکم در راستای اهمیت جهاد در دفاع از دین و مسلمانان در برابر دشمنان و تهدیدات خارجی است. در واقع، جهاد در بسیاری از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان یک تکلیف شرعی و ضروری برای هر مسلمان مطرح شده است. بنابراین، فرار از میدان جنگ که به عنوان یک عمل ترس آور و پشت کردن به جامعه مسلمانان و اصول دین محسوب می شود، از نظر فقهی به طور قاطع حرام است. با این حال، در برخی شرایط استثنایی به فتوای برخی از بزرگان فقه، مانند زمانی که تعداد مسلمانان کمتر از نصف نیروهای دشمن باشد، مقاومت در برابر دشمن ممکن است واجب نباشد.^۲

شاید بتوان آن را اینگونه توجیه نمود که حفظ جان مؤمنان در شرایطی که احتمال شکست قطعی وجود دارد، واجب است. اما بر طبق مبنای وجوب تبعیت از فرماندهی، تا زمانی که فرمانده حکم به عقب نشینی نداده است، ترک میدان حتی در فرض کمتر بودن نیرو، باز هم جایز نیست.

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵۶.

^۲ همان، ۶۱.

۱. حکم فرار از جنگ در قرآن و روایات

فرار از جنگ به‌ویژه زمانی که مسلمانان در میدان نبرد به مقابله با دشمنان اسلام می‌روند، به‌طور مشخص در قرآن و روایات به‌عنوان عملی حرام و گناه کبیره شناخته شده است. در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره انفال آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ* وَمَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ دَبْرُهُ إِلَّا مَتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مَتَحِيزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ».^۱ این آیه به‌طور صریح به کسانی که از جنگ فرار می‌کنند، اشاره دارد و آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد. در این آیه، فرار از میدان نبرد حتی در صورت وجود سختی و تهدید، به‌عنوان عملی ناپسند و غیرقابل پذیرش در نظر گرفته شده است و به مسلمانان گفته می‌شود که هرگاه دیدید دشمنان به سوی شما روی می‌آورند، به آنان پشت نکنید. روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بر این موضوع تأکید دارند که فرار از جنگ در صورتی که انسان قادر به شرکت در آن باشد، گناهی بزرگ است و باعث کاهش ارزش انسانی می‌شود. در روایتی از امام علی (علیه‌السلام) آمده است که فرار از جنگ نه تنها نشانه ضعف و ترس است، بلکه نشان‌دهنده از دست دادن شجاعت و ایمان است. امام علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «هیچ چیزی برای مسلمان بدتر از فرار از میدان جنگ نیست».^۲ این روایت

^۱ سوره انفال، آیه ۱۵ و ۱۶

^۲ نهج البلاغه، نامه ۵۲

به‌طور واضح نشان‌دهنده اهمیت حضور در جهاد و اجتناب از هر گونه فرار است.

۲. استثنایایی در مورد فرار از جنگ

با وجود این حکم قطعی در خصوص حرمت فرار از جنگ، فقها برای برخی شرایط خاص، استثنائاتی قائل شده‌اند. برخی از بزرگان فقه فتوا داده‌اند که اگر تعداد مسلمانان به اندازه‌ای کم است که توان مقابله با دشمن را ندارند. اما بر اساس مبنای مختار، حتی در این فرض نیز فرار از میدان جایز نیست جز در صورتی که حکم عقب نشینی صادر شده یا فرماندهی نیروها از هم پاشیده باشد. در صورتی که فرماندهی نیروها برقرار باشد و حکم به مقاومت نماید، فرار از میدان به علت وجب تبعیت از فرمان فرماندهی، جایز نیست.

۳. فلسفه حرمت فرار از جنگ

حرمت فرار از جنگ در فقه اسلامی به‌طور کلی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین گناهان کبیره مطرح است زیرا جنگ در اسلام به‌عنوان یک ابزار برای حفظ دین، امنیت و استقلال مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی و داخلی شناخته می‌شود. از دیدگاه اسلامی، فرار از جنگ به معنی رها کردن مسئولیت در برابر دین و جامعه مسلمانان است. این امر به‌ویژه در مواقعی که جنگ برای دفاع از سرزمین اسلامی یا جلوگیری از ظلم و فساد است، جایز نیست. این حکم همچنین بیانگر اهمیت همبستگی و وحدت مسلمانان در برابر دشمنان

است. فرار از میدان جنگ می‌تواند تضعیف روحیه جمعی مسلمانان را به دنبال داشته باشد و باعث ایجاد تفرقه و ضعف در جبهه مسلمانان شود.

در نهایت، فرار از جنگ در فقه اسلامی به عنوان عملی حرام و گناه کبیره شناخته می‌شود، مگر در شرایطی خاص که تعداد مسلمانان از دشمن کمتر باشد. در این مواقع، مقاومتی که در برابر دشمن انجام می‌شود ممکن است نه تنها مفید نباشد، بلکه به ضرر مسلمانان و دین اسلام منتهی شود. بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، حضور در میدان جنگ برای دفاع از دین و جامعه اسلامی واجب است، اما در شرایط خاصی که نتیجه جنگ به وضوح به نفع مسلمانان نخواهد بود، فرار از میدان نبرد مجاز است..

مسئله یازدهم: استحباب صبر تا رسیدن به حد نصاب

در شرایطی که تعداد نیروهای مسلمانان اندک و تعداد سپاهیان دشمن زیاد باشد، از نظر فقهی و استراتژیک، بر امام و فرمانده مسلمانان واجب است که تا زمان رسیدن به حد نصاب نیروهای کافی و مناسب برای مقابله با دشمن، صبر کرده و از اقدام فوری خودداری نماید.^۱ البته این فتوا ناظر به شرایط عادی است. لذا اگر اصل اسلام مورد تهدید باشد، وجوب در اقدام فوری، حتی با نیروهای کم است. این دستور در قالب یک استراتژی تدافعی نه تنها بر اساس عقل و حکمت بلکه بر اساس آموزه‌های اسلامی نیز مستند است. قرآن و سنت پیامبر اسلام تاکید دارند که جنگ باید با دقت و تدبیر صورت

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵۰

گیرد و به هیچ وجه نباید در شرایط ضعف و کمبود منابع، اقدام به جنگی پرریسک و نابخردانه کرد. همچنین، در تاریخ اسلام نمونه‌های بسیاری از این رویکرد مشاهده می‌شود، جایی که امامان مسلمان به دلیل عدم برخورداری از تعداد کافی نیرو، جنگ را به تعویق انداخته و از درگیری غیرضروری خودداری کرده‌اند. این نگرش بر اساس مصلحت عمومی و حفظ جان مسلمانان صورت می‌گیرد تا در صورت فراهم شدن شرایط مناسب، نیروها با قدرت و هماهنگی بیشتری به میدان جنگ بروند. در این راستا، صبر به عنوان یک ابزار راهبردی برای جمع‌آوری نیرو، آمادگی و ارزیابی دقیق‌تر اوضاع مطرح می‌شود که در نهایت منجر به پیروزی و موفقیت در شرایط پیچیده و دشوار می‌گردد..

مسئله دوازدهم: استحباب دعوت به اسلام قبل از جهاد

در اصول فقه اسلامی و با توجه به آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر اسلام، زمانی که امام علیه‌السلام یا نماینده منصوب از جانب ایشان قصد شروع جنگ با کفار را دارد، بر او واجب است که ابتدا این گروه را به اسلام دعوت کند.^۱ این دعوت شامل شهادت به توحید و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و لوازم آن، از اصول و فروع دین اسلام است. هدف از این دعوت، برقراری شرایطی است که افراد و گروه‌های غیرمسلمان ابتدا فرصت انتخاب و پذیرش دین اسلام را داشته باشند و از درگیری و جنگ بی‌مورد جلوگیری

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۵۴-۵۱.

شود. این رویکرد به‌ویژه در شرایطی که جنگ اجتناب‌ناپذیر است، به‌عنوان روشی انسانی و مبتنی بر اصول عدالت و برابری تلقی می‌شود.

در قرآن کریم، در سوره توبه، آیه ۶، آمده است: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ».^۱ این آیه نشان‌دهنده اهمیت دعوت به اسلام و فرصت دادن به مخالفان پیش از اقدام به جنگ است. بر این اساس، امام یا فرمانده مسلمانان باید ابتدا از طرق مختلف مانند ارسال نامه، فرستادن پیام و سایر روش‌های مناسب، به کفار اعلام کند که اسلام به‌عنوان دین کامل و جامع، مسیر هدایت و رستگاری برای انسان‌ها است و از آنان می‌خواهد تا به این دین ایمان آورند. اگر پیش از این دعوت، پیامی از جانب مسلمانان به کفار رسیده باشد، در این صورت تکرار دعوت به‌طور مستقیم واجب نیست، ولی با توجه به شرایط مختلف و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه، ممکن است تکرار دعوت مستحب باشد. این عمل می‌تواند به‌عنوان فرصتی دوباره برای کفار جهت تفکر و بازنگری در موقف خود در نظر گرفته شود، به‌ویژه در صورتی که آنان از ماهیت اسلام یا پیام‌های اولیه بی‌اطلاع باشند یا درک صحیحی از آن نداشته باشند.

این روش نه‌تنها در راستای رعایت اصول اخلاقی و انسانی قرار دارد، بلکه به‌عنوان یک سیاست دینی، به مسلمانان اجازه می‌دهد تا فرصت‌های

^۱ توبه، ۶

بیشتری برای اصلاح و هدایت مخالفان فراهم آورند. از منظر فقهی، هدف این است که جنگ به عنوان آخرین راه حل و در پاسخ به تهدیدات واقعی و غیرقابل اجتناب صورت گیرد. اسلام بر حفظ جان انسان ها تأکید دارد و جنگ تنها زمانی مجاز است که همه راه های صلح آمیز و دعوت به اسلام به پایان رسیده باشد و هیچ گزینه دیگری برای اصلاح وضعیت وجود نداشته باشد.

در نتیجه، اصول فقهی اسلام بر این باورند که آغاز جنگ باید با دعوت به اسلام همراه باشد و تنها زمانی که این دعوت به طور مؤثر انجام نشده یا در برابر آن مقاومت های جدی وجود داشته باشد، اقدام به جنگ مجاز است. این اصل نه تنها جنبه ای از اخلاق جنگی اسلامی را نشان می دهد، بلکه به طور ضمنی بر ارزش های انسانی و تعامل مسالمت آمیز تأکید دارد.

مسئله سیزدهم: استحباب آغاز جهاد بعد از نماز ظهر و عصر

در فقه اسلامی، برخی آداب و مستحبات مرتبط با آغاز جنگ وجود دارد که هدف آن ها حفظ انسجام اجتماعی و رعایت اصول اخلاقی در شرایط بحرانی است. یکی از این آداب، مستحب بودن آغاز جنگ پس از اقامه نماز ظهر و عصر است. این توصیه، علاوه بر بعد معنوی و روحانی آن، به طور عملی نیز به مسلمانان این فرصت را می دهد تا در اوج آمادگی روحی و جسمی، وارد میدان جنگ شوند. نماز به عنوان یکی از مهم ترین عبادات در اسلام، فرصتی برای تجدید قوای معنوی و تقویت ارتباط با خداوند فراهم می آورد که

می‌تواند در شرایط جنگی، علاوه بر آرامش روحی، افزایش توان و انگیزه مبارزات نیز به همراه داشته باشد.

همچنین، آغاز جنگ قبل از زوال آفتاب یعنی پیش از اقامه نماز عصر به‌طور عمومی مکروه دانسته شده است.^۱ این نهی از آغاز جنگ در ساعات اولیه روز ممکن است به‌منظور جلوگیری از هرگونه عجله و شتاب در تصمیم‌گیری و عمل باشد. در شرایط جنگ، تصمیمات باید با دقت و تدبیر اتخاذ شوند تا از هرگونه اشتباه یا ضرر ناشی از تصمیمات فوری جلوگیری شود. به همین دلیل، توصیه می‌شود که جنگ در ساعات بعد از ظهر و در زمان‌هایی که نمازهای عصر و مغرب اقامه شده باشد، آغاز گردد تا روحیه جنگجویان تقویت شده و آماده مقابله با دشمن باشند.

در کنار این توصیه‌ها، یورش شبانه نیز جز در مواقع ضرورت مکروه است.^۲ جنگ در شب می‌تواند مشکلات زیادی از جمله سردرگمی، تضعیف روحیه و حتی آسیب‌های فیزیکی به همراه داشته باشد. همچنین، در شب، فرصت برای تحلیل دقیق و استراتژیک وضعیت وجود ندارد و می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های صحیح اثر منفی بگذارد. با این حال، در شرایطی که دشمن در حال آماده‌سازی برای حمله است یا در صورتی که موقعیت ایجاب کند،

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۸۱-۸۲

^۲ همان

یورش شبانه ممکن است ضروری شود. بنابراین، در فقه اسلامی، این عمل تنها در صورتی که اجتناب‌ناپذیر باشد، مجاز شمرده می‌شود.

در مجموع، آداب مرتبط با آغاز جنگ در اسلام بر رعایت تدابیر اخلاقی، رعایت شرایط زمانی مناسب و حفظ روحیه جنگجویان تأکید دارد. این موارد علاوه بر تأکید بر جنبه‌های معنوی و اخلاقی جنگ، در عمل نیز به ایجاد شرایط مطلوب‌تری برای پیروزی و کاهش خسارات انسانی کمک می‌کند.

مسئله چهاردهم: کراهت مبارز طلبیدن بدون اذن امام

در فقه اسلامی، یکی از مسائل مهم و پیچیده مرتبط با جنگ و مبارزه، موضوع «مبارز طلبیدن» است که در شرایط خاص، می‌تواند تأثیرات اجتماعی، سیاسی و اخلاقی بسیاری داشته باشد. این موضوع به ویژه در دوران حضور امامان معصوم علیه‌السلام اهمیت خاصی پیدا می‌کند. در این زمینه، طبق برخی آراء فقهی، مبارز طلبیدن بدون اذن امام علیه‌السلام مکروه است،^۱ چرا که بدون تایید و هدایت امام، ممکن است این اقدام به درگیری‌هایی بی‌مورد یا غیرضروری منجر شود که ممکن است به ضرر مسلمانان و مصلحت عمومی باشد. از نظر فقهی، این امر نشان‌دهنده اهمیت تدبیر و هدایت در مسائل حساس است که ممکن است به بروز بحران‌های اجتماعی یا سیاسی منجر شود.

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۸۶-۸۵.

برخی دیگر از فقهاء نیز با توجه به تدابیر دینی و سیاسی امامان علیه السلام، مبارزه بدون اذن امام را حرام می‌دانند.^۱ این دیدگاه به دلیل اهمیت جایگاه امام در اسلام و مسئولیت‌های ایشان در هدایت جامعه اسلامی است. امام علیه السلام نه تنها مسئول هدایت دینی مسلمانان است، بلکه باید بر شرایط سیاسی، نظامی و اجتماعی جامعه نیز نظارت داشته باشد. در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های فردی در این زمینه باید تحت هدایت امام و مقام رهبری قرار گیرد تا از به وجود آمدن هرگونه تفرقه و آسیب به مسلمانان جلوگیری شود. در صورتی که امام علیه السلام مانع از مبارزه شود، بدیهی است که این عمل در این شرایط شکی در حرمت آن وجود نخواهد داشت، زیرا امام به عنوان رهبر جامعه اسلامی در نظر گرفته می‌شود و مخالفت با دستورات ایشان در این زمینه به معنای نقض اراده و هدایت دینی است.

در مقابل، مبارزه کردن با دعوت امام علیه السلام مستحب است.^۲ هنگامی که امام علیه السلام دعوت به جهاد یا مبارزه می‌کند، پیروی از دستور ایشان نه تنها عملی پسندیده بلکه مستحب است. این دعوت از سوی امام، به عنوان رهبری دینی و سیاسی، بر اساس مصلحت عمومی و شرایط خاص جامعه صورت می‌گیرد و در نتیجه، اجابت آن موجب تقویت وحدت و انسجام در صفوف مسلمانان خواهد شد. مبارزه با دعوت امام به دلیل وجود ابعاد اخلاقی

^۱ همان

^۲ همان

و اجتماعی آن نه تنها موجب تقویت دین می‌شود بلکه فرصتی برای تحقق اهداف عالی اسلامی به شمار می‌آید. اما زمانی که امام علیه‌السلام مبارزه را نه تنها مستحب بلکه واجب می‌سازد،^۱ این الزام به عنوان تکلیفی دینی و شرعی در نظر گرفته می‌شود که باید بر آن عمل کرد. در این شرایط، امام علیه‌السلام به عنوان ولی‌امر مسلمین و کسی که آگاهی کامل از شرایط جامعه دارد، دستوری صادر می‌کند که مطابق با شرایط زمانی و مکانی می‌باشد و بر اساس آن، مسلمانان موظف به عمل به آن هستند. در واقع، واجب بودن مبارزه در این حالت به دلیل اهمیت و ضرورت دفاع از اصول دین و دفاع از جامعه اسلامی است. این نوع از مبارزه نه تنها به دلیل وظیفه دینی بلکه به خاطر دفاع از مصالح جامعه و حفظ امنیت مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مسئله پانزدهم: جواز جنگ با هر نوع سلاح

در فقه اسلامی، یکی از مسائل کلیدی در جنگ، نحوه استفاده از سلاح و ابزار مختلف در نبرد است. جنگیدن با دشمن، با هر نوع سلاح و کیفیتی که منجر به پیروزی گردد، در اصول فقهی جایز است. این موضوع بر اساس قاعده‌ای استوار است که دفاع از جان، مال و ناموس مسلمانان را در برابر دشمنان مجاز می‌داند. این اصول، بر اساس فلسفه‌ی دفاع از حقوق مسلمین و حفظ امنیت جامعه اسلامی، اجازه می‌دهد تا مسلمانان در جنگ‌ها از انواع

سلاح‌ها استفاده کنند، مشروط بر این که هدف نهایی درگیری، پیروزی بر دشمن و حفظ مصالح اسلامی باشد. در این زمینه، قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام نیز به مسلمانان اجازه داده‌اند که در صورت لزوم و در دفاع از خود، از ابزار جنگی بهره ببرند.^۱ اما استفاده از سلاح کشتار جمعی جایز نیست.

با این حال، برخی اقدامات خاص در جریان جنگ از منظر فقهی مکروه یا حرام در نظر گرفته شده‌اند. از جمله این اقدامات می‌توان به قطع کردن درختان اشاره کرد که در جنگ‌ها برای آسیب زدن به منابع طبیعی دشمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این زمینه، قطع درختان در شرایطی که ضرورت و مصلحت جنگی ایجاب نکند، مکروه است. این رفتار نه تنها آسیب‌های غیرضروری به محیط زیست و منابع طبیعی وارد می‌آورد، بلکه در اسلام نیز رعایت اصول اخلاقی در جنگ، مانند حفظ جان و مال غیرنظامیان و منابع طبیعی، تأکید شده است. این اصل، علاوه بر تأکید بر جنگ عادلانه، به مسلمانان یادآوری می‌کند که هدف از جنگ، صرفاً پیروزی نیست، بلکه باید در چارچوب اخلاق اسلامی و اصول انسانی قرار گیرد.

پرتاب آتش و گسیل آب به سوی دشمن نیز جز در حال ضرورت، مکروه است. این اقدامات می‌توانند به تخریب و آسیب غیرضروری به دشمن منجر شوند، به‌ویژه در شرایطی که این اقدامات بیشتر به عنوان ابزارهای تهاجمی و جنگی برای ایجاد رعب و وحشت به کار می‌روند. در صورتی که این

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۶۸-۶۶.

اقدامات به هدف از بین بردن تمامیت جسمانی دشمنان و یا ایجاد آسیب‌های جدی به زیربنای آن‌ها انجام شود، فقه اسلامی نسبت به آن حساس است و توصیه می‌کند که چنین روش‌هایی تنها در صورت ضرورت شدید و برای جلوگیری از تهدیدات جدی به کار گرفته شوند. در خصوص استفاده از سم یا مواد شیمیایی علیه دشمن نیز اختلافاتی میان فقها وجود دارد. برخی آن را حرام دانسته‌اند چرا که ریختن سم می‌تواند منجر به قتل عمد و تخریب‌های غیرضروری شود، و این برخلاف اصول اسلامی است که حفظ جان انسان‌ها، حتی در جنگ، از اهمیت زیادی برخوردار است. در مقابل، برخی دیگر از فقها این اقدام را تنها در صورت ضرورت و زمانی که هیچ گزینه دیگری برای پیروزی وجود نداشته باشد، جایز می‌دانند. این دیدگاه، به شرایط خاص جنگ و ضرورت‌های آن بستگی دارد و تأکید دارد که در صورتی که استفاده از سم یا مواد سمی برای جلوگیری از تهدیدات جدی ضروری باشد، می‌توان از آن بهره برد.^۱

در مورد بریدن درختان، خراب کردن دژها و استفاده از منجنیق، برخی فقهاء این اقدامات را تنها در صورتی که پیروزی با روش‌های دیگر متوقف شده و نیاز به استفاده از این ابزارها برای تضمین پیروزی احساس می‌شود، جایز دانسته‌اند. این نظر بر این اصل تأکید دارد که درگیری‌ها باید تحت شرایط خاص و در راستای اصول جنگ عادلانه انجام گیرد و اقداماتی که به تخریب

غیرضروری منابع و زیرساخت‌ها منجر می‌شوند، باید از آن‌ها اجتناب گردد مگر در مواقع اضطراری. در نتیجه، استفاده از منجنیق و تخریب دژها تنها زمانی مجاز است که دیگر راه‌ها برای پیروزی در دسترس نباشد و این اقدامات به‌طور مستقیم در جهت تأمین هدف جنگی باشند.^۱

مسئله شانزدهم: حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی

بحث درباره سلاح‌های کشتار جمعی و حکم استفاده از آن‌ها، به دلیل نوظهور بودن این نوع سلاح‌ها، در آثار فقهی پیشین مطرح نبوده است. با این حال، برخی از فقیهان در موارد مشابه، نظیر آتش‌زدن مناطق دشمن یا ریختن سم در منابع آب و غذای دشمن، به تحلیل حکم آن پرداخته‌اند. برخی از ایشان چنین اقداماتی را به‌طور قطعی ممنوع اعلام کرده‌اند، در حالی که عده‌ای دیگر آن را مکروه دانسته‌اند. این مسائل به‌طور مستقیم به نوع خاصی از خشونت و آسیب‌رسانی به دشمن اشاره دارند که می‌تواند به مرگ و تخریب وسیع منجر شود، اما در زمان فقیهان گذشته، چنین ابزارهایی به شکل امروزی وجود نداشتند.

با توجه به این پیشینه فقهی و در نظر گرفتن اصول کلی فقه اسلامی، امام خامنه‌ای و برخی دیگر از فقیهان معاصر، تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را جایز نمی‌دانند. امام خامنه‌ای، بر اساس معیارهای اخلاقی و فقهی، استفاده از این‌گونه ابزار جنگی را که منجر به قتل و تخریب گسترده

^۱ همان

بی‌گناهان می‌شود، مخالف با اصول انسانی و اسلامی می‌داند. همچنین از دیدگاه فقهی، چنین سلاح‌هایی با روح حاکم بر جنگ‌های مشروع در اسلام که محدود به دفاع از کیان مسلمانان است، در تضاد است. بنابراین، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، به عنوان یک شیوه جنگی که به طور بالقوه موجب آسیب به غیرنظامیان و تخریب گسترده می‌شود، در نظر فقهی مجاز نیست و در این زمینه اجماع نظر وجود دارد که چنین اقداماتی مخالف با آموزه‌های اسلامی است.

مسئله هفدهم: حرمت کشتن زنان و کودکان در جنگ

در فقه اسلامی، حفظ جان و کرامت انسانی، حتی در شرایط جنگ، همواره از اصول مهم و مورد تأکید قرار دارد. یکی از مباحث حساس در جنگ‌ها، مسئله کشتن زنان، کودکان، دیوانگان، و افراد ناتوان از جنگیدن، از جمله افراد پیر، نابینا، و زمین‌گیر است. طبق آموزه‌های اسلامی، این اقدام به‌طور کلی حرام است و باید از آن اجتناب شود. در حقیقت، اسلام تأکید دارد که حتی در شرایط بحرانی جنگ، نباید به غیرنظامیان و افراد بی‌دفاع آسیبی وارد شود، مگر در مواردی که ضرورت‌های خاصی ایجاب کند. این دیدگاه در راستای احترام به حقوق انسانی و حفظ کرامت فردی است، که در قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام نیز بر آن تأکید شده است. بر اساس این اصول، کشتن زنان، کودکان و افراد ناتوان از جنگیدن، در صورتی که از آن‌ها در جنگ استفاده

نگردد، به‌طور قطعی حرام است.^۱ در واقع، این افراد هیچ‌گونه تهدیدی برای نیروهای جنگی نداشته و هیچ نقشی در درگیری‌ها ندارند. بنابراین، کشتن آن‌ها نه تنها مخالف اصول اخلاقی جنگ در اسلام است، بلکه مغایر با اصل احترام به حقوق بشر و زندگی انسانی است.

با این حال، در فقه اسلامی، برخی موارد استثنایی وجود دارد که در آن‌ها ممکن است کشتن این افراد به عنوان یک اقدام اضطراری در نظر گرفته شود. یکی از این شرایط زمانی است که دشمن از افراد غیرمسلح و ناتوان به عنوان سپر انسانی استفاده کند. در این حالت، این افراد به‌طور غیرمستقیم در جنگ وارد می‌شوند و در نتیجه، در صورتی که جان مسلمانان در معرض خطر قرار گیرد، ضرورت ایجاب می‌کند که اقدامات اضطراری انجام شود. این نوع شرایط جنگی، مانند زمانی که دشمن از زنان و کودکان به عنوان سپر استفاده می‌کند یا به‌طور مستقیم از آن‌ها برای حملات خود بهره می‌برد، ممکن است به کشتن این افراد منجر شود.^۲

همچنین، در شرایطی که پیروزی در جنگ به‌طور کامل منوط به از بین بردن این افراد باشد، برخی فقهاء آن را جایز دانسته‌اند. در این حالت، کشتن این افراد به عنوان یک اقدام اضطراری و برای تأمین پیروزی بر دشمن، تنها در صورتی مجاز است که هیچ راه‌حل دیگری برای حفظ جان مسلمانان وجود

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۶۸.

^۲ همان

نداشته باشد و درگیری‌ها به نقطه‌ای رسیده باشد که پیروزی تنها با از بین بردن این تهدیدات ممکن است. با این حال، این دیدگاه نیز محدود به شرایط بسیار خاص و حساس است و باید همواره با دقت و توجه به اصول انسانی و اسلامی مورد ارزیابی قرار گیرد.

مسئله هجدهم: حرمت مثله کردن

در فقه اسلامی، یکی از اصول اساسی جنگ، رعایت کرامت انسانی و جلوگیری از هر گونه آزار و شکنجه غیرضروری است. این اصل در مورد دشمنان نیز به‌طور ویژه اعمال می‌شود. یکی از مسائلی که در جنگ ممکن است پیش آید، مسئله «مثله کردن» بدن دشمن است که در آن، اعضای بدن فرد دشمن مانند گوش‌ها، بینی و سایر اعضا قطع یا بریده می‌شود. در فقه اسلامی، چنین اقدامی به‌طور قطعی حرام است و به هیچ عنوان جایز نیست. مثله کردن دشمن، به معنای وارد آوردن آسیب‌های غیرضروری به بدن او به‌صورت عمدی، نه تنها بر اساس اصول اخلاقی جنگ در اسلام منع شده است، بلکه بر اساس روایات دینی نیز به شدت نکوهش شده است.^۱

این دستورالعمل در راستای اصول انسانی و اسلامی قرار دارد که به مسلمانان توصیه می‌کند در جنگ‌ها از هرگونه عملی که منجر به آزار و اذیت بی‌مورد دشمن شود، اجتناب کنند. در حقیقت، جنگ در اسلام تنها به عنوان یک اقدام اضطراری و برای دفاع از خود یا جامعه مسلمانان مجاز است، و

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۷۸-۷۷.

هرگونه اقدام که فراتر از دفاع مشروع باشد، محکوم است. مثله کردن بدن دشمن نه تنها یک عمل وحشیانه است، بلکه به عنوان تخلف از اصول اخلاقی جنگ و احترام به زندگی انسانی در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین، مثله کردن دشمن به‌طور جدی در فقه اسلامی ممنوع است و در شرایط جنگی نیز باید از هرگونه اقداماتی که کرامت انسانی دشمن را نقض کند، خودداری کرد. این موضوع در اسلام نه تنها به‌عنوان یک دستور دینی، بلکه به‌عنوان یک معیار اخلاقی در رفتارهای نظامی مسلمانان مطرح است، که به‌طور خاص بر پرهیز از هر گونه اعمال وحشیانه و خشونت‌آمیز تأکید دارد..

مسئله نوزدهم: عملیات فریب در جنگ

در فقه اسلامی، عملیات فریب در جنگ به معنای استفاده از تدابیر فریبنده برای پیشبرد اهداف نظامی، خلاف اصول اخلاقی و مکروه است. این اقدام، به‌طور کلی در شرایط جنگی تحت قوانین خاصی قرار دارد. بر اساس برخی از دیدگاه‌های فقهی، عملیات فریب در جنگ به‌طور کلی جایز به معنای عام است، مگر در مواردی که دشمن به مسلمانان امان داده باشد. در این صورت، استفاده از عملیات فریب خصوصا در جایی که دشمن از فریب و خدعه

استفاده نمی‌کند، به‌طور قطعی حرام است، زیرا در این شرایط، مسلمانان باید به پیمان‌ها و تعهدات خود احترام بگذارند.^۱

عملیات فریب در جنگ می‌تواند شامل فریب در نحوه چینش نیروها، استفاده از روش‌های فریبنده برای گمراه کردن دشمن یا حتی نشر اطلاعات نادرست برای ایجاد سردرگمی در صفوف دشمن باشد. این استراتژی‌ها به‌طور ویژه در جنگ‌های گذشته که ارتباطات و اطلاعات محدودتر بودند، می‌توانستند تأثیر زیادی بر روند جنگ داشته باشند. در واقع، استفاده از خدعه به‌عنوان یک ابزار استراتژیک به‌طور غیرمستقیم به تقویت توان نظامی و دستیابی به پیروزی در جنگ‌ها کمک می‌کند.

با این حال، در اسلام، هرگونه عملیات فریب یا خدعه باید در چهارچوب اصول اخلاقی و عدالت قرار گیرد. اصول فقهی اسلام تأکید دارند که هرگونه عملی که باعث نقض قراردادهای اسلامی شود، محکوم است. بنابراین، در صورتی که دشمن امان داده باشد، یعنی در شرایطی که طرف مقابل به مسلمانان پناه داده یا موافقت کرده است که جان یا مال او مورد تعرض قرار نگیرد، خدعه کردن در این وضعیت جایز نیست و به‌عنوان نقض پیمان و خیانت در نظر گرفته می‌شود. این موضوع به‌طور خاص در آموزه‌های اسلامی و تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تأکید شده است. پیامبر اسلام در بسیاری از جنگ‌ها به مسلمانان توصیه می‌کردند که

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۷۹-۷۸.

حتی در صورت استفاده از تدابیر فریبنده، باید اصول اخلاقی جنگ را رعایت کرده و هرگز از امان دشمن سوءاستفاده نکنند. در این راستا، قرآن کریم نیز به مسلمانان یادآوری می‌کند که هرگونه پیمان یا تعهد باید محترم شمرده شود و نقض آن می‌تواند تبعات سنگینی به همراه داشته باشد.

مسئله بیستم: جواز یاری گرفتن از کفار در جنگ

مسلمانان تنها در شرایط خاص و با رعایت اصول اخلاقی به درگیری‌های نظامی می‌پردازند. یکی از مسائلی که در فقه اسلامی مطرح است، موضوع یاری گرفتن از کفار در جنگ است.^۱ این امر در صورتی که مصلحت اقتضا کند و افراد غیرمسلمان خیانت نکنند، جایز است. در شرایطی که دشمنان مسلمانان به دلایل مختلف از جمله تهدیدات مشترک، از طریق همکاری با کفار، بتوانند به پیروزی دست یابند، یاری گرفتن از آنها به‌عنوان یک استراتژی ممکن است. این اقدام باید بر اساس مصلحت و به‌طور غیر مستقیم برای رسیدن به اهداف اسلامی انجام شود. به عبارت دیگر، هدف از چنین همکاری‌هایی باید به نفع مسلمانان و جامعه اسلامی باشد و نباید به‌طور مستقیم به ضرر اصول دینی و اجتماعی اسلام منجر شود. از این رو، یاری گرفتن از کفار تنها زمانی جایز است که این همکاری به‌طور ضمنی بر اساس مصلحت جامعه اسلامی و حفظ امنیت مسلمانان صورت گیرد. به‌علاوه، یکی از شروط اساسی برای مجاز بودن چنین همکاری‌هایی این

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۹۴-۱۹۳.

است که طرف مقابل در این همکاری خیانت پیشه نباشد. در تاریخ اسلام، نمونه‌هایی از این نوع همکاری‌ها مشاهده می‌شود، مانند در جنگ‌های پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، که در برخی مواقع مسلمانان با غیرمسلمانان متحد شدند تا در برابر دشمن مشترک ایستادگی کنند. با این حال، هرگونه همکاری با کفار باید به گونه‌ای باشد که هیچ‌گونه خیانت یا نقض اصول اخلاقی اسلامی در آن صورت نگیرد. در این صورت، همکاری با کفار در راستای مصلحت اجتماعی و امنیت مسلمانان ممکن است جایز تلقی شود.

مسئله بیست و یکم: حرمت یاری رساندن به دشمنان

حکم حامیان دشمن در فقه اسلامی به این صورت است که کشوری که اجازه می‌دهد دشمن از زمین و فضای آن برای عملیات نظامی علیه مسلمانان استفاده کند، در صف دشمن قرار می‌گیرد. این حکم برقرار است حتی اگر آن کشور با مسلمانان پیمان همکاری داشته باشد. بر اساس آموزه‌های قرآن، احترام به هم‌پیمانان تنها در صورتی معتبر است که طرف مقابل به تعهدات خود پایبند باشد. اگر یکی از طرفین پیمان از تعهدات خود تخلف کند، پیمان به طور خودکار باطل می‌شود. در تاریخ صدر اسلام، هنگامی که برخی از هم‌پیمانان به دشمن کمک می‌کردند، این اقدام به عنوان نقض پیمان تلقی می‌شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله علیه السلام) به آن واکنش عملی نشان می‌دادند. در نظر فقهی، کمک به دشمن حتی از سوی غیرمسلمانان نیز می‌تواند پیامدهای جدی داشته باشد. برخی از فقیهان

معتقدند که در صورتی که اهل کتاب به دشمن کمک کنند، عقد ذمه آنها باطل می‌شود و بر اساس این نظریه، جواز کشتن آنان به دلیل همکاری با دشمن مطرح می‌شود. این دیدگاه فقهی تأکید دارد که همکاری با دشمن در مواقع جنگ نه تنها نقض پیمان است، بلکه موجب بطلان شرایط زندگی مسالمت‌آمیز میان مسلمانان و غیرمسلمانان می‌شود. بنابراین، از منظر فقهی، هرگونه اقدام حمایت‌آمیز از دشمن توسط هم‌پیمانان مسلمان و غیرمسلمان، موجب نقض پیمان و ممکن است منجر به مجازات‌هایی همچون لغو شرایط ذمه و در موارد خاص، مجازات‌های شدیدتری شود. این نگرش، بر اساس اصول دفاع از کیان اسلامی و امنیت مسلمانان شکل گرفته است.

مسئله بیست و دوم: جواز تحریف، تحیز، استتار و اختفاء در جنگ

در فقه اسلامی، اصول جنگ به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که مسلمانان باید از هرگونه اقدامی که به ضرر مصالح جامعه اسلامی و اصول اخلاقی جنگ باشد، خودداری کنند. با این حال، در برخی از شرایط خاص، برخی اقدامات جنگی مجاز شمرده می‌شوند که ممکن است در نگاه اول شبیه به فرار به نظر برسند، اما از دیدگاه فقهی چنین اقدامات هیچ‌گاه فرار به حساب نمی‌آیند و در واقع، مجاز هستند. یکی از این اقدامات، تحریف، تحیز، استتار و اختفاء است که در شرایط جنگی می‌تواند به عنوان استراتژی‌های مشروع و مؤثر در نظر گرفته شوند.

تحرف به معنای تغییر مسیر یا منحرف کردن توجه دشمن از هدف اصلی است. در جنگ، تحرف می‌تواند به‌عنوان یک تاکتیک برای فریب دشمن و ایجاد فرصتی برای بازسازی نیروها یا انجام حملات مؤثرتر استفاده شود. این استراتژی به‌ویژه در شرایطی که دشمن قادر به پیش‌بینی اقدامات بعدی است، می‌تواند موجب برتری نظامی شود. به‌عنوان مثال، در صورتی که دشمن به‌طور مداوم به یک جبهه خاص حمله می‌کند، استفاده از تحرف می‌تواند توجه او را از اهداف اصلی منحرف کرده و فرصتی برای حمله از جبهه‌ای دیگر فراهم کند.

تحیز به معنای تقویت یا تقویت موقعیت نظامی با تمرکز نیروها در نقاط استراتژیک است. این تاکتیک در شرایط جنگی زمانی به‌کار می‌رود که نیروهای مسلمان در حال نبرد با دشمن هستند و لازم است تا از منابع خود به‌طور مؤثری استفاده کنند. تحیز به‌طور معمول شامل جابجایی نیروها یا تجهیزاتی به مناطقی است که می‌تواند به‌طور مستقیم بر پیروزی تأثیر بگذارد. این روش نه تنها به معنای فرار نیست، بلکه به‌عنوان یک اقدام نظامی به‌منظور تقویت توانایی جنگی مسلمانان و ضربه به دشمن در نقاط ضعف او به حساب می‌آید.

استتار نیز یکی از استراتژی‌های مهم در جنگ است که به معنای پنهان کردن یا مخفی نگه‌داشتن حرکت نیروها از دید دشمن است. استتار می‌تواند شامل تغییر مکان نیروها، استفاده از پوشش‌های طبیعی یا مصنوعی و حتی

مخفی نگه داشتن فعالیت‌های جنگی باشد. در جنگ‌های گذشته، استتار به‌عنوان یک ابزار حیاتی برای کاهش خطرات و افزایش شانس پیروزی مورد استفاده قرار می‌گرفت. مسلمانان در برخی از جنگ‌ها از این استراتژی‌ها استفاده کرده‌اند تا دشمن نتواند به‌راحتی جایگاه و برنامه‌های آنان را شناسایی کند.

اختفاء به معنای ناپدید شدن نیروها یا تاکتیک‌های جنگی است که دشمن قادر به شناسایی آن‌ها نمی‌شود. این اقدام ممکن است به‌عنوان یک راهبرد برای حفظ جان نیروها یا برای پنهان کردن تحرکات نظامی استفاده شود. در شرایط جنگی، زمانی که نیروهای مسلمان قادر به مقابله مستقیم با دشمن نیستند، اختفاء می‌تواند به آن‌ها اجازه دهد تا از دید دشمن دور بمانند و به‌طور مؤثری بازسازی کنند. این استراتژی به‌ویژه زمانی مؤثر است که نیروهای مسلمان در موقعیت ضعف قرار دارند و نیاز به زمان و شرایط مناسب برای ضدحمله دارند.

تمامی این اقدامات در فقه اسلامی به‌عنوان روش‌های مشروع و جایز در نظر گرفته می‌شوند، زیرا هدف اصلی آن‌ها حفظ جان مسلمانان، استفاده بهینه از منابع جنگی و ایجاد شرایطی برای پیروزی است. مهم است که توجه داشته باشیم این استراتژی‌ها هرگز به‌عنوان فرار از میدان نبرد در نظر گرفته نمی‌شوند. در واقع، فرار از میدان جنگ زمانی است که سربازان از میدان نبرد

به‌طور غیرقانونی و بدون اجازه فرمانده فرار کنند، که در فقه اسلامی به شدت منع شده است.

بر این اساس، تحریف، تحیز، استتار و اختفاء در جنگ نه تنها فرار به شمار نمی‌روند، بلکه تاکتیک‌هایی حیاتی و مؤثر در راستای پیروزی مسلمانان به حساب می‌آیند. این اقدامات در واقع به‌عنوان تدابیر استراتژیک برای بهبود موقعیت نظامی و فریب دشمن، در صورتی که با هدف به دست آوردن پیروزی و حفظ جان مسلمانان استفاده شوند، مجاز و در مواردی ضروری هستند..

مسئله بیستم و سوم: جواز دفاع استشهادی

دفاع استشهادی به عنوان یک روش دفاعی، به ویژه زمانی که دفاع منحصر به آن باشد، در برخی رساله‌های جهادی دوران جنگ‌های ایران و روس مطرح شده است. در این راستا، برخی فقیهان با استناد به دلایل حرمت انتحار و به‌هلاکت‌انداختن نفس، که به‌طور معمول در فقه اسلامی منع شده است، معتقدند که این حرمت در مورد دفاع استشهادی از میان می‌رود. این گروه از فقیهان دفاع استشهادی را مجاز دانسته و باور دارند که میان عملیات استشهادی و دیگر اشکال دفاع و جهاد تفاوتی وجود ندارد. به عبارت دیگر، آن‌ها معتقدند که دفاع از کیان اسلامی، حتی اگر به قیمت از دست دادن جان فرد باشد، در راستای جهاد و حفظ دین قرار می‌گیرد. برخی دیگر از فقیهان نیز نظریه‌ای مشابه دارند و بر این باورند که اگر حرمت قتل نفس با

یک واجب اهمی مانند دفاع از دین و کیان اسلامی مواجه شود، به دلیل لزوم رعایت اهمیت امر اهم، این حرمت برداشته می‌شود. این دیدگاه نشان می‌دهد که در شرایطی خاص، ممکن است فدا کردن جان به عنوان یک ضرورت دینی و دفاعی مشروع تلقی شود. امام خمینی نیز در حمایت از این نوع دفاع استشهادی، به ستایش از شهید حسین فهمیده پرداخت و این اقدام را به عنوان نمونه‌ای از فداکاری و جهاد در راه اسلام ستود. این موضع امام خمینی نشان‌دهنده هم‌راستایی ایشان با این روش دفاعی و تأکید بر اهمیت آن در حفظ دین و میهن اسلامی است.

بیست و چهارم: جواز تعیین جعاله در جنگ

یکی از مسائلی که در فقه جهاد مطرح می‌شود، پرداخت حق جعاله یا پاداش برای کسانی است که در پیشبرد اهداف جنگی و کسب پیروزی کمک می‌کنند. بر اساس فتاوی فقهی، قرار دادن حق جعاله از سوی فرمانده لشکر برای کسانی که سپاه اسلام را در پیشبرد جنگ یاری می‌رسانند، جایز است^۱ و می‌تواند در شرایط خاص و با هدف تشویق نیروها برای انجام اقدامات مؤثر در میدان جنگ، مورد استفاده قرار گیرد. حق جعاله به معنای تعیین پاداش مالی یا غیرمالی برای انجام یک عمل خاص است که از سوی شخص یا نهادی معین، مانند فرماندهان لشکر، برای تشویق یا جلب همکاری افراد در یک اقدام خاص تعیین می‌شود. در جنگ‌ها، به‌ویژه در شرایطی که به

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۱۷-۱۱۸.

تلاش‌های خاصی مانند شجاعت در نبرد، راهنمایی در گشودن دروازه‌های دشمن یا انجام مأموریت‌های دشوار نیاز باشد، پرداخت چنین پاداش‌هایی می‌تواند انگیزه و تحرک بیشتری برای نیروهای جنگی ایجاد کند.

برای مثال، فرمانده لشکر می‌تواند به کسی که در گشودن دروازه‌های دژ دشمن کمک کند یا راهی برای نفوذ به قلعه‌ها یا مناطق استراتژیک پیدا کند، در گذشته و پاکسازی میدان مین در امروز، وعده یک مبلغ مشخص یا امتیاز دیگر بدهد. این نوع پاداش‌ها به‌ویژه در جنگ‌های گذشته که بر اساس تاکتیک‌های فیزیکی و اطلاعاتی پیش می‌رفت، می‌توانستند نقش حیاتی در سرعت بخشیدن به عملیات و در نهایت پیروزی در جنگ داشته باشند. همچنین، چنین اقداماتی می‌تواند سبب افزایش هماهنگی و همکاری میان نیروهای مختلف در سپاه اسلام شود. از دیدگاه فقهی، پرداخت پاداش به‌عنوان حق جعاله در جنگ، نه تنها جایز است، بلکه می‌تواند یک ابزار مؤثر برای تحریک و ترغیب به انجام کارهای ضروری در میدان نبرد باشد. این امر می‌تواند به‌ویژه زمانی که نیروهای مسلمان با دشمنان قدرتمند و منظم روبه‌رو هستند، بسیار مفید باشد، زیرا انگیزه و روحیه بالای نیروها می‌تواند تأثیر زیادی بر روند جنگ و نتیجه آن داشته باشد.

نکته مهم در اینجا این است که پرداخت این پاداش‌ها نباید منجر به فساد یا اختلاف در صفوف مسلمانان شود. در فقه اسلامی، هرگونه اقدام در راستای پیشبرد اهداف جنگ باید در چهارچوب اخلاقی و اسلامی باشد. بنابراین،

پرداخت پاداش باید به گونه‌ای صورت گیرد که اهداف شرعی و دینی جنگ حفظ شود و از استفاده‌های نادرست از منابع یا فریبکاری جلوگیری شود. علاوه بر این، باید توجه داشت که در مواردی که فرمانده لشکر پاداشی برای همکاری در انجام یک مأموریت خاص تعیین می‌کند، این اقدام باید با توجه به ضرورت‌های جنگ و مصلحت عمومی انجام گیرد. در واقع، این نوع پاداش‌ها تنها در شرایطی که به نفع کل جامعه اسلامی است و موجب تقویت وحدت و انسجام نیروها می‌شود، مجاز هستند.

در نهایت، قرار دادن حق جعاله از سوی فرمانده لشکر برای کسانی که در پیشبرد اهداف جنگی و کسب پیروزی یاری می‌رسانند، عملی مشروع و جایز است، به شرطی که در چهارچوب اصول اسلامی و اخلاقی جنگ قرار گیرد. این اقدام می‌تواند به عنوان یک استراتژی مؤثر در جهت تقویت نیروی انسانی، افزایش کارایی و تسریع در دستیابی به اهداف جنگی در نظر گرفته شود.

مسئله بیست و پنجم: وجوب اطاعت از فرماندهی

در فقه اسلامی و اصول جنگی، اطاعت از فرمانده برای رزمندگان واجب است.^۱ این حکم نه تنها از منظر دینی بلکه از جنبه‌های استراتژیک و نظامی نیز ضروری است. در شرایط جنگ، هماهنگی و نظم در بین نیروها به عنوان

^۱ جعفر بن خضر کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، ۱۴۲۲، ج ۴،

عامل کلیدی برای موفقیت در نبرد شناخته می‌شود. اگر فرمانده لشکر نتواند فرمان‌های خود را به‌طور مؤثر و بدون چالش از سوی نیروهای تحت امر خود به اجرا درآورد، احتمال بروز آشفتگی، تفرقه و در نهایت شکست در جنگ افزایش می‌یابد. اسلام به شدت بر اصول نظم، وحدت و همکاری در جنگ تأکید دارد و این امر به‌ویژه در دوران پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به‌طور عملی در جنگ‌ها مشاهده می‌شود. طبق آموزه‌های دینی، هر فرمانده‌ای که به‌عنوان ولی‌امر مسلمین منصوب می‌شود، باید از اختیارات خود برای هدایت صحیح نیروها استفاده کند. در این راستا، اطاعت از فرمانده به‌عنوان یک تکلیف شرعی و اخلاقی بر رزمندگان واجب است. از این‌رو، هرگونه سرپیچی از دستورات فرمانده می‌تواند به تضعیف تلاش‌های مشترک و ایجاد هرج‌ومرج منجر شود که در نهایت، سلامت و پیروزی در جنگ را تهدید می‌کند.

مسئله بیست و ششم: جواز تحکیم در جنگ

تحکیم در جنگ یکی از اصول مهم در فقه اسلامی است که به‌طور ویژه در شرایطی که طرفین درگیر به دنبال پایان دادن به جنگ یا حل و فصل اختلافات خود هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد. تحکیم به معنای پذیرش داوری فردی به‌عنوان «حکم» برای حل اختلافات بین دو طرف درگیر است.^۱ بر اساس آموزه‌های اسلامی، در صورتی که دو طرف درگیر در جنگ

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۱۰-۱۱۱.

به توافق برسند که یک شخص بی طرف را به عنوان داور یا حکم معرفی کنند، این امر جایز است و باید به آن عمل شود.

در فقه اسلامی، تحکیم به عنوان یک ابزار برای حل و فصل اختلافات و درگیری ها شناخته می شود. زمانی که دو طرف از طریق مذاکره به این توافق برسند که به حکم فردی ثالث تن دهند، این توافق از نظر شرعی معتبر است. در حقیقت، اسلام به حل و فصل اختلافات از طریق روش های صلح آمیز و عادلانه تأکید دارد و تحکیم یکی از این روش ها است. به ویژه در جنگ ها، هنگامی که ادامه درگیری ها ممکن است به آسیب های جانی و مالی جبران ناپذیر منجر شود، پذیرش حکم یک شخص بی طرف می تواند به عنوان یک راه حل منطقی و انسانی برای پایان دادن به جنگ عمل کند. تحکیم در جنگ به ویژه زمانی کاربرد دارد که طرفین درگیر به مرحله ای از خستگی و فرسایش برسند که ادامه جنگ نه تنها برای آن ها بلکه برای جامعه وسیع تر نیز زیان بار باشد. در این شرایط، طرفین ممکن است به این نتیجه برسند که پذیرش داوری یک فرد ثالث، به عنوان یک راه حل منطقی، بهتر از ادامه جنگ و تحمل خسارت های بیشتر است. از این رو، تحکیم به عنوان یک ابزار برای برقراری صلح و کاهش خشونت، در مواقع خاص جایز و حتی ضروری به نظر می رسد. در واقع، تحکیم در جنگ به عنوان یک روش صلح آمیز و مؤثر برای حل اختلافات شناخته می شود که در آن طرفین به طور داوطلبانه به یک شخص بی طرف اجازه می دهند تا بر اساس مصلحت و عدالت حکم کند. این اقدام باید با رضایت هر دو طرف و با تأکید بر اصول اخلاقی و

اسلامی انجام شود تا از بروز ظلم یا نقض حقوق انسانی جلوگیری شود. در این فرآیند، حکم باید از استقلال رأی برخوردار باشد و هیچ‌گونه تأثیرپذیری از طرفین درگیر نداشته باشد. در نتیجه، تحکیم در جنگ به‌عنوان یک عمل مشروع در فقه اسلامی پذیرفته شده است، به شرطی که طرفین به آن رضایت دهند و حکم از بی‌طرفی و عدالت برخوردار باشد. این اقدام نه تنها به حفظ جان انسان‌ها کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک روش کارآمد برای جلوگیری از گسترش جنگ و ایجاد صلح در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

مسئله بیست و هفتم: غنیمت

در فقه اسلامی، اموالی که در جنگ از دشمن به دست مسلمانان می‌رسد، به‌عنوان «غنیمت» شناخته می‌شود و طبق اصول شریعت باید با شرایط خاصی بین رزمندگان تقسیم شود.^۱ غنیمت به هرگونه مال، اموال، دارایی یا منابعی اطلاق می‌شود که پس از پیروزی در جنگ از دشمن به‌دست می‌آید. این اموال می‌تواند شامل اسلحه، تجهیزات، زمین، طلا، نقره و سایر منابع مالی باشند. در اسلام، تقسیم غنائم جنگی بر اساس قوانین و ضوابط خاصی صورت می‌گیرد که به‌طور عمده در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است. از نظر فقهی، غنیمت ابتدا باید به حاکم اسلامی یا فرمانده لشکر تحویل داده شود و سپس با رعایت عدالت بین رزمندگان و

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۵۱-۱۴۷.

دیگر افراد مستحق تقسیم گردد. بخش عمده‌ای از غنیمت، به رزمندگانی که در جنگ شرکت کرده‌اند تعلق می‌گیرد، اما علاوه بر آن، بخش‌هایی از آن به خانواده‌های نیازمند، یتیمان و دیگر اقشار آسیب‌پذیر جامعه نیز اختصاص می‌یابد. در نهایت، تقسیم غنائم باید به‌طور منصفانه و با توجه به مصلحت عمومی و شرایط خاص جنگ انجام شود تا از ایجاد هرگونه تضاد یا نارضایتی در صفوف مسلمانان جلوگیری گردد و عدالت برقرار باشد.

مسئله بیست و هشتم: مالکیت دشمن بر اموال خود در صورت

تسلیم از روی رغبت

اگر دشمن به طور داوطلبانه و از روی رغبت به اسلام بگردد، مالکیت او بر اموال خود باقی می‌ماند. در فقه اسلامی، زمانی که فردی از اهل کتاب یا غیرمسلمان با میل خود به اسلام می‌پیوندد، هیچ گونه تعرضی به دارایی‌های وی صورت نمی‌گیرد و حقوق مالی او حفظ می‌شود. این مسئله نشان‌دهنده احترام به حقوق فردی و مالی کسانی است که از دشمنی با مسلمانان به اسلام گرایش پیدا می‌کنند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، پذیرش اسلام به عنوان یک دین جدید، علاوه بر تغییر وضعیت دینی فرد، تأثیری بر مالکیت‌های مادی او ندارد و همچنان حقوق اقتصادی وی محفوظ می‌ماند. این دیدگاه، نشان‌دهنده روحیه رحمت و عدالت در اسلام است که به تبعیت از اصول انسانی و فقهی، حتی در مواجهه با دشمنان، حقوق فردی و مالیشان را رعایت می‌کند.

مسئله بیست و نهم: انفال

زمین‌هایی که بدون جنگ و از طریق صلح یا دیگر روش‌های غیرنظامی به دست می‌آیند، طبق فقه اسلامی در زمره «انفال» قرار می‌گیرند و مالکیت آن‌ها به امام معصوم (علیه‌السلام) تعلق دارد. انفال به منابع و اموالی اطلاق می‌شود که در اختیار دولت اسلامی قرار می‌گیرد و به طور خاص در اختیار امام معصوم (علیه‌السلام) یا جانشین او در زمان غیبت قرار می‌گیرد. این اراضی به عنوان اموال عمومی مسلمانان محسوب می‌شوند و بهره‌برداری از آن‌ها برای تأمین نیازهای عمومی جامعه اسلامی و رفاه مسلمانان استفاده می‌شود. بنابراین، زمین‌هایی که بدون جنگ یا تصرف نظامی به دست می‌آیند، نه تنها در اختیار فرد خاصی قرار نمی‌گیرد، بلکه به عنوان بخشی از انفال، تحت مدیریت امام معصوم (علیه‌السلام) یا مقام‌های اجرایی منصوب ایشان قرار دارد تا در راستای منافع عمومی مسلمانان بهره‌برداری شود.

مسئله سی ام: زمین‌های مفتوح العنوة

زمین‌های مفتوح عنوه (اراضی خراجیه) که با غلبه از کفار گرفته می‌شوند، از جمله مسائلی هستند که در فقه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در صورتی که این اراضی در زمان فتح به دست مسلمانان بیفتد، مالکیت آن‌ها به مسلمانان تعلق می‌گیرد. با این حال، در مورد اینکه آیا این اراضی به طور کامل به ملک مسلمانان تبدیل می‌شود یا تنها حق استفاده و اختصاص برای آن‌ها به وجود می‌آید، اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی فقیهان بر این

عقیده‌اند که این زمین‌ها پس از فتح به ملک مسلمانان تبدیل می‌شود و مسلمانان به عنوان مالکین آن‌ها شناخته می‌شوند. از این منظر، اراضی مفتوح عنوه نه تنها در اختیار دولت اسلامی قرار می‌گیرد، بلکه به عنوان دارایی مسلمانان در نظر گرفته می‌شود و استفاده از آن‌ها برای تأمین نیازهای عمومی و فردی مسلمانان ممکن است. در مقابل، گروهی دیگر از فقیهان معتقدند که این زمین‌ها صرفاً حق اختصاصی برای مسلمانان ایجاد می‌کند و مالکیت آن‌ها به معنای انتقال کامل زمین به مسلمانان نیست. در این دیدگاه، اراضی خراجیه به عنوان منابع عمومی در اختیار دولت اسلامی قرار دارد، اما به مسلمانان حق بهره‌برداری از آن‌ها داده می‌شود تا در راستای منافع عمومی مسلمانان استفاده شود. این اختلاف‌نظرها نشان‌دهنده تنوع رویکردهای فقهی در مورد مدیریت منابع زمین و اراضی در دوران اسلامی است و تأکید بر دقت و تحلیل دقیق شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در این نوع مسائل دارد.

مسئله سی و یکم: ملحقات مفتوح العنوه

در بحث غنائیم جنگی، مسائل مربوط به فتح زمین و تقسیم غنائیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از نکات مهم در این زمینه، تعیین وضعیت اراضی فتح‌شده و نحوه تقسیم غنائیم است. زمانی که فتح زمین همراه با پیمان صلح صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که دشمن با پذیرش شرایطی خاص، مانند سکونت مسلمانان در آن سرزمین، اراضی خود را به مسلمانان واگذار

کند، این زمین‌ها حکم اراضی مفتوح عنوه را پیدا می‌کنند. در واقع، چنین اراضی‌ای مشابه زمین‌هایی هستند که از طریق جنگ و غلبه به دست مسلمانان می‌افتند. بنابراین، در صورتی که دشمن پس از پیمان صلح، اراضی خود را به مسلمانان تسلیم کند، این زمین‌ها به عنوان اموال عمومی مسلمانان در نظر گرفته می‌شوند و مدیریت آن‌ها به دولت اسلامی، یا امام معصوم (علیه‌السلام) و جانشین او، محول می‌شود. در چنین حالتی، اراضی به مسلمانان اختصاص می‌یابد و در راستای منافع عمومی مسلمانان و توسعه جامعه اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این دیدگاه با اصول فقهی اسلامی هم‌راستا است که تأکید می‌کند بهره‌برداری از اراضی باید به نفع جامعه مسلمانان و در راستای تقویت قدرت دفاعی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها صورت گیرد.

مسئله سی و دوم: تقسیم غنائم

در کنار بحث اراضی، تقسیم غنائم جنگی نیز یکی از مسائل کلیدی است. طبق احکام فقهی، پس از جنگ و دستیابی به غنائم، نخست باید مخارج جنگ و هزینه‌های نگهداری غنائم از آن‌ها کسر شود. این هزینه‌ها شامل مخارج مربوط به تأمین و نگهداری تجهیزات جنگی، مراقبت از غنائم، و همچنین هرگونه هزینه‌های دیگر است که برای حفظ و محافظت از غنائم ضروری است. پس از کسر این مخارج، سهم خمس که به عنوان حق امام معصوم (علیه‌السلام) یا جانشین او در نظر گرفته می‌شود، از غنائم برداشت

می‌شود. خمس در فقه اسلامی سهمی است که به عنوان درآمد ویژه‌ای برای امام معصوم (علیه‌السلام) در نظر گرفته می‌شود و به هدف تأمین منابع مالی برای فعالیت‌های دینی، اجتماعی و سیاسی جامعه مسلمانان تخصیص می‌یابد. پس از کسر هزینه‌ها و خمس، باقیمانده غنائم میان مجاهدان تقسیم خواهد شد. این تقسیم معمولاً بر اساس میزان مشارکت افراد در جنگ و فداکاری‌های آن‌ها صورت می‌گیرد. مجاهدانی که در خط مقدم جنگ حضور داشته‌اند و نقش فعالی در پیروزی ایفا کرده‌اند، معمولاً سهم بیشتری از غنائم دریافت می‌کنند. در این راستا، توزیع عادلانه غنائم از اصول اساسی در فقه اسلامی است که به توازن و عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی کمک می‌کند.

امام خمینی در این زمینه، نظرات خاصی را بیان کرده‌اند. ایشان تأکید دارند که خمس باید پس از کسر هزینه‌های جنگ و نگهداری غنائم پرداخت شود. به عبارت دیگر، پرداخت خمس از باقی‌مانده غنائم بعد از انجام تمامی استثنائات مالی صورت می‌گیرد. این نگرش، در راستای تأمین منابع مالی برای امام (علیه‌السلام) و استفاده از آن در جهت منافع جامعه اسلامی است. امام خمینی همچنین تأکید دارند که این روش پرداخت خمس به عنوان یک اصل ضروری برای حفظ انسجام مالی و دینی در جامعه اسلامی باید رعایت شود.

مسئله سی و سوم: اسارت

در فقه اسلامی، مسئله اسارت و سرنوشت اسیران در جنگ‌ها از جمله موضوعاتی است که با دقت و حساسیت زیادی بررسی شده است. در رابطه با کافری که در جنگ به اسارت درمی‌آید، از نظر فقهی، حکم او متفاوت با زمانی است که پس از پایان درگیری‌ها و بدون جنگ، اسیر می‌شود. در مورد کافری که در حال جنگ به اسارت درمی‌آید، در صورتی که او در زمان جنگ به دست مسلمانان افتاده باشد، حکم عمومی در فقه اسلامی به این صورت است که او کشته می‌شود. این حکم به دلیل نقش تهدیدآمیز دشمن در جریان جنگ و حفظ امنیت مسلمانان مطرح می‌شود. با این حال، در شرایط خاص و بر اساس مصلحت‌های استراتژیک یا شرایط انسانی خاص، ممکن است این حکم تعدیل شود. اما در صورتی که کافر پس از پایان درگیری‌ها اسیر گردد، بنابر مشهور فقهی، کشته نمی‌شود.^۱ این تفاوت به این معناست که اگر فرد دشمن پس از پایان جنگ و در زمانی که دیگر تهدیدی برای مسلمانان ندارد، اسیر شود، حکم کشتن او منتفی است. در این حالت، اسیر می‌تواند طبق شرایط مشخصی از جمله آزادی، دریافت فدیة یا تبدیل به یک خدمتکار یا نیروی کاری تحت نظارت قرار گیرد. در همین راستا، در مورد باغی‌هایی که در حال جنگ اسیر می‌شوند، وضعیت پیچیده‌تر است. باغی به معنای فردی است که از جامعه اسلامی خارج شده و علیه مسلمانان اقدام به

^۱ جواهر الکلام ج ۲۱، ص ۱۲۶-۱۲۲.

جنگ می‌کند. در این شرایط، اگر باغی در میدان نبرد اسیر شود و دارای رهبری باشد که قادر به سازماندهی مجدد نیروهای خود و بازگشت به جنگ علیه مسلمانان باشد، حکم خاصی برای او وجود دارد. طبق برخی از نظرات فقهی، کشتن چنین باغی جایز است. دلیل این امر آن است که در صورتی که فرد باغی همچنان تهدیدی جدی برای امنیت مسلمانان محسوب شود و احتمال بازگشت او به میدان جنگ وجود داشته باشد، کشتن او به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه برای حفظ امنیت جامعه اسلامی و جلوگیری از تهدیدات آتی مجاز خواهد بود.

در این زمینه، وجود یک مرکزیت و رهبری که باغیان را دوباره سازماندهی کند و به جنگ با مسلمانان ادامه دهد، می‌تواند عاملی باشد که باعث تبدیل وضعیت اسیر به تهدیدی دوباره شود. این امر به‌ویژه زمانی که امکان بازگشت مجدد باغیان به میدان جنگ وجود دارد، می‌تواند باعث تصمیم‌گیری درباره سرنوشت اسیران شود. در واقع، در این شرایط، مسلمانان باید به‌طور استراتژیک تصمیم بگیرند که آیا اسیر باغی تهدیدی دائمی برای امنیت آنها خواهد بود یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد، کشتن او برای حفظ امنیت جامعه اسلامی جایز است. این اصول در فقه اسلامی به‌طور دقیق و با در نظر گرفتن شرایط مختلف جنگ و امنیت اجتماعی تدوین شده‌اند. هدف از این احکام، حفظ جان مسلمانان و تأمین امنیت در مقابل تهدیدات خارجی است. البته این تصمیمات باید با دقت و در چارچوب اصول اسلامی و با توجه

به مصلحت‌های جامعه اسلامی اتخاذ شود تا از ظلم و بی‌عدالتی جلوگیری شود.

مسئله سی و چهارم: وجوب رعایت اخلاق اسلامی با اسیر

اسلام بر رعایت اخلاق انسانی و اصول انسانی در تعامل با اسیران تأکید دارد و اهانت به آنان را به شدت منع کرده است. در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)، به طور مکرر به اهمیت رفتار مهربانانه و محترمانه با اسیران اشاره شده است. اسیران جنگی در اسلام نه تنها از حقوق انسانی برخوردارند، بلکه باید با احترام و بر اساس انصاف و عدالت با آنها رفتار شود. این اصول اخلاقی به‌ویژه در مواردی که اسیران از طرف دشمنان جنگی گرفته می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هیچ‌گاه نباید اسیران مورد اهانت، آزار یا ظلم قرار گیرند و باید از هرگونه رفتار ناپسند و غیرانسانی اجتناب شود. در واقع، اسلام بر لزوم رعایت کرامت انسانی حتی در شرایط جنگی تأکید کرده و از مسلمانان خواسته است که با اسیران با مدارا و رحمت رفتار کنند.

مسئله سی و پنجم: احکام شهید

از نظر فقهی، رزمنده‌ای که در میدان نبرد کشته شده، شهید محسوب می‌شود و باید طبق احکام شهید دفن گردد. بدین معنا که پس از اقامه نماز بر پیکر او، باید با لباس‌هایش دفن شود. این حکم با توجه به روایت‌ها و احادیث پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تعیین شده است که بر شهید نماز

خوانده می‌شود و پیکر او باید با احترام و به‌گونه‌ای خاص دفن گردد. دفن شهید بدون کفن و با لباس‌های جنگی خود، نشان‌دهنده بزرگداشت مقام اوست. به‌ویژه در جنگ‌های گذشته که شهیدان به‌طور معمول لباس جنگی خود را به‌عنوان نشانه‌ای از فداکاری و ایثار می‌پوشیدند، دفن شهید در همین لباس‌ها یک علامت از احترام به فداکاری و جانفشانی اوست.

با این حال، در صورتی که در تشخیص مسلمان یا کافر بودن فردی که کشته شده، شک و تردید وجود داشته باشد، بین فقهاء اختلاف دیدگاه وجود دارد. بنابر قول صحیح، رجاء برای هر کشته‌شده، یک نماز به نیت نماز بر مسلمان خوانده شود، تا از هرگونه خطای احتمالی در تشخیص جلوگیری گردد. این نظر به‌ویژه در شرایطی که دو طرف جنگ مخلوط از مسلمانان و غیرمسلمانان باشند، می‌تواند مفید واقع شود. در نهایت، در صورت تردید در هویت فرد کشته‌شده، برخی فقهاء توصیه کرده‌اند که برای دفن همه کشته‌شدگان، اعم از مسلمان یا کافر، به احتیاط واجب است که با احترام دفن شوند و نماز بر همه آنان خوانده شود. این احتیاط به‌ویژه در شرایطی که امکان شناسایی دقیق مسلمانان و کفار وجود نداشته باشد، برای حفظ حقوق انسانی و دینی افراد مناسب به نظر می‌رسد. این مباحث نشان می‌دهند که در فقه اسلامی، توجه به جزئیات و دقت در رعایت حقوق شهیدان و کشته‌شدگان در میدان نبرد بسیار حائز اهمیت است. مسلمانان باید با رعایت اصول اسلامی، با احترام و بر اساس موازین دینی، به دفن و نماز بر کشته‌شدگان جنگی اقدام کنند.

مسئله سی و ششم: پایان جهاد

جهاد به‌طور کلی با هدف دفاع از دین و جامعه اسلامی، حفظ امنیت مسلمانان و گسترش اصول اسلام آغاز می‌شود. در پایان جنگ‌ها و در شرایط خاص، ممکن است جهاد از طریق راه‌های مختلفی خاتمه یابد. این راه‌ها شامل اسلام آوردن دشمن، پناهندگی افراد دشمن به مسلمانان (امان)، بستن قرارداد موقت ترک مخاصمه (هدنه) و مصالحه دائم هستند. هر یک از این گزینه‌ها در فقه اسلامی شرایط خاص خود را دارند و بر اساس مصلحت عمومی و اهداف دینی عمل می‌شود.

۱. اسلام آوردن دشمن

یکی از راه‌های پایان جهاد در صورتی که هدف از جنگ هدایت و دعوت به اسلام باشد، اسلام آوردن دشمن است. در جنگ‌هایی که با هدف دعوت به اسلام و هدایت افراد غیرمسلمان به دین اسلام آغاز شده است، اگر دشمنان مسلمان شوند، جهاد به پایان می‌رسد. در این شرایط، مسلمانان باید از دشمنانی که به اسلام می‌پیوندند، پذیرایی کنند و به‌طور کامل حقوق مسلمانان را به آن‌ها اعطا کنند. این امر در تاریخ اسلام بارها مشاهده شده است که پس از پیروزی مسلمانان در میدان جنگ، برخی از دشمنان با پذیرش اسلام وارد جامعه اسلامی شده‌اند. در این حالت، جنگ به‌عنوان ابزاری برای هدایت و نه تخریب و نابودی استفاده شده است و با اسلام آوردن دشمن، هدف اصلی جهاد تحقق یافته و پایان جنگ اعلام می‌شود.

۲. پناهندگی افراد دشمن (امان)

راه دیگری که می‌تواند به پایان جهاد منجر شود، پناهندگی افراد دشمن به مسلمانان است. در فقه اسلامی، پناهندگی (امان) به معنای ارائه حمایت و امنیت به افرادی است که از دشمنی با مسلمانان دست کشیده و به دنبال پناهنده شدن هستند. این وضعیت می‌تواند زمانی پیش آید که افراد یا گروه‌هایی از دشمن تصمیم بگیرند که از درگیری‌ها کنار کشیده و به مسلمانان پناه ببرند. در این شرایط، مسلمانان باید از افرادی که به‌عنوان پناهنده وارد قلمرو آن‌ها می‌شوند، حمایت کنند و به آن‌ها امان بدهند. این مسئله در تاریخ اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ به‌عنوان مثال، در دوران پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، وقتی افرادی از قریش و سایر قبایل به اسلام یا صلح علاقه‌مند می‌شدند، پیامبر به آن‌ها امان می‌داد تا بتوانند در امنیت زندگی کنند.

۳. بستن قرارداد موقت ترک مخاصمه (هدنه)

هدنه یا قرارداد موقت ترک مخاصمه، یکی دیگر از راه‌هایی است که جهاد می‌تواند از طریق آن پایان یابد. در فقه اسلامی، هدنه به معنای توافق موقت میان دو طرف درگیر است که بر اساس آن، جنگ به‌طور موقت متوقف می‌شود. این قرارداد موقت می‌تواند برای یک مدت مشخص باشد و در این مدت، طرفین از درگیری و جنگ پرهیز می‌کنند. هدف از هدنه می‌تواند حفظ جان مسلمانان در شرایط خاص، کسب فرصت برای بازسازی و تجدید نیرو،

یا مذاکرات جهت دستیابی به صلح پایدار باشد. در این زمینه، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز در برخی از مواقع قراردادهایی برای توقف موقت جنگ با دشمنان خود بستند. به طور مثال، پیمان حدیبیه که بین مسلمانان و قریش به صورت موقت منعقد شد، نمونه‌ای از این نوع قرارداد است.

۴. مصالحه دائم

راه آخر برای پایان جهاد، مصالحه دائم است. در شرایطی که جنگ به درازا کشیده باشد و ادامه آن به نفع هیچ‌یک از طرفین نباشد، طرفین می‌توانند به مصالحه دائم برسند. مصالحه دائمی به معنای توافق نهایی برای خاتمه دادن به جنگ به صورت دائمی و بدون امکان تجدید درگیری است. این توافق ممکن است شامل شرایط خاصی برای هر یک از طرفین باشد، از جمله تعیین مرزهای جدید، ارائه حق آزادی برای برخی از افراد یا گروه‌ها و یا سایر توافقات امنیتی. این نوع مصالحه در فقه اسلامی از اصولی است که در راستای حفظ امنیت و ثبات جامعه اسلامی پیشنهاد می‌شود. در شرایطی که مسلمانان و دشمنان به توافقات دائمی برای صلح و پایان دادن به جنگ دست یابند، جهاد به طور نهایی پایان می‌یابد.

سی و هفتم: جهاد دفاعی شخصی

دفاع از حریم شخصی یکی از مسائل مهم در فقه اسلامی و حقوق بشر است که به‌ویژه در شرایط تهدید به جان، مال یا ناموس فرد مطرح می‌شود. این نوع دفاع به عنوان یک حق طبیعی و مشروع برای هر انسان در نظر گرفته

شده است و با توجه به اصول اخلاقی و دینی، هر فرد در برابر تهدیدات احتمالی باید قادر به دفاع از خود باشد. در فقه اسلامی، دفاع از حریم شخصی در قالب دفاع از جان، مال و عرض (ناموس) ترسیم شده است و هرکدام از این موارد حکم خاص خود را دارند. حریم شخصی فرد به موارد مختلفی اطلاق می‌شود که به طور کلی شامل جان، مال و عرض می‌شود. در این میان، جان فرد مهم‌ترین موضوع است که در صورت تهدید، دفاع از آن به‌طور خاص مورد تأکید قرار گرفته است. مال و عرض نیز به عنوان دو جنبه دیگر از حریم شخصی، از تعرض و تهدید در امان نباید باشند. به‌عنوان مثال، تجاوز به مال دیگران یا تعرض به زنان با قصد زنا، هر دو به‌عنوان تجاوز به حریم شخصی فرد به شمار می‌روند و مجاز به دفاع در برابر این تهدیدات هستند.

سی و هشتم: جهاد دفاعی شخصی از جان

یکی از مهم‌ترین اصول در فقه اسلامی، حرمت قتل نفس است. در این راستا، هرگونه تعرض به جان افراد، چه از جانب دشمنان و چه از جانب افراد دیگر، باید با رعایت اصول دینی و انسانی مورد دفاع قرار گیرد. دفاع از جان از زمان فقه‌های پیشین مطرح بوده و به‌طور ویژه در متون فقهی به عنوان یکی از واجبات دینی مطرح شده است. در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)، دفاع از جان به‌عنوان یک حق طبیعی و مشروع برای هر فرد ذکر شده است. این دفاع در قالب حق دفاع شخصی در

برابر تهدیدات جسمی یا مرگ قرار دارد و هیچ فردی نباید اجازه دهد که جان‌ش بدون دفاع به خطر بیفتد. از نظر فقهی، هر فردی در شرایطی که جان‌ش در خطر است، واجب است که از خود دفاع کند، حتی اگر دفاع منجر به کشته شدن مهاجم شود. در صورتی که فرد نتواند به‌طور مؤثر از خود دفاع کند و در معرض تهدید مرگ قرار گیرد، وجوب دفاع همچنان پابرجاست. اما در صورتی که فرد بداند دفاع از خود می‌تواند منجر به کشته شدن او شود، از نظر برخی از فقها، از جمله امام خمینی، اگر راهی برای فرار وجود داشته باشد، دفاع از جان با فرار جایز است. امام خمینی به‌ویژه در شرایطی که فرد از جان خود مطمئن نیست و توان دفاع ندارد، پیشنهاد می‌کند که به‌جای مقابله، فرد باید به سرعت از محل تهدید دور شده و جان خود را نجات دهد. این دیدگاه، در راستای حفظ جان فرد و جلوگیری از هلاکت بی‌ضرر است.

سی و نهم: جهاد دفاعی شخصی از مال و ناموس

دفاع از مال و عرض نیز از مسائلی است که در فقه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، اما در مقایسه با دفاع از جان، نظرات مختلفی در مورد وجوب آن‌ها وجود دارد. دفاع از مال به‌طور عمومی واجب شناخته نمی‌شود، مگر در شرایطی خاص که از نظر فقهی نیاز به دفاع از مال به‌طور مستقیم و فوری باشد. به باور امام خمینی و برخی دیگر از فقیهان، دفاع از مال به‌عنوان یک تکلیف شرعی در نظر گرفته نمی‌شود، به این معنا که اگر فردی تهدید به سرقت یا آسیب به مالش شود، لازم نیست که حتماً از آن دفاع کند. با این

حال، در برخی شرایط خاص که مال به‌طور شدید تهدید می‌شود و فرد احساس می‌کند که تعرض به مالش باعث آسیب‌های بیشتر خواهد شد، دفاع از مال ممکن است مجاز باشد. در مورد دفاع از ناموس، اصول فقه اسلامی به‌طور کلی آن را واجب می‌داند. به‌ویژه زمانی که فرد مورد تهدید به تعرض جنسی یا تجاوز قرار می‌گیرد، دفاع از عرضه و حیثیت فرد، به‌عنوان یک تکلیف شرعی به‌شمار می‌رود. تعرض به ناموس فرد، از نگاه فقهی، نه تنها یک جرم است، بلکه به‌طور مستقیم به شخصیت و حرمت فرد لطمه می‌زند. بنابراین، در صورتی که فرد در معرض تهدید به تجاوز یا تعرض جنسی قرار گیرد، دفاع از عرض او نه تنها مجاز است، بلکه به‌عنوان یک تکلیف شرعی واجب شناخته می‌شود.

مسئله چلهم: شرایط و احکام جهاد دفاعی شخصی در موارد

مختلف

در فقه اسلامی، دفاع از جان، مال و عرض در شرایط خاص و بر اساس شرایط و مقتضیات هر موقعیت، از نظر وجوب متفاوت است. در مواردی که دفاع از خود مؤثر نباشد و فرد در معرض کشته‌شدن قرار گیرد، برخی فقیهان احتمال داده‌اند که دفاع از خود ممکن است حرمت داشته باشد یا در برخی شرایط خاص، تسلیم شدن جایز باشد. به‌ویژه در شرایطی که فرد به‌طور قطع از کشته‌شدن خود آگاه است و هیچ راهی برای فرار و نجات ندارد، برخی از فقها به جواز تسلیم اشاره کرده‌اند. با این حال، امام خمینی و برخی دیگر از

فقیهان معتقدند که تسلیم شدن در موارد دفاع از نفس و عرض جایز نیست. به عبارت دیگر، حتی در شرایطی که فرد ممکن است کشته شود یا در معرض خطر شدید قرار گیرد، نباید تسلیم شده و باید همچنان در دفاع از جان و عرض خود پایداری کند. این دیدگاه بر اساس اصول اسلامی و دینی است که تأکید دارند در برابر تهدیدات شدید، انسان نباید از خود دفاع نکرده و باید در راستای حفظ کرامت انسانی و حریم شخصی خود تلاش کند.

مسئله چهل و یکم: برخورد با متجاوز در جهاد دفاعی شخصی

در صورتی که دفاع مؤثر باشد و متجاوز نتواند به هدف خود برسد، در فقه اسلامی امکان مقابله به مثل با متجاوز وجود دارد. این مقابله به مثل، به معنای پاسخ به رفتار متجاوز به طور مشابه است. البته این مقابله به مثل به طور تدریجی است و باید با حداقل خشونت و در صورتی که راه‌های دیگر ممکن نباشد، انجام شود. به‌ویژه در مواقعی که امکان دفع مهاجم به غیر از کشتن او وجود دارد، کشتن مهاجم جایز نیست. این اصول فقهی، بر حفظ اخلاق اسلامی و رعایت کرامت انسانی حتی در شرایط بحرانی تأکید دارد.

مسئله چهل و دوم: وجوب آموزش فنون نظامی

آموزش فنون نظامی در همه اعصار از ضرورت‌های اجتماعی بوده و بر هر شخصی که توانایی جهاد دارد، واجب عینی است. البته اعزام به منطقه‌های نظامی برای جهاد، واجب کفائی و تابع شرایط است. مسئله آموزش فنون نظامی در دنیای امروز که هم ابزارها و هم روش‌ها بسیار متنوع شده است،

وجوب آن مؤکد و وجوب تخصصی آن نیز تعین می‌یابد. این وجوب متعین تخصصی هم در نظامی‌گری حرفه‌ای و و هم در بسیج عمومی جریان دارد.

مسئله چهل و سوم: خدمت سربازی

دفاع از کیان و حفظ نظم و نظام اسلامی در همه شرایط بر مسلمانان واجب عینی است، اما اقدام به آن واجب کفائی. یکی از راه‌های تأمین نیرو در زمینه مذکور، سربازی است و تابع امر ولی فقیه. لذا اگر ولی فقیه امر به سربازی نماید، بر همه کسانی که توان آن را دارند، واجب است. ولی فقیه می‌تواند مسئله مذکور را به ساختار نظامی تنفیذ نماید.

مسئله چهل و چهارم: اذن ولی در جهاد

در صورتی که دشمن به سرزمین اسلامی حمله نموده باشد یا ولی فقیه اذن به جهاد داده باشد، تا زمانی که وجوب آن عینی است، برای رفتن به جبهه، اذن ولی لازم نیست و بر همگان دفع دشمنان واجب است. اما پس از آنکه به قدر کافی اقدام صورت گرفت و وجوب آن به حد کفائی رسید، اذن ولی لازم است.

بخش سوم: شرطیت اذن امام در جهاد

ابتدایی

فصل اول: شرط اذن امام و ولی فقیه در جهاد ابتدایی در فقه شیعه

درآمد

جهاد در منظومه فکری و فقهی اسلام، از جایگاهی بنیادین برخوردار است و در میان ابواب فقهی، به عنوان یکی از ارکان احکام عبادی و اجتماعی دین شناخته می‌شود. این مفهوم، نه تنها در بعد ظاهری و نظامی خود، بلکه در لایه‌های عمیق‌تر معنوی، اخلاقی و تمدنی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری هویت امت اسلامی داشته است. در قرآن کریم و سنت نبوی، جهاد نه به عنوان وسیله‌ای برای کشورگشایی و سلطه‌طلبی، بلکه به عنوان حرکتی در مسیر اقامه‌ی حق، عدل، و دعوت به توحید مطرح گردیده است. از دیدگاه مفسران و فقهای امامیه، جهاد دو گونه است: جهاد دفاعی و جهاد ابتدایی. جهاد دفاعی به معنای مقابله با دشمنی است که به سرزمین یا جان مسلمانان حمله‌ور شده و بر همه‌ی مسلمانان واجب عینی است. اما جهاد ابتدایی که محور بحث حاضر است، جهادی است که مسلمانان خود آغازگر آن هستند؛ نه به قصد کشورگشایی، بلکه برای دعوت مردم به اسلام و رفع موانع هدایت و گسترش حق الهی در جامعه بشری. در واقع، هدف این نوع جهاد، بسط توحید، برقراری عدالت، و مقابله با نظام‌های ظلم و شرک است.

فقهای شیعه در تعریف و مشروعیت جهاد ابتدایی، بر اساس نصوص قرآنی و روایی، موضعی دقیق و منسجم دارند. اکثریت قاطع علمای امامیه، از جمله شیخ طوسی، علامه حلی، شهید ثانی و صاحب جواهر، بر این باورند که جهاد ابتدایی تنها در عصر حضور امام معصوم (علیه‌السلام) و با اذن او مشروع و

واجب است. زیرا جهاد ابتدایی، از شئون حکومت الهی و ولایت امام است و بدون حضور امام معصوم یا نایب خاص او، مشروعیت شرعی ندارد. بدین معنا که در عصر غیبت، تا زمانی که امام معصوم (علیه السلام) ظهور نکرده، جهاد ابتدایی به عنوان جنگ تهاجمی با غیرمسلمانان برای دعوت به اسلام، جایز نیست. این نظر بر مبنای اصل «اذن امام» در فقه امامیه بنا شده است که از اصول حاکم بر باب جهاد به شمار می آید. با این حال، برخی از فقهای متأخر همچون آیت الله خویی، دایره‌ی مشروعیت جهاد ابتدایی را تا حدودی گسترده‌تر دانسته و معتقدند در صورت تحقق شرایط خاص و وجود مصلحت اسلام، نایب عام امام نیز می‌تواند دستور جهاد ابتدایی را صادر کند. استدلال آنان بر این مبناست که هدف نهایی از جهاد، اقامه‌ی عدالت و بسط توحید است و در شرایطی که ظلم و استبداد مانع تحقق این اهداف گردد، حکم عقل و شرع بر ضرورت اقدام برای رفع آن تعلق می‌گیرد.

تفاوت اساسی دیدگاه شیعه با اهل سنت در این است که فقهای اهل سنت، جهاد ابتدایی را حتی بدون حضور امام عادل نیز جایز، و گاه واجب کفایی می‌دانند؛ زیرا از نظر آنان، مشروعیت جهاد وابسته به وجود حکومت اسلامی به معنای سیاسی آن است نه حضور امام معصوم. در حالی که فقه امامیه جهاد ابتدایی را به عنوان «عبادت» تلقی می‌کند که نیازمند نیت قربت و اذن ولی الهی است و صرف مصلحت سیاسی یا قدرت نظامی، مجوز آغاز آن نیست. از این رو، جهاد ابتدایی در نگاه شیعه، نه ابزاری برای سلطه، بلکه

حرکتی قدسی و الهی است که بدون پشتوانه‌ی ولایت مشروع، ماهیت خود را از دست می‌دهد.

قرآن کریم، مراحل تشریع جهاد را به صورت تدریجی بیان می‌کند. در آغاز بعثت، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) مأمور به دعوت و ارشاد مردم بود و هیچ‌گونه اذن مقاتله‌ای نداشت. در سوره‌ی احزاب، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا»؛ بدین‌سان، نخستین مرحله‌ی دعوت اسلامی بر گفت‌وگو، موعظه و صبر استوار بود. تنها پس از سال‌ها آزار و اذیت مشرکان و نقض پیمان‌هایشان، آیه‌ی «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا»^۱ نازل شد که صرفاً اجازه‌ی دفاع می‌داد، نه امر به قتال. سپس در مرحله‌ی مدنی، پس از هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) به مدینه، بر وجوب جهاد دفاعی دلالت یافتند.^۲ از این سیر تاریخی می‌توان دریافت که جهاد در اسلام، در آغاز با منطق دعوت و اصلاح آغاز شد و تنها زمانی به قتال منتهی گردید که دشمن، مانع دعوت و گسترش حق گردید.

^۱ احزاب، ۴۵ و ۴۶

^۲ حج، ۳۹

^۳ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * (بقره، ۱۹۰-۱۹۱)

در منابع فقهی امامیه، اهداف جهاد ابتدایی با صراحت بیان شده است: نخست، ریشه‌کن ساختن فتنه و جلوگیری از فساد و توطئه علیه اسلام «و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ»؛^۱ دوم، حاکم ساختن دین الهی و اقامه‌ی نظام توحیدی در زمین («وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»؛ سوم، دفاع از مراکز عبادت و حفظ نهادهای توحیدی از نابودی «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيعُ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛^۲ چهارم، حفظ عزت و اقتدار اسلام، چنان‌که حضرت زهرا(س) فرمودند: «وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»؛^۳ و نهایتاً، اصلاح دین و دنیا، مطابق کلام امیرالمؤمنین(علیه‌السلام): «فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ الْجِهَادَ وَ عَظَّمَهُ وَ جَعَلَهُ نُصْرَةً لَهُ وَ اللَّهُ مَا صَلَحَتْ دُنْيَا قَطُّ وَ لَا دِينٌ إِلَّا بِهِ».^۴ بنابراین،

^۱ بقره، ۱۹۳ و انفال، ۳۹

^۲ همان آیات

^۳ حج، ۴۰

^۴ عبدالله بن نور الله بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، ۱۳۷۵، ج ۱۱، ص ۹۱۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۱۰۷ و شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸

^۵ الشیخ الكلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸؛ علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱۴۰۳، ج ۳۲، ص ۱۱۶؛ الشیخ المفید، الإرشاد فی معرفته حجج الله علی العباد، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵۱؛ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۱۵؛ فیض کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶، ج ۱۵، ص ۴۹ و ضامن بن شدم، وقعة الجمل، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۱۶

جهاد ابتدایی در فقه شیعه، نه حرکتی تهاجمی و خون‌ریزانه، بلکه ابزاری برای صیانت از ارزش‌های الهی و تحقق عدالت جهانی است.

با این تبیین، روشن می‌شود که اتهاماتی چون «اسلام دین جنگ است» یا «جهاد وسیله‌ی سلطه‌جویی است» ریشه در ناآگاهی از سیر تاریخی و فلسفه‌ی تشریع جهاد دارد. اسلام از آغاز، دین دعوت، هدایت و گفت‌وگو بود و تنها زمانی به جهاد امر کرد که راه هدایت بسته شد و حق و عدالت در معرض نابودی قرار گرفت. در حقیقت، جهاد ابتدایی از منظر شیعه، تلاشی است در جهت گشودن راه حق برای بشریت، نه تحمیل دین بر دیگران. از این رو، در عصر غیبت که امام معصوم حضور ندارد، باب جهاد ابتدایی بسته است و تنها جهاد دفاعی، به عنوان وظیفه‌ای عقلانی و شرعی، بر عهده‌ی مسلمانان باقی می‌ماند.

جهاد ابتدایی در فقه امامیه

«جهاد ابتدایی» که گاهی از آن هم در نگاه شیعه و هم اهل سنت، به عنوان جهاد تهاجمی یاد می‌شود، معنایی خاص و حساس دارد: آغاز جنگ از سوی مسلمانان علیه کفار و مشرکان با هدف گسترش دین و ریشه‌کن ساختن شرک، آن‌هم در حالی که پیش از آن دشمن حمله یا تجاوزی مرتکب نشده و تنها امکان یا بیم حمله از جانب او مطرح است. این نوع جهاد، برخلاف

^۱ احمدبن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۶۵؛

جهاد دفاعی که واکنشی به تجاوز آشکار است، غایت و انگیزه‌ای دعوتی و هدایتی دارد؛ به عبارت دیگر، جهاد ابتدایی در نگاه فقهی امامیه نوعی اقدام ساختار شده برای فراهم آوردن زمینه‌ی هدایت و اقامه‌ی دین قلمداد می‌شود، نه وسیله‌ای برای چیرگی و سلطه‌گری. برای فهم معنادار این مفهوم در بستر فقه امامیه لازم است سه محور تفهیم شود: نخست ماهیت و انگیزه‌ی جهاد ابتدایی، دوم شرایط و محدودیت‌های شرعی و اخلاقی آن، و سوم چارچوب نظری امامیه که مشروعیت چنین اقدامی را به ملاحظات ولایی و دعوتی پیوند می‌زند. این سه محور، در ترکیب با هم، تصویر روشنی از تفاوت جهاد ابتدایی با دیگر اشکال خشونت‌ورزی و نیز از موانع اخلاقی پیش‌بینی‌شده در سنت فقهی شیعه ارائه می‌دهند.

در سطح نظری، جهاد ابتدایی در فقه امامیه بیش از آنکه لحنی نظامی یا سیاسی صرف داشته باشد، حامل یک مأموریت دعوتی است. به‌طور مشخص، انگیزه‌ی اصلی این نوع جهاد «دعوت کفار به اسلام» توصیف شده است؛ دعوتی که اگرچه ممکن است از سازوکارهای غیرخشونت‌آمیز آغاز شود، اما در صورتی که دعوت و اقناع ثمربخش نباشد و دشمن مصراً از پذیرش یا از تعهدات مسالمت‌آمیز سر باز زند، امکان تبدیل شدن وضعیت به عرصه‌ی مقاتله فراهم می‌آید. وجه تمایز مهم در این معنا این است که جهاد ابتدایی در چشم‌انداز فقه امامیه «هدف هدایت» را بر «هدف تسلط» ترجیح می‌دهد؛ یعنی اگر جنگی آغاز گردد، مقصود از آن نه انتقام‌جویی یا گسترش امپراتوری، بلکه فراهم ساختن زمینه‌ای است که در آن یا دین پذیرفته شود

یا ترتیبیاتی وضع گردد که از ستم و فساد جلوگیری کند. اما آنچه آموزه‌ی شیعی فقهی را متمایز می‌سازد، اتکای قوی آن بر قاعده‌ی ولایی و تاکید بر شرایط حقوقی و اخلاقی پیش از هر اقدام نظامی است. در سنت امامیه، یکی از قواعد بنیادین اینکه پیش از هر اقدامی برای جهاد ابتدایی باید «دعوت صریح و عقلانی» انجام شود و اقامه‌ی دلایل به‌مثابه مرحله‌ای الزامی تلقی می‌شود. این آموزه در روایتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) به امام علی (علیه‌السلام) نسبت داده‌اند به‌روشنی بیان شده است: «یا علیُّ، لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَ اِيْمُ اللّٰهِ لَآن يَهْدِي اللّٰهُ عَلٰى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ، وَ لَكَ وَ لَاؤُهُ يَ اَعْلٰى». این سخن، دعوت را نه تنها شرطاً عملی معرفی می‌کند بلکه آن را فضیلت‌بارتر از پیروزی‌های مادی نشان می‌دهد؛ بدین ترتیب، جهاد زمانی مجاز می‌شود که راه‌های هدایتی کاملاً طی شده و شواهد و معجزات یا براهین متناسب اقامه شده باشد و طرف مخاطب همچنان در امتناع پایدار باقی بماند.

علاوه بر پیش‌شرط دعوت، فقه امامیه شروطی را برای شرکت در هر نوع جهاد مقرر می‌دارد که به‌مثابه‌ی معیارهای اخلاقی و عقلانی عمل می‌کنند.

^۱ الشیخ الكلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸؛ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۱۶، ج ۱۵، ص ۴۲؛ الشیخ الطوسی، تهذیب الأحکام، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۴۱؛ مسعود بن عیسی ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۷ و نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۰

از میان مهم‌ترین این شرایط «بلوغ»، «عقل»، «آزادی» و «توان جسمی» ذکر شده است؛^۱ یعنی شرکت‌کننده باید بالغ، عاقل، و حر بوده و از نظر جسمی قابلیت شرکت در میدان را داشته باشد. بر این اساس، نایبانیان، کودکان، بیماران مزمن، افراد سالخورده و کسانی که نقص شدید جسمی دارند، از وجوب یا تکلیف شرکت معاف می‌شوند. این قیده‌ها نشان می‌دهد که فقه امامیه جهاد را نه به‌عنوان تکلیفی عام و بی‌تفاوت نسبت به شرایط فرد، بلکه به‌عنوان یک عمل سنجیده و مقید می‌نگرد که با ملاحظات انسانی و کرامت انسانی سازگار باشد.

چنین ساختار مقرراتی دو اثر مهم معرفتی و اخلاقی دارد: نخست اینکه جهاد ابتدایی در چارچوب امامیه محدود به مواردی می‌شود که واقعاً توجیه‌ها و مصلحت‌های دینی و انسانی ایجاب کند، و نه آنکه به‌راحتی و براساس انگیزه‌های سیاسی یا اقتصادی برپا گردد. دوم اینکه حساسیت بر شرط دعوت و اقامه‌ی دلیل، از تحمیل امر دینی جلوگیری می‌کند و نشان می‌دهد که مشروعیت نظامی تنها در پی ناکامی کامل ابزارهای مسالمت‌آمیز و در پرتو ضرورت‌های عینی برقرار می‌گردد. به‌طور مشخص، این رویکرد انتقادی به مفهوم جهاد را از گرایش‌های امپریالیستی متمایز می‌سازد. جهاد ابتدایی در فقه امامیه صرفاً مجوزی شرعی برای گشودن مسیر هدایت است، نه مجوزی

^۱ السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی منهاج الصالحین، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۲-۳۶۳ و ابن‌قدامة، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۶۶-۳۶۷.

برای تسلط سیاسی یا استحصال منابع. بنابراین، نقدی که اسلام را دین خشونت یا توسعه‌طلبی مطلق بخواند، با مطالعه‌ی دقیق اصول فقهی و اخلاقی شیعی قابل نقض است؛ زیرا فقه امامیه، نه تنها دعوت و مشروعیت‌جویی را مقدم می‌شمارد، بلکه محدودیت‌های مشخصی را برای کسانی که وارد عرصه‌ی قتال می‌شوند مقرر داشته است.

با این همه، پرسش‌های بی‌پاسخ یا محل اختلاف نیز وجود دارد؛ از جمله اینکه در زمان غیبت امام معصوم (علیه‌السلام): چه مرجعی می‌تواند اذن جهاد ابتدایی را صادر کند و یا آیا نایبان عام (فقه‌ها) می‌توانند به نام ولایت این اختیار را اعمال نمایند یا نه. این مباحث نشان می‌دهد که رابطه‌ی میان ولایت، مشروعیت سیاسی و جهاد، در فقه امامیه دارای ابعادی پیچیده و نیازمند تفصیل است؛ اما در سطحی کلی، آموزه‌ای که از متن فقهی استخراج می‌شود تأکید بر مقدم بودن دعوت، لزوم اتمام حجت، رعایت کرامت انسانی و تنظیم قواعد مشارکت است.

جهاد ابتدایی، به عنوان یکی از شاخه‌های حساس و بنیادین فقه جهاد در اسلام، تنها با تحقق شرایطی خاص و بر پایه‌ی ارکانی معین مشروعیت می‌یابد. در فقه امامیه، جهاد نه حرکتی کور و هیجانی، بلکه نهادی الهی، منضبط و هدف‌دار است که در سایه‌ی ولایت و با رعایت دقیق ضوابط شرعی تحقق پیدا می‌کند. فقه‌های امامیه با نگاهی مبتنی بر اصول قرآن و سنت معصومین (علیهم‌السلام)، برای جهاد ابتدایی قیودی وضع کرده‌اند که

مانع از هرگونه سوءاستفاده از مفهوم جهاد و انحراف آن از مسیر توحیدی و انسانی‌اش شود. از این منظر، هر اقدام نظامی در غیاب مشروعیت الهی و نیت خالص، نه تنها جهاد نیست، بلکه در حکم فساد فی‌الارض است. بنابراین، بحث از شرایط و ارکان جهاد ابتدایی در فقه امامیه، در واقع سخن از مرز میان «حرکت الهی» و «تجاوز انسانی» است؛ مرزی که تنها در پرتو حضور امام عادل، نیت الهی، و رعایت اصول دعوت و عدالت روشن می‌شود. فقه امامیه، به دلیل پیوند ذاتی میان مفهوم «جهاد» و نهاد «ولایت»، آغاز هرگونه جهاد ابتدایی را منوط به حضور و فرمان امام معصوم (علیه‌السلام) یا منصوب خاص او دانسته است. این شرط، نه صرفاً یک حکم فقهی جزئی، بلکه بیانگر ساختار سیاسی و الهی حکومت اسلامی از دیدگاه شیعه است؛ زیرا امام، محور تشریع، تبیین و اجرای احکام الهی است، و بدون او، هرگونه اقدام جمعی به نام دین، در معرض انحراف و ظلم قرار می‌گیرد.

شیخ طوسی در کتاب النهایه می‌نویسد: «و هی أن یکون الامام العادل الذی لا یجوز لهم القتال إلا بأمره ولا یسوغ لهم الجهاد من دونه ظاهراً، أو یکون من نصبه الامام للقیام بأمر المسلمین حاضراً، ثم یدعوهم إلى الجهاد، فیجب علیهم حینئذ القیام به.»^۱ این سخن، نه تنها دلالت بر شرط حضور امام دارد، بلکه نشان می‌دهد جهاد ابتدایی در فقه امامیه یک نهاد ولایت‌محور است؛ به‌گونه‌ای که ابتکار آن در اختیار فرد یا گروهی خارج از سلسله‌ی امامت

^۱ الشیخ الطوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۹۰

نیست. اما آنچه از «أَوْ يَكُونُ مِنْ نَصْبِهِ الْإِمَامُ لِلْقِيَامِ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ حَاضِرًا» دلالت بر نصب خاص داشته و شامل نصب عامل نمی‌گردد. شهید ثانی نیز در شرح لمعه، ضمن تأکید بر این مبنا، می‌نویسد: «و إنما يجب الجهاد بشرط الإمام العادل أو نائبه الخاص و هو المنصوب للجهاد أو لما هو أعم أما العام كالفقيه فلا يجوز له توليه حال الغيبة»^۱ به بیان دیگر، حتی فقیه جامع‌الشرايط که در عصر غیبت از سوی امام به‌طور عام ولایت بر امور مسلمین دارد، مجاز به آغاز جنگ ابتدایی نیست؛ زیرا جهاد تهاجمی از شئون خاص امامت و حکومت معصوم است. البته به مسئله جواز یا عدم جواز جهاد ابتدائی در عصر غیبت، بعداً به صورت تفصیلی پرداخته خواهد شد و نظر مختار بر آن است که جهاد ابتدائی در عصر غیبت با اذن ولی فقیه یا همان نائب عام نیز جایز است.

اقوال فقهاء در باب جهاد ابتدائی

مسئله‌ی جهاد ابتدایی یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث فقهی در میان فقهای امامیه است؛ زیرا از سویی، جهاد به عنوان یکی از فروع دین، واجب شرعی محسوب می‌شود، و از سوی دیگر، به دلیل حساسیت آن در ارتباط با جان انسان‌ها، نظم جامعه و مصالح امت اسلامی، همواره در دایره‌ی احتیاط فقهی قرار گرفته است. به همین سبب، فقها در طول قرون، از عصر ائمه تا

^۱ الشهيد الثاني، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، المحشى سلطان العلماء، ۱۴۱۲،

دوره‌ی معاصر، تلاش کرده‌اند میان وجوب نصوصی و محدودیت عملی آن توازن برقرار کنند. در بررسی دیدگاه‌ها، می‌توان گفت که اختلاف نظرها، نه بر سر اصل مشروعیت جهاد ابتدایی، بلکه درباره‌ی شرایط اجرا و حدود اختیارات در عصر غیبت است. فقیهان امامیه را می‌توان در سه دسته‌ی اصلی جای داد که هرکدام از مبانی خاصی در تفسیر «اذن امام»، «ولایت فقیه»، و «مصلحت امت» بهره گرفته‌اند.

دیدگاه نخست: عدم جواز مطلق

این دیدگاه، که از کهن‌ترین و مشهورترین نظریات در فقه امامیه است، جهاد ابتدایی را در عصر غیبت به‌طور کامل غیرجایز می‌داند و آن را از اختیارات اختصاصی امام معصوم (علیه‌السلام) می‌شمارد. از آن جمله:

۱. برخی از اقوال علماء

شیخ طوسی می‌گوید: «و من وجب علیه الجهاد إنما يجب عليه عند شروط و هی أن یكون الإمام العادل الذی لا یجوز لهم القتال إلاّ بأمره و لا یسوغُ لهم الجهاد من دونه ظاهراً أو یكون من نصبه الإمام للقیام بأمرالمسلمین حاضراً ثمّ یدعوهم إلى الجهاد فیجب علیهم حیثئذ القیام به و متى لم یکن الإمام ظاهراً و لا من نصبه الإمام حاضراً لم یجز مجاهدة العدوّ و الجهاد مع أئمة الجور أو من غیرإمام خطأً یتحق فاعله به الإثم». مراد از «الإمام العادل»

^۱ الشیخ الطوسی، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۵.

به قرینه عبارت: «لا یسوغ لهم الجهاد من دونه ظاهراً»، امام معصوم است؛ چون او گاهی ظاهر و گاهی غایب است. بنابراین حضور و اذن امام معصوم برای جهاد ابتدایی شرط است. اما این عبارت شیخ به قرینه «أو یكون من نصبه الإمام للقیام بأمرالمسلمین حاضراً...»، ظهور در نائب عام داشته و اختصاص به منصوب خاص نداشته باشد و فقیه عادل در عصر غیبت را نیز شامل شود و قید «حاضراً» قرینه‌ای بر بسط ید شخص منصوب یعنی نائب امام علیه السلام اعم از عام و خاص می‌باشد. اگرچه برخی از بزرگان بر این عبارت مرحوم شیخ طوسی بر عدم جواز استدلال نموده‌اند، اما ظهور آن بر جواز جهاد ابتدائی در عصر غیبت به اذن نائب عام است. با توجه به تأخر نگارش کتاب المبسوط بر کتاب النهایه، می‌توان نظر نهایی او را در کتاب المبسوط جستجو نمود. شیخ طوسی در مبسوط می‌نویسد: «إذا اجتمعت الشروط التي ذكرناها فيمن يجب عليه الجهاد فلا يجب عليه أن يجاهد إلاّ بأن يكون هناك إمام عادل أو من نصبه الإمام للجهاد، ثمّ يدعوهم إلى الجهاد فيجب حينئذٍ على من ذكرناه و متى لم يكن الإمام و لا من نصبه الإمام سقط الوجوب بل لا يحسن فعله أصلاً... و الجهاد مع أئمة الجور أو من غير إمام أصلاً خطأ قبيح.»^۱ که دلالت بر نظر خاص ایشان یعنی عدم جواز دارد.

^۱ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۵۴۱ و ۵۴۲، چاپ جامعه مدرسین.

قاضی ابن براج در المذهب می گوید: «إنما ذكرنا أن يكون مأموراً بالجهاد من قبل الإمام أو من نصبه لأنه متى لم يكن واحداً منهما لم يجز له الخروج إلى الجهاد.... و الجهاد مع أئمة الكفر و مع غير إمام أصلى أو من نصبه قبيح».^۱

حلبی در اشاره السبق می گوید: «مع أمر إمام الأصل به أو من نصبه و جرى مجراه... فبتكاملها يجب و بارتفاعها أو الإخلال بشرط منها يسقط».^۲ همچنین یحیی بن سعید حلّی در الجامع للشرایع می گوید: «وجوبه على... بشرط حضور إمام الأصل داعياً إليه أو من يؤمّره و هو محرم من دون إذنه».^۳ همچنین شهید ثانی در «شرح لمعه» می گوید: «و إنما يجب الجهاد بشرط الإمام العادل أو نائبه الخاص و هو المنصوب للجهاد أو لما هو أعم أما العام كالفقيه فلا يجوز له توليه حال الغيبة».^۴ همچنین صاحب ریاض می گوید: «إنما يجب الجهاد بالمعنى الأول - على من استجمع الشروط المزبورة - مع وجود الإمام العادل و هو المعصوم (عليه السلام) أو من نصبه لذلك أى النائب الخاص و هو المنصوب للجهاد أو لما هو أعم، أما العام كالفقيه فلا يجوز له و لامعه حال الغيبة بلا خلاف أعلمه كما هو ظاهراً لمنتهى و صريح الغنية إلا من أحمد كما فى الأول و ظاهرهما الإجماع».^۵

^۱ الينابيع الفقهية، ج ۳۱، ص ۸۰

^۲ الينابيع الفقهية، ج ۳۱، ص ۱۹۵

^۳ همان، ص ۲۳۳.

^۴ شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، ۲۱۷

^۵ سيد على طباطبائي رياض المسائل، ج ۷، ص ۴۴۶- ۴۴۷.

شیخ جعفر کاشف الغطاء در کشف الغطاء در بحث از تفاوت‌های جهاد ابتدایی با اقسام دیگر جهاد دفاعی می‌گوید: «أحدها: أنه يشترط في الجهاد بالمعنى الأخير - و هو ما أريد به الجلب إلى الاسلام - حضور الإمام أو نائبه الخاص دون العام... خامسها: جهاد الكفر والتوجه إلى محالّهم للردّ إلى الإسلام و الإذعان بما أتى به النبیّ الأمیّ المبعوث من عند الملك العلام - علیه و آله افضل الصلاة و السلام - و هذا المقام من خواص النبیّ و الإمام و المنصوب الخاص منهما دون العام».^۲

میرزای قمی نیز در جامع الشتات می‌نویسد: «جهاد باکفار مشروط است به امام یا نایب خاص او و در صورت غیبت امام جهاد واجب، بلکه جایز هم نیست.»^۳ همچنین امام خمینی (ره) در عصر غیبت، فقیهان جامع شرایط را در مناصب سیاسی و مانند آن جانشین امام معصوم (علیه السلام) می‌شمارد؛ اما دعوت به جهاد ابتدایی را از محدوده اختیارات فقیه خارج می‌داند. لذا در کتاب تحریر الوسيله می‌فرماید: « فی عصر غیبه ولیّ الأمر وسلطان العصر - عجلّ الله فرجه الشریف - يقوم نوابه العامّة؛ وهم الفقهاء الجامعون لشرائط الفتوى والقضاء، مقامه فی إجراء السياسات وسائر ما للإمام علیه السلام إلّا البدأ

^۱ کشف الغطاء، ج ۴، ص ۲۹۰.

^۲ همان، ج ۴، ص ۲۸۹.

^۳ جامع الشتات، ج ۱، ص ۴۰۲.

بالجهاد.»^۱ البته در توضیح المسائل محشی نکته‌ای دیگر دارد که در جای خود بیان خواهد شد.

۲. دلیل عدم جواز:

چنانکه قبلاً بیان شد و با توجه به «الْفَقِيهُ لَا يَتَصَرَّفُ فِي مَا هُوَ مِنْ خَصَائِصِ النَّبِيِّ وَالْأُمَّةِ (عليهم السلام)، إِلَّا فِيْمَا وَرَدَ فِيْهِ نَصٌّ خَاصٌّ بِالتَّفْوِيْضِ»، دلیل عدم جواز را می‌توان در دلیل عقلی انحصار وظایف و شئون امامت در امام معصوم دانست و هر آنچه که با دلیل به نائب خاص یا عام انتقال یابد، در نائب نیز وجود دارد. هنگامی که در انتقال شأن صدور حکم به جهاد ابتدائی از امام معصوم به نائب عام شک شود، اصل عدم انتقال این شأن است و در نتیجه اکتفاء به قدر متیقن یعنی عدم جواز صدور فرمان به جهاد ابتدایی در عصر غیبت است. از این رو؛ جهاد ابتدایی نیازمند عصمت و علم کامل به مصالح و مفاسد است. چون در جهاد پای جان انسان‌ها و نظم جوامع در میان است، تصمیم درباره‌ی آن باید از سوی کسی صادر شود که مصون از خطا و هوا باشد. در نتیجه، فقیه در عصر غیبت، هرچند دارای ولایت فقهی است، اما ولایت او در محدوده‌ی اجرای احکام الهی و حفظ نظم دینی است، نه در قلمرو اختیارات تشریعی و تکوینی پیامبر و امامان. لذا عده‌ای از فقها جهاد ابتدایی را مشروط به اذن امام معصوم یا نمایندگان منصوب او می‌دانند. این

^۱ الامام خمینی (ره)، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۵۹

دیدگاه، مبنی بر اصول کلی فقهی و روایات مختلفی است که به نقش ویژه امام معصوم و ولی فقیه در تعیین اقدامات جنگی و جهادی پرداخته‌اند.

از این رو؛ مهمترین استدلال منکرین جهاد ابتدایی، بیان این است که جهاد ابتدایی تنها با دستور و فرمان امام معصوم یا نمایندگان او مجاز است. شیخ طوسی در کتاب «نهایه» اشاره می‌کند که جهاد ابتدایی تنها زمانی جایز است که امام معصوم یا نماینده او برای سرپرستی امور مسلمانان و دعوت به جهاد حضور داشته باشد. وی تصریح می‌کند که بدون حضور امام معصوم یا نماینده منصوب او، جهاد ابتدایی جایز نیست و حتی در صورت وقوع جنگ، شرکت در آن گناه محسوب می‌شود. به همین ترتیب، قاضی ابن براج در کتاب «مذهب» جهاد ابتدایی را مشروط به دستور امام معصوم یا کسی که امام معصوم او را برای جهاد نصب کرده است می‌داند. از نظر او، بدون اذن امام معصوم یا منصوب او، جهاد ابتدایی به هیچ عنوان جایز نیست. علاوه بر این، برخی از فقههای دیگر نیز تأکید دارند که جهاد ابتدایی باید در زمان حضور امام معصوم انجام گیرد. محمد بن علی بن حمزه طوسی در کتاب «وسیله» و محمد بن ادریس حلی در «سرائر» جهاد ابتدایی را تنها با اذن امام معصوم یا نماینده او مجاز می‌دانند. آنها بر این باورند که بدون فرمان امام معصوم یا نایب او، جهاد ابتدایی نه تنها جایز نیست بلکه ممکن است موجب گناه شود.

همچنین، برخی فقها مانند محقق حلی در کتاب «شرایع» نیز تأکید دارند که در زمان غیبت امام معصوم، جهاد ابتدایی تنها با اذن امام یا نماینده منصوب او مجاز است. وی در همین راستا اشاره می‌کند که رابطه و آماده باش برای جهاد، حتی در زمان غیبت امام، ممکن است انجام گیرد اما جهاد در کنار حاکمان جور و بدون اذن امام معصوم به هیچ عنوان جایز نیست. به علاوه، این دیدگاه‌ها بر این باورند که جهاد ابتدایی در حقیقت نوعی فراخواندن مردم به سمت جهاد است که نیازمند هدایت و رهبری ویژه‌ای است که تنها از جانب امام معصوم یا منصوب او امکان‌پذیر است. در غیبت امام معصوم، حتی اگر فقیه در مقام ولی فقیه به سرپرستی امور مسلمانان بپردازد، این اقدام به طور دقیق همانند عملکرد امام معصوم در زمان حضور او نیست و باید به‌طور خاص به دستور امام معصوم یا نماینده او انجام شود.

نکته مهم دیگر، بحث ارتباط جهاد ابتدایی با اصول دفاع از اسلام و مسلمانان است. فقها تصریح می‌کنند که جهاد ابتدایی، که در حقیقت حمله به کفار است، باید تنها در صورتی انجام گیرد که تهدیدی جدی برای اسلام و مسلمانان وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، جهاد ابتدایی نمی‌تواند به‌صورت خودسرانه و بدون پیروی از دستورات الهی و رهبری معصوم آغاز شود. در واقع، منکرین جهاد ابتدایی معتقدند که تنها امام معصوم یا نماینده مشروع اوست که می‌تواند این تهدیدات را تشخیص داده و دستور جهاد ابتدایی را صادر کند.

در نهایت، استدلال‌های منکرین جهاد ابتدایی در زمان غیبت امام معصوم به وضوح به این نکته اشاره دارند که برای جلوگیری از سوء استفاده از مفهوم جهاد و نیز حفظ اصول اسلامی، تنها امام معصوم یا نمایندگان منصوب او حق دارند جهاد ابتدایی را مجاز بدانند. این دیدگاه بر اساس تأکیدات فقهی و روایات معتبر شیعه به‌ویژه در باب «جهاد»، پی‌ریزی شده است و بر این اساس، جهاد ابتدایی تنها در زمان حضور امام معصوم و تحت نظر او می‌تواند مشروع باشد.

دیدگاه دوم: جواز مشروط به مصالح و نیابت فقیه

دسته‌ی دوم از فقها، گرایش میانه‌روتری دارند. آنان ضمن پذیرش اصل شرط اذن امام، معتقدند در عصر غیبت، فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نایب عام امام معصوم (علیه‌السلام) می‌تواند در شرایطی خاص، حکم به جهاد ابتدایی دهد، مشروط بر آنکه مصلحت قطعی اسلام و امت اقتضا کند. نمایندگان برجسته‌ی این دیدگاه عبارت‌اند از شیخ طوسی، آیت‌الله سید ابوالقاسم خوئی، محمد مؤمن قمی، و گروهی از شاگردان مکتب نجف. البته فتوای امام خمینی در رساله‌ی توضیح المسائل نیز در این زمره قرار دارد. این گروه بر قاعده‌ی «ولایت عامه فقیه» تکیه می‌کنند و معتقدند بسیاری از وظایف امام، در زمان غیبت به فقیه عادل منتقل می‌شود. از آن جمله:

۱. برخی از اقوال علماء

آیت‌الله العظمی خوئی (ره) در منهاج الصالحین همین معنا را تأکید می‌کند و می‌گوید: «و هو أنَّ على الفقيه أن يشاور في هذا الأمر المهم أهل الخبرة و البصيرة من المسلمين حتى يطمئن بأنَّ لدى المسلمين من العدة و العدد ما يكفي للغلبة على الكفار الحربيين، و بما أنَّ عملية هذا الأمر المهم في الخارج بحاجة إلى قائد و أمر يرى المسلمين نفوذ أمره عليهم، فلا محالة يتعين ذلك في الفقيه الجامع للشرائط، فإنه يتصدى لتنفيذ هذا الأمر المهم من باب الحسبة على أساس أنَّ تصدى غيره لذلك يوجب الهرج و المرج و يؤدى إلى عدم تنفيذه بشكل مطلوب و كامل.»^۱ در این حالت فقیه پس از مشورت با اهل خبره و بررسی مصالح می‌تواند فرمان به جهاد ابتدایی دهد.

همچنین امام خمینی (ره) نیز در رساله توضیح المسائل می‌فرماید: «بعید نیست که حکم به جهاد ابتدائی توسط فقیه جامع الشرایطی که متصدی ولایت امر مسلمین است، در صورتی که مصلحت آن را اقتضا کند، جایز باشد، بلکه این نظر اقوی است.» با توجه به تأخر این فتوا از امام خمینی (ره) نسبت به تحریر الوسیله، می‌توان نظر امام را در جواز جهاد ابتدائی در عصر غیبت به شرط حضور ولی فقیه و وجود مصلحت دانست. مشابه این دیدگاه در رساله آموزشی امام خامنه ای (حفظه الله) نیز آمده است که می‌فرماید: « جهاد ابتدایی اختصاص به زمان پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) و امام

^۱ السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی منهاج الصالحین، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۶۶

معصوم(علیه السلام) ندارد و فقیه جامع الشرائطی که متصدی ولایت امر مسلمین است در صورت وجود مصلحت می تواند حکم به جهاد ابتدایی کند.»

۲. دلایل جواز دسته دوم

فقههای این دسته می گویند که از منظر قرآن کریم، آیات جهاد مانند سوره مبارکه توبه آیه شریف ۱۲۳ و همچنین سوره مبارکه بقره آیه شریف ۱۹۰، مطلق بوده و شامل عصر غیبت نیز می گردد. در بیان اطلاق باید گفت که در این آیات، قید حضور امام معصوم یا نائب خاص آن وجود ندارد و اطلاق آن شامل نائب عام و ولی فقیه نیز می گردد. در نتیجه هرگاه مصلحت نظام و جامعه اسلامی اقتضاء نماید، ولی فقیه می تواند فرمان به جهاد ابتدایی صادر نماید. در نتیجه، این گروه بر آن اند که فقیه عادل، با تشخیص مصلحت و در مقام ولایت، می تواند جهاد ابتدایی را فرمان دهد، هرچند در عمل، باید با احتیاط و هماهنگی دیگر فقها انجام شود.

واژه‌ی «مصلحت» در این دیدگاه، نقشی کلیدی دارد. منظور، صرفاً منافع سیاسی نیست، بلکه مصلحت دینی و اجتماعی امت است. فقیه تنها زمانی مجاز به اعلان جهاد است که احراز کند دشمنان در حال گسترش فتنه، تهاجم فرهنگی یا تضعیف اساس دین اند. این نظریه، ضمن آنکه وفادار به سنت امامیه در شرط ولایت است، نوعی پویایی در فقه حکومتی ایجاد می کند؛ زیرا فقیه را قادر می سازد در شرایط استثنایی و اقتضای مصالح نظام و جامعه اسلامی فرمان به جهاد ابتدایی دهد.

دیدگاه سوم: وجوب عام بدون اذن خاص امام

در این مجال، دیدگاه سومی نیز قابل تصور است که جهاد ابتدایی را واجب کفایی مطلق می‌دانند و شرط اذن امام یا فقیه را در آن دخیل نمی‌دانند. این گروه در اقلیت قرار دارند، اما رویکرد آنان از منظر روش‌شناسی فقهی قابل تأمل است. در این دیدگاه می‌توان به اطلاعات آیات قرآن کریم استناد نمود. زیرا همه این آیات مطلق بوده و قید حضور امام یا نائب امام در آن وجود ندارد. پس حتی در فرض عدم حضور امام معصوم و نائب او می‌توان به جهاد ابتدایی پرداخت. از نگاه این دیدگاه، جهاد ابتدایی یک وظیفه‌ی مستمر است برای جلوگیری از سلطه‌ی ظلم و شرک بر زمین. همان‌گونه که امر به معروف و نهی از منکر به زمان و شخص خاصی محدود نیست،^۱ جهاد ابتدایی نیز به حضور امام یا فقیه وابسته نیست، بلکه تکلیف جمعی امت است.

در نقد این دیدگاه باید گفت که جهاد یک امر اجتماعی است و نیازمند اذن حاکم عادل است. به عبارتی؛ قرینه عقلی دلالت بر تقیید اطلاعات بر فرض حضور امام معصوم یا نائب او اعم از نائب عام یا خاص دارد. لذا حذف شرط اذن امام یا نائب او، اولاً با این قید منافات دارد، ثانیاً به معنای بی‌نظمی در اعمال قدرت دینی است و ممکن است راه را برای جنگ‌های خودسرانه باز کند. اگرچه برخی آن را با وجود مصلحت ممکن است توجیه نمایند، اما این

^۱ محمد خیر هیکل، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۶-۴۷.

مصالح جزئی با مصلحت اقوی یعنی حفظ نظام اجتماعی منافات داشته و سبب شیوع هرج و مرج در جامعه اسلامی خواهد شد.

تحلیل تطبیقی و جمع‌بندی سه دیدگاه

با مرور سه دیدگاه فوق، می‌توان گفت که فقه امامیه در مسئله‌ی جهاد ابتدایی، از سویی بر اصالت نصوص قرآنی و وجوب این فریضه تأکید دارد، و از سوی دیگر، به‌شدت نگران انحراف و سوءاستفاده از آن است. این دو دغدغه، سه تفسیر متفاوت از رابطه‌ی میان «جهاد» و «ولایت» پدید آورده است:

۱	عدم جواز مطلق (احتیاطی)	علامه حلی، شهید ثانی، امام خمینی (ره) در تحریر	جواز جهاد ابتدایی فقط با امام معصوم	تأکید بر عصمت، عدالت مطلق و احتیاط خون
۲	جواز مشروط (فقیه جامع‌الشرایط)	شیخ طوسی، خوئی، محمد مؤمن، امام	جواز جهاد ابتدایی در عصر غیبت	مبتنی بر ولایت عامه فقیه و

		خمینی (ره) در رساله توضیح المسائل، امام خامنه‌ای	با اذن ولی فقیه و وجود مصلحت	قاعده‌ی مصلحت
۳	وجوب عام (بدون اذن خاص)	این یک دیدگاه فرضی است	وجوب کفائی جهاد ابتدائی مطلقاً	تأکید بر اطلاق آیات جهاد و عقل عملی امت.

نظر مختار در باب جهاد ابتدائی در عصر غیبت

پس از بررسی تفصیلی سه دیدگاه مطرح‌شده در این زمینه و واکاوی ادله‌ی هر یک، نتیجه‌ی حاصل تأییدکننده‌ی دیدگاه مختار مبنی بر جواز جهاد ابتدایی در دوران غیبت است. این دیدگاه بر آن است که مشروعیت اقدام به جهاد ابتدایی در عصر غیبت منوط به حصول شرایطی خاص است؛ بدین معنا که چنین جهادی تنها در صورتی از منظر شرعی مجاز خواهد بود که نائبِ عامّ امام معصوم (علیه‌السلام) حضور داشته و از اقتدار و اختیارات کامل برخوردار باشد و همچنین وجود مصلحت در انجام آن احراز گردد. به بیان دیگر، دیدگاه مختار تأکید دارد که در صورت حضور نائبِ عامّ امام معصوم

(علیه‌السلام) با بسط ید کامل و تشخیص مصلحت مقتضی، می‌توان جهاد ابتدایی را در عصر غیبت به عنوان امری مشروع پذیرفت. دلایل آن نیز عبارتند از:

۱. تفویض مسئولیت جهاد به فقهای شیعه

یکی از مهمترین دلایل به جواز جهاد ابتدایی، نظریه تفویض مسئولیت‌های حکومتی از سوی امام معصوم (علیه‌السلام) به فقهای شیعه است. شیخ مفید، یکی از بزرگان فقه شیعه، در آثار خود تصریح کرده است که امامان معصوم وظیفه اداره جامعه اسلامی را به فقهای شیعه تفویض کرده‌اند. در این دیدگاه، جهاد ابتدایی از جمله مسئولیت‌هایی است که امام معصوم در صورت حضور خود برعهده می‌گیرد و در زمان غیبت، این مسئولیت به فقیه عادل منتقل می‌شود. به عبارت دیگر، اگر فقیه عادل بتواند شرایط جهاد را فراهم کند، مجاز است که جهاد ابتدایی را با کفار آغاز کند.

۲. حاکم اسلامی به عنوان جانشین امام معصوم

یکی دیگر از دلایل اصلی جواز جهاد ابتدایی، این است که حاکم اسلامی به عنوان جانشین امام معصوم شناخته می‌شود. در نظر این گروه، فقیه که از جانب امام معصوم منصوب است، همانند امام می‌تواند به عنوان جانشین او عمل کند و در غیبت امام، وظیفه رهبری و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده گیرد. بنابراین، اگر فقیه به‌عنوان حاکم اسلامی در رأس یک دولت اسلامی قرار گیرد، می‌تواند بر اساس ضرورت‌های اجتماعی، جنگ با کفار را آغاز

کند. این مفهوم به‌ویژه در زمان غیبت امام معصوم اهمیت پیدا می‌کند، چرا که در این دوران، فقیه به عنوان نایب امام معصوم وظیفه برقراری نظم و دفاع از کیان اسلام را به عهده دارد. این نظریه از اصول بنیادی فقه شیعه است که در آن امام معصوم به‌عنوان ولی فقیه شناخته می‌شود و تمامی اختیارات سیاسی و اجتماعی از جمله جهاد ابتدایی به او تفویض شده است.

در نهایت، دلایل قائلین به جواز جهاد ابتدایی در فقه شیعه بر اساس تفویض مسئولیت‌های حکومتی به فقها در زمان غیبت امام معصوم، توانایی فقیه در انجام این مسئولیت‌ها، و اصل «ولایت فقیه» استوار است. این دیدگاه‌ها تأکید دارند که در صورت فراهم بودن شرایط، فقیه می‌تواند جهاد ابتدایی را آغاز کند و این امر نه تنها از نظر فقهی بلکه از منظر دفاع از اسلام و جامعه اسلامی ضروری است. به این ترتیب، جهاد ابتدایی در فقه شیعه به عنوان یک وظیفه حکومتی و دینی شناخته می‌شود که در زمان غیبت امام معصوم نیز می‌تواند توسط فقیه به انجام برسد.

فصل دوم: دیدگاه‌های علمای اهل سنت درباره جهاد ابتدایی و دفاعی

درآمد

مسئله جهاد ابتدایی یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین موضوعات در فقه سیاسی اسلام و به‌ویژه در اندیشه علمای اهل سنت به شمار می‌آید. جهاد، به عنوان مفهومی محوری در شریعت اسلامی، گستره‌ای وسیع از معنای تلاش اخلاقی و روحی تا مقابله نظامی را در بر می‌گیرد. با این حال، آنچه جایگاه ویژه‌ای در تاریخ اندیشه فقهی یافته، «جهاد ابتدایی» است؛ یعنی جنگی که مسلمانان بدون حمله پیشین دشمن و با هدف دعوت به اسلام، رفع مانع از گسترش رسالت الهی، و تأمین مصالح جامعه اسلامی آغاز می‌کنند. بررسی مشروعیت این نوع جهاد، نیازمند تحلیل مبانی فقهی، اصول اجتهادی و رویکردهای مختلف علمای اهل سنت است که هر یک با استناد به قرآن، سنت و تجربه تاریخی صدر اسلام، دیدگاه‌هایی خاص درباره الزامات و حدود آن ارائه کرده‌اند.

نخستین لایه از این مشروعیت، به «مصلحت» بازمی‌گردد؛ مفهومی که در نزد بسیاری از فقیهان اهل سنت نقش تعیین‌کننده دارد. جصاص، از برجسته‌ترین فقیهان حنفی، تصریح می‌کند که وجوب جهاد ابتدایی تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که مصلحت اسلام و مسلمانان در آن باشد و این مصلحت، با تشخیص حاکم مسلمان تعیین می‌شود.^۱ بر این اساس، جهاد ابتدایی نه اقدامی تهاجمی، بلکه تصمیمی سنجیده و وابسته به شرایط، قدرت

^۱ احمد بن علی جصاص، أحكام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴

و مخاطرات سیاسی تلقی می‌شود. سرخسی نیز در السیر الکبیر با تبیین اهداف این جهاد، آن را ابزار «رفع موانع دعوت» دانسته و تأکید می‌کند که مشروعیت جهاد ابتدایی تنها در پرتو تأمین منافع امت و گسترش امنیت معنوی و سیاسی قابل تبیین است.^۱

نقش «حاکم» یا «امام» در مشروعیت جهاد ابتدایی، یکی دیگر از مباحث کلیدی در دیدگاه اهل سنت است. ابن قدامه، از فقهای برجسته حنبلی، بر این باور است که جهاد ابتدایی تنها با فرمان حاکم مسلمان مشروع می‌شود، زیرا حفظ وحدت امت و انسجام فرماندهی نظامی، از ارکان هرگونه اقدام جمعی نظامی است.^۲ شوکانی نیز با رویکردی مشابه، اطاعت از حاکم در امر جهاد را همانند اطاعت در فرایض عبادی دانسته و تأکید می‌کند که اختلاف و پراکندگی نظامی، موجب سستی و شکست امت می‌شود.^۳ مطیعی و شروانی نیز این اصل را با استناد به مبانی فقه شافعی تقویت کرده‌اند و مشروعیت جهاد ابتدایی را مشروط به وجود رهبری مقتدر و صاحب صلاحیت دانسته‌اند.^۴

^۱ محمد بن احمد سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، صص ۱۵۶-۱۵۷

^۲ عبدالله بن احمد ابن قدامه، المغنی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

^۳ محمد بن علی شوکانی، نیل الأوطار، بی تا، ج ۷، صص ۲۴۲-۲۴۳

^۴ محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانیة در المجموع، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۶۹، و عبدالحمید شروانی، حاشیة تحفة المحتاج، ۱۳۱۵، ج ۹، ص ۲۳۷.

در کنار این مبانی، علمای اهل سنت مشروعیت جهاد ابتدایی را به شرط «دعوت پیش از جنگ» مقید دانسته‌اند. شافعی در الأم تأکید کرده است که اگر پیام اسلام پیش‌تر به گوش دشمن نرسیده باشد، پیش از آغاز جنگ باید دعوتی آشکار و صریح ارائه گردد؛ زیرا جهاد ابتدایی، هدفی دعوتی دارد و نه صرفاً نظامی.^۱ چنین برداشتی نشان می‌دهد که مشروعیت جهاد ابتدایی بدون تحقق «ابلاغ رسالت» ناقص است. مطیعی نیز دعوت را مقدم بر جهاد می‌داند و تأکید می‌کند که اقدام نظامی در صورتی مجاز است که دعوت بی‌اثر مانده و موانع اساسی در برابر گسترش حوزه پیام الهی باقی باشد.^۲

برخی دیگر از فقها، از جمله زحیلی، نگاه اخلاقی‌تری به این مسئله دارند و تأکید می‌کنند که جهاد ابتدایی، به معنای تقابل دائمی میان مسلمانان و غیرمسلمانان نیست؛ بلکه آخرین راه‌حلی است که در شرایط اضطرار و برای تضمین مصالح امت اسلامی اجرا می‌شود.^۳ بنابراین، مشروعیت جهاد ابتدایی نه تنها در گرو مصلحت و قدرت، بلکه وابسته به رعایت اصول انسانی و اخلاقی جنگ نیز هست. با جمع‌بندی این مبانی، روشن می‌شود که علمای اهل سنت جهاد ابتدایی را در چارچوب نظام‌مند و مشروطی مشروع دانسته‌اند: وجود حاکم مشروع، تحقق مصلحت، دعوت پیش از جنگ، آمادگی نظامی و

^۱ محمد بن ادریس شافعی، الأم، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۱۷۷

^۲ محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانیة در المجموع، بی‌تا، ج ۱۹، صص ۲۸۵-۲۸۷

^۳ وهبه زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۹۰-۹۷.

رعایت اخلاق جنگی. بررسی دقیق این عناصر، هدف اصلی پژوهش حاضر است.

ادله و مستندات مشروعیت جهاد ابتدایی

جهاد ابتدایی در فقه اهل سنت مفهومی است که مشروعیت آن بر مجموعه‌ای از ادله قرآنی، روایی، سیره تاریخی و تحلیل‌های عقلانی و اجماعی مبتنی است. بررسی این ادله نشان می‌دهد که علما نه تنها بر جواز آن اتفاق نظر داشته‌اند، بلکه با استناد به اصول دعوت، مصلحت و رفع موانع رسالت، جهاد ابتدایی را بخشی از نظام حرکت تمدنی اسلام دانسته‌اند. در این بخش، این ادله بر اساس منابع معتبر فقهی اهل سنت بررسی می‌شود:

ادله قرآنی مشروعیت جهاد ابتدایی

ادله قرآنی مشروعیت جهاد ابتدایی در بین فقهاء اهل سنت عبارتند از:

۱. آیات قتال

یکی از مهم‌ترین ادله‌ای که فقهای اهل سنت برای مشروعیت جهاد ابتدایی ارائه کرده‌اند، آیات قتال است. آیات متعددی در قرآن کریم صریحاً امر به جنگ با مشرکان کرده‌اند، بدون آنکه حمله قبلی از سوی دشمن شرط شده باشد. این آیات در فقه اهل سنت به عنوان نصوص صریح بر مشروعیت جهاد ابتدایی تلقی شده‌اند. فقهای حنفی، از جمله جصاص، بر اساس تفسیر آیه

«قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۱ وجوب جهاد ابتدایی را با هدف گسترش دعوت و رفع سلطه کفر دانسته‌اند.^۲ جصاص تصریح می‌کند که این آیه، با امر مستقیم به قتال، مشروعیت اقدام ابتدایی را تثبیت می‌کند و هیچ شرطی مبنی بر تعرض دشمن برای شروع جنگ در آن دیده نمی‌شود. شافعی و حنبله نیز با همین استدلال، آیات قتال را از ادله اصلی وجوب جهاد ابتدایی می‌دانند. ابن‌قدامة در المغنی اشاره می‌کند که این آیات، اساس مشروعیت حرکت نظامی مسلمانان برای دعوت به اسلام است و دفاعی بودن جنگ تنها یکی از اقسام آن است، نه همه حقیقت آن.^۳

۲. آیه سیف

خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».^۴ آیه شریفه مذکور که به «آیه سیف» شهرت دارد، یکی از مهم‌ترین مستندات فقها برای اثبات مشروعیت جهاد ابتدایی بوده است. بر اساس دیدگاه بسیاری از مفسران اهل سنت، این آیه نه تنها اجازه، بلکه وجوب جنگ ابتدایی با مشرکان را تثبیت می‌کند. سرخسی در السیر الکبیر می‌نویسد که این آیه ناسخ آیات عفو،

^۱ توبه، ۲۹

^۲ احمد بن علی جصاص،. أحكام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴

^۳ عبدالله بن احمد ابن‌قدامة، المغنی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

^۴ توبه، ۵

مدارا و صبر است و از این رو، از نظر او، حکم اولیه اسلام در برابر مشرکان، قتال و آغاز جنگ در صورت عدم پذیرش دعوت است.^۱ دیدگاه اهل سنت عموماً بر این نکته استوار است که آیه سیف قلمرو روابط خارجی مسلمانان را بر پایه اقدام فعالانه برای رفع موانع دعوت قرار داده است. بر همین اساس، بسیاری از فقها این آیه را «اصل جهاد ابتدایی» دانسته‌اند. استناد این علما بر این مبناست که آیه سیف پس از چهار ماه اتمام حجت، حکم به جنگ ابتدایی را بدون شرط تعرض صادر می‌کند.

۳. نسبت آیات جنگ با آیات صلح

یکی از مباحث مهم در تفسیر اهل سنت، تبیین نسبت آیات جنگ با آیات صلح است. علما تصریح کرده‌اند که آیات مربوط به عفو، مدارا و احسان، در موقعیتی نازل شده‌اند که مسلمانان در ضعف قرار داشتند و امکان جهاد نظامی نداشتند. اما با قدرت‌یافتن جامعه اسلامی، آیه سیف و آیات قتال به عنوان حکم نهایی تلقی شد. جصاص و سرخسی هر دو بر این نکته تأکید کرده‌اند که آیات صلح ناظر به شرایط ضعف بوده و آیات قتال ناسخ یا مقدم بر آنهاست.^۲ در نگاه اهل سنت، صلح و مسالمت جزء اصول اصیل اسلام است، اما «جهاد ابتدایی» زمانی مشروع می‌شود که صلح مانع تحقق رسالت

^۱ محمد بن احمد سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، صص ۱۵۶-۱۵۷

^۲ احمد بن علی جصاص، أحكام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴ و محمد بن احمد

سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، ص ۱۵۷

الهی گردد یا راه دعوت بسته شده باشد. این جمع میان آیات، بنیان استدلالی فقها را می‌سازد.

ادله حدیثی و سیره نبوی

روایات دال بر جهاد ابتدائی در بین فقهاء اهل سنت عبارتند از:

۱. نمونه‌های تاریخی از غزوات

سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) از مهم‌ترین مستندات اهل سنت برای مشروعیت جهاد ابتدایی است. غزواتی مانند «خیبر»، «فتح مکه»، «تبوک» و «بنی‌المصطلق» نمونه‌هایی هستند که در آنها پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام) بدون حمله ابتدایی دشمن، اقدام نظامی را به منظور دعوت، رفع تهدید یا شکستن قدرت مشرکان آغاز کردند. فقهایی مانند ابن‌قدامة و شوکانی با استناد به این سیره، جهاد ابتدایی را نه تنها مجاز، بلکه ضروری دانسته‌اند. ابن‌قدامة تصریح می‌کند که پیامبر با تشکیل سپاه و حرکت‌های ابتکاری، دامنه اسلام را گسترش داد و این روش را برای آینده امت تثبیت کرد.^۱ شوکانی نیز با تحلیل غزوات پیامبر، بر این نکته تأکید می‌کند که نقش فعال اسلام در برابر قدرت‌های مخالف، بخشی از امر الاهی بوده است.^۲ علمای اهل سنت معتقدند که سیره پیامبر، خود بزرگترین شاهد بر مشروعیت جهاد ابتدایی است؛ زیرا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)

^۱ عبدالله بن احمد. ابن‌قدامة، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

^۲ محمد بن علی شوکانی، نیل الأوطار، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۴۲-۲۴۳

در وضعیتی که قدرت داشتند، به جای انفعال، اقدام به رفع موانع دعوت و گسترش حاکمیت توحیدی کردند.

۲. روایات دعوت قبل از جنگ

اصل «دعوت پیش از قتال» یکی از ارکان مشروعیت جهاد ابتدایی است. احادیث متعددی از پیامبر (صلی الله علیه و آله علیه السلام) نقل شده است که اصحاب را امر می کرد پیش از آغاز درگیری، دشمن را به اسلام یا پرداخت جزیه دعوت کنند. شافعی در الأمّ با اشاره به این روایات می نویسد که اگر حجت اسلام به گوش آنان نرسیده باشد، دعوت واجب است.^۱ مطیعی نیز در المجموع به تفصیل شرح می دهد که دعوت مرحله ای ضروری است و جهاد ابتدایی تنها زمانی مشروع است که دعوت کافی صورت گرفته و بی نتیجه مانده باشد.^۲ این نکته نشان می دهد که جهاد ابتدایی، اساساً ابزاری نظامی برای «رفع مانع دعوت» است، نه تحمیل ایمان.

اجماع و تحلیل عقلانی مشروعیت جهاد ابتدایی

یکی دیگر از ادله اهل سنت در جواز جهاد ابتدایی در فرض وجود مصلحت، اجماع است که عبارتست از:

^۱ محمد بن ادریس شافعی، الأمّ، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۱۷۷

^۲ محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانیة در المجموع، بی تا، ج ۱۹، صص ۲۸۵-۲۸۷

۱. اجماع فقه‌ای اهل سنت

بسیاری از فقه‌های اهل سنت از جمله سرخسی، ابن قدامه، شوکانی و مطیعی به اجماع علما درباره مشروعیت جهاد ابتدایی اشاره کرده‌اند. این اجماع بر پایه چند اصل است:

۱. جهاد ابتدایی برای گسترش دعوت و رفع موانع آن ضروری است؛
 ۲. جهاد ابتدایی مبتنی بر دیدگاه اکثریت مذاهب اسلامی بوده است؛
 ۳. فرآیند دعوت جهانی اسلام بدون جهاد ابتدایی ناقص خواهد ماند.
- سرخسی، در تبیین این اجماع، مشروعیت جهاد ابتدایی را از لوازم تحقق «قدرت امت» می‌داند و بیان می‌کند که امت اسلامی نمی‌تواند در برابر تهدیدات بالقوه منفعل بماند.^۱

دلیل عقلی بر مشروعیت

اهل سنت برای مشروعیت جهاد ابتدایی، دلیل عقلی نیز ارائه کرده‌اند. مهم‌ترین استدلال‌های عقلانی عبارت‌اند از:

۱. رفع موانع رسالت

فقه‌های اهل سنت، جهاد ابتدایی را ابزار مشروعی برای رفع موانعی می‌دانند که در مسیر ابلاغ رسالت الهی ایجاد می‌شود. در این رویکرد، جهاد نه تهاجم بی‌ضابطه، بلکه راهکاری سازمان‌یافته برای مواجهه با ساختارهای سیاسی و

^۱ محمد بن احمد سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، صص ۱۵۶-۱۵۷

قدرت‌هایی است که از دستیابی پیام توحید به جوامع جلوگیری می‌کنند. جصاص با تأکید بر همین مبنا بیان می‌کند که هرگاه قدرت‌های معارض مانع تحقق دعوت الهی شوند یا اجازه انتشار آزادانه پیام اسلام را ندهند، اقدام نظامی به‌عنوان آخرین راه‌حل، واجب و ضروری می‌شود تا زمینه برای تحقق اهداف شریعت و گسترش معرفت توحیدی فراهم آید.^۱

۲. تأمین امنیت دارالاسلام

ابن‌قدامة جهاد ابتدایی را در چارچوب حفظ امنیت و ثبات دارالاسلام تحلیل می‌کند. از نگاه او، جامعه اسلامی مجاز نیست در برابر قدرت‌های خصمانه یا تهدیدهای بالقوه منفعل بماند، زیرا چنین رویکردی موجب تضعیف قدرت بازدارندگی و در نهایت آسیب‌پذیری امت می‌شود. به همین دلیل، وی جهاد ابتدایی را اقدامی پیش‌دستانه و معقول برای پیشگیری از خطرات آینده می‌داند؛ اقدامی که هدف آن تثبیت اقتدار سیاسی و جلوگیری از سلطه یا تعرض احتمالی دشمن است. از این منظر، جهاد ابتدایی بخشی از راهبرد کلان دفاعی-امنیتی اسلام به شمار می‌رود.^۲

۳. مصلحت عمومی

زحیلی با رویکردی مصلحت‌محور، مشروعیت جهاد ابتدایی را موجبیه تحقق منافع واقعی امت اسلامی می‌داند. به باور او، جنگ در اسلام هدف ذاتی

^۱ احمد بن علی جصاص، أحكام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴

^۲ عبدالله بن احمد. ابن‌قدامة، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

ندارد، بلکه هنگامی مجاز است که به حفظ دین، امنیت و مصالح کلان مسلمانان منجر شود. اگر اقدام نظامی فاقد مصلحت باشد یا به زیان امت تمام شود، مشروعیت شرعی خود را از دست می‌دهد و اجرای آن ممنوع است. بدین ترتیب، جهاد ابتدایی در اندیشه زحیلی نه یک فرمان مطلق، بلکه حکمی مقید به ارزیابی عقلانی شرایط و سنجش دقیق پیامدهای اجتماعی، سیاسی و اخلاقی آن است.^۱

مشروعیت جهاد ابتدایی از منظر علماء اهل سنت

مشروعیت جهاد ابتدایی نزد علمای اهل سنت بر بنیان‌های متنوع و مشترکی استوار است، اما هر یک از مذاهب فقهی چهارگانه با توجه به اصول استنباطی اختصاصی خود، برداشت خاصی از شرایط، اهداف و ماهیت آن ارائه کرده‌اند. در این بخش، دیدگاه‌های فقیهان برجسته چهار مذهب—حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی—به همراه یک مقایسه تطبیقی ارائه می‌شود.

دیدگاه فقه‌های حنفی

مکتب حنفی، که به «مکتب رأی» نیز مشهور است، بیش از سایر مذاهب بر تحلیل عقلی و سنجش مصلحت تأکید داشت. فقه‌های حنفی معتقدند که جهاد ابتدایی تنها زمانی مشروع است که مصلحت واقعی در آن وجود داشته باشد، قدرت کافی در جامعه اسلامی موجود باشد، دعوت پیش از جنگ

^۱ وهبه زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۹۰، ۹۷.

صورت گیرد، تصمیم جهاد از سوی حاکم مشروع صادر شده باشد. به همین دلیل، جهاد ابتدایی در نگاه حنفیان، اقدامی سیاسی-تمدنی است که باید با تحلیل دقیق شرایط بین‌المللی و توان مسلمانان صورت گیرد. فقهاء حنفی درباره جواز جهاد ابتدائی می‌گویند:

۱. سرخسی

سرخسی یکی از مهم‌ترین فقیهان حنفی در باب فقه جنگ و روابط بین‌الملل است. وی در شرح السیر الکبیر تأکید می‌کند که جهاد ابتدایی اساساً برای «رفع موانع دعوت» و «بسط قدرت اسلام» تشریع شده است. به باور او، مشرکان در صورتی که دعوت اسلام را نپذیرند، موضوع حکم قتال قرار می‌گیرند و این حکم نه بر پایه تعرض آنان، بلکه بر اساس امر الهی و ضرورت جهانی‌سازی رسالت اسلامی صادر شده است.^۱ سرخسی بر آیه سیف تأکید خاصی دارد و آن را ناسخ آیات عفو می‌داند. وی تصریح می‌کند که اسلام در مرحله قدرت، مأمور به گسترش عملی دعوت از طریق جهاد بوده است. بنابراین، در نگاه او، مشروعیت جهاد ابتدایی یک امر ذاتی در نظام حقوقی اسلام است.

^۱ محمد بن احمد سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، صص ۱۵۶-۱۵۷

۲. جصاص

جصاص در احکام القرآن، جهاد ابتدایی را از لوازم تأمین «مصلح امت اسلامی» دانسته و معتقد است که جنگ ابتدایی تنها در صورتی مشروع است که حاکم تشخیص دهد این اقدام برای حفظ رسالت اسلامی ضروری است.^۱ او با برشمردن آیات قتال، نتیجه می‌گیرد که قرآن در مرحله قدرت مسلمانان، آنان را موظف به اقدام فعالانه برای مقابله با نظام‌های مخالف کرده است. جصاص مشروعیت جهاد ابتدایی را به صورت صریح و مطلق تأیید می‌کند، مشروط به اینکه حاکم مسلمان، آن را در جهت مصلحت کلان دین و جامعه اسلامی تشخیص دهد.

دیدگاه فقهای مالکی

فقهای مالکی بیش از دیگر مذاهب اهل سنت بر «مصلح مرسله» تکیه دارند. در این مکتب، مشروعیت جهاد ابتدایی ارتباط مستقیم با «مصلحت کلان امت» دارد. اگر جهاد به حفظ امنیت دارالاسلام، شکستن قدرت دشمن یا گسترش دعوت کمک کند، مشروع است؛ اما اگر مفسده‌اش بیش از مصلحت باشد، واجب نخواهد بود. از نگاه مالکیان، جهاد ابتدایی نه ذاتاً واجب، بلکه یک «وظیفه مصلحت‌محور» است. بنابراین، تحقق سه رکن برای مشروعیت ضروری دانسته شده است: دعوت، قدرت، مصلحت.

^۱ احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴

مالکیان، به ویژه بر اساس آثار زحیلی، بر این باورند که جهاد ابتدایی تنها در صورتی مشروع است که دعوت روشن به اسلام ارائه شده، موانع آن برطرف نشده و قدرت سیاسی-نظامی کافی وجود داشته باشد.^۱ به همین دلیل، آنان مشروعیت جهاد ابتدایی را به طور جدی مشروط و مقید می‌دانند.

دیدگاه فقهای شافعی

جهاد ابتدائی از منظر فقهاء شافعی عبارتست از:

۱. شافعی و فتوای دعوت قبل از جنگ

در مذهب شافعی، مسئله دعوت پیش از جهاد ابتدایی از جایگاهی تعیین‌کننده برخوردار است. شافعی در الأمّ تصریح دارد که اگر پیام اسلام به گوش دشمن نرسیده باشد، دعوت واجب است و بدون آن، قتال مشروع نخواهد بود.^۲ این موضع نشان می‌دهد که مشروعیت جهاد ابتدایی از دید شافعیان کاملاً به «ابلاغ رسالت» گره خورده و جنگ تنها ابزار ثانویه برای رفع مانع دعوت است.

۲. نقش امام در مشروعیت جهاد

شافعیان همانند حنفیان و حنبلیان تأکید می‌کنند که اعلام جهاد ابتدایی صرفاً در اختیار حاکم مسلمان است. مطیعی در المجموع تأکید می‌کند که

^۱ وهبه زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۹۰-۹۷.

^۲ محمد بن ادریس شافعی، الأمّ، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۱۷۷.

اطاعت از امام در امر جهاد واجب است، زیرا وحدت فرماندهی نظامی شرط اصلی موفقیت است.^۱ بنابراین، مشروعیت جهاد ابتدایی نزد شافعیه ماهیتاً «حکومتی» است، نه فردی.

دیدگاه فقهایی حنبلی

حنابله بیش از دیگر مذاهب بر اطاعت از حاکم، حتی اگر فاسق باشد، تأکید دارند. شوکانی با تحلیل این دیدگاه، اطاعت از امام در جهاد را همانند اطاعت در نماز می‌داند و نافرمانی را سبب تفرقه و شکست امت معرفی می‌کند.^۲ جهاد ابتدایی در مکتب حنبلی کاملاً «سازمان‌مند» و «حکومت‌محور» است. دیدگاه فقهاء حنبلی درباره جهاد ابتدایی عبارتست از:

۱. احمد بن حنبل

احمد بن حنبل جهاد ابتدایی را واجبی کفایی و مبتنی بر فرمان امام می‌دانست. از دید او، مسلمانان موظف‌اند در برابر فرمانده مشروع از میدان جنگ خارج نشوند. او دعوت قبل از جنگ را لازم می‌دانست و بر رعایت اصول اخلاقی در جنگ تأکید ویژه داشت.

^۱ محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانية در المجموع، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۶۹

^۲ محمد بن علی شوکانی، نیل الأوطار، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۴۲-۲۴۳

۲. ابن قدامه

ابن قدامه در المغنی دیدگاهی نظام‌مند درباره جهاد ابتدایی ارائه می‌کند. او جهاد را بدون فرمان حاکم، نامشروع می‌داند و تصمیم جهاد را به «مصلحت امت» منوط نموده و سیره پیامبر را مهم‌ترین مستند مشروعیت جهاد ابتدایی می‌شمارد. همچنین جنگ ابتدایی را برای فراهم کردن امنیت دارالاسلام ضروری می‌داند.^۱

مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های مذاهب اهل سنت

۱. نقاط اشتراک

بررسی دیدگاه مذاهب چهارگانه اهل سنت درباره جهاد ابتدایی نشان می‌دهد که این مفهوم در چارچوبی مشترک اما با تبیین‌های متفاوت مورد پذیرش قرار گرفته است. اگرچه اختلافاتی در شرایط، شیوه اجرا و محدوده اختیارات حاکم وجود دارد، اما در اصول کلان، اجماعی قابل توجه میان فقها دیده می‌شود. محورهای اشتراک آنان عبارتند از:

• نخستین محور

پذیرش اصل مشروعیت جهاد ابتدایی است. از منظر اهل سنت، جهاد تنها به معنای دفاع در برابر تجاوز نیست، بلکه در صورت تحقق شرایط شرعی، می‌تواند اقدامی ابتکاری با هدف گسترش دعوت اسلامی و برچیدن

^۱ عبدالله بن احمد. ابن قدامه، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

ساختارهای بازدارنده در برابر رسالت الهی باشد. این اصل در آثار فقهایی همچون سرخسی، جصاص، ابن قدامه و دیگران، به عنوان بخشی از فلسفه حرکت تمدنی اسلام مطرح شده و بیانگر این است که مشروعیت جهاد ابتدایی، بخشی از نظام حقوقی و سیاسی شریعت شمرده می شود.

• محور دوم

دعوت پیش از جنگ است که جایگاه ویژه‌ای در نظام فقهی اهل سنت دارد. همه مذاهب بر این باورند که هدف اصلی جهاد ابتدایی، تحمیل ایمان از طریق سلاح نیست، بلکه برداشتن حجاب‌ها و موانعی است که اجازه دسترسی آزادانه به پیام توحید را نمی دهند. از این رو، دعوت به اسلام یا ارائه امکان پذیرش جزیه، نقش تعیین کننده‌ای در مشروعیت اقدام نظامی دارد. با وجود این اتفاق نظر، شدت الزام این اصل در میان مذاهب متفاوت است. شافعیه دعوت را شرطی نزدیک به مطلق می دانند و تصریح می کنند که بدون دعوت، قتال ابتدایی مشروعیت نمی یابد. مالکیان دعوت را در پیوند با مصلحت عمومی تحلیل می کنند؛ یعنی اگر دعوت، فایده‌ای نداشته یا مصلحتی بالاتر مانع اجرای آن شود، ممکن است این شرط سقوط کند. حنبلیان نیز با وجود پابندی به اصل دعوت، انعطاف بیشتری در شرایط اجرا نشان می دهند. با این حال، در مجموع، دعوت پیش از جنگ به عنوان یک اصل اخلاقی، فقهی و تمدنی مشترک مورد تأکید قرار گرفته است.

• محور سوم

نقش حاکم یا امام در مشروعیت جهاد ابتدایی است. اهل سنت به شدت بر این نکته تأکید دارند که اعلام جهاد ابتدایی به هیچ وجه در اختیار افراد یا گروه‌های مستقل نیست و تنها حاکم مشروع حق دارد اقدام به اعلان جنگ کند. این موضع بر اساس ملاحظات فقهی و سیاسی شکل گرفته است؛ زیرا جهاد، تصمیمی کلان و مرتبط با امنیت، جان و مال مسلمانان است و باید از سوی نهادی با قدرت ارزیابی شرایط و مدیریت پیامدها اتخاذ شود. فقهایی همچون مطیعی و ابن قدامه بر این مسئله تصریح کرده‌اند که فرمان جهاد باید از سوی امام صادر شود و اقدام فردی یا گروهی، منشأ هرج و مرج و تضعیف امت است. این دیدگاه همچنین بازتاب‌دهنده یک مبنای مهم در فقه سیاسی اهل سنت است: حفظ وحدت و جلوگیری از تجزیه قدرت نظامی و سیاسی جامعه اسلامی.

• محور چهارم

ضرورت تحقق مصلحت برای مشروعیت جهاد ابتدایی است. هر چند مذاهب چهارگانه در نحوه سنجش مصلحت اختلاف دارند—به ویژه مالکیان که مصالح مرسله را ابزار مهمی در استنباط می‌دانند—اما در اصل لزوم مصلحت اتفاق نظر دارند. از منظر آنان، جهاد ابتدایی هنگامی مشروع است که به نفع امت اسلامی باشد؛ یعنی موجب تقویت امنیت، گسترش دعوت، رفع تهدید و تثبیت اقتدار اسلامی شود. اگر اقدام نظامی فاقد مصلحت باشد یا به

مفسده‌ای بزرگ‌تر بیانجامد، مشروعیت فقهی خود را از دست می‌دهد. این اصل به‌ویژه در آثار زحیلی و نیز در تحلیل‌های حنفیان و مالکیان بسیار برجسته است. آنان معتقدند که جهاد نباید موجب تضعیف امت یا ایجاد آسیب‌های غیرقابل جبران گردد. از همین رو، مشروعیت جهاد ابتدایی در فقه اهل سنت، مطلق و بی‌قید نیست؛ بلکه مقید به سنجش عقلانی شرایط و ارزیابی پیامدهای اجتماعی و سیاسی آن است.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت که دیدگاه اهل سنت درباره جهاد ابتدایی بر چهار ستون استوار است: مشروعیت اصل جهاد، تقدم دعوت، ضرورت فرمان حاکم، و تحقق مصلحت. این چارچوب نشان می‌دهد که جهاد ابتدایی در نگاه آنان اقدامی برنامه‌ریزی‌شده، هدفمند و اخلاقاً مقید است، نه جنگی بی‌ضابطه یا صرفاً توسعه‌طلبانه. این مشترکات، ساختار نظری منسجم و قابل تحلیل برای فهم جایگاه جهاد ابتدایی در فقه سیاسی اهل سنت فراهم می‌کند.

۲. نقاط افتراق

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اختلاف میان مذاهب چهارگانه اهل سنت در بحث مشروعیت جهاد ابتدایی، مسئله تقدم و تأخر دعوت، مفهوم مصلحت، نقش قدرت نظامی و جایگاه فرمان امام است. هرچند همه مذاهب اصل این شروط را پذیرفته‌اند، اما تفسیر و میزان الزام‌آوری آنها متفاوت است و همین

تفاوت‌ها چارچوب اجتهادی هر مذهب را شکل می‌دهد. محورهای افتراق عبارتند از:

• محور نخست

در موضوع دعوت پیش از جنگ، شافعیه سخت‌گیرترین موضع را دارند. شافعی در الأم تأکید می‌کند که اگر پیام اسلام پیش‌تر به گوش دشمن نرسیده باشد، دعوت واجب است و قتال بدون دعوت مشروعیت ندارد.^۱ به همین دلیل، شافعیه دعوت را تقریباً یک شرط مطلق و غیرقابل چشم‌پوشی می‌دانند. در مقابل، حنابلّه با وجود پذیرش اصل دعوت، انعطاف بیشتری دارند و برخی شرایط سیاسی یا امنیتی را موجب سقوط این شرط می‌دانند؛ این‌قداّمه در المغنی تصریح دارد که دعوت از سنت پیامبر است، اما در مواردی که حجت پیش‌تر ابلاغ شده باشد، تکرار آن شرطیت لازم ندارد.^۲ مالکیان دعوت را شرطی تابع مصلحت می‌دانند. اگر دعوت موجب ضرر یا نتیجه‌اش بی‌فایده باشد، سقوط می‌کند. این رویکرد از مبنای «مصالح مرسله» در فقه مالکی ناشی می‌شود.^۳ حنفیان دعوت را اساساً یک اصل نظری و اخلاقی می‌دانند، اما معتقدند که شرایط سیاسی، امنیتی و بین‌المللی

^۱ محمد بن ادریس شافعی، الأم، ۱۹۸۳، ج ۴، ص ۱۷۷

^۲ عبدالله بن احمد. این‌قداّمه، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

^۳ وهبه زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۹۰-۹۷.

می‌تواند نحوه اجرای آن را تغییر دهد. سرخسی نیز همین دیدگاه را تقویت می‌کند و توجه به «اوضاع سیاسی» را در اجرای دعوت معتبر می‌شمارد.^۱

• محور دوم

در بحث مصلحت، اختلافات میان مذاهب روشن‌تر است. مالکیان که نظریه مصالح مرسله را به صورت گسترده به کار می‌گیرند، بیشترین تأکید را بر این معیار دارند. آنان جهاد ابتدایی را زمانی مشروع می‌دانند که مصلحت قطعی یا غالبی در آن وجود داشته باشد؛ اگر مصلحتی محقق نشود، جهاد نه تنها مشروع نیست بلکه باطل است. این مبنا در آثار زحیلی به وضوح دیده می‌شود.^۲ حنفیان نیز بر سنجش عقلانی مصلحت تأکید دارند، اما برخلاف مالکیان، مصالح مرسله را به صورت مستقل به کار نمی‌برند؛ بلکه مصلحت را در پرتو عقل سیاسی و تحلیل شرایط بین‌الملل ارزیابی می‌کنند. جصاص در احکام القرآن تصریح می‌کند که تشخیص مصلحت به عهده حاکم است و بدون وجود مصلحت، اقدام نظامی مشروعیت ندارد.^۳ در مقابل، شافعیه و حنبله مصلحت را می‌پذیرند، اما متن‌محورتر از حنفیان و مالکیان هستند؛ به این معنا که مصلحت باید در چارچوب نصوص و ادله نقلی سنجیده شود، نه به عنوان منبع مستقل اجتهاد.

^۱ محمد بن احمد سرخسی، شرح السیر الکبیر، ۱۹۷۱، ج ۱، صص ۱۵۶-۱۵۷

^۲ وهبه زحیلی، آثار الحرب فی الفقه الإسلامی، ۱۹۸۱، ج ۱، صص ۹۰-۹۷.

^۳ احمد بن علی جصاص، احکام القرآن، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۵۴

• محور سوم

در حوزه نقش قدرت و توان نظامی، تفاوت‌ها باز هم قابل توجه است. مالکیان و حنفیان تأکید می‌کنند که بدون قدرت کافی، جهاد ابتدایی نه عقلانی است و نه شرعی. این دیدگاه در آثار مطیعی به‌روشنی بیان شده است؛ او تصریح می‌کند که فقدان قدرت، جهاد را به اقدامی خلاف مصالح شریعت تبدیل می‌کند.^۱ شافعیه و حنبله اصل مشروعیت جهاد ابتدایی را ثابت می‌دانند، اما معتقدند که اجرای آن وابسته به قدرت است. ابن‌قدامة اشاره می‌کند که جهاد بدون قدرت، موجب سستی و شکست امت می‌شود و بنابراین باید به‌صورت واقع‌گرایانه ارزیابی شود.^۲ در نتیجه، تفاوت اصلی در این است که مالکیان و حنفیان مشروعیت و اجرا را توأمان مقید به قدرت می‌دانند، در حالی که شافعیه و حنبله مشروعیت را ثابت اما اجرا را محدود به قدرت تلقی می‌کنند.

• محور چهارم

شدت تأکید بر فرمان امام یا حاکم نیز محل اختلاف است. حنبله بیشترین سخت‌گیری را در این زمینه دارند و شوکانی تصریح می‌کند که اطاعت از امام در جهاد همچون نماز واجب است و اقدام بدون فرمان او، موجب تفرقه

^۱ محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانیة در المجموع، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۲۸۵-۲۸۷

^۲ عبدالله بن احمد. ابن‌قدامة، المغنی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۷۱

و نابسامانی می‌شود.^۱ شافعیه در مرتبه دوم قرار دارند و تأکید می‌کنند که اعلان جهاد باید در اختیار حاکم باشد.^۲ حنفیان موضعی میانه‌رو دارند و در شرایط اضطرار، امکان اقدام محدود را مطرح کرده‌اند. مالکیان نیز این موضوع را تابع مصلحت سیاسی می‌دانند؛ اگر فرمان حاکم با مصلحت امت تعارض داشته باشد، اجرای آن نیازمند بازنگری است.

^۱ محمد بن علی شوکانی، نیل الأوطار، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۴۲-۲۴۳

^۲ محمد نجیب مطیعی، التکملة الثانية در المجموع، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۲۶۹

بخش چهارم: فقه جهاد در دنیای معاصر

فصل اول: جهاد فرهنگی، علمی،

اقتصادی، رسانه‌ای و سایبری

درآمد

با گسترش مفاهیم و ابعاد مختلف جهاد در منابع معاصر، توجه ویژه‌ای به مفهوم «جهادهای نرم» معطوف شده است. این جهادها به‌ویژه در عصر حاضر که با پیشرفت‌های فناورانه و تحولات اجتماعی مواجه هستیم، اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. در حالی که در گذشته جهاد عمدتاً به جنگ‌های مسلحانه و دفاع از سرزمین اسلامی با استفاده از ابزارهای نظامی مربوط می‌شد، امروزه این مفهوم گسترش یافته و به ابعاد غیرنظامی و نرم نیز اشاره دارد. جهاد نرم به مقابله با تهدیدات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی دیجیتال می‌پردازد و بر اساس اصول اسلامی، در شرایط خاص، واجب یا مستحب است.

در دنیای امروز، با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در زمینه‌های مختلف رخ داده است، جهاد تنها محدود به دفاع فیزیکی و نظامی نمی‌شود. ظهور رسانه‌های جمعی، فناوری‌های اطلاعاتی، گسترش شبکه‌های اجتماعی و همچنین جهانی‌شدن به این معناست که دشمنان اسلام و مسلمانان از ابزارهای جدید برای تهاجم به فرهنگ، اخلاق، و ارزش‌های اسلامی بهره می‌برند. در این شرایط، جهادهای نرم به‌ویژه اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند زیرا نه تنها به‌طور غیرمستقیم به مقابله با دشمنان پرداخته و توانمندی‌های مسلمانان را تقویت می‌کنند، بلکه به‌طور مؤثر بر حفاظت از هویت اسلامی و جامعه مسلمان تأثیرگذارند.

در این راستا، جهاد نرم می‌تواند شامل مجموعه‌ای از تلاش‌های فردی و جمعی برای حفظ و ارتقای اصول دینی، اخلاقی و اجتماعی باشد. این نوع جهاد به‌طور عمده از طریق فعالیت‌های فرهنگی، علمی، رسانه‌ای و اقتصادی تحقق می‌یابد و بر اساس مفهوم گسترده‌تری از جهاد در فقه اسلامی و متون معاصر، شامل هر نوع تلاش برای مقابله با تهدیدات و تغییرات منفی است که بر جوامع اسلامی تأثیر می‌گذارد. برای مثال، جهاد فرهنگی می‌تواند به تغییر نگرش‌ها و بینش‌های اجتماعی در جوامع مسلمان پرداخته و در برابر تهاجمات فرهنگی از طریق نشر معارف اسلامی و اصلاح باورهای نادرست به مقابله برخیزد.

جهاد علمی نیز به‌ویژه در دنیای مدرن که علم و فناوری به عنوان ارکان اصلی قدرت و پیشرفت شناخته می‌شوند، به یکی از ارکان مهم جهاد نرم تبدیل شده است. جهاد علمی، علاوه بر تأکید بر پیشرفت‌های علمی در حوزه‌های مختلف، بر استقلال فکری و علمی جوامع اسلامی نیز تأکید دارد. در این راستا، استفاده از منابع علمی اسلامی و بهره‌برداری از دستاوردهای علم و فناوری به منظور تقویت اقتدار مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدون شک، نداشتن استقلال علمی می‌تواند به وابستگی فرهنگی و اقتصادی منجر شود و به‌طور غیرمستقیم زمینه‌ساز تضعیف هویت اسلامی شود.

در کنار جهاد علمی، جهاد اقتصادی نیز در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت است. در دنیای امروز، که کشورها به شدت تحت فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی قرار دارند، جهاد اقتصادی می‌تواند به ایجاد مقاومتی داخلی و تقویت منابع اقتصادی ملی کمک کند. این جهاد به معنای تلاش برای کاهش وابستگی به اقتصاد جهانی و ایجاد ظرفیت‌های تولید داخلی است. تولید ثروت، بهبود سیستم‌های اقتصادی، و استقلال مالی از جمله اهداف اصلی این نوع جهاد به شمار می‌آید که از آن طریق می‌توان از سلطه اقتصادی قدرت‌های جهانی جلوگیری کرد و زمینه را برای رشد و پیشرفت جوامع اسلامی فراهم نمود.

مفهوم جهاد در عصر جدید همچنین به‌ویژه با گسترش رسانه‌های دیجیتال، به «جهاد رسانه‌ای» گسترش یافته است. این نوع جهاد به معنای استفاده از فضای رسانه‌ای برای دفاع از حقیقت اسلامی و مقابله با جنگ نرم دشمنان است. در دنیای امروز که جنگ‌های اطلاعاتی به یکی از ارکان جنگ‌های ترکیبی تبدیل شده‌اند، جهاد رسانه‌ای به ابزاری کلیدی برای ترویج و تثبیت آموزه‌های اسلامی در سطح جهانی تبدیل شده است. از طریق تولید محتوا، نقد روایات نادرست و تحریف‌ها، و همچنین دفاع از حیثیت مسلمانان، این جهاد می‌تواند به‌طور مؤثری از ارزش‌ها و اصول اسلامی دفاع کند.

در این شرایط، جهاد نرم به‌طور کلی به جهادهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها از ابزارهای مسالمت‌آمیز و غیرنظامی برای مقابله با تهدیدات استفاده

می‌شود. این جهادها به‌ویژه در دنیای امروز که با جنگ‌های ترکیبی و حملات چندبعدی روبرو هستیم، به‌عنوان ابزاری کارآمد و ضروری برای دفاع از مسلمانان و جوامع اسلامی شناخته می‌شوند. در نهایت، جهاد نرم در دنیای معاصر نه تنها به حفظ امنیت و حاکمیت اسلامی کمک می‌کند بلکه به‌عنوان یک ابزار اساسی برای ارتقاء ارزش‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی در سطح جهانی نیز مطرح است.

بنابراین، با توجه به پیشرفت‌های فناورانه و تحولات اجتماعی و فرهنگی در دنیای امروز، مفهوم جهاد نرم به‌طور گسترده‌ای از جهاد نظامی فراتر رفته و به یک بخش مهم از استراتژی‌های دفاعی و سیاسی جوامع اسلامی تبدیل شده است. این نوع جهاد نه تنها به مقابله با تهدیدات خارجی پرداخته، بلکه به‌عنوان ابزاری برای حفظ هویت اسلامی و تقویت استقلال مسلمانان در عرصه جهانی شناخته می‌شود.

جهاد فرهنگی

فرهنگ در همه ابعاد وجودی انسانی و زندگی اجتماعی او وجود دارد و در عین حال غیر از آن است.^۱ تسلط بر این بعد از ابعاد وجودی انسانی، سبب تسلط کامل بر نحوه رفتار او خواهد شد. از این رو؛ یکی از اصلی‌ترین مصادیق جهاد نرم، «جهاد فرهنگی» است که به‌عنوان جهاد کبیر نیز شناخته

^۱ سیددلالة یزدان پناه، چیستی و نحوه وجود فرهنگی، ۱۴۰۱، ص ۸۲

می‌شود. این نوع جهاد به‌طور ویژه به تغییر و تحول در نگرش‌ها، باورها و اندیشه‌های افراد جامعه می‌پردازد و هدف اصلی آن اصلاح فرهنگی و تربیتی است. جهاد فرهنگی، برخلاف جهادهای نظامی که به‌طور مستقیم به استفاده از ابزارهای فیزیکی و نظامی برای مقابله با دشمنان می‌پردازد، در تلاش است تا با تغییرات درونی جامعه و نهادهای اجتماعی، فرهنگ و اندیشه‌ها را در راستای ارزش‌های اسلامی و انسانی بهبود بخشد. این جهاد در متون فقهی و دینی اسلام، همواره به‌عنوان یک ابزار بسیار مهم برای اصلاح و تربیت فرد و جامعه شناخته شده است.

جهاد فرهنگی و تغییر نگرش‌ها

پیامبران و مؤمنان در طول تاریخ، همواره یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های خود را دعوت به اصلاح درونی و تغییر نگرش‌های نادرست در جوامع بشری می‌دانستند. در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه- السلام)، همواره بر اهمیت اصلاح اخلاق و رفتار افراد تأکید شده است. بر اساس این آموزه‌ها، هدف نهایی از جهاد فرهنگی تغییر تفکرات و دیدگاه‌های غلط در میان مردم است تا آن‌ها به حقیقت، عدالت و دین حق برسند. این تغییر در نگرش‌ها می‌تواند در ابعاد فردی و اجتماعی باشد و از این طریق، فرد مسلمان به رشد و تعالی معنوی دست یابد و جامعه اسلامی به سمت تقوا، اخلاق نیکو و همکاری سازنده پیش رود.

در واقع، جهاد فرهنگی در پی آن است که انسان‌ها را از جهل و تاریکی به سوی آگاهی، خرد و نور هدایت کند. پیامبران، از جمله پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)، در راه دعوت به اسلام نه تنها به معرفی اصول عبادی و عملی دین پرداخته‌اند، بلکه به اصلاحات فرهنگی و اجتماعی نیز توجه ویژه‌ای داشته‌اند. قرآن کریم در آیات متعددی بر اصلاح جامعه و اصلاح درونی انسان‌ها تأکید دارد، به‌ویژه در زمینه‌های عدالت اجتماعی، حقوق فردی و جمعی، و تقویت روابط انسانی. پیامبر اسلام نیز در فعالیت‌های خود همواره بر اصلاح اخلاق فردی و اجتماعی تأکید می‌کردند و این اصلاحات را به‌عنوان بخش اساسی دعوت خود معرفی می‌نمودند.

جهاد فرهنگی در دنیای معاصر

در عصر حاضر، که جوامع مختلف با یکدیگر در تقابل فرهنگی قرار دارند، جهاد فرهنگی به‌ویژه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. جهانی‌شدن و پیشرفت‌های فناوری و ارتباطات، به همراه تأثیرات فرهنگ‌های مختلف، باعث شده است که بسیاری از جوامع اسلامی در معرض تهاجم فرهنگی قرار گیرند. فرهنگ بستر اصلی حیات انسان است^۱ و اختلال در آن سبب اختلال در زندگی انسانی خواهد شد. لذا تهاجم فرهنگی، که عمدتاً از سوی کشورهای غربی و به‌ویژه از طریق رسانه‌ها، سینما، اینترنت و تبلیغات انجام می‌شود، به‌طور مؤثر بر نگرش‌ها، رفتارها و حتی هویت فرهنگی جوامع

^۱ ناصر بروجردی، مهندسی فرهنگی در کلام امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۶

مسلمان تأثیر گذاشته است. بنابراین، جهاد فرهنگی به عنوان ابزاری برای مقابله با این تهاجم فرهنگی و حفظ هویت اسلامی در برابر تأثیرات منفی خارجی، ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد.

در دنیای امروز، اسلام به عنوان یک دین جهانی باید به طور صحیح معرفی شود و از طریق جهاد فرهنگی، مسلمانان باید بتوانند در برابر تحریفات و سوءبرداشت‌ها از اسلام، مقابله کنند. جهاد فرهنگی در این شرایط می‌تواند به عنوان یک روش مؤثر برای معرفی اسلام به عنوان یک راه حل جهانی و انسانی برای مشکلات کنونی جهان و بشریت مطرح شود. مسلمانان باید از تمامی ابزارهای فرهنگی خود بهره ببرند تا به درستی پیام اسلام را به جهانیان منتقل کنند و پاسخگوی نیازهای فرهنگی جوامع خود باشند.

ابعاد جهاد فرهنگی

افعال انسان دارای احکام شرعی است. با این بیان، فعل فرهنگی انسانی نیز دارای حکم شرعی خواهد شد و به تبع آن فقه فرهنگی نیز متولد می‌گردد. و از ارتباط اجراء خرد فقه فرهنگی فقه نظام فرهنگی پدید می‌آید. در حقیقت، فقه نظام فرهنگی بخشی از فقه کلان اسلامی است.^۱ به تبع پیدایش فقه فرهنگ، فقه جهاد فرهنگی نیز پا به عرصه وجود خواهد نهاد. جهاد فرهنگی به عنوان جهاد کبیر و یکی از ابعاد مهم جهاد نرم، در دنیای معاصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

^۱ محسن اراکی، فقه فرهنگ، ۱۴۰۳، ص ۲۷

که جوامع اسلامی با آن روبرو هستند، این نوع جهاد می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای مقابله با تهاجمات فرهنگی و معرفی اسلام به‌عنوان یک راه‌حل جهانی و انسانی عمل کند. جهاد فرهنگی در عرصه‌های علمی، هنری، رسانه‌ای و اجتماعی می‌تواند تحولات عمیقی در نگرش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی ایجاد کند و به ارتقاء آگاهی و فهم اسلامی در جوامع مختلف کمک کند. در نهایت، جهاد فرهنگی با تأکید بر اصلاح درونی جامعه و تغییر نگرش‌های غلط، می‌تواند نقشی اساسی در تحقق اهداف اسلام و ارتقای جایگاه مسلمانان در عرصه جهانی ایفا کند و در عصر حاضر ابعاد مختلفی دارد که هرکدام از آن‌ها به‌طور خاص به اصلاح و تغییر نگرش‌ها و باورهای غلط در جامعه پرداخته و در نهایت به تحقق اهداف دین اسلام کمک می‌کند. این ابعاد می‌تواند شامل تلاش‌های علمی، هنری، رسانه‌ای و اجتماعی باشد.

۱. جهاد فرهنگی در عرصه علمی

علم یکی از مهم‌ترین عرصه‌های جهاد فرهنگی است. جهاد علمی به معنای گسترش و ترویج علم و دانش در میان مسلمانان است. در دنیای امروز، علم به‌عنوان یکی از ارکان قدرت و نفوذ شناخته می‌شود و جوامع اسلامی باید به‌طور جدی در مسیر پیشرفت علمی و تحقیقاتی حرکت کنند. جهاد علمی می‌تواند شامل تولید علم، تقویت نظام‌های آموزشی، تأسیس مراکز پژوهشی و ارتقای سطح علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی باشد. هدف از این جهاد،

ارتقای آگاهی مسلمانان در زمینه‌های مختلف علمی است و باید با توجه به نیازهای جامعه اسلامی و دنیا، از ظرفیت‌های علمی و تکنولوژیکی موجود به‌طور مؤثر بهره برد.

۲. جهاد فرهنگی در عرصه هنری

هنر نیز به‌عنوان یکی از ابعاد جهاد فرهنگی نقش بسیار مهمی در ایجاد تغییرات فرهنگی دارد. در دنیای امروز، هنر به‌ویژه سینما، موسیقی، تئاتر و دیگر فرم‌های هنری ابزارهایی بسیار مؤثر برای انتقال پیام‌های فرهنگی و اجتماعی هستند. جهاد فرهنگی در عرصه هنری به معنای استفاده از هنر برای ترویج ارزش‌های اسلامی و اخلاقی است. تولید آثار هنری که به‌طور مثبت و مؤثر به تبیین آموزه‌های اسلام پرداخته و به اصلاح افکار عمومی کمک کند، جزء مهم‌ترین اقدامات در این زمینه است. به‌ویژه در دنیای امروز که رسانه‌های غربی به‌طور گسترده‌ای به ترویج ارزش‌های غیر اسلامی و ضد اخلاقی پرداخته‌اند، تولید آثار هنری اسلامی و انسانی می‌تواند نقشی کلیدی در مقابله با این تهاجم ایفا کند.

۳. جهاد فرهنگی در عرصه رسانه‌ای

رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارهای جهاد فرهنگی در دنیای معاصر هستند. رسانه‌ها از جمله تلویزیون، رادیو، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و دیگر ابزارهای ارتباطی به‌عنوان بسترهای اصلی برای تبادل اطلاعات و افکار در سطح جهانی شناخته می‌شوند. جهاد فرهنگی در عرصه رسانه‌ای به معنای

استفاده از این ابزارها برای انتشار و ترویج اصول اسلامی، مقابله با تحریفات دینی و فرهنگی، و ارتقای آگاهی مردم در زمینه‌های مختلف است. رسانه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در ایجاد تغییرات فرهنگی و اجتماعی در جوامع ایفا کنند و در این راستا باید به‌طور مؤثر از آن‌ها برای انتقال پیام‌های اسلامی استفاده شود. این جهاد می‌تواند شامل تولید محتواهای اسلامی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای تبادل افکار دینی و فرهنگی، و نقد و پاسخ‌گویی به شبهات و تحریفات دینی باشد.

۴. جهاد فرهنگی در عرصه اجتماعی

جهاد فرهنگی همچنین در عرصه اجتماعی نیز می‌تواند به ایجاد تغییرات مهمی در نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی کمک کند. این نوع جهاد به‌ویژه در جوامعی که با چالش‌های اجتماعی نظیر فقر، بی‌عدالتی، فساد و بحران‌های اخلاقی روبرو هستند، اهمیت زیادی دارد. در این زمینه، جهاد فرهنگی می‌تواند به اصلاحات اجتماعی، ارتقای سطح اخلاقی و معنوی جامعه، و تقویت روابط انسانی سالم بپردازد. از طریق آموزش‌های دینی، ترویج اخلاق اسلامی و همکاری‌های اجتماعی می‌توان به‌طور مؤثر در جهت ایجاد جامعه‌ای اسلامی، متعادل و اخلاقی گام برداشت.

جهاد علمی

«جهاد علمی» یکی از مهم‌ترین مصادیق جهاد نرم است که در دنیای معاصر اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. این جهاد به‌طور خاص بر تلاش برای رشد و

توسعه دانش و فناوری‌های اسلامی تأکید دارد و به‌عنوان یک ابزار استراتژیک برای مقابله با تهدیدات علمی و فناوری از سوی دشمنان شناخته می‌شود. جهاد علمی نه تنها به معنای تلاش برای تولید علم و فناوری است، بلکه به‌طور خاص بر استقلال علمی و فرهنگی مسلمانان در برابر استعمار علمی و استثمار فرهنگی تأکید دارد. در این راستا، جهاد علمی به‌عنوان یک راهبرد مهم برای تحکیم هویت اسلامی و مقابله با سلطه علمی غربی در دوران معاصر و به‌ویژه در دوران انقلاب اسلامی ایران مطرح شده است.

مفهوم جهاد علمی در اسلام

در قرآن کریم و احادیث پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)، علم و دانش به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در ساخت جامعه اسلامی تأکید شده است. در واقع، یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی، جست‌وجو و پژوهش علمی به‌منظور شناخت بهتر خداوند، طبیعت، انسان و جهان است. قرآن کریم در آیات مختلف بر اهمیت علم و دانش تأکید می‌کند. مثلاً در آیه‌ای از قرآن آمده است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱. این آیه به‌طور صریح بر اهمیت علم در اسلام اشاره دارد و مسلمانان را به کسب علم و دانش دعوت می‌کند. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)، نیز در بسیاری از احادیث خود بر لزوم جست‌وجو برای علم و دانش تأکید داشته‌اند، از جمله فرمایش معروف ایشان که می‌فرماید: «

^۱ الزمر، ۹

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»^۱ در این زمینه، علم نه تنها به معنای دانستن موضوعات مختلف است، بلکه به عنوان ابزاری برای نزدیک شدن به حقیقت و انجام تکالیف دینی و اجتماعی به کار می‌رود. جهاد علمی در اسلام به عنوان یک وظیفه جمعی برای مسلمانان مطرح است که باید به طور مشترک در زمینه‌های مختلف علمی و تحقیقاتی تلاش کنند تا جامعه اسلامی در عرصه جهانی مستقل، مقتدر و پیشرو باشد.

جهاد علمی در دوران معاصر

در دوران معاصر، جهاد علمی به‌ویژه در دوران انقلاب اسلامی ایران اهمیت بیشتری پیدا کرد. در این دوران، جهاد علمی به عنوان یک رکن اساسی در مقابل استعمار و استثمار علمی غربی مطرح شد. استعمار علمی، که به‌ویژه از سوی کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته به‌ویژه در حوزه‌های علمی و فناوری اعمال می‌شد، موجب وابستگی کشورهای مستعمره به دانش و فناوری‌های خارجی می‌شد و این کشورها قادر به توسعه و پیشرفت مستقل نبودند. در این شرایط، جهاد علمی به عنوان یک راهبرد برای رهایی از این وابستگی و دستیابی به استقلال علمی و فرهنگی برای جوامع اسلامی معرفی شد.

رهبران انقلاب اسلامی، به‌ویژه امام خامنه‌ای (حفظه الله)، بر لزوم توجه به پیشرفت علمی و دستیابی به خودکفایی در زمینه‌های علمی و فناوری تأکید

^۱ محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲ و حسن بن محمد دیلمی، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۸۱

داشتند. معظم له در بسیاری از سخنرانی‌ها و بیانات خود بر این نکته تأکید کردند که انقلاب اسلامی نه تنها انقلاب سیاسی و اجتماعی است، بلکه انقلاب فرهنگی نیز هست که در آن پیشرفت علمی و فرهنگی جوامع اسلامی از ارکان اصلی آن به شمار می‌رود و ایران اسلامی باید به مرجعیت علمی برسد.^۱

این تأکید بر پیشرفت علمی در دوران انقلاب اسلامی، به‌ویژه در زمینه‌های فناوری، علوم پایه و مهندسی، باعث شد که جهاد علمی به‌عنوان یکی از محورها و اصول اساسی سیاست‌های انقلاب اسلامی در نظر گرفته شود. این جهاد علمی همچنین به‌عنوان یکی از ابزارهای مقابله با سلطه علمی غرب و جلوگیری از وابستگی به کشورهای توسعه‌یافته در نظر گرفته شد.

جهاد علمی و استقلال علمی

جهاد علمی در دوران انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دهه‌های اول انقلاب، بیشتر بر دستیابی به استقلال علمی و فناوری تأکید داشت. کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، پس از سال‌ها وابستگی به کشورهای غربی در زمینه‌های علمی و فناوری، به‌دنبال آن بودند که بتوانند با اتکا به منابع داخلی و منابع انسانی خود به خودکفایی علمی دست یابند. در این راستا، تقویت نظام‌های

^۱ ابراهیم جداوی و مهدیه شیروانی، راهبردهای رهبری، ۱۳۹۹، ص ۲۹

آموزشی، ایجاد مراکز تحقیقاتی، و حمایت از دانشجویان و پژوهشگران به‌ویژه در زمینه‌های فنی و مهندسی مورد توجه قرار گرفت.

در این دوره، تلاش‌های زیادی برای تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی مستقل از کشورهای غربی انجام شد. برنامه‌ریزی‌های مختلف در راستای توسعه علم و فناوری در کشور صورت گرفت که هدف اصلی آن دستیابی به استقلال علمی و تولید فناوری‌های بومی و خودکفا بود. این تلاش‌ها باعث شد که ایران در برخی از زمینه‌ها به پیشرفت‌های چشمگیری دست یابد، از جمله در حوزه‌های نانوتکنولوژی، پزشکی، هوافضا و انرژی هسته‌ای.

جهاد علمی و مقابله با استثمار علمی

یکی از ابعاد مهم جهاد علمی در دوران معاصر، مقابله با استثمار علمی و فرهنگی است که در آن کشورهای قدرتمند تلاش می‌کنند با سلطه بر فناوری‌های نوین و علمی، کشورهای دیگر را به‌طور علمی و فرهنگی تحت تسلط خود قرار دهند. استثمار علمی به معنای کنترل و هدایت جریان‌های علمی و فناوری در جهان است به‌گونه‌ای که کشورهای ضعیف نتوانند به پیشرفت‌های علمی و فناوری دست یابند و همواره وابسته به کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته باقی بمانند. جهاد علمی در این زمینه به‌عنوان یک تلاش مستمر برای به‌دست‌آوردن استقلال علمی و جلوگیری از وابستگی به کشورهای صنعتی مطرح می‌شود. کشورهای اسلامی باید به‌ویژه در زمینه‌های استراتژیک مانند انرژی، فناوری اطلاعات، پزشکی و مهندسی،

به‌طور جدی در راستای تولید علم و فناوری خود گام بردارند. برای مقابله با استثمار علمی، ضروری است که مسلمانان به‌ویژه در زمینه‌های کلیدی از جمله علوم پایه، فناوری‌های نوین، و پژوهش‌های بنیادی، تلاش بیشتری داشته باشند.

جهاد علمی و تأثیرات آن بر جامعه اسلامی

جهاد علمی نه تنها به معنای توسعه علم و فناوری است، بلکه به‌طور غیرمستقیم بر تمامی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی تأثیرگذار است. با پیشرفت‌های علمی، مسلمانان می‌توانند در حوزه‌های مختلفی نظیر اقتصاد، سیاست، بهداشت و محیط زیست به‌طور مؤثرتر عمل کنند. جهاد علمی در این راستا می‌تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی مردم، ارتقاء سطح آگاهی عمومی، ایجاد اشتغال، و تقویت پایه‌های اجتماعی و اقتصادی شود.

از طرفی دیگر، توسعه علمی و فناوری می‌تواند به‌طور مؤثر در جهت تقویت هویت اسلامی و مقاومت در برابر فرهنگ‌های بیگانه و غربی عمل کند. از آنجا که علم و فناوری در دنیای امروز یکی از ارکان اصلی قدرت است، تقویت علم در جوامع اسلامی می‌تواند موجب تقویت قدرت نرم و سیاسی مسلمانان در عرصه بین‌المللی شود. با توسعه علمی و فناوری، مسلمانان می‌توانند در مقابل تهدیدات جهانی و تهاجم‌های فرهنگی و رسانه‌ای

ایستادگی کنند و به‌طور مؤثر از ارزش‌های اسلامی و فرهنگی خود دفاع کنند.

جهاد علمی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم جهاد نرم، نقش اساسی در مقابله با تهدیدات علمی و فرهنگی جهانی ایفا می‌کند. در دوران معاصر، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، جهاد علمی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با استعمار علمی و دستیابی به استقلال علمی و فرهنگی مطرح شد. جهاد علمی نه تنها به توسعه علم و فناوری در جامعه اسلامی کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت هویت اسلامی، مقابله با استثمار علمی و فرهنگی، و ارتقای جایگاه جهانی مسلمانان نیز می‌شود. با توجه به اهمیت روزافزون علم و فناوری در دنیای امروز، جهاد علمی به‌عنوان یک اولویت راهبردی در سیاست‌های جوامع اسلامی باید همواره مورد توجه قرار گیرد و مسلمانان باید در این مسیر به‌طور مستمر و جدی تلاش کنند تا به خودکفایی علمی دست یابند و از وابستگی به کشورهای غربی رهایی یابند.

جهاد اقتصادی

یکی دیگر از ابعاد مهم جهاد نرم، «جهاد اقتصادی» است که در دنیای معاصر نقش حیاتی در تحقق استقلال اقتصادی و شکوفایی جوامع اسلامی دارد. جهاد اقتصادی به معنای تلاش‌های دلسوزانه و خودجوش برای تقویت و تأمین اقتدار اقتصادی جامعه اسلامی است. این جهاد از دیدگاه اسلامی نه

تنها به معنای تلاش برای کسب درآمد و ثروت است، بلکه هدف آن ایجاد یک نظام اقتصادی خودکفا، مقاوم در برابر فشارهای خارجی و تحریم‌ها و در نهایت تحقق استقلال اقتصادی برای جوامع اسلامی است. جهاد اقتصادی از آنجا که با تأکید بر خودکفایی اقتصادی، توانمندی‌های داخلی و استقلال اقتصادی جامعه اسلامی را تقویت می‌کند، به‌ویژه در شرایط کنونی که کشورهای اسلامی با تهدیدات اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی مواجه هستند، ضرورت بیشتری پیدا کرده است. در عرصه نظامی، مراد از جنگ اقتصادی، در اختیار گرفتن منابع راهبردی جامعه و کشور هدف است.^۱ اما جهاد اقتصادی، فراتر از جنگ اقتصادی است.

مفهوم جهاد اقتصادی در اسلام

در اسلام، تأکید زیادی بر اهمیت فعالیت‌های اقتصادی و تلاش برای برقراری عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه شده است. در قرآن کریم و سنت نبوی، همواره مسلمانان به کار و کوشش در زمینه‌های مختلف اقتصادی تشویق شده‌اند. قرآن می‌فرماید: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ».^۲ این آیه به‌طور صریح مسلمانان را به تلاش و کوشش در راه خدا و بهبود شرایط زندگی دعوت می‌کند. همچنین در حدیثی از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌علیه‌السلام)، آمده است: «الكَادُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ».

^۱ محمد تقی نوروزی، فرهنگ دفاعی-امنیتی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۷

^۲ توبه، ۱۰۵

فِي سَبِيلِ اللَّهِ^۱. این حدیث نشان‌دهنده اهمیت کار و تلاش اقتصادی به‌عنوان یک نوع جهاد در راه خداست. بنابراین، جهاد اقتصادی در اسلام به‌عنوان یکی از ارکان موفقیت فردی و اجتماعی مسلمانان در نظر گرفته می‌شود. جهاد اقتصادی از منظر اسلامی علاوه بر تأمین نیازهای مادی و رفاهی جامعه، در جهت تحقق عدالت اجتماعی و جلوگیری از فقر و نابرابری در جامعه است. نظام اقتصادی اسلام نه تنها بر تأمین حداقل نیازهای مادی افراد تأکید دارد، بلکه به مسئله عدالت و توزیع عادلانه ثروت نیز پرداخته است. بر اساس اصول اسلامی، ثروت و منابع اقتصادی باید به‌طور عادلانه در جامعه توزیع شود تا هیچ فردی از مزایای اقتصادی محروم نماند.

جهاد اقتصادی و استقلال اقتصادی

یکی از مهم‌ترین ابعاد جهاد اقتصادی، تلاش برای ایجاد استقلال اقتصادی است. استقلال اقتصادی به معنای کاهش وابستگی به اقتصاد کشورهای خارجی و قدرت‌های بزرگ اقتصادی است. در دنیای امروز که بسیاری از کشورهای اسلامی تحت فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی قرار دارند، استقلال اقتصادی به‌عنوان یک ضرورت راهبردی مطرح می‌شود. جهاد اقتصادی در این زمینه می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تقویت

^۱ الشیخ حرّ العاملی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، ۱۴۱۶، ج ۱۷،

توانمندی‌های داخلی و کاهش وابستگی به قدرت‌های اقتصادی خارجی باشد.

استقلال اقتصادی، به‌ویژه برای کشورهای اسلامی که با تهدیدات اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی روبرو هستند، امری ضروری است. با توجه به تجربه‌های گذشته و تحریم‌هایی که بر علیه کشورهای اسلامی اعمال شده است، ایجاد اقتصاد خودکفا به‌عنوان یک اولویت استراتژیک مطرح می‌شود. استقلال اقتصادی تنها در صورتی می‌تواند تحقق یابد که کشورهای اسلامی به‌طور جدی در زمینه‌های مختلف از جمله تولید داخلی، فناوری‌های نوین، کشاورزی، صنعت، انرژی و آموزش‌های تخصصی فعالیت کنند و ظرفیت‌های خود را به‌طور مؤثر به کار گیرند.

جهاد اقتصادی در دوران انقلاب اسلامی

جهاد اقتصادی در دوران انقلاب اسلامی ایران نقش محوری داشت. رهبران انقلاب اسلامی از جمله امام خمینی(ره) همواره بر لزوم تقویت بنیان‌های اقتصادی مستقل تأکید کرده‌اند. در دوران پیش از انقلاب، ایران به‌طور عمده وابسته به اقتصاد کشورهای غربی بود و بسیاری از صنایع و منابع کشور تحت کنترل قدرت‌های خارجی قرار داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی و در پی آن، سیاست‌های اقتصادی ایران تغییرات اساسی کرد. امام خمینی(ره) همواره بر اهمیت خودکفایی اقتصادی و کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی تأکید داشتند. در این راستا، یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی،

ساخت یک اقتصاد مقاوم و مستقل بود که قادر به مقابله با تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی باشد.

جهاد اقتصادی و مقابله با تحریم‌ها

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، در دوران معاصر با آن روبرو هستند، تحریم‌های اقتصادی است. تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری برای فشار بر کشورهای مخالف سیاست‌های قدرت‌های بزرگ اقتصادی به‌کار می‌روند. در این شرایط، جهاد اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تحریم‌ها و کاهش آسیب‌های آن‌ها مطرح می‌شود. جهاد اقتصادی در این زمینه می‌تواند به‌طور مؤثر به تقویت صنایع داخلی، افزایش تولید و بهره‌وری، و کاهش وابستگی به واردات خارجی کمک کند.^۱

در شرایط تحریم، یکی از مهم‌ترین اولویت‌های جهاد اقتصادی، تقویت زیرساخت‌های تولید داخلی است. این امر می‌تواند از طریق حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی مانند کشاورزی، صنعت، معدن، و انرژی تحقق یابد. علاوه بر این، توسعه فناوری‌های بومی و نوآوری‌های داخلی نقش بسزایی در کاهش آسیب‌های تحریم‌ها دارد. به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند انرژی هسته‌ای، فناوری نانو، داروسازی، و فناوری اطلاعات، کشورهای

^۱ جمعی از محققین، جهاد اقتصادی، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱

اسلامی باید به‌طور جدی در جهت توسعه ظرفیت‌های داخلی حرکت کنند و از تکنولوژی‌های پیشرفته برای ایجاد راهکارهای بومی استفاده نمایند.

جهاد اقتصادی و توسعه پایدار

جهاد اقتصادی همچنین به‌عنوان ابزاری برای تحقق توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در جوامع اسلامی مطرح می‌شود. توسعه پایدار به‌معنای توسعه‌ای است که نه تنها نیازهای نسل حاضر را برآورده کند بلکه به نسل‌های آینده نیز فرصتی برای دستیابی به منابع و امکانات فراهم کند. در جهاد اقتصادی، علاوه بر توجه به رشد اقتصادی، بر رعایت اصول اخلاقی و توجه به عدالت اجتماعی نیز تأکید می‌شود. این بدان معناست که باید منابع اقتصادی به‌طور عادلانه در جامعه توزیع شود تا فقر و نابرابری‌های اجتماعی کاهش یابد.

در چارچوب جهاد اقتصادی، رشد اقتصادی باید با حفظ محیط زیست، ارتقای کیفیت زندگی مردم، و تقویت روابط اجتماعی همراه باشد. توجه به بخش‌های مختلف جامعه، به‌ویژه اقشار ضعیف و محروم، یکی از ارکان اصلی این نوع جهاد است. عدالت اقتصادی به‌عنوان یک اصل اساسی در اسلام، همواره در سیاست‌های اقتصادی جوامع اسلامی باید لحاظ شود. بنابراین، جهاد اقتصادی نه تنها به دنبال ایجاد استقلال اقتصادی است بلکه به‌طور مؤثر به تحقق توسعه پایدار و کاهش فقر و نابرابری در جامعه اسلامی نیز کمک می‌کند.

جهاد اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم جهاد نرم در دنیای معاصر نقش حیاتی در تحقق استقلال و شکوفایی اقتصادی جوامع اسلامی دارد. این جهاد بر ایجاد نظام اقتصادی خودکفا، مقاوم و مستقل تأکید دارد و به ویژه در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی اهمیت زیادی پیدا کرده است. در دوران انقلاب اسلامی ایران، جهاد اقتصادی به عنوان یک استراتژی برای مقابله با استعمار اقتصادی و دستیابی به استقلال اقتصادی مطرح شد و در حال حاضر، این اصل همچنان به عنوان یک ضرورت برای کشورهای اسلامی محسوب می‌شود. از طریق جهاد اقتصادی، جوامع اسلامی می‌توانند به طور مؤثر از وابستگی به کشورهای خارجی رهایی یابند، توانمندی‌های داخلی خود را تقویت کنند، و به توسعه پایدار و عدالت اجتماعی دست یابند.

جهاد رسانه‌ای

«جهاد رسانه‌ای» یکی از ابعاد مهم جهاد نرم است که در عصر حاضر به ویژه با توجه به تحولات گسترده در عرصه رسانه‌ها و فناوری اطلاعات، نقش بسیار حیاتی و پررنگی پیدا کرده است. جهاد رسانه‌ای در واقع به معنای استفاده از ابزارهای رسانه‌ای برای مقابله با جریان‌های رسانه‌ای ضد اسلامی و مقابله با روایت‌های نادرست و تحریف‌شده از اسلام است. این نوع جهاد با هدف تولید و توزیع محتوای صحیح و مؤثر که واقعیات و حقیقت‌های اسلامی را به طور واضح و درست به جهانیان منتقل می‌کند، در برابر تبلیغات منفی و پروپاگاندهای دشمنان اسلام عمل می‌کند. رسانه‌ها در دنیای امروز

به یکی از ابزارهای قدرتمند جنگ نرم تبدیل شده‌اند که می‌توانند بر افکار عمومی و نگرش‌های اجتماعی تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بگذارند. بنابراین، جهاد رسانه‌ای به‌عنوان یک استراتژی دفاعی، ابزاری برای مقابله با تهدیدات فرهنگی و فکری است که به ترویج ارزش‌ها، فرهنگ و باورهای اسلامی در سطح جهانی می‌پردازد.

جهاد رسانه‌ای و جنگ نرم

جنگ نرم به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که از طریق ابزارهای غیرنظامی، به‌ویژه رسانه‌ها و فضای مجازی، در پی تغییر افکار و نگرش‌های مردم به نفع یک قدرت یا ایدئولوژی خاص است. در این نوع جنگ، هدف بر تغییر ذهنیت‌ها و باورها، تغییر ساختار اجتماعی و سیاسی، و تخریب هویت‌ها و فرهنگ‌ها است. در دنیای امروز، رسانه‌ها به‌عنوان ابزار اصلی این جنگ نرم به‌کار گرفته می‌شوند. رسانه‌ها، به‌ویژه در عصر دیجیتال و اینترنت، امکان دسترسی سریع و گسترده به اطلاعات را فراهم کرده‌اند و به همین دلیل، قدرت عظیمی در شکل‌دهی به افکار عمومی و تحولات اجتماعی دارند.

دشمنان اسلام و مسلمانان در طول تاریخ از رسانه‌ها برای ترویج تبلیغات منفی و ایجاد ذهنیت‌های غلط نسبت به دین اسلام و مسلمانان استفاده کرده‌اند. در این راستا، از شیوه‌های گوناگون فریب افکار عمومی استفاده کرده است. فریب افکار عمومی به خلق رویداد گمراه کننده و ساختگی می-

پردازد که زمینه ساز مجموعه‌ای از اقدامات جنجالی است.^۱ عملیات فریب می‌تواند در قالب اخبار نادرست، برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌ها، و حتی تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی باشد که به‌طور سیستماتیک با هدف تحریف واقعیت‌ها و ایجاد تصویر منفی از اسلام و مسلمانان در اذهان عمومی منتشر می‌شود. در این راستا، جهاد رسانه‌ای به مقابله با این پروپاگانداها و تحریف‌ها پرداخته و می‌تواند به‌طور مؤثر نقش زیادی در تبیین حقایق اسلامی و اصلاح نگرش‌های غلط ایفا کند.

جهاد رسانه‌ای در مقابله با روایت‌های نادرست

یکی از اهداف اصلی جهاد رسانه‌ای، مقابله با روایت‌های نادرست و تحریف‌شده‌ای است که توسط دشمنان اسلام ساخته و منتشر می‌شود. این روایت‌ها غالباً به‌منظور ایجاد تصور منفی از دین اسلام و مسلمانان در سطح جهانی طراحی می‌شوند. رسانه‌های غربی و برخی از کشورها از این ابزار برای تضعیف موقعیت مسلمانان در عرصه جهانی و درگیری با چالش‌هایی نظیر اسلام‌هراسی استفاده می‌کنند. در سالیان دور، ماهیت رسانه‌های غربی، مبارزه با کمونیسم بود. اما فروپاشی شوروی و ایجاد اقتدار برای ایران اسلامی، ماهیت دیگری به خود گرفت.^۲ اسلام‌هراسی به‌ویژه در غرب، به‌عنوان یک موضوع مهم در سیاست‌های رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود و

^۱ کمال اکبری، درآمدی بر ارتباطات و اطلاعات در اسلام، ۱۳۹۲، ص ۲۵۸

^۲ کمال اکبری، سواد رسانه‌ای در عصر رسانه‌های نوین، ۱۴۰۳، ص ۱۶۹

از طریق اخبار نادرست و گزارش‌های تحریف‌شده، تلاش می‌شود که اسلام را دینی خشونت‌آمیز، تروریستی و غیر قابل هضم برای جوامع غربی معرفی کنند. این نوع تحریف‌ها در رسانه‌ها می‌تواند به‌طور مؤثر به تصورات منفی و اتهاماتی نظیر خشونت‌طلبی و تروریسم نسبت به مسلمانان منجر شود و تأثیرات زیادی بر نحوه برخورد جوامع غیرمسلمان با مسلمانان در سراسر جهان داشته باشد.

در مقابل، جهاد رسانه‌ای با تولید محتوای صحیح و مستند از اسلام و آموزه‌های آن، می‌تواند به مقابله با این تبلیغات منفی پرداخته و تصویری دقیق و واقعی از اسلام و مسلمانان ارائه دهد. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به‌طور مستقیم با ارائه اخبار، مقالات، مستندها و برنامه‌های تلویزیونی، به تبیین اصول انسانی، روحیه تسامح، صلح‌طلبی و رفاه اجتماعی در اسلام پرداخته و از تحریف‌های صورت گرفته جلوگیری کنند.

جهاد رسانه‌ای در فضای مجازی

در عصر دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، فضای مجازی به یکی از مهم‌ترین بسترهای جهاد رسانه‌ای تبدیل شده است. شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام، یوتیوب، و بسیاری از پلتفرم‌های دیگر، توانسته‌اند به‌سرعت به یکی از ابزارهای اصلی برای تبادل اطلاعات و شکل‌دهی به افکار عمومی تبدیل شوند. استفاده از فضای مجازی به‌ویژه

برای نسل جوان، که به این بسترها ارتباط عمیقی دارند، تأثیر زیادی در شکل‌دهی به نگرش‌ها و باورهای آن‌ها دارد.

جهاد رسانه‌ای در فضای مجازی، نه تنها به تولید محتوای اسلامی پرداخته بلکه به مقابله با شایعات، اخبار کذب و تحریفات اطلاعاتی در این فضا نیز می‌پردازد. مبارزه با اسلام‌هراسی و دفاع از حقوق مسلمانان در برابر اتهامات نادرست یکی از اولویت‌های اصلی جهاد رسانه‌ای در فضای مجازی است. به‌ویژه در مواقعی که حملات رسانه‌ای علیه اسلام شدت می‌گیرد، جهاد رسانه‌ای در فضای مجازی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای مقابله با این تهدیدات عمل کند. تولید محتوای آموزشی، نشر مقالات علمی و مستندات مستند به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند موجب روشن شدن بسیاری از حقایق در ذهن افراد غیرمسلمان شود.

جهاد رسانه‌ای در رسانه‌های سنتی

علاوه بر فضای مجازی، رسانه‌های سنتی نظیر تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها و مجلات همچنان نقش خود را در جهاد رسانه‌ای ایفا می‌کنند. بسیاری از کشورهای اسلامی می‌توانند با ایجاد شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی که به ترویج فرهنگ اسلامی، آموزه‌های قرآن، سیره پیامبر اسلام و دیگر ابعاد فرهنگی اسلام پرداخته، جهاد رسانه‌ای خود را تقویت کنند. این رسانه‌ها باید از ظرفیت‌های موجود برای تولید محتوای متنوع و جذاب بهره ببرند تا بتوانند جوانان و نسل‌های مختلف را جذب کرده و آن‌ها را به فهم درست و

عمیق‌تری از اسلام رهنمون سازند. رسانه‌های سنتی همچنان در بسیاری از جوامع اسلامی به‌عنوان منابع معتبر اطلاعاتی شناخته می‌شوند و به همین دلیل می‌توانند در جهت تبیین حقیقت و اصلاح نگرش‌های غلط نسبت به اسلام مؤثر باشند. این رسانه‌ها باید به‌طور مستمر با به‌کارگیری تکنیک‌های حرفه‌ای در زمینه‌های تولید مستند، تحلیل‌های سیاسی، برنامه‌های تلویزیونی و حتی داستان‌های تلویزیونی و سینمایی به ترویج اصول اسلامی بپردازند.

نقش جهاد رسانه‌ای در آموزش و ارتقای آگاهی

جهاد رسانه‌ای علاوه بر مقابله با تبلیغات منفی، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار آموزشی نیز عمل کند. در این زمینه، تولید محتواهای آموزشی که آموزه‌های اسلام را به‌طور ساده، جذاب و مؤثر به مخاطبان منتقل کند، یکی از جنبه‌های مهم جهاد رسانه‌ای است. رسانه‌های اسلامی باید تلاش کنند تا آگاهی عمومی را درباره مسائل مختلف از جمله تاریخ اسلام، فرهنگ اسلامی، حقوق بشر در اسلام، زنان در اسلام، صلح در اسلام، و دیگر مباحث مهم، ارتقا دهند. این آموزش‌ها نه تنها برای مسلمانان بلکه برای غیرمسلمانان نیز مفید است، زیرا می‌تواند به‌طور مؤثر ذهنیت‌ها و تصورات غلط را اصلاح کرده و درک بهتری از دین اسلام و مسلمانان در سطح جهانی ایجاد کند. از طریق جهاد رسانه‌ای، افراد می‌توانند اطلاعات صحیح و مستند دریافت کنند و از برداشت‌های نادرست و تحریف‌شده جلوگیری کنند.

جهاد سایبری

در دنیای امروز، پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌طور چشمگیری تحولات اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی را تحت تأثیر قرار داده است. فضای مجازی و ابزارهای دیجیتال به یکی از ارکان اصلی زندگی روزمره مدیریت تبدیل شده‌اند که حاصل آن فضای سایبری است. فضای سایبری در حقیقت همان فضای مدیریت جدید است.^۱ و جوامع مختلف از این فناوری‌ها به‌عنوان ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی، ارتقای سطح آگاهی عمومی و تعاملات اجتماعی استفاده می‌کنند. با این حال، این پیشرفت‌ها به‌طور هم‌زمان تهدیداتی جدید را به وجود آورده‌اند که می‌توانند امنیت ملی، فرهنگی و اجتماعی جوامع را تحت تأثیر قرار دهند. در این میان، مفهوم «جهاد سایبری» به‌عنوان یکی از ابعاد جدید جهاد نرم، به‌ویژه در مواجهه با جنگ‌های ترکیبی و تهدیدات فضای مجازی، مطرح شده است. جهاد سایبری در واقع به مقابله با تهدیدات و حملات سایبری علیه جامعه اسلامی و دولت‌های اسلامی پرداخته و نیازمند طراحی راهبردهایی برای استقلال و قدرت در فضای مجازی است.

چیستی جهاد سایبری

جهاد سایبری به‌عنوان یک اقدام اساسی در راستای حفاظت از امنیت فضای مجازی و مقابله با تهدیدات آن در نظر گرفته می‌شود. این نوع جهاد،

^۱ نوربرت وینر، استفاده انسانی از انسانها(سایبرنتیک و جامعه)، ۱۳۸۲، صص ۱-۵

برخلاف جهادهای نظامی که به‌طور مستقیم با ابزارهای فیزیکی و نظامی مرتبط است، به مقابله با حملات اطلاعاتی، روانی و اقتصادی در فضای مجازی می‌پردازد. در حقیقت، جنگ سایبری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جنگ‌های ترکیبی در عصر حاضر، یکی از ابزارهای مؤثر در تغییر معادلات سیاسی و اجتماعی به شمار می‌آید. کشورهای مختلف در دنیای امروز از فضای مجازی به‌عنوان یک عرصه جدید برای حملات دیجیتال، تهاجم اطلاعاتی و حتی حملات اقتصادی علیه یکدیگر استفاده می‌کنند. این وضعیت باعث شده که جهاد سایبری به‌عنوان یک ضرورت برای مقابله با تهدیدات فضای مجازی در جامعه اسلامی و دولت‌های اسلامی در نظر گرفته شود. در مفهوم جهاد سایبری، استفاده از فضای مجازی به‌عنوان ابزاری برای دفاع از هویت اسلامی، مقابله با جنگ‌های اطلاعاتی دشمنان، و تقویت استقلال سایبری جامعه اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این جهاد به‌طور خاص شامل اقداماتی نظیر تقویت امنیت سایبری، تولید محتوای اسلامی، مقابله با تحریف‌ها و حملات اطلاعاتی دشمنان و استفاده از فناوری‌های نوین در راستای مقابله با تهدیدات فضای مجازی است.

جنگ‌های سایبری و تهدیدات فضای مجازی

جنگ سایبری به‌عنوان یک نوع جدید از جنگ‌های ترکیبی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است. در این نوع جنگ‌ها، تهدیدات نه تنها از نظر نظامی بلکه از نظر اطلاعاتی، اقتصادی و روانی به‌طور

هم‌زمان اعمال می‌شوند. فضای مجازی به‌عنوان یک میدان جنگ جدید برای کشورها به شمار می‌آید و هر کشوری که بتواند قدرت سایبری خود را تقویت کند، می‌تواند از این فضا به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای ایجاد تغییرات در سیاست‌ها، اقتصاد، و حتی فرهنگ کشورها استفاده کند. در بسیاری از موارد، کشورهای مختلف از حملات سایبری برای انجام عملیات اطلاعاتی و خرابکاری‌های اقتصادی علیه یکدیگر بهره می‌برند. حملات سایبری می‌توانند به‌طور مستقیم بر زیرساخت‌های حیاتی کشورها، مانند شبکه‌های انرژی، سیستم‌های مالی، و سیستم‌های ارتباطی تأثیرگذار باشند. علاوه بر این، فضای مجازی به‌عنوان بستری برای نشر اطلاعات غلط، شایعات و جنگ‌های روانی به کار گرفته می‌شود که می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر افکار عمومی و رفتارهای اجتماعی داشته باشد.

در این زمینه، تهدیدات سایبری علیه دولت‌ها و ملت‌های اسلامی نیز روز به روز افزایش یافته است. از طریق این تهدیدات، دشمنان ممکن است تلاش کنند تا امنیت اطلاعاتی کشورهای اسلامی را تضعیف کرده، نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را مختل کنند، و هویت فرهنگی و دینی آن‌ها را زیر سؤال ببرند. به‌طور خاص، حملات سایبری علیه زیرساخت‌های ارتباطی، خدمات عمومی، و حتی نهادهای مذهبی و فرهنگی، می‌تواند تهدیدات جدی برای جوامع اسلامی ایجاد کند.

ضرورت جهاد سایبری برای جوامع اسلامی

با توجه به تهدیدات فزاینده فضای مجازی، جهاد سایبری به عنوان یک ابزار ضروری برای مقابله با حملات سایبری و تهدیدات اطلاعاتی دشمنان اسلام و مسلمانان مطرح شده است. هدف از جهاد سایبری، تقویت امنیت سایبری و تولید محتوای صحیح و مؤثر اسلامی است که می تواند در برابر جنگ های اطلاعاتی دشمنان و تحریفات علیه اسلام، به ویژه در فضای مجازی، مقابله کند. این نوع جهاد نیازمند طراحی راهبردهایی است که به جوامع اسلامی این امکان را می دهد که در برابر تهدیدات سایبری و فضای مجازی مقاوم شوند و از هویت فرهنگی و دینی خود دفاع کنند. یکی از اهداف اساسی جهاد سایبری، حفاظت از امنیت اطلاعات و مقابله با حملات سایبری است. امنیت سایبری برای هر کشور و جامعه ای در دنیای امروز حیاتی است. به ویژه برای کشورهای اسلامی که با تهدیدات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه هستند، تقویت امنیت سایبری ضروری است. این امنیت نه تنها باید به حفاظت از زیرساخت های دولتی و نظامی توجه داشته باشد بلکه باید در برابر تهدیدات اقتصادی، فرهنگی و روانی دشمنان نیز مقاوم باشد.

تولید محتوای اسلامی در فضای مجازی

یکی از دیگر ابعاد جهاد سایبری، تولید و نشر محتوای اسلامی در فضای مجازی است. امروزه، فضای مجازی به ویژه شبکه های اجتماعی به یکی از مهم ترین بسترهای تبادل اطلاعات و شکل دهی به افکار عمومی تبدیل شده

است. مسلمانان باید از این فضا به‌طور مؤثر استفاده کنند و محتوای صحیح اسلامی را در قالب‌های مختلف به مخاطبان خود ارائه دهند. از تولید مقالات، کتاب‌ها، فیلم‌ها و مستندات گرفته تا استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای انتشار پیام‌های اسلامی، همه این موارد می‌توانند در راستای تقویت هویت اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان به‌کار گرفته شوند. جهاد سایبری در این راستا می‌تواند شامل تولید محتوای آموزشی، مستندات دینی و مذهبی، فیلم‌ها و ویدئوهای کوتاه، پادکست‌ها، و حتی بازی‌های آنلاین باشد که هدف آن‌ها ارتقای آگاهی عمومی و ترویج آموزه‌های اسلامی در فضای مجازی است. این محتواها می‌توانند به‌طور مستقیم در برابر تحریف‌ها، شایعات و جنگ‌های اطلاعاتی دشمنان پاسخ دهند و تصویری صحیح از اسلام و مسلمانان به جهانیان ارائه دهند.

مقابله با تحریفات اطلاعاتی و حملات روانی

در دنیای امروز، جنگ‌های سایبری نه تنها شامل حملات فیزیکی یا تکنولوژیکی به سیستم‌های دولتی و نظامی است، بلکه به‌طور گسترده‌ای در زمینه اطلاعات و روان‌شناسی نیز انجام می‌شود. دشمنان اسلام به‌ویژه در فضای مجازی از ابزارهایی نظیر رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، و حتی تکنیک‌های روان‌شناسی برای ایجاد ذهنیت‌های غلط و تضعیف هویت مسلمانان استفاده می‌کنند. از این‌رو، جهاد سایبری باید به مقابله با این

تهدیدات روانی و اطلاعاتی پرداخته و به‌طور مؤثر از تهاجم اطلاعاتی دشمن جلوگیری کند.

مقابله با تحریفات اطلاعاتی به‌ویژه در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی یکی از ابعاد مهم جهاد سایبری است. این شامل پاسخ‌گویی به اتهامات نادرست و ارائه واقعیت‌ها در برابر شایعات و تحریفات است. همچنین، جهاد سایبری باید به‌طور جدی به مقابله با تلاش‌های دشمن برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان و تضعیف وحدت اسلامی بپردازد. این اقدامات می‌توانند شامل تولید محتواهایی باشند که اتحاد و همبستگی مسلمانان را تقویت کرده و دشمنان را در ایجاد اختلافات و انشقاق بین ملت‌های مسلمان ناکام بگذارد.

فصل دوم: چالش‌های فقهی و حقوقی

معاصر در تعریف جهاد

درآمد

این فصل به مسایل نوظهور و چالش‌های معاصر در ارتباط با جهاد و حقوق بین‌الملل می‌پردازد. یکی از موضوعات اصلی آن، مقایسه «دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل با مفهوم کلاسیک فقهی جهاد است. آیا این دو مفهوم قرابت دارند؟ در این راستا، بحث‌های مربوط به «تروریسم» و «مقاومت مسلحانه» در ابعاد جهانی و نظرات فقها در مورد آن‌ها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این فصل همچنین به پرسش‌هایی مانند مشروعیت عملیات انتحاری یا شهیدپروری از منظر فقهی، تفاوت جهاد با فتاوی «تکفیری»، و واکنش حکومت‌های معاصر به این مسائل خواهد پرداخت. همچنین، فتاوی مراجع شیعه و اهل سنت در خصوص مبارزه با اشغالگران و مشروعیت جهاد در این زمینه‌ها بررسی می‌شود. از منظر حقوق بین‌الملل، مسأله تطابق فقه جهاد با حقوق بشر و منشور ملل متحد نیز به‌عنوان چالش اصلی مطرح است. در این زمینه، مانع‌زدایی از فقه جهاد برای پذیرفته شدن در ادبیات جهانی و تطابق آن با استانداردهای حقوق بشر از جمله موضوعاتی است که در این فصل مورد واکاوی قرار می‌گیرد. این مباحث تلاش دارند تا چگونگی تطبیق فقه اسلامی با اصول و مقررات بین‌المللی را در چارچوب مفاهیم معاصر بررسی کنند...

تعریف تروریسم و جهاد

تروریسم به معنای به کارگیری خشونت حساب شده برای ایجاد رعب و وحشت است.^۱ مسئله‌ی تمایز میان «جهاد» و «تروریسم» یکی از مباحث چالش‌برانگیز در فقه اسلامی معاصر و نیز در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل است. در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از گسترش پدیده‌ی خشونت‌های مسلحانه در مناطق اسلامی و ظهور گروه‌هایی که خود را به آموزه‌های دینی منتسب می‌کنند، مفهوم جهاد دچار تحریف و سوءبرداشت شده است. این امر موجب شده تا تمایز میان «دفاع مشروع» در فقه اسلامی و «اقدامات تروریستی» در ادبیات سیاسی و حقوقی جهان معاصر به یکی از مسائل اساسی در گفت‌وگوهای فقهی و بین‌المللی تبدیل شود. برای روشن شدن این تمایز، لازم است ابتدا تعاریف دقیق و مستند هر یک از مفاهیم تروریسم و جهاد ارائه شود و سپس با استناد به مبانی فقهی و متون کلاسیک اسلامی، تفاوت‌های بنیادین میان این دو تبیین گردد.

تعریف تروریسم در ادبیات معاصر

«تروریسم» واژه‌ای نسبتاً نو در ادبیات حقوقی و سیاسی جهان است که از ریشه‌ی لاتینی terror به معنای «ترس و وحشت» گرفته شده است. تروریسم در اصطلاح به استفاده‌ی غیرقانونی و عمدی از خشونت یا تهدید به

^۱ محمدتقی نوروزی، فرهنگ دفاعی-امنیتی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۶

خشونت برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم یا واداشتن دولت‌ها به انجام یا ترک فعلی خاص گفته می‌شود. در حقوق بین‌الملل، تعریف واحدی از تروریسم وجود ندارد، زیرا کشورها و سازمان‌های بین‌المللی گاه بر اساس منافع سیاسی خود آن را تفسیر کرده‌اند. با این حال، در اسناد بین‌المللی مانند «قطعنامه‌ی ۱۵۶۶ شورای امنیت سازمان ملل» و «کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)»، تروریسم به عنوان هر گونه اقدام خشونت‌آمیز با هدف ایجاد ترس عمومی و برهم زدن ثبات اجتماعی یا سیاسی، بدون مجوز قانونی و برخلاف اصول انسانی تعریف شده است.

در عرف بین‌الملل، میان «مبارزه‌ی مشروع برای آزادی» و «تروریسم» تفاوت اساسی وجود دارد. مبارزات آزادی‌بخش مردمی علیه اشغالگران و استعمارگران بر اساس ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد، در چارچوب «دفاع مشروع» قرار می‌گیرد، نه تروریسم. اما عملیات‌هایی که هدف آن‌ها قتل غیرنظامیان، تخریب بی‌رویه، یا تهدید امنیت عمومی است، در زمره‌ی اقدامات تروریستی طبقه‌بندی می‌شوند.

تمایز فقهی میان جهاد مشروع و تروریسم

از دیدگاه فقه اسلامی، تمایز میان جهاد و تروریسم نه تنها در هدف، بلکه در روش، انگیزه، مشروعیت و محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی آن‌ها آشکار است. در جهاد مشروع، هدف دفاع از دین و جان و مال مسلمانان است، در حالی که در تروریسم، هدف ایجاد رعب و وحشت و تحقق اهداف سیاسی یا

ایدئولوژیک از طریق کشتار و تخریب است. اسلام، برخلاف برداشت‌های نادرست رایج، دین صلح و عدالت است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۱ یعنی در جنگ از حد تجاوز نکنید که خداوند متجاوزان را دوست ندارد. این آیه نشان می‌دهد که حتی در زمان جنگ، مسلمانان موظف‌اند اصول انسانی را رعایت کنند. در فقه اسلامی، جهاد محدود به مقابله با دشمنان محارب و متجاوز است، نه علیه غیرنظامیان یا بی‌گناهان. در حالی که تروریسم هیچ قاعده‌ی اخلاقی یا انسانی را رعایت نمی‌کند و به‌صورت کورکورانه جان انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد، جهاد اسلامی محدود به شرایطی خاص است و تنها برای دفاع یا رفع ظلم مشروعیت دارد.

مفاهیم فقهی مرتبط: بغی، محاربه و افساد

فقه اسلامی برای دسته‌بندی انواع خشونت و شورش، مفاهیم دقیقی همچون «بغی»، «محاربه» و «افساد فی الارض» را مطرح کرده است. این مفاهیم می‌توانند مبنای فقهی برای تمایز میان مبارزات مشروع و اقدامات تروریستی باشند:

^۱ بقره، ۱۹۰

۱. بغی

بغی به معنای خروج گروهی از مسلمانان علیه حکومت اسلامی عادل با هدف بر هم زدن نظم عمومی است. قرآن در آیه‌ی ۹ سوره‌ی حجرات می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ»^۱. فقها این آیه را مبنای حکم بغی قرار داده‌اند و بر این باورند که اگر گروهی از مسلمانان به ناحق علیه حکومت اسلامی قیام کنند، مسلمانان موظف‌اند ابتدا آن‌ها را نصیحت و دعوت به صلح کنند و در صورت عدم پذیرش، با آنان مقابله نمایند. بنابراین، بغات در فقه اسلامی افرادی هستند که به صورت سازمان‌یافته و با هدف سیاسی علیه نظام عادل اسلامی اقدام به شورش می‌کنند. اما نکته‌ی مهم آن است که فقه اسلامی حتی در مواجهه با بغات نیز اصول انسانی را رعایت می‌کند و قتل بی‌دلیل یا تخریب اموال آنان را ممنوع می‌داند.

۲. محاربه

محاربه به معنای «برپایی جنگ و ایجاد رعب و وحشت در جامعه» است. قرآن در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا»^۲. فقها از این آیه نتیجه

^۱ حجرات، ۹

^۲ مائده، ۳۳

گرفته‌اند که محاربه شامل اقداماتی است که امنیت عمومی را تهدید و نظم جامعه را مختل کند، مانند ترور، راهزنی یا ایجاد رعب در میان مردم. از این نظر، تروریست‌ها مصداق روشنی از محارب‌ان هستند.

۳. افساد فی الارض

اصطلاح «افساد فی الارض» در قرآن برای اشاره به هرگونه اقدام ویرانگر علیه امنیت، عدالت و نظم اجتماعی به کار رفته است. ترور، تخریب، خشونت بی‌ضابطه و اقدامات ضدانسانی از مصادیق بارز فساد در زمین هستند. فقه اسلامی این‌گونه اعمال را نه تنها حرام، بلکه از بزرگ‌ترین گناهان می‌داند که مجازات سختی برای آن مقرر شده است.

تطبیق فقه اسلامی با حقوق بین‌الملل

در حقوق بین‌الملل معاصر، اصل «دفاع مشروع» یکی از اصول اساسی منشور ملل متحد (ماده ۵۱) است که به کشورها اجازه می‌دهد در برابر تجاوز مسلحانه از خود دفاع کنند. در فقه اسلامی نیز جهاد دفاعی دقیقاً با همین مبنا تعریف می‌شود. هرگاه دشمنی به سرزمین، دین یا جان مسلمانان حمله کند، دفاع از خود و جامعه نه تنها مجاز بلکه واجب شرعی است. این هم‌سویی نشان می‌دهد که جهاد اسلامی با اصل دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل سازگار است و تفاوتی اساسی با تروریسم دارد.

در مقابل، کنوانسیون‌های بین‌المللی، تروریسم را به‌عنوان رفتاری مجرمانه و غیراخلاقی می‌دانند که علیه افراد غیرنظامی یا اهداف غیرنظامی صورت می‌گیرد. فقه اسلامی نیز چنین رفتارهایی را تحت عنوان محاربه یا افساد فی‌الارض محکوم می‌کند. در واقع، اصول فقهی اسلام می‌توانند مبنایی برای مبارزه با تروریسم جهانی باشند، چرا که اسلام خشونت بی‌منطق و کشتار بی‌گناهان را مردود می‌شمارد. از این رو، اگرچه برخی جریان‌های افراطی با سوءاستفاده از مفاهیم دینی مانند جهاد، اعمال خشونت‌آمیز خود را توجیه می‌کنند، اما فقه‌های بزرگ اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، این اعمال را مغایر با روح اسلام و در تضاد با اصول فقهی دانسته‌اند. به عنوان مثال، امام خمینی(ره)، آیت‌الله سیستانی، و علمای الازهر مصر بارها تأکید کرده‌اند که جهاد تنها در صورت وجود ظلم آشکار و با رعایت ضوابط شرعی و انسانی جایز است.

جهاد در فقه اسلامی، مفهومی مقدس و در خدمت عدالت، صلح و دفاع از مظلومان است. در حالی که تروریسم رفتاری مجرمانه و غیرانسانی است که با هدف ایجاد رعب، تخریب و تحقق منافع سیاسی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. تمایز میان این دو، در مبانی، اهداف و روش‌ها کاملاً روشن است. اسلام، با مفاهیمی چون «بغی»، «محاربه» و «افساد فی‌الارض»، چارچوب دقیقی برای برخورد با خشونت‌های غیرمشروع و شورش‌های مسلحانه ارائه داده است. در نهایت، هم فقه اسلامی و هم حقوق بین‌الملل معاصر بر اصل مشترک «دفاع مشروع» تأکید دارند. در حالی که تروریسم بر پایه‌ی

بی‌عدالتی و تجاوز به حقوق انسان‌ها استوار است، جهاد اسلامی محدود به دفاع از حق، عدالت و کرامت انسانی است. بنابراین، بازخوانی فقه جهاد در پرتو حقوق بین‌الملل می‌تواند به رفع سوءتفاهم‌های جهانی نسبت به اسلام کمک کند و زمینه را برای هم‌گرایی میان آموزه‌های دینی و اصول انسانی جهانی فراهم سازد.

جهاد و نسل جدید جنگ‌ها

در دنیای معاصر، جنگ‌ها و مواجهات بین کشورها و گروه‌ها به‌ویژه با ظهور فناوری‌های جدید و تغییرات در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی، به‌طور قابل توجهی تحول یافته‌اند. مفهوم جنگ دیگر تنها محدود به نبردهای مستقیم و سنتی میان ارتش‌ها نیست. امروزه، جنگ‌ها به‌ویژه در مناطقی که درگیر بحران‌های سیاسی و اجتماعی هستند، به شکل‌های جدیدتری از جمله جنگ ترکیبی، جنگ نیابتی، عملیات‌های انسجام‌ای و مبارزات مردمی ظهور کرده‌اند. این تغییرات در دنیای جنگی جدید، پرسش‌های جدیدی را در ارتباط با «جهاد» و مواضع فقهی مطرح کرده است. برای تحلیل این مسائل، بررسی هر کدام از این مفاهیم و تأثیر آن‌ها بر فقه جهاد ضروری است.

۱. جنگ ترکیبی

جنگ ترکیبی به نوعی جنگ گفته می‌شود که در آن از مجموعه‌ای از ابزارهای مختلف شامل جنگ نظامی، سایبری، رسانه‌ای و اقتصادی برای ایجاد فشار و پیروزی استفاده می‌شود. این نوع جنگ، که معمولاً در پی ایجاد

تغییرات سیاسی یا اجتماعی بدون استفاده از نیروهای نظامی به‌طور آشکار است، به ویژه در دنیای معاصر بسیار رایج شده است. در جنگ‌های ترکیبی، گروه‌های مختلف می‌توانند با استفاده از ابزارهای غیرنظامی، به‌ویژه رسانه‌ها، فضای سایبری و همچنین اقتصاد، عملیات‌هایی پیچیده و گسترده را به اجرا درآورند.

جهاد در فقه اسلامی به‌طور کلی در مواردی تعریف شده است که در آن مسلمانان باید در برابر ظلم و تجاوز دشمنان دفاع کنند. در جنگ ترکیبی، به دلیل استفاده از ابزارهای غیرنظامی مانند حملات سایبری و جنگ اطلاعاتی، ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا جهاد تنها محدود به جنگ‌های نظامی است یا شامل این گونه اقدامات نیز می‌شود. در پاسخ، فقها به‌ویژه در دنیای معاصر می‌گویند که اگر استفاده از ابزارهایی مانند رسانه‌ها یا سایبری در جهت دفاع از حقوق مسلمانان و مقابله با ظلم و فساد باشد، این اقدام‌ها می‌توانند در چارچوب جهاد قرار بگیرند. در واقع، با توجه به تحولات جدید در دنیای جنگی، جهاد ممکن است شامل ابعاد جدیدی از مبارزه با تهدیدات غیرنظامی نیز باشد.

۲. جنگ نیابتی

جنگ نیابتی به نوعی جنگ اطلاق می‌شود که در آن طرف‌های درگیر مستقیماً وارد نبرد نمی‌شوند و از گروه‌ها یا کشورهایی که به‌طور غیرمستقیم به آن‌ها وابسته هستند، برای انجام عملیات‌های نظامی استفاده می‌کنند. در

جنگ‌های نیابتی، طرف اصلی یا قدرت‌های بزرگ از طریق حمایت مالی، نظامی یا اطلاعاتی از نیروهای محلی یا گروه‌های مخالف برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند. این نوع جنگ‌ها در خاورمیانه، به‌ویژه در کشورهای مانند یمن، سوریه و عراق، به‌طور گسترده‌ای مشاهده می‌شود.

فقه‌های اسلامی در زمینه جنگ نیابتی بر این نکته تأکید دارند که جهاد در اصل به‌منظور دفاع از کیان اسلامی و مقابله با ظلم و فساد است، بدون آنکه از ابزارهای غیرشرعی یا خشونت بی‌ضابطه استفاده شود. در جنگ‌های نیابتی، اگر طرف‌های درگیر به دنبال تحقق اهداف مشروع و دفاع از سرزمین‌های اسلامی باشند و از قدرت‌های نیابتی به‌طور معقول استفاده کنند، این نوع جنگ‌ها می‌توانند در چارچوب جهاد قرار گیرند. از سوی دیگر، استفاده از نیروهای بی‌گناه یا کشتار غیرنظامیان در جنگ نیابتی، مغایر با اصول جهاد اسلامی است که بر رعایت حرمت جان انسان‌ها تأکید دارد.

۳. مبارزات مردمی

مبارزات مردمی در برابر اشغالگران، یکی از جنبه‌های برجسته جهاد در دنیای معاصر است. در برخی از نقاط جهان مانند فلسطین، یمن و لبنان، مردم تحت سلطه و اشغال کشورهای بیگانه قرار دارند و به‌دنبال دفاع از سرزمین و حقوق خود هستند. این نوع مبارزات در چارچوب جهاد اسلامی به‌عنوان یک دفاع مشروع شناخته می‌شود. در فقه اسلامی، مبارزه برای آزادی

سرزمین‌های اسلامی و دفاع از مردم مسلمان در برابر ظلم و اشغالگری، امری ضروری و واجب است.

در مسئله فلسطین، جهاد مردم فلسطین در برابر اشغالگران اسرائیلی، از منظر بسیاری از فقها به‌ویژه در جهان اسلام، به‌عنوان یک دفاع مشروع و جهاد در راه خدا شناخته می‌شود. طبق اصول اسلامی، دفاع از سرزمین‌های اسلامی و مقابله با اشغالگری، یک وظیفه دینی است که مسلمانان باید از آن حمایت کنند. فقه‌های شیعه و اهل سنت هر دو در مورد حق مقاومت و مبارزه با اشغالگران تأکید دارند و آن را یک جهاد مشروع می‌دانند.

در یمن، جنگ داخلی و دخالت نیروهای خارجی منجر به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های انسانی در تاریخ معاصر شده است. در این شرایط، مقاومت مردم یمن علیه حملات خارجی و دفاع از سرزمین خود، از منظر فقهی به‌عنوان جهاد مشروع قابل تأسیس است. در اینجا نیز فقها بر ضرورت دفاع از جان و مال مسلمانان تأکید دارند و مقاومت مردمی را به‌عنوان یک اقدام مشروع در برابر تجاوزات خارجی می‌بینند.

در افغانستان، گروه‌های مختلف در برابر اشغالگری خارجی در طول تاریخ مبارزات بسیاری داشته‌اند. این مبارزات، به‌ویژه در دوران اشغال شوروی و سپس در مقابل نیروهای ناتو، از نظر فقهی به‌عنوان جهاد در راه خدا و دفاع از سرزمین اسلامی محسوب می‌شود. این نوع مقاومت‌ها تحت عنوان جهاد ملی و دینی از سوی بسیاری از علمای اسلامی تأیید شده‌اند.

با توجه به تحولات جدید در عرصه جنگ‌ها و مبارزات جهانی، جهاد اسلامی نیز به مفهومی پیچیده و گسترش‌یافته تبدیل شده است. در حالی که جهاد همچنان به‌عنوان دفاع مشروع در برابر ظلم و تجاوز شناخته می‌شود، شکل‌های جدید جنگ‌های ترکیبی، نیابتی و عملیات‌های انسجام‌ای نیازمند بازنگری در مفاهیم فقهی و تطبیق آن‌ها با شرایط معاصر هستند. در این راستا، فقها و علمای اسلامی باید به‌طور مستمر نسبت به مسائل جدیدی که در عرصه جهانی ظهور می‌کنند، پاسخگو باشند و تأکید کنند که جهاد باید همواره در چارچوب اصول اخلاقی، انسانی و اسلامی قرار گیرد.

منابع:

۱. القرآن الکریم
۲. الإمام خمینی، سید روح الله موسوی (۱۳۸۵)، تحریر الوسیله، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)
۳. امام خمینی و سایر مراجع (بی تا)، رساله توضیح المسائل، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم،
۴. الامام الحسینی الخامنه ای، السیدعلی (۱۴۱۵) اجوبه الاستفتاءات، کویت: بی نا
۵. امام خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، رساله آموزشی، تهران: فقه روز
۶. ابن جوزی (بی تا)، نواسخ القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه
۷. ابن شدقم، ضامن (۱۴۲۰)، وقعۀ الجمل، قم: السید تحسین آل شیبیب الموسوی
۸. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: مؤسسۀ النشر الاسلامی التابعۀ لجماعۀ المدرسین
۹. ابن قدامه، (بی تا)، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر
۱۱. اراکی، محسن (۱۴۰۳)، فقه فرهنگ، ج ۱، قم: اندیشه ناب ماندگار

۱۲. اکبری، کمال (۱۳۹۲)، درآمدی بر ارتباطات و اطلاعات در اسلام،

قم: دانشکده و مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

۱۳. اکبری، کمال (۱۴۰۳)، سواد رسانه‌ای در عصر رسانه‌های نوین (ویژه

امامان جماعت)، قم: دانشکده صدا و سیما قم

۱۴. آل عصفور، الشیخ حسین (بی‌تا) سداد العباد و رشاد العباد، بی‌جا: بی‌نا

۱۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الحکم، قم: دارالکتب

الإسلامیه

۱۶. البحرانی، الشیخ یوسف (بی‌تا)، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة

الطاهرة، محقق محمد تقی الایروانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی

التابعة لجماعة المدرسين

۱۷. بحرانی، عبدالله بن نور الله (۱۳۷۵)، عوالم العلوم و المعارف و

الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال، قم: مدرسه الامام مهدی

(عج)

۱۸. بروجردی، ناصر (۱۳۹۲)، مهندسی فرهنگی در کلام امام خامنه‌ای،

تهران: انتشارات نسیم اندیشه

۱۹. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۹۹۸م)، السنن، بیروت: دار احیاء التراث

العربی

۲۰. جداوی، ابراهیم، شیروانی، مهدیه (۱۳۹۹)، راهبردهای رهبری،

تهران: پرناک

۲۱. جصاص، احمد بن علی (۱۴۱۵)، احکام القرآن، بیروت: عبدالسلام

محمد علی شاهین

۲۲. جمعی از محققین (۱۳۹۲)، جهاد اقتصادی، تهران: انتشارات انقلاب

اسلامی

۲۳. الجوهري، أبو نصر (۱۴۰۷)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية،

محقق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملايين، چاپ

چهارم

۲۴. حسینی تهرانی، سید محمد حسین (۱۴۱۸) ولایة الفقیه فی حکومت

الإسلام، بیروت، دارالحجّة البيضاء،

۲۵. الحلّی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵)، الجامع للشرایع، بی‌جا: مؤسسه

سیدالشهداء (علیه السلام)

۲۶. حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰) شمس العلوم و دواء کلام العرب

من الکلام، بیروت، دارالفکر المعاصر،

۲۷. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نورالثقلین، قم:

اسماعیلیان

۲۸. الخوئی، السید ابوالقاسم الموسوی (۱۴۰۱)، منهاج الصالحین، بی‌جا:

مؤسسه الخوئی الإسلامية

۲۹. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین،

قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث

٣٠. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢ق)، مفردات الفاظ القرآن،

دمشق: دار القلم

٣١. زبيدي، محب الدين (١٤١٤) تاج العروس من جواهر القاموس،

بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع،

٣٢. زحيلي، وهبه (١٩٨١)، آثار الحرب في الفقه الإسلامي، دمشق:

دارالفكر.

٣٣. سرخسي، حمد بن احمد شمس الاثمه (١٩٧١)، شرح كتاب السير

الكبير، قاهره: صلاح الدين منجد،

٣٤. شافعي، محمد بن ادريس (١٤٠٣)، الأم، بيروت: دارالمعرفة

٣٥. شرواني، عبد الحميد (١٣١٥)، حاشية تحفة المحتاج، قاهره: المطبعة

الحلبيه.

٣٦. شوكاني، محمد (بي تا)، نيل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من احاديث

سيد الاخير، مصر: شركه مكتبه و مطبعه مصطفى البابي الحلبي

(چاپ افست بيروت)

٣٧. الشهيد الأول، محمد بن مكي عاملی (١٤١٠)، اللمعة الدمشقية في

فقه الإمامية، بيروت، دار التراث،

٣٨. الشهيد الأول، محمد بن مكي عاملی (١٤١٧)، الدروس الشرعية في

فقه الاماميه، مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه

٣٩. الشهيد الأول، محمد بن مكي عاملی (١٤١٠)، اللمعة الدمشقية،

بيروت: الدار الإسلامية

٤٠. الشهيد الثانى، زين الدين بن على بن احمد عاملى جبعى (بى تا)،
مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، بى جا: مؤسسه المعارف
الاسلاميه

٤١. الشهيد الثانى، زين الدين بن على بن احمد عاملى جبعى (١٤١٢)،
الروضة البهيّة فى شرح اللمعة الدمشقيّة، المحشّى سلطان العلماء،
قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم

٤٢. الشيخ حر العاملى، محمد بن حسن (١٤١٦)، تفصيل وسائل الشيعة
إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)
لإحياء التراث

٤٣. الشيخ حر العاملى، محمد بن حسن (١٤١٨)، الفصول المهمة فى
أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، قم: مؤسسه معارف اسلامى امام رضا
(عليه السلام)

٤٤. الشيخ الصدوق، محمد بن على بن بابويه القمى (١٤١٦)، الخصال،
قم: مؤسسه النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين

٤٥. الشيخ الصدوق، محمد بن على بن بابويه القمى (بى تا)، علل الشرايع،
قم: كتابفروشى داورى

٤٦. الشيخ الصدوق، محمد بن على بن بابويه القمى (١٣٧٦)، الأمالى،
تهران: كتابچى

٤٧. الشيخ الكلينى، محمد بن يعقوب (١٤٠٧ق)، الكافى، تهران: دارالكتب
الاسلاميه

٤٨. الشيخ المفيد، محمد بن محمد (١٤١٣)، المقنعة، قم: كنگره جهاني
هزاره شيخ مفيد رحمه الله عليه
٤٩. الشيخ المفيد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد (١٤١٣)، قم:
المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد
٥٠. الشيخ الطوسي، محمد بن حسن (١٣٨٧) المبسوط في فقه الاماميه،
تهران: چاپ محمدتقي كشفى
٥١. الشيخ الطوسي، محمد بن حسن (١٤٠٠)، الاقتصاد الهادي الى طريق
الرشاد، تهران: بي نا
٥٢. الشيخ الطوسي، محمد بن حسن (١٣٦٥)، تهذيب الأحكام، تهران:
دارالكتب الإسلامية
٥٣. الشيخ الطوسي، محمد بن حسن (١٤٠٠)، النهاية في مجرد الفقه و
الفتاوى ، بيروت: دار الكتاب العربي
٥٤. صدر، سيد محمد (١٤٢٠) ما وراء الفقه، بيروت: دارالأضواء للطباعة و
النشر و التوزيع
٥٥. صفار، محمد بن حسن (١٤٠٤)، بصائر الدرجات في فضائل آل
محمد عليهم السلام، قم: كتنابخانه عمومي حضرت آيت الله
العظمي مرعشي نجفي (ره)
٥٦. طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧ق)، تفسير الميزان، قم: مؤسسه
النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين

٥٧. طريحي، فخر الدين (١٤١٦)، مجمع البحرين، تهران، كتابفروشى مرتضوى،

٥٨. الطوسى، ابن حمزة (١٤٠٨)، الوسيلة، إشراف السيد محمود المرعشى، قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى

٥٩. عاملى، ياسين عيسى (١٤١٣)، الاصطلاحات الفقهية فى الرسائل العملية، بيروت، دارالبلاغ للطباعة و النشر و التوزيع،

٦٠. العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٩)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث

٦١. العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١١)، الرسالة الفخرية فى معرفة النية، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية

٦٢. العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤٢١)، منهاج الكرامة فى معرفة الإمامة، بى جا: بى نا

٦٣. العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٣)، قواعد الأحكام، قم: مؤسسه النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين

٦٤. عميد زنجانى، عباس على (١٤٢١)، فقه سياسى، تهران، انتشارات اميركبير، چاپ چهارم،

٦٥. الفراهيدى، خليل بن احمد (١٤٠٥)، كتاب العين، قم: چاپ مهدي مخزومى و ابراهيم سامرائى،

٦٦. فراهانى، ميرزا ابو القاسم قائم مقام بن ميرزا عيسى سيد الوزراء (١٤٢٦) رساله جهاديه، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامى بر مذهب اهل بيت (عليه السلام)،
٦٧. فيض كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى (١٤١٨)، النخبه فى الحكمة العمليّة و الأحكام الشرعيّة، تهران، مركز چاپ و نشر سازمان تبليغات اسلامى،
٦٨. فيض كاشانى، محمد محسن بن شاه مرتضى (١٤٠٦)، الوافى، إصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين على (عليه السلام) العامة
٦٩. القرضاوى، يوسف (١٩٩٧)، فقه الجهاد، قاهره: مكتبة وهبه.
٧٠. قرطبي، محمد بن احمد (١٤٠٥)، الجامع لاحكام القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربى
٧١. كاشف الغطاء، جعفر بن خضر (١٤٢٢)، كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، قم: بوستان كتاب
٧٢. مجلسى اول، محمد تقى (١٤١٤)، لوامع صاحبقرانى، قم، مؤسسه اسماعيليان،
٧٣. مجلسى، محمدباقر بن محمدتقى (١٤٠٣)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بيروت: إحياء التراث العربى
٧٤. مجموعة من المؤلفين، المعجم الوسيط. (٢٠٠٤)، قاهره: مجمع اللغة العربية.

۷۵. المحدثی الی شهری، الشیخ محمد (بی‌تا)، میزان الحکمة، بی‌جا: بی‌نا

۷۶. مطیعی، محمد نجیب (بی‌تا)، التکملة الثانية در المجموع، بیروت: دارالفکر.

۷۷. نائینی، میرزا محمد حسین غروی (۱۴۲۴) تنبیه الأمة و تنزیه الملة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

۷۸. النجفی الجواهری، الشیخ محمد حسن (۱۹۸۱)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام بیروت: دار إحياء التراث العربی

۷۹. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی، تهران: مرکز مطالعات و پژوهشهای مدیریت

۸۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث

۸۱. الواحدی، أبی الحسن علی بن أحمد (۱۴۱۱)، أسباب نزول القرآن، المحقق کمال بسیونی زغلول، بیروت: دار الکتب العلمیة

۸۲. ورام، مسعود بن عیسی (بی‌تا)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، بیروت: دارالصعب

۸۳. وینر، نوربرت (۱۳۷۲)، استفاده انسانی از انسانها، ترجمه مرداد ارجمند، تهران: جامعه و اقتصاد

۸۴. هیکل، محمد خیر (۱۴۱۷)، الجهاد و القتال فی السیاسه الشرعیه، بیروت: دارالبیارق

۸۵. یزدان‌پناه، سید یدالله (۱۴۰۱)، چیستی و نحوه وجود فرهنگی، قم:
کتاب فردا.

